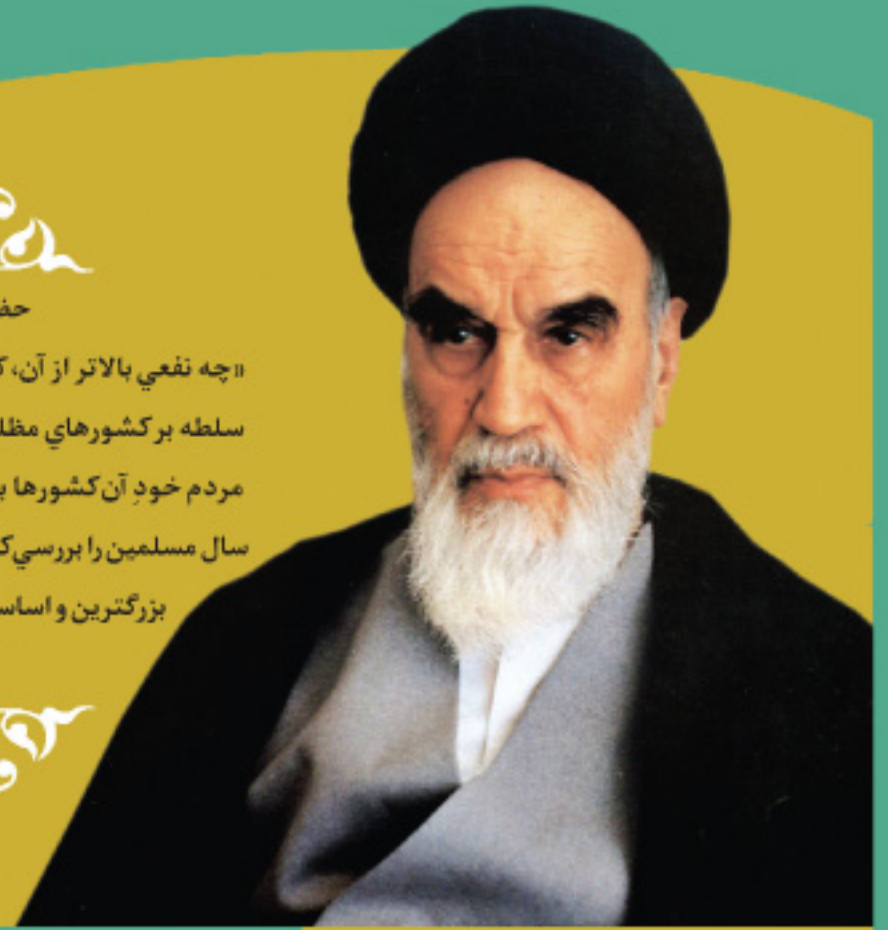




حضرت امام خمینی(ره):

«چه نفعی بالاتر از آن، که دست جباران جهان و ستمگران عالم، از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد... حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند... و یکی از بزرگترین و اساسی ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است.»



سال پنجم، شماره ۶۲، پانزدهم آبان ۱۳۸۸
ویژه نامه حج و قرآن

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سردبیر: مرتضی رضائی زاده

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

معاون تحریریه فارسی: غلامرضا حسین پور

هیئت تحریریه:

سرویس اندیشه: حمید رضا یونسی

ابوالفضل عنابستانی، سید حسین امامی، محمد پارسائیان

سرویس فعالیت های قرآنی: جواد نصیری اوانکی

صدیقه صادقین، فاطمه بختیاری خواه، فرهاد عبدلی حسین آبادی، محمد مروج

سرویس ادب: معصومه کلانکی

سمیرا شاه قلی

معاون تحریریه بین الملل: سیده ربابه شبستانی

سرویس بین الملل عربی: رسول عوده زاده

جواد فوزیوند، فاطمه سواری، حنان حمیدی، هدی عوده تبار، محمد ابراهیم رحیم حمداوی

سرویس بین الملل فرانسه: سمیه ابراهیم خلیلی

زینت جلالی، داود عظیمی، نفیسه عسگری

سرویس بین الملل انگلیسی: سید حسین روتن

معصومه سادات حسینی، مصطفی شیرمحمدی، هدی شفیع شکیب

سرویس عکس: سید محمد نمازی

حسن آقامحمدی، نقی خوش خلق، پیام اکبری، فضیلت سوخکیان





مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

حج باید مظهر عزم راسخ امت اسلامی در مقابل هر اقدام تفرقه افکنانه و مخالف وحدت و پیشرفت دنیای اسلام باشد. از فرصت حضور در کنار مسجد الحرام و مسجد النبی، و مراقد ائمه هدی و بزرگان صحابه باید در جهت افزودن سرمایه ایمان، معنویت و خشوع در مقابل پروردگار استفاده کرد. مظهر توحید، حج است زیرا در حج اثبات ولایت خداوند و نفی ولایت غیر پروردگار وجود دارد و این، همان برائت است.



فهرست

سخن نخست

حج در آئینه قرآن کریم

۴

۵

گفت و گو

حج به سان قرآن در حجاب‌های خود ساخته ما پنهان شده است دولت‌های اسلامی از فضای حج برای اتحاد مسلمانان استفاده کنند ایام حج به مسائل سیاسی - اجتماعی جهان اسلام پرداخته شود حج عرصه‌ای برای عینیت‌بخشی همه فرائض و شرایط شریعت اسلامی است حج بزرگ‌ترین رسانه‌ی اسلام در مسیر اصلاح و بهبود زندگی بشر است توکل به خداوند، حکمت سعی بین صفا و مروه است حج: برنامه گسترده فرازمانی و فرامکانی

۱۱-۵۴

با کاروان قرآنی حج

کاروان قرآنی اعزامی به حج در حقیقت سفیران قرآنی ایران هستند استقبال حاجیان از برنامه‌های قرآنی در ایام حج چشم‌گیر است ظرفیت تبلیغ قرآنی کشورهای اسلامی در ایام حج بسیار بیشتر است قرآن محور هم‌گرایی مسلمانان در کنگره عظیم حج است کاروان‌های حج، نیازمند برنامه‌های قرآنی ویژه بانوان است

۵۵-۷۴

مقالاتی درباره حج

اسرار حج در کلام آیت‌الله العظمی جواد آملی ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در قرآن از نگاه آیت‌الله العظمی سبحانی همراه با کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران در حج تمتع کعبه جان‌ها تویی، سوی تو آرم طواف

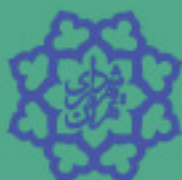
۷۵-۱۱۰

چکیده عربی

چکیده انگلیسی و فرانسه

۱۱۱-۱۱۹

I-27



شورای عالی ایران

نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵.

خیبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه: Rayche@iqna.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۲-۴۹۸

این شماره از «رایحه» با مشارکت و حمایت شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.



سخن نخست

حج ابراهیمی آهنگ بندگی و نماد عبودیت انسان برای خداوند عالمیان است تا در کشاکش این ناسوت، راهی برای رسیدن به مبدأ هستی باشد و سمبلی برای رهیدن از بند تعلقات، تا جان را از این حجاب ظلمانی آزاد کند.

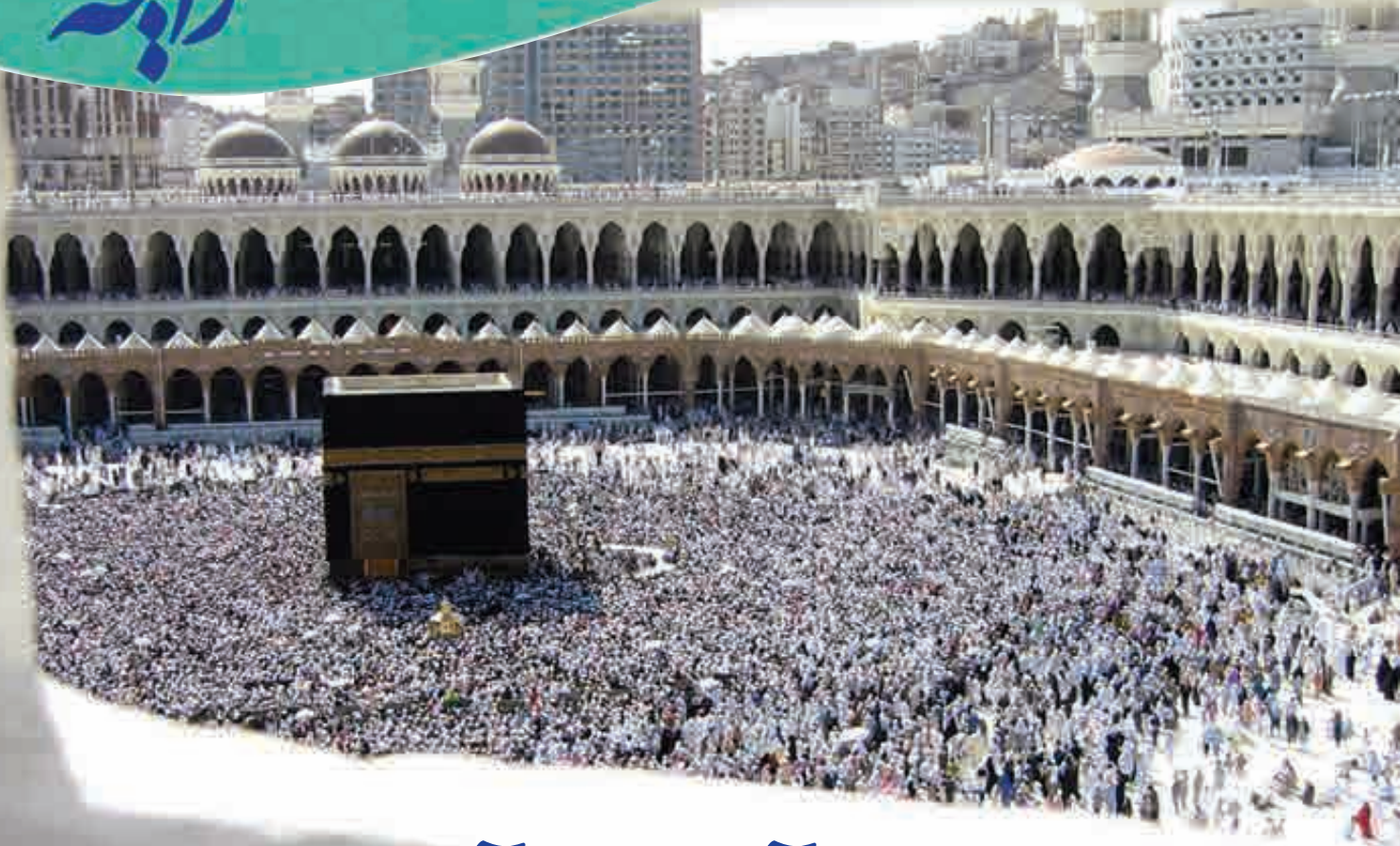
امروز اما اگر جهانیان عنایتی به آئین حج ابراهیمی و رویدادهایی که در دیار وحی رخ می دهد، دارند و بدنبال وقایع نگاری آن هستند، مسلماً در رأس آن ها، نگاهشان به برخورد و پیام جمهوری اسلامی ایران است که بی شک، سبب این نگاه متفاوت، تأثیر اسلامی است که بدست مبارک پیشوای راحل مسلمانان و آزادی خواهان جهان؛ امام خمینی کبیر (ره) احیاء شد.

امام عظیم الشان، حقیقت حج را آن چنان می دید که بر نبی اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) نازل و به دست آن بزرگواران اجرا شد و بر این مبنا بود که آئین برائت از مشرکان مدرن را جزء اصول غیر قابل تغییر حج قرار داد تا این برائت راهی باشد برای رساندن پیام رسای مظلومیت امت اسلام و ظلم مستکبران، خصوصاً در مسئله فلسطین آن روز و عراق و افغانستان امروز. ثمره این اقدام بسیار مهم این شد که امروز، اسلام احیا شده مسلمین، حج بی برائت از مشرکان را حج واقعی نمی داند.

امام امت اما تنها در پی پاسداشت ظاهری آئین حج نبود، بلکه آن را تکیه گاه و پشتوانه محکمی برای نشر وقایع و مصیبت هایی می دانست که بخاطر عدم اتحاد مسلمین، گریبانگر آنان شده بود و در این میان، برای این متفکر شیعی تفاوتی میان فرق مختلف شیعی و سنی نبود و لذا از معدود فقهای شیعه بود که جواز اقامه نماز جماعت در صفوف اهل سنت را نیز صادر کرد، اما آن گاه که سردمداران سعودی را در همراهی مشرکان زمانه گستاخ دید، رفتن به خانه خدا و زیارت حرم رسول خدا (ص) را بخاطر مصلحت مسلمین و بنا بر آن ولایت مطلقه ای (در قید و حصار احکام اولیه شرعیه نبودن) که داشت، جائز نشمرد. در این سیاق اما بررسی فلسفه و اسرار حج، حج در آئینه قرآن، استکبارستیزی، جهانی بودن حج، ابعاد سیاسی و اجتماعی حج و ... مبانی ما در پرداختن به کنگره عظیم حج است.

طاهره خیرخواه

دبیر تحریریه



حج در آئینه قرآن کریم

نگاهی به فلسفه تشریح حج در آیه ۹۶ سوره آل عمران و آیه ۹۷ سوره مائده

کردن نیست. بر این تعاریف نیز اشکالاتی وارد شده است که نیاز به یادآوری چند نکته دارد.

بر تعریف اول این اشکال وارد است که: «اگر حج فقط قصد خانه خدا کردن است پس انجام اعمال حج در این تعریف چه جایگاهی دارد؟ در واقع این تعریف ناقص است. زیرا حج را به قصد تعبیر کرده در حالی که برای تحقق حج، تنها، نیت حج کردن کافی نیست. بر تعریف دوم نیز این اشکال وارد است که اگر مجموعه‌ای از اعمال را حج بنامیم، انجام ندادن برخی از این اعمال باید موجب ابطال حج شود. در حالی که برخی اعمال را شخص انجام نمی‌دهد (مانند مستحبات حج) و حج او باطل هم نمی‌شود. پس این اعمال نباید در تعریف حج جایی بگیرند.

خداوند در آیه شریفه ۹۶ از سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ؛ در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان [مایه] هدایت است».

آیات و روایات متعددی، ناظر به تبیین فلسفه حج و ضرورت برپایی این حکم الهی است. در این میان، آیه شریفه ۹۶ سوره مبارکه آل عمران که در واقع پاسخی به شبهه یهودیان است، به پیشینه خانه کعبه قبل از بیت المقدس اشاره می‌کند و زمینه را برای بیان وجوب حج فراهم می‌آورد. آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه مائده نیز اشاره‌ای مستقیم به حکمت تشریح بیت الله الحرام و برخی مناسک حج دارد.



«حج» در لغت به معنی قصد است. اما هر قصدی را حج نمی‌گویند، بلکه به آن قصدی حج گفته می‌شود که تکرار پذیر باشد. در واقع حج در لغت به معنی قصد مکرر است، اما در معنای اصطلاحی حج در شرع مقدس اسلام تفاوت‌هایی وجود دارد. گروهی از مفسرین حج را «قصد خانه خدا کردن برای انجام مناسک و اعمالی خاص در سرزمین خانه خدا» تعریف کرده‌اند و برخی دیگر حج را اسمی برای مجموعه مناسکی دانسته‌اند که در مشاعری خاص (منا، مشعر، عرفات) انجام می‌شود و در واقع حج در این معنی تنها قصد خانه خدا



چیز دیگری است؟ با اینکه نسخ در ملت حقه ابراهیم محال و باطل است.

بر اساس تقریر علامه، آیه شریفه به یهودیان جواب می‌دهد که کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت ساخته شده چون این خانه را ابراهیم ساخت و بیت المقدس را سلیمان بنا نهاد که قرن‌ها بعد از ابراهیم بوده است. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...» کلمه «بیت» معنایش معروف است و مراد از «وضع بیت» برای مردم، ساختن و معین کردن آن برای عبادت مردم است. برای اینکه مردم آن را وسیله‌ای قرار دهند برای پرستش خدای سبحان، و از دور و نزدیک به همین منظور به طرف آن روانه شوند و یا به طرف آن عبادت کنند، و آثاری دیگر بر آن مترتب سازند.

در بررسی این آیه توضیح چند مورد ضروری به نظر می‌رسد؛ اول این‌که در تعریف کلمه «بکه» در تفاسیر آمده است که «مکه» به معنای سرزمین مکه است. سرزمینی با وسعتی مشخص که در جایی معلوم است. اما بکه (بروزن مکه) به قسمتی از سرزمین مکه گفته می‌شود که مسجد الحرام

علامه طباطبایی با بیان این‌که این آیه و آیه بعدی پاسخ به یک شبهه یهود است، می‌نویسد: یهودیان شبهه‌ای را از جهت نسخ بر مؤمنین وارد می‌کردند که در مسأله تغییر قبله و برگشتن از مسجد الاقصی به مسجد الحرام پیش آمد. علامه در ادامه می‌نویسد: برگشتن قبله یکی از امور مهمی بود که تاثیرهای عمیقی (هم مادی و هم معنوی) در زندگی اهل کتاب و مخصوصاً یهود گذاشت. علاوه بر اینکه با عقیده آنان به محال بودن نسخ سازگار نبود، به خاطر همین جهات، بعد از آمدن حکم قبله و برگشتن آن به طرف مکه تا مدتی مدید مشاجره آنان با مسلمین به درازا کشید.

به باور علامه، آنچه از آیه مورد بحث بر می‌آید این است که یهودیان در القای شبهه، هم شبهه نسخ را پیش کشیده بودند و هم شبهه انتساب حکم به ملت ابراهیم را. در نتیجه حاصل شبهه آنان این می‌شود که چگونه ممکن است، در ملت ابراهیم مکه قبله شود با اینکه خدای تعالی در این ملت، بیت المقدس را قبله کرده و آیا این سخن غیر از نسخ



نام دارد. در واقع «بکه» محل مسجدالحرام است در داخل سرزمین مکه.

«بکه» از فعل بک «به» دو معنا آمده است: نخست، «بک» به معنی «زحم» یعنی تزامم ایجاد کرد (زحمت داد) و به این دلیل به مسجدالحرام «بکه» گفته اند که مردم در این سرزمین جمع می شوند و ازدحام می کنند. معنای دوم «بک»، به معنی «دق» یعنی کوبید، خرد کرد و به این دلیل به مسجدالحرام بکه می گویند که گردن انسان های ظالم و جائر را می شکند و به آنها اجازه گردن فرازی نمی دهد.

خداوند در این آیه می فرماید، همانا اولین خانه ای که برای عبادت مردم وضع شد «کعبه» است. روایت است که از پیامبر (ص) پرسیدند: اولین مسجد کجاست؟ ایشان پاسخ دادند: مسجدالحرام اولین است و بعد از آن بیت المقدس. از حضرت علی (ع) نیز سؤال شد: آیا اولین خانه همین بنای کعبه است؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «لا، قد کان قبله بیوت. لکنه اول بیت وضع للناس؛ نه قبل از آن هم خانه هایی بود. لکن کعبه اولین خانه است

نام دارد. در واقع «بکه» محل مسجدالحرام است در داخل سرزمین مکه.

«بکه» از فعل بک «به» دو معنا آمده است: نخست، «بک» به معنی «زحم» یعنی تزامم ایجاد کرد (زحمت داد) و به این دلیل به مسجدالحرام «بکه» گفته اند که مردم در این سرزمین جمع می شوند و ازدحام می کنند. معنای دوم «بک»، به معنی «دق» یعنی کوبید، خرد کرد و به این دلیل به مسجدالحرام بکه می گویند که گردن انسان های ظالم و جائر را می شکند و به آنها اجازه گردن فرازی نمی دهد.

خداوند در این آیه می فرماید، همانا اولین خانه ای که برای عبادت مردم وضع شد «کعبه» است. روایت است که از پیامبر (ص) پرسیدند: اولین مسجد کجاست؟ ایشان پاسخ دادند: مسجدالحرام اولین است و بعد از آن بیت المقدس. از حضرت علی (ع) نیز سؤال شد: آیا اولین خانه همین بنای کعبه است؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «لا، قد کان قبله بیوت. لکنه اول بیت وضع للناس؛ نه قبل از آن هم خانه هایی بود. لکن کعبه اولین خانه است

نام دارد. در واقع «بکه» محل مسجدالحرام است در داخل سرزمین مکه.

«بکه» از فعل بک «به» دو معنا آمده است: نخست، «بک» به معنی «زحم» یعنی تزامم ایجاد کرد (زحمت داد) و به این دلیل به مسجدالحرام «بکه» گفته اند که مردم در این سرزمین جمع می شوند و ازدحام می کنند. معنای دوم «بک»، به معنی «دق» یعنی کوبید، خرد کرد و به این دلیل به مسجدالحرام بکه می گویند که گردن انسان های ظالم و جائر را می شکند و به آنها اجازه گردن فرازی نمی دهد.

خداوند در این آیه می فرماید، همانا اولین خانه ای که برای عبادت مردم وضع شد «کعبه» است. روایت است که از پیامبر (ص) پرسیدند: اولین مسجد کجاست؟ ایشان پاسخ دادند: مسجدالحرام اولین است و بعد از آن بیت المقدس. از حضرت علی (ع) نیز سؤال شد: آیا اولین خانه همین بنای کعبه است؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «لا، قد کان قبله بیوت. لکنه اول بیت وضع للناس؛ نه قبل از آن هم خانه هایی بود. لکن کعبه اولین خانه است



قدمت کعبه می فرماید؛ خداوند تمام مردم را از آدم (ع) تا آخرین نفر با همین سنگ‌های کعبه آزمایش می‌کند. امام باقر (ع) نیز فرمودند: حضرت آدم و سلیمان و نوح علیهم السلام نیز دور همین کعبه، حج انجام داده‌اند.

تعبیر دیگری نیز در مورد «اول بیت» آمده است: برخی از مفسرین گفته‌اند: کعبه اولین بنایی بوده که ساخته شده و توسط ابراهیم نبی (ع) بنا شده است. سپس افرادی از جرهم این خانه را تجدید و تعمیر کردند. سپس این خانه منهدم شد و عده‌ای به نام املته آن را مجدداً ساختند و سپس دوباره خراب شد و قریش بعدها آن را تجدید بنا کرد.

عبدالله بن عباس در مورد تفسیر «اول بیت» چنین گفته است: کعبه اولین خانه‌ای است که بعد از طوفان نوح زیارت شد و به این دلیل به آن اول بیت گفته‌اند. عده‌ای دیگر از مفسرین در این باره گفته‌اند: اولین خانه‌ای که هنگام خلقت آسمانها و زمین بر روی آب پدیدار شد کعبه بوده است.

ابن عباس در روایت دیگری می‌گوید: خداوند این خانه را ۲۰۰۰ سال قبل از آفرینش زمین آفرید و آن بر روی آب، سپید و پیدا بود، تا زمانی که زمین گسترده شد و این خانه بر روی زمین پدیدار شد. یعنی این مکان اولین خشکی است که آفریده شد. در قولی دیگر کعبه را اولین خانه‌ای دانسته‌اند که آدم روی زمین ساخته است.

روایات بسیاری در این باره وجود دارد. از وجود شریف امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: خداوند این خانه را از بهشت فرود آورد و چون دری سفید و درخشان بود. بعد بار دیگر آن را نزد خود در آسمان‌ها برد و اساس و پایه‌آن باقی ماند و به امتداد آن، اساس و پایه این خانه پی‌ریزی شد. هر روز هفتاد هزار ملک بر این خانه وارد می‌شوند و دیگر به آسمان‌ها بر نمی‌شوند. وقتی خداوند حضرت ابراهیم (ع) را مأمور ساختن کعبه کرد، در واقع ابراهیم نبی (ع) کعبه را بر روی پایه‌های باقی مانده بالا برد. «و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل؛ هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا بردند»

واژه «مبارک» از دیگر واژه‌های این آیه شریفه است. این کلمه از ریشه «برک» گرفته شده. «برک» معانی مختلفی دارد. چشمه (برکه)، خیر کثیر و مستمر. علت بکار بردن این صفت برای بکه این است که: کسی که به حج می‌رود تا آخر عمر فقیر و در مانده نمی‌شود و کسانی که حج به جا می‌آورند به نوعی غنا دست می‌یابند که چون از بابت خانه خداست بابرکت است. کسانی که با فرد متبرک در

ارتباطند نیز از او فیض می‌برند و این برکت نصیب کسی می‌شود که اعمال حج را به قصد زیارت خانه خدا انجام دهد و آنجا معتکف شود و نتیجه آن این است که گناهانش بخشیده می‌شود و فقر از او دور می‌شود و رزق او بسیار می‌شود.

علامه از برخی نقل می‌کند: برك نام خصوص محل طواف است. معنای «مبارک بودن» و «هدایت بودن» بیت الله الحرام کلمه «مبارک» از برکت به معنای خیر بسیار و مبارک به معنای محلی است که خیر کثیر بدانجا افزایده می‌شود.

همچنین خداوند در آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خداوند زیارت کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن مصالح مردم قرار داده و ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشاندار را نیز به همین منظور مقرر فرموده است. این جمله برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداست که بر هر چیزی داناست.»

مؤلف تفسیر نمونه با بیان این‌که این آیه به اهمیت مکه و اثر آن در

برآمدگی اطلاق شده است و اگر به مکعب نیز مکعب گفته می شود به خاطر آن است که از چهار طرف دارای برآمدگی است. کلمه کعبه هم اشاره به بلندی ظاهری خانه خدا است و هم رمزی از عظمت و بلندی مقام آن می باشد.»

راغب در مفردات خود ذیل ماده «قوام» آورده است: «قیام» چیزی است که انسان یا هر چیز دیگری به وسیله آن برپا می شود، و قیام و قوام هر دو اسم اند برای چند چیز؛ مانند ستون و تکیه گاه، و به همین معنا است قیامی که در این آیه است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را به دست سفیهان ندهید؛ چون خداوند مال را مایه قوام و امساک شما قرار داده و سفیه آن را ضایع می سازد» و همچنین قیامی که در آیه «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» خداوند کعبه را بیت الحرام و مایه قوام شما قرار داده چون دنیا و آخرت آنان قوامش به کعبه بود.»

علامه در بیان علت کنار هم آوردن کعبه، هدی و قلائد و اشتراك آنان در فعل جعل می نویسد: «غرض در این مسئله است که کعبه را پایه حیات اجتماعی سعیدی برای مردم قرار دهد، و آن را قبله گاه مردم کند، تادر نماز، دل و روی خود را متوجه آن کنند و اموات خود و ذبیحه های خود را بسوی آن توجه دهند، و در هر حال احترامش کنند و در نتیجه جمعیت واحده ای را تشکیل داده و جمع شان جمع و دین شان زنده و پایدار شود، از اقطار مختلف گیتی و نقاط دور در آنجا گرد هم آیند و همه قسم طریق عبادت را پیموده و منافی را که خصوص این قسم عبادت برای آنان دارد به چشم خود دیده استیفا کنند، و نیز اهل عالم به شنیدن اسم آن و به گفت و گوی از آن و رفته رفته نزدیک شدن و دیدن آن و توجه بسوی آن هدایت شوند.»

در تفسیر نمونه نیز در تبیین حکمت این مسئله آمده است: از آنجا که این مراسم باید در محیطی امن و امان از جنگ و کشمکش و نزاع صورت گیرد، اشاره به اثر ماه های حرام (ماه هایی که جنگ مطلقاً در آن ممنوع است) در این موضوع ذکر فرموده است، شهر حرام و این که وجود قربانی های بی نشان (هدی) و قربانی های نشاندار (قلائد) که تغذیه مردم را در ایامی که اشتغال به مراسم حج و عمره دارند تأمین کرده و فکر آن ها را از این جهت آسوده می کند، تأثیری در تکمیل این



سازمان زندگی اجتماعی مسلمان ها اشاره دارد، می نویسد: «خداوند کعبه، بیت الحرام را وسیله ای برای اقامه امر مردم قرار داده است و این خانه مقدس رمز وحدت مردم و مرکزی برای اجتماع دل ها و کنگره عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون قرار داده است و در پرتو این خانه مقدس و مرکزیت و معنویت آن که از ریشه های عمیق تاریخی مایه می گیرد، می تواند بسیاری از نابسامانی های خود را سامان بخشند و کاخ سعادت خود را بر پایه آن استوار سازند و لذا در سوره آل عمران، خانه کعبه را نخستین خانه ای که به سود مردم ساخته شده معرفی می کند.»

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه فرمود: «تعلیق کلام به «کعبه» و سپس توصیف آن به «بیت الحرام» کعبه بیت الحرام است، و همچنین توصیف ماه را به حرام و سپس ذکر «هدی» و «قلائد» که از شئون حرمت کعبه هستند همه دلالت دارند بر این که ملاک در این امری که در آیه است همانا احترام است.»

مؤلف تفسیر نمونه با بیان این که اهمیت کعبه در این آیات و آیات گذشته دو بار ذکر شده است، در بررسی واژه کعبه می نویسد: «اصل از ماده کعب به معنی برآمدگی پشت پا است و سپس به هر نوع بلندی و



الحرام و شهر الحرام را باعث قوام مردم قرار داده، و احکامی را مناسب آن دو جعل فرموده تا با عمل کردن و حفظ احترام آن‌ها به این حقیقت پی ببرند که خداوند به آنچه در آسمان‌ها و زمین است دانا است. چنین خدایی می‌داند که هر موجودی چه چیز برایش نافع است، از همین جهت این احکامی را که می‌بینی (حرمت صید و سایر احکام احرام) تشریح کرده، نه از جهت تقلید از خرافات مردم نادان. «اگر ذلك بیان حکم همین آیه باشد، معنای دوم این آیه به بیان علامه چنین می‌شود: «ما برای شما این حقیقت (قرار دادن بیت‌الحرام و غیره را قوام مردم) را بیان کردیم تا بدانید که خداوند می‌داند آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است، و همچنین امور و احکامی که در آن دو (بیت‌الحرام و شهر الحرام) جعل فرموده از روی مصلحت بوده، پس کسی توهم نکند که این احکام لغو و یا ناشی از خرافات عهد جاهلیت است.»

آیات بعدی «اغْلُمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ...» تأکیدند برای بیان احکام مذکور و تثبیت انذار برای موفقیت آن‌ها و وعده‌اند برای فرمانبران و وعیدند برای نافرمانان، و چون شائبه تهدید هم در آن هست از این رو و صف شدت عقاب را مقدم داشت بر وصف مغفرت و رحمت، و نیز از همین جهت در دنبالش فرمود: «ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ».

در جلد ۱ تفسیر عیاشی از ابان بن تغلب نقل می‌کند که گفت: «حضور حضرت ابی عبد الله (ع) عرض کردم معنای «جَعَلَ اللَّهُ الْكُفْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» چیست؟ حضرت فرمودند: «کعبه را مایه قوام دین و دنیای مردم قرار داد.» اهمیت کعبه به اندازه‌ای است که ویران کردن آن در روایات اسلامی در ردیف قتل پیامبر (ص) و امام (ع) قرار گرفته، نگاه کردن به آن عبادت و طواف گرد آن از بهترین اعمال ذکر شده است. امام باقر (ع) فرمودند: «لا ینبغی لاحد ان یرفع بنائه فوق الکعبه؛ شایسته نیست کسی خانه خود را برتر از کعبه بسازد.»

منابع: تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر عیاشی، تفسیر نور، مفردات راغب اصفهانی، سفینه البحار و مجله گلستان قرآن

برنامه دارد به آن‌ها نیز اشاره کرده، می‌گوید (و الهدی و القلائد). از آنجا که مجموع این برنامه‌ها و قوانین و مقررات حساب شده درباره صید و همچنین حرم مکه و ماه حرام و غیر این‌ها حکایت از عمق تدبیر و وسعت علم چنین قانون‌گذاری می‌کند.»

خداوند در آیه شریفه ۹۶ از سوره مبارکه آل عمران قریب به مضمون این آیه می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است» و نظیر آن کلام در معنای قیام در شهر الحرام می‌آید، چه شهر حرام نیز مایه قوام مردم است، و خداوند در آن ایام جنگ را تحریم کرده و جان و مال و عرض آنان را از دستبرد دشمن ایمن کرده و در نتیجه به آن‌ها فرصتی داده تا امور خود را اصلاح کنند، شهر حرام در حقیقت منزلگاه مسافر را می‌ماند که در آن به استراحت و رفع تعب و رنج و سفر می‌پردازند.

بیت‌الحرام و شهر الحرام و هر چه که متعلق است به آن مانند هدی و قلائد از جهت باعث بودن بر قوام معاد و معاش مردم منافعی است که شمردن اشخاصی را که از جزئیات ثابت و غیر ثابت آن منتفع شده و می‌شوند هر متفکری را به شگفت درمی‌آورد. اعتبار بیت الحرام و شهر الحرام و احکامی که بر آن دو تشریح شده مبنی بر حقیقتی علمی و اساسی و جدی است.

مؤلف تفسیر المیزان می‌نویسد: «از آنجا که خداوند فرمود بیت‌الله و احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است، روشن می‌شود چگونه جمله «ذَلِكَ لِيَتَعْلَمُوا...» به ما قبل خود متصل می‌شود، و اشاره «ذَلِكَ» یا به خود حکمی است که در آیات قبل بیان شده، و جمله «جَعَلَ اللَّهُ الْكُفْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...» حکمت آن را بیان می‌کند، یا بیان حکمی است که جمله «جَعَلَ اللَّهُ الْكُفْبَةَ...» آن را توضیح می‌دهد.»

علامه با بیان این‌که اگر مشار الیه ذلك، حکمی باشد که در آیات قبل بیان شده است، در معنای آیه می‌نویسد: «خداوند بیت

گفت و گو

آیت الله ری شهری: حجاج بیت الله الحرام با گفتار نیکو پیامبر فضایل اخلاقی حج باشند

نماینده ولی فقیه در امور حج در بیان اهمیت این آموزه الهی گفت: حجاج بیت الله الحرام با گفتار نیکو، «قولوا للناس حسنا» و رفتار نیکو «اعملوا صالحا» می‌توانند پیامبر فضایل اخلاقی حج باشند.



حج یکی از مهم‌ترین آئین‌ها و جزو فروع دین مبین اسلام است. مسلمانان با داشتن شرایطی مکلفند در دهه اول ماه ذی‌الحجه به شهر مقدس مکه رفته و مجموعه‌ای از اعمال نیایشی را به‌جای آورند. حج هم دارای کارکردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سیاسی و همچنین دارای اثرات و برکات خاصی برای مسلمین و جامعه مسلمانان است؛ لذا برای تشریح و تبیین این کارکردها گفت‌وگویی را با آیت الله محمدی‌ری‌شهری، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی انجام دادیم که مشروح آن اکنون از نظرتان می‌گذرد.



با توجه به اینکه توحید محور اصلی دین اسلام و حج نیز ملامال از تعظیم ذکر خداوند متعال است، با نگاه به آیات قرآن کریم چگونه می‌توان تجلی خداوند را برای حجاج نمایان کرد؟

تجلی خداوند در حج با نگاه به قرآن از طریق تفسیر آیات مربوط به این فریضه الهی قابل تبیین است. مانند: تفسیر آیه و جوب حج برای افراد مستطیع (۱)، نظیر آیه اخلاص در حج (۲)، تفسیر آیات برائت از مشرکین (۳)، تفسیر آیات مربوط به تعبد محض در مناسک حج (۴)، تفسیر آیات شعائر الهی در حج (۵)، تفسیر آیات مربوط به تأثیر انجام مناسک حج در افزایش تقوا (۶)، تفسیر آیات مربوط به یاد خداوند متعال در حج (۷)، تفسیر آیات



غیر مسلمانان ارائه کرد؟

انتقال پیام اخلاقی حج به جوامع غیراسلامی در صورتی امکان پذیر است که حج، زائر خانه خدا را متحول کرده باشد. حجاج بیت الله الحرام با گفتار نیکو، «قولوا للناس حسنا» و رفتار نیکو «اعملوا صالحا» می توانند پیامبر فضایل اخلاقی حج باشند.

مقایسه جهانی شدن در اسلام و جهانی شدن در یهودیت؛ مانند مقایسه شب و روز با یکدیگر است، جهانی شدن در اسلام هم از نظر مبنا و اساس و هم از نظر شیوه عمل با جهانی شدن به مفهوم امروزی آن متفاوت است، آنچه حج در این رابطه می آموزد مبارزه با عقاید موهون و قدرت های استکباری و شرک آمیز در جهت فراگیر شدن حق و عدالت در جهان است.

پس از بنا نهاده شدن کعبه به همت حضرت ابراهیم (ع)، توجه به کعبه در زمان حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع)، جای خود را به بیت المقدس داد، به گونه ای که پیامبر (ص) نیز تا مدتی به آن سمت نماز می گزاردند. لطفا چرایی این مسئله یعنی انحراف از کعبه در دو شریعت موسوی و عیسوی و توجه مشرکان در این برهه به کعبه را مطرح نمایید!

در پاسخ این سؤال چند نکته قابل توجه است:

۱- بر پایه برخی از گزارش ها کعبه در همه ادیان الهی مورد احترام بوده و پیروان همه ادیان موظف بوده اند در نماز، رو به آن داشته باشند، (۱۴) البته بیت المقدس نیز در ادیان الهی مورد احترام بوده است.

۲- در شماری از روایات اهل بیت (ع) آمده که بسیاری از انبیای الهی از جمله حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) برای حج به مکه آمده اند و حج انجام داده اند. (۱۵)

۳- احترام مشرکین به کعبه به معنای رو کردن آن ها به کعبه در عبادات نیست، بلکه آن ها در عبارات پنداری خود رو به بت ها می کردند، احترام آن ها به کعبه علاوه بر منافع اقتصادی ریشه در سنت نیاکان خود که از نسل حضرت اسماعیل (ع) بوده اند، دارد.

۴- بعید نیست یکی از علل مهم تغییر قبله این باشد که در آغاز بعثت پیامبر (ص) کعبه کانون بت های مشرکان بود و لذا آن حضرت دستور دادند مسلمانان موقتا به سوی بیت المقدس نماز بخوانند تا صفوف خود را از مشرکان جدا کنند، اما هنگامی که به مدینه هجرت کردند و حکومت تشکیل دادند و صفوف آن ها از دیگران کاملاً مشخص شد، ادامه این وضع ضرورت نداشت؛ لذا در این هنگام مکلف شدند که به سوی کعبه، قدیمی ترین مرکز توحید و پرسابقه ترین کانون عبادت انبیاء بازگردند. بدیهی است هم نماز خواندن به سوی بیت المقدس برای آن ها که

مربوط به اماکن متبرکه در حج (۸)، تفسیر آیات مربوط به منافع حج (۹)، تفسیر آیات مربوط به تحمل مشقت در راه انجام این فریضه الهی (۱۰)، تفسیر آیات مربوط به انفاق در حج (۱۱)، تفسیر آیات مربوط به تعاون و همیاری در حج (۱۲)، نکته قابل توجه این که به فرموده امام خمینی (ره) حج به سان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند، ولی اندیشمندان، غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن ترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج به سان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری های مادفن و پهن گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر، تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است. (۱۳) بر پایه این سخن دقیق، تجلی خداوند متعال در حج مراتبی دارد که با ژرف نگری در آیات قرآن و اسرار حج افزایش می یابد.

با توجه به اینکه توحید به عنوان کلمه سوا (آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران) و حج نیز نمایش عظیم مسلمانان برای نشان دادن این توحید و یگانگی است، چگونه می توان با توجه به آیه یاد شده آموزه حج را در سیطره یک وحدت جهانی نمایش داد؟

آیه یاد شده به مسلمانان دستور می دهد که پیروان کتاب های آسمانی را بر پایه پذیرفتن اصل توحید و عدم پذیرفتن اطاعت و ربوبیت غیر خدا به تعامل منطقی دعوت کنند، به سخن دیگر آیه یاد شده مردم جهان را بر پایه حق گرایی به وحدت کلمه می خواند. رکن سیاسی حج؛ یعنی برائت از مشرکین نیز همین پیام را دارد؛ یعنی مردم جهان می توانند با شرک زدایی و شکستن بت های موهوم اعتقادی و نفسانی به وحدت برسند.

در موسم حج انسان پس از اقرار به توحید به نوعی وحدت نظری با هم نوعان خود رسیده و در این وحدت نظری به وحدتی عملی دست می یابد که ثمره آن عدالت، ایثارگری، خودسازی و به تعبیر کامل تمامی فضایل اخلاقی است. این فضایل اخلاقی به جنس بشریت تعلق دارد و هر که خواستار آن باشد می تواند به آن دست یابد. با این توضیح با استعانت از آیات قرآن کریم تبیین نماید که چگونه می توان این پیام عظیم حج را به

خانه کعبه را سرمایه معنوی خود می دانستند مشکل بود و هم بازگشت به سوی کعبه به از بیت المقدس و لذا قرآن تغییر قبله را یک آزمون الهی می داند؛ «وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ...» (۱۶) خداوند متعال می خواست با این آزمون بزرگ آنچه از آثار شرک در وجود مسلمانان باقی مانده از بین برود و روح تسلیم مطلق در برابر اوامر الهی در برابر فرمان حق درو جودشان پدید آید، البته در این باره سخن بسیار است که فرصت دیگری برای طرح آن نیاز دارد.

پی نوشتها:

- ۱- آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه آل عمران با ترجمه آن
- ۲- «وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» آیه شریفه ۱۹۶ سوره مبارکه بقره
- ۳- «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (آیه شریفه ۱ سوره مبارکه توبه) و آیات سوره توبه و چهارم ممتحنه.
- ۴- آیه شریفه ۳۷ سوره توبه، آیه شریفه ۱۸۹ سوره بقره، آیه شریفه ۲ سوره مائده، آیه شریفه ۲۵ سوره انفال.

۵- آیات ۲۶ و ۳۲ سوره حج، آیه ۱۵۸ سوره بقره، آیه ۲ سوره مائده،
 ۶- «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ» آیه ۳۷ سوره حج، «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (آیه ۳۲ سوره حج، «وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (آیه ۱۸۹ سوره بقره)، «الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ وَمَا تَعَلَّوْا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ... إِيَّاهُ عَلَيْهِ لَمَنْ أَتَقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ» آیه ۱۹۷ تا ۲۰۳ سوره بقره، «... لَا تُحَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (آیه ۲ سوره مائده)

۷- «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ... وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ... الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ...» (آیات ۳۴ و ۳۵ سوره مائده)، «مَنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ... كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ» (آیات ۳۶ و ۳۷ سوره حج)، «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ... ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ... فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ... وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ» (آیات ۱۹۷ تا ۲۰۳ سوره بقره)، «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ...» (آیه ۲۸ سوره حج)

۸- «... يَهْدِي الْبَلَدَ...» (آیات ۱ و ۲ سوره بلد)، «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» آیه ۳ سوره قريش، «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ

هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا... يُوَادِّ غَيْرِ ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...» (آیات ۳۵ تا ۴۱ سوره ابراهيم)، «... رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةُ الَّتِي حَرَّمْتَهَا...» (آیه ۹۳ سوره نمل)، «... حَرَمًا آمِنًا يُحْيِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتِ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا...» آیه ۵۷ سوره قصص، «... حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ...»

«(آیه ۶۷ سوره عنكبوت)، «... أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...» (آیه ۹۶ سوره آل عمران)، «الْبَيْتِ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ

إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى... طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...» (آیه ۱۲۵ سوره بقره)، «وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...» (آیه ۲۵ سوره حج)،

«... هَدْيًا بِالْبَالِغِ الْكَعْبَةِ...» (آیه ۹۵ سوره مائده)، «... وَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...» (آیه ۹۲ سوره انعام)، «... يَطْنُنِ مَكَّةَ... عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»

(آیات ۲۴ تا ۲۵ سوره فتح)، «... أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ... ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ...» (آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره بقره)



۹- «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ... ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ... ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ... لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ...» (آيات ۲۶ تا ۳۳ سوره حج)، «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...» (آیه ۱۲۵ سوره بقره)، «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ...» (آیه ۹۷ سوره مائده)

۱۰- «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا... الْمُخْبِتِينَ، الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ...» (آیات ۳۴ و ۳۵ سوره حج)، «... أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (آیه ۳۵ سوره ابراهيم)، «... لِيَبْلُغُوَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيِّدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ...» (آیه ۹۴ سوره مائده)، «وَلَا تَخْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن... فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ...» (آیه ۱۹۶ سوره بقره)، «يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (آیه ۲۷ سوره حج)

۱۱- «وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْاِنْعَامَ... وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ... لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ... جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّن... وَبَشِيرِ الْمُخْبِتِينَ، الَّذِينَ... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا... فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا... لَنْ يَبَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا... وَبَشِيرِ الْمُحْسِنِينَ» (آيات ۳۲ تا ۳۷ سوره حج)

۱۲- «غَيْرَ مُجِلِّي الصَّيِّدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ... لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى...» (آيات ۱ و ۲ سوره مائده)، «وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ... الشَّهْرَ الْحَرَامَ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ، وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آيات ۱۹۱ تا ۱۹۵ سوره بقره)

۱۳- صحيفه حج. ص ۲۵۰-۲۵۱

۱۴- ر.ك الميزان. ج.۱. ص ۳۳۸

۱۵- ر.ك حج و عمره در قرآن و حديث. ص ۵۲۷ حج گزارى پیامبران.

۱۶- بقره/۱۴۳



مدیر حوزه علمیه قم:

سیاست اسلام برقراری اخوت اسلامی است

اسلامی مسلمین در مضیقه‌ای قرار گیرند سایر مسلمانان موظفند به یاری آنان بشتابند و در رفع خطر و مشکلاتشان بکوشند، گفت: از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون با تدبیر و دوراندیشی امام بزرگوار مسئله برگزاری مراسم برائت از مشرکین در ایام حج و ایجاد اتحاد میان آنان مطرح بوده است.

عضو مجلس خبرگان رهبری برگزاری مراسم برائت از مشرکین را خواسته حضرت امام خمینی (ره) و مورد نظر اسلام دانست و متذکر شد: اگر این هم چنان برگزار شود خود در برگیرنده اتحاد مسلمین اعم از شیعه و سنی از اقلیت، رنگ‌ها و زبان‌های مختلف خواهد بود.

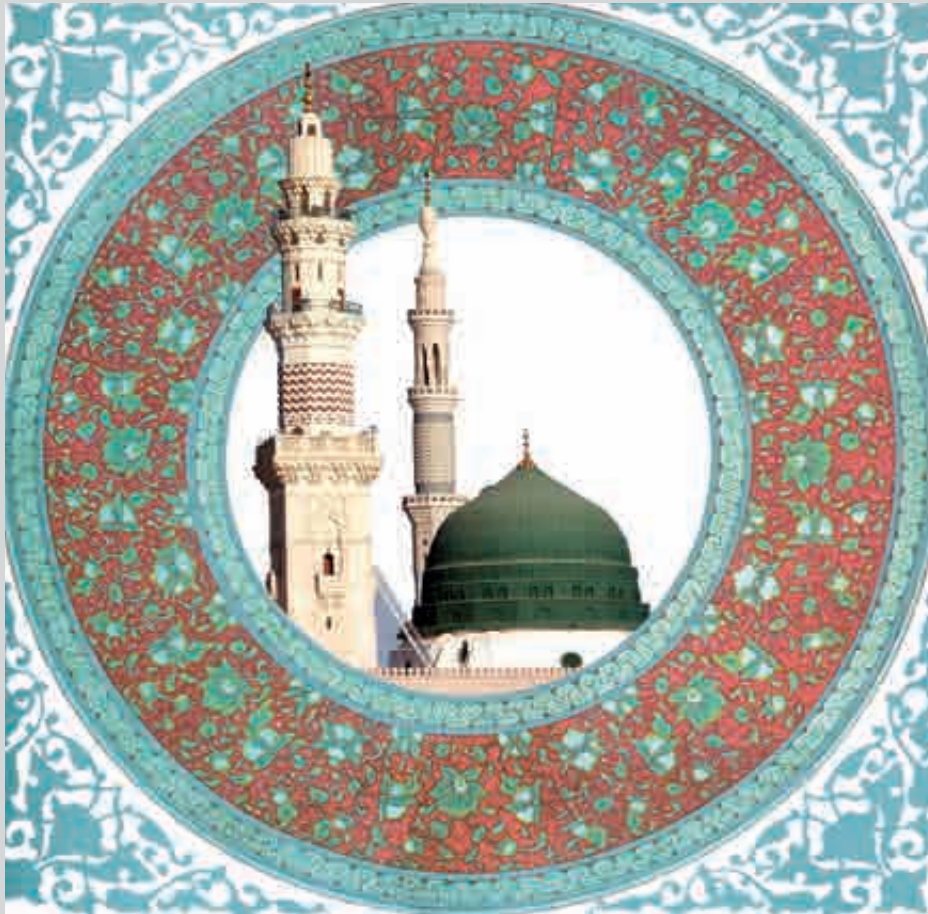
آیت‌الله مقتدایی بیان کرد: مستکبرین از برگزاری چنین مراسمی در ایام حج وحشت دارند و تا آنجا که می‌توانند مانع برگزاری این مراسم می‌شوند، ولی همانطور که این مراسم در سال‌های قبل برگزار شده و ادامه دارد و با عنایت به توجه ویژه‌ای که رهبر معظم انقلاب به این مراسم دارند و هر ساله پیام مهمی را برای برگزاری این مراسم در حج مطرح می‌کنند امید است این وحدت تحقق یابد و مسلمین بدان توجه و از برکات آن فیض ببرند.

سیاست اسلام برقراری اخوت اسلامی است و وقتی مسلمین با هم پیوند یابند امت واحد عظیمی در جهان تشکیل می‌شود که دیگر هیچ قدرتی جوابگوی آن نیست و یارای مقابله با آن را ندارد.



آیت‌الله «مرتضی مقتدایی»، مدیر حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با ایکننا، اهمیت برگزاری مراسم برائت از مشرکین را مورد بررسی قرار داد و اظهار کرد: معمولاً استکبار جهانی از وحدت مسلمین در هراس است و موفقیت و پیشرفت مطامع خود را در جهان در ایجاد تفرقه بین امت اسلامی می‌بیند.

مدیر حوزه علمیه قم با تأکید بر این مطلب که یکی از پایگاه‌ها و کانون‌هایی که می‌تواند وحدت بین مسلمانان را حفظ کند، اجتماع مسلمین در مراسم حج است، یادآور شد: اجتماع مورد خواست اسلام در این مراسم آنست که آنان در يك اجتماع عظیم اسلامی گرد هم آیند و از احوال یکدیگر مطلع و به کمک دیگر برادران دینی خود آیند. وی در ادامه با تأکید بر این نکته که اگر در گوشه‌ای از کشورهای



نه می‌تواند در غزه و دیگر نقاط جهان نقشی داشته باشد و نه دیگر وجود خواهد داشت، چرا که وجود اسرائیل به دلیل تفرقه‌ای است که بین مسلمین و سران آنان موجود است.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به جنایات رژیم صهیونیستی در غزه خاطر نشان کرد: اگر اعتقاد به این مطلب در جهان اسلام پدید آید، حمله به عراق، افغانستان، غزه و فلسطین دیگر معنا ندارد. اینها همه در سایه تفرقه و اختلاف پدید آمده است؛ این چیزی است که استکبار از ایجادش در داخل خود و حامیانش می‌هراسد؛ عمده چیزی که باعث پیشرفت و عزت مسلمین و هلاکت دشمنان و نیز از بین رفتن صهیونیست در جهان می‌شود همین پیوند مسلمین با یکدیگر است.

مدیر حوزه علمیه قم در پایان خطاب به مسلمانان بار دیگر تأکید کرد: بهترین راه برای از بین بردن دشمنانها و استکبار و رفع خطر از کشورهای اسلامی، اتحاد امت اسلامی است و بهترین جایی که می‌تواند این پیام وحدت را به گوش جهانیان برساند به راستی مراسم عظیم حج است.

مدیر حوزه علمیه قم به تأثیرات سیاسی این وحدت و هماهنگی بین اقشار مختلف مسلمین اشاره کرد و توضیح داد: سیاست اسلام همین اخوت اسلامی است وقتی مسلمین با هم پیوند یابند امت واحده عظیمی در جهان تشکیل می‌شود که دیگر هیچ قدرتی جوابگوی آن نیست و بارای مقابله با آن را ندارد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این مطلب که مسلمانان می‌توانند حکومت جهانی را به دست گیرند، گفت: با وجود وحدت بین مسلمانان دیگر آمریکا، اسرائیل و ایادی آنان در برابر امت به هم پیوسته مسلمانان نمی‌توانند از خود قدرتی نشان دهند و نظرات خود را به آنان تحمیل کنند.

عضو مجلس خبرگان رهبری تحقق این وحدت را بین مسلمانان بسیار مهم خواند و عنوان کرد: برقراری وحدت مسلمانان بالاترین هدف سیاسی اسلام است و بدین منظور هر ساله مسلمانان از همه اقشار را گردهم می‌آورد.

آیت‌الله مقتدایی اسرائیل و صهیونیست را نماد بزرگی از دشمنان اسلام خواند و گفت: اگر اتحاد در جهان اسلام پدید آید دیگر اسرائیل

رئیس جامعه المصطفی (ص) العالمية: حج عامل تقارب فکری و عاطفی در سطح جهان اسلام است



رئیس جامعه المصطفی (ص) العالمية با اشاره به این که حج آموزه‌ای منظومه‌وار است، تأکید کرد: این منظومه کاملاً سیستماتیک، پویا و منسجم است؛ لذا در ابعاد فراوانی از سیر و سلوک عرفانی انسان گرفته تا روابط اجتماعی انسان و انسجام امت اسلام را در خودش جمع کرده است.

اعرافى در مورد امر و وحدت در حج عنوان کرد: حج به صورت دینامیک و ناخودآگاه اجتماع اقوام گوناگون اسلام را با گرایش‌های مختلف در خود دارد و یک کارکرد نامحسوس در تلائم و هماهنگی امت اسلام داراست و فکر می‌کنم اگر فرض کنیم که حج از صحنه جامعه اسلامی حذف کنیم، قطعاً همدلی و تقارب فکری و عاطفه‌ای جهان اسلام کاهش پیدا می‌کند و اگر این رویه در جهان اسلام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌شد، آن وقت تأثیر بالاتری نسبت به آنچه هم‌اکنون داریم، خواهیم داشت.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا وحدت اسلامی آن‌گونه که شایسته است، محقق نشده است؟، گفت: سرش این است که عزمی که در دولت‌های اسلامی باید برای وحدت اسلامی باشد، فعلاً موجود نیست و آن معرفت و شناختی که عمدتاً در جهان اسلام و در رتبه بعدش میان علمای اسلام برای اهمیت وحدت باید باشد، مطلوب نیست و این حالت مانع از این می‌شود که حج به صورت یک کنفرانس جهانی امت اسلامی دربیاید و یا مسائل بین‌المللی اسلام به صورت دقیق میان علما بحث و تصمیم‌های اساسی گرفته شود.

این مدرس حوزه علمیه قم در مورد استفاده از حج برای صدور انقلاب اسلامی گفت: صدور انقلاب ارائه اندیشه نابی است که بنیان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و بر مبنای معارف الهی و معارف اهل بیت (ع) اندیشه و وحدت امت اسلامی استوار است. در ارائه این اندیشه و فکر و همین‌طور ارائه یک سلوک صحیح از حافظان انقلاب اسلامی، گام‌های مهمی را برداشته‌ایم و مراسمی که در آن جا برگزار می‌شود؛ مانند دعای کمیل و نشست‌های علمی در بعثه و تعامل ایران با نخبگان سایر کشورها، نمونه‌های فعالیت در صدور انقلاب اسلامی است و مع‌الأسف برخی از فشارها و تنگ‌نظری‌ها از گروهی افراطی مانع از سرعت بخشیدن به این فعالیت‌هاست.

به باور حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا اعرافی، اگر حج از صحنه جامعه اسلامی حذف شود، قطعاً همدلی و تقارب فکری و عاطفه‌ای جهان اسلام کاهش پیدا می‌کند و اگر این رویه در جهان اسلام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود، تأثیر بالاتری نسبت به آنچه هم‌اکنون داریم، خواهیم داشت.



حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا اعرافی، رئیس جامعه المصطفی (ص) العالمية، در گفت‌وگو با ایکنا، مورد فلسفه حج، ضمن بیان مطلب فوق گفت: عبادت‌ها در منطق اسلام به دو دسته؛ اجتماعی و فردی تقسیم می‌شوند، احکام فردی به احکامی گفته می‌شود که به رابطه انسان به خدا می‌پردازد و عبادات اجتماعی، عباداتی است که با نوعی شعائر و بعدهای اجتماعی، سیاسی و عمومی گره خورده است و حج یک نوع از عبادات اجتماعی اسلام است.

وی با اشاره به این که حج عالی‌ترین مظهر و نماد عبادت اجتماعی اسلام است، اظهار کرد: حج در عین این که عبادتی اجتماعی است، رابطه انسان با خدا را تقویت می‌کند؛ چرا که در پرتو تصحیح رابطه انسان با خدا، ارتباط انسان‌ها با انسان و انسان با جهان پیرامون خود، تصحیح و تقویت می‌شود. این مدرس حوزه علمیه قم تأکید کرد: حج کلکسیون از همه عبادات است و لذا از عبادات جامع است و تمام عبادات از روزه و زکات گرفته تا شهادت و جهاد، رگه‌هایی در حج دارند و به سخن دیگر حج، یک مجموعه نظام‌وار است.



حسینی بوشهری:

ایام حج به مسائل سیاسی -

اجتماعی جهان اسلام پرداخته شود

حجت الاسلام حسینی بوشهری با بیان این مطلب که در ایام حج به مسائل سیاسی - اجتماعی جهان اسلام پرداخته شود، گفت: سفرا و نمایندگان کشورهای اسلامی، در موسم حج اقدام به برپایی کنفرانس و همایش‌هایی برای تدبیر مسائل سیاسی - اقتصادی جهان اسلام کنند.



حجت الاسلام و المسلمین سیدهاشم حسینی بوشهری، عضو شورای عالی حوزه علمیه قم، در گفت‌وگو با ایکنا، در مورد رابطه حج و قرآن، ضمن بیان مطلب فوق، گفت: من معتقدم که آن مقداری که در آیات قرآن و روایات ما از حج سخن گفته شده است، متأسفانه امت اسلامی به آن توجه و عمل نکرده است.

وی با اشاره به این‌که حج ما دارای ابعاد عبادی و سیاسی است، افزود: تعبیراتی که در مورد حج در آیات قرآن می‌بینیم مانند: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ؛ تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دام‌های زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده‌اند، ببرند» (حج / ۲۸) مطابق این آیه باید امت اسلامی به گونه برای خود برنامه‌ریزی کند که وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی‌شان را به دنیای کفر کم کنند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به این‌که سفیرهای کشورهای اسلامی، باید در موسم حج اقدام به برپایی کنفرانس‌ها و همایش‌هایی برای تدبیر مسائل اقتصادی جهان اسلام کنند، تصریح کرد: باید نمایندگان کشورهای اسلامی در موسم حج برای مبارزه با توطئه‌های دشمنان اسلام، برنامه‌ریزی کنند.

وی خاطر نشان کرد: من فکر می‌کنم زمینه‌همکاری، همدلی و همراهی فراوانی برای گام برداشتن به سوی وحدت امت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، اقتصاد اسلامی و فرهنگ دینی و اسلامی وجود دارد.

این مدرس حوزه علمیه قم عنوان کرد: متأسفانه فضایی که هم‌اکنون در حج است، موجب شده که مسلمانان حتی نتوانند ارتباط طبیعی با هم برقرار کنند؛ یعنی همه در حالتی قرار دارند که از هر نوع اجتماعی و هر نوع سخن گفتن و مبادله فکری کردن، پرهیز داده می‌شوند. این در حالی است که «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ» در سایه ایجاد ارتباط و همدلی ایجاد می‌شود و یا در بعد مسائل معنوی متأسفانه گاهی می‌بینم که حج واقعی تعطیل و

تبدیل به یک سلسله سفرهای تفریحی می‌شود.

حسینی بوشهری ضمن بیان این نکته که گاه دیده می‌شود که افرادی فقط به انجام یک سری مسائل ظاهری حج اکتفا کرده‌اند و آن دقت و ملاحظه‌ای که لازمه حج است را نمی‌کنند، گفت: اگر به این نکته توجه نشود که کعبه مرکز توحید است و به جایگاه عرفانی این مقام توجه نکنیم، طبیعی است که بین کسی که حج رفته و بین کسی که حج نرفته تفاوتی دیده نمی‌شود؛ لذا به تبع، تحولی در جامعه اسلامی نیز دیده نمی‌شود. به سخن دیگر انسانی که عمق دقت را راجع به حج به کار نبرد، طبیعتاً به آن آثاری که در مورد حج است، دست نمی‌یابد.

عضو شورای عالی حوزه علمیه قم در مورد راهکارهای وحدت در حج، اظهار کرد: راهکارهای قرآن برای وحدت این است که ما به مشترکات نگاه کنیم؛ مانند کعبه، پیغمبر (ص) و اصل اسلام و کلمه توحید که میان همه مذاهب اسلامی مشترک است و این ناسازگاری‌ها یا به دلیل حاکمیت‌های جوامع اسلامی است، یا به علت دشمنان بیرونی که به ما اجازه ندادند که آن مقدار که به اختلاف‌ها نگاه می‌کنیم به اشتراک‌ها نگاه کنیم؛ بنابراین به دلیل این‌که اختلاف‌ها را بزرگ جلوه می‌دهیم و موارد اشتراک را نادیده می‌گیریم به اختلافات دامن زده‌ایم، طبیعتاً جامعه‌ای که به مشترکاتش توجه نکند، به اختلاف‌ها دامن می‌زند.

وی در پایان این گفت‌وگو در مورد استفاده از ایام حج برای صدور انقلاب اسلامی خاطر نشان کرد: صدور انقلاب به دو شکل صورت می‌گیرد، صدور نوع فیزیکی باشد و این نوع صدور اصلاً مورد نظر نبوده است و آنچه مد نظر است، صدور پیام اسلام است. صدور انقلاب یعنی مجامع دیگر، رفتار و عملکرد ما را الگو قرار دهند و عملکرد افراد و مسئولان انقلاب، باید قبل از معرفی آموزه‌های دین، به عنوان یک الگوی خوب معرفی شود.

محمود واعظی:

حج عرصه عینیت بخشی به همه فرائض شریعت اسلامی است



يك اعجاز حسی است و بشر از طریق چشم می تواند این اعجاز را درك کند؛ چون هنوز قوه عقل بشر به آن بلوغ لازم نرسیده که با درك عقلی بتواند پیام های سعادت بخش حضرت موسی (ع) را درك کند.

وی به بررسی نسبت معجزه انبیاء (ع) و زمانه شان پرداخت و تصریح کرد: بنابراین در این دوره اعجازهایی که حضرت موسی (ع) برای اثبات رسالتش استفاده می کند، حسی است. ساحران می آیند و اژدهایانی را به وجود می آورند و حضرت موسی (ع) عصای خود را می اندازد، همه نگاه می کنند و می بینند که عصا تبدیل به اژدها می شود و همه آن اژدهایان را می بلعد. این نگاه حسی باعث می شود که مردم می گویند این مرد چیزی دارد که ما نمی فهمیم و باعث می شود که به او ایمان آورند.

وی تأکید کرد: اما در آخر الزمان و زمان رسول اعظم (ص) مبنای اعجاز این گونه نیست، مبنای اعجازهای رسول اکرم (ص) برای این که پیام های هدایتش را قبول کنند، عقلی است، نطق، گفتار، قرائت، مطالعه و... است؛ یعنی تمام اعجاز رسول اکرم (ص) جمع در قرآن کریم است.

واعظی به بررسی معجزه پیامبر اسلام (ص) پرداخت و اظهار کرد: قرآن کریم مبنایش قرائت و تلاوت، پیام های عقلی، درکی و مقدماتی است که از آن استنتاج می شود که سطح بالاتری است از گفتمان های انبیاء (ع) با بشر؛ چون معتقدیم که رسول اکرم (ص) به عنوان آخرین پیامبر و آخرین شریعت، دستاوردهای همه انبیا و

معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درباره جایگاه حج در شریعت اسلام گفت: حج محل مانور شریعت اسلامی، تجسم و عینیت بخشی همه فرائض و شرایع شریعت اسلامی در يك عرصه است، یا به تعبیر دیگر يك اردوگاه برای نشان دادن همه زوایای اسلام است.



«محمود واعظی»، معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در گفت و گو با ایکننا، در تبیین کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حج و بهره گیری بیشتر از این آموزه الهی و اسلامی، ضمن بیان این مطلب گفت: مکتب اسلام به عنوان آخرین مکتبی که بعد از ۱۲۴۰۰۰ پیامبر برای سعادت و راهنمایی بشر ارائه شد، مکتبی است که جامع همه ویژگی ها و خصلت هایی است که در مکاتب و شرایع قبلی وجود داشته است.

وی افزود: سیر تدریجی رشد فکری بشر در هر مرحله باعث شده که خداوند متعال برای راهنمایی و سعادت مردم رسولان و انبیایی را در سطح خودشان برانگیخته و مبعوث کند تا تزکیه را به آن ها آموزش دهد و سعادتشان را به آن ها متذکر شود و راهنمایی کند.

مدرس دانشگاه تهران در ادامه سخنانش اظهار کرد: معجزات انبیاء (ع) برای اثبات حقانیت خودشان در فراز و نشیب هایی که در تاریخ می بینیم سیری پیدا کرده که برای اثبات این اعتقاد لازم است اعجازهایی که مکاتب داشتند برای این که خودشان را اثبات کنند را بررسی کنید؛ مثلاً اعجاز حضرت موسی (ع) را ببینید که معجزه اش



وی با تأکید بر جهان شمولی حج تصریح کرد: بنده تعبیرم این است که حج يك محل مانور شریعت اسلامی، تجسم و عینیت بخشی همه فرائض و شرایع شریعت اسلامی در يك عرصه است، یا به تعبیر دیگر يك اردوگاه برای نشان دادن همه زوایای اسلام است.

وی در پاسخ به این سؤال که پیام، سر و ثمرات حج با توجه به آیات قرآن کریم چیست؟، گفت: بحثی در فلسفه احکام داریم که به چگونگی، کیفیت و چرایی احکام اشاره دارد که قدما در این باره کتاب‌هایی نوشتند؛ مانند «علل الشرایع» که مطالب و مسائل مرتبط با چرایی احکام را جمع کردند که محققان به دنبال این بودند که چرا حج به عنوان يك فریضه دینی در اسلام مقرر شده و به عنوان يك فریضه بر مسلمانان واجب شده است.

وی به آیه ۹۷ سوره مبارکه مائده اشاره کرد و گفت: خود قرآن کریم می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خداوند [زیارت] کعبه بیت الحرام را وسیله به یاد داشتن [مصلح] مردم قرار داده و ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشاندار را [نیز به همین منظور مقرر فرموده است] این [جمله] برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداست که بر هر چیزی داناست.

اولیا را در برنامه هدایتی خودشان دارند؛ لذا معتقدیم که در ابعاد مختلف این مکتب نظر دارد، اگر بخواهیم يك تقسیم کلان داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم که مجموعه برنامه‌های اسلام به دو قسم تقسیم می‌شود؛ يك دسته از برنامه‌ها و دستورات عمل‌هایی که فردی اجرا می‌شود و دسته دیگر دستورات عمل‌هایی است که به طور جمعی اجرا می‌شود.

مدرس دانشکده علوم حدیث افزود: مثلاً مناجات‌ها، نمازهای روزانه و روزه گرفتن يك سری دستورات عمل‌هایی است که انسان برای رشد و تعالی خودش عمل می‌کند. اصولاً برگزاری نماز جمعه، نماز عید فطر به صورت فردی برگزار نمی‌شود، بلکه تنها با جماعت محقق می‌شود. حج هم از این‌گونه عبادت‌ها است که به اصطلاح به صورت جمعی اجرا می‌شود، پس مکتب اسلام در جامعیتش هم فرد را دیده و هم جامعه را و در مورد هر کدام به تناسب خودش توانسته برنامه‌ریزی کند و توانایی‌های افراد را به کار گیرد.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اظهار کرد: اسلام هم به افراد و هم به جامع سهم داده و در يك تعامل مناسب و متوازن این دو توانسته فلاح و رستگاری را برای جامعه به ارمغان آورد؛ اگر بخواهیم حج را معرفی کنیم، حج يك مجموعه اعمال فردی و جمعی است که به عنوان تابلوی اسلام در نظر گرفته شده است؛ یعنی همه فرائضی که در اسلام هست، تابلوی حج است. در روایات آمده «علم الاسلام» حج است؛ یعنی نشان اسلام حج است.

باید همدیگر را ببینند و مشکلات یکدیگر را رسیدگی کنند تا بتوانند راه حلی برای آن پیدا کنند.

واعظی، در ادامه، در بررسی اسرار حج با اشاره به اهداف خاص عبادات گروهی گفت: سفارش شده که نماز به صورت جماعت خوانده شود و پس از آن نمازگزاران احوال یکدیگر را بپرسند، تا معلوم شود که چه کسی مشکل دارد و... اگرچه خواندن صرفاً نماز جماعت خوب است، اما فلسفه پنهان آن این است که مردم با هم آشنا شوند و با هم باشند.

وی افزود: خداوند می‌خواهد به ما بفهماند که همه شما عابد هستید، همه سر بر سجده‌گاه الهی سر به خاک می‌سپارید، پس با هم باشید تا از وضعیت یکدیگر مطلع شوید، چرا باید کسی از سیری و پر خوری و دیگری از گرسنگی مریض شود، هر قوم و ملیتی در حج باید با دیگران تبادل دیدگاه داشته باشند و از همدیگر نفع ببرند «لتعرف آثار رسول الله (ص)»، برای این‌که ببینند و با آثار رسول اکرم (ص) آشنا شوند. در آنجا رسول الله (ص) جامعه مدنی ایجاد کرده بود، بروند این جامعه را ببینند، در مسجد الحرام روزی بتها شکسته شد، این‌ها را ببینند روزی در مسجد الحرام مولودی به دنیا آمد، پیامبر (ص) در مسجد الحرام روزی آیات قرآن را می‌خواندند و بزرگان عرب دست‌هایشان را بر روی گوش‌هایشان می‌گذاشتند تا صدای رسول الله (ص) را نشنوند؛ چون معتقد بودند که صدای رسول الله (ص) آن‌ها را سحر می‌کند و با شنیدن این جملات آن‌ها جذب ایشان می‌شوند، غافل از این‌که کلام حق است و نفوذ آن به خاطر وحیانی بودنش است.

مدرس دانشگاه تهران در ادامه سخنانش اظهار کرد: برای حج آیات فراوان آمده، مثلاً قرآن کریم می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ؛ تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بردام‌های زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند پس

وی افزود: همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «هر کس که استطاعت دارد به حج برود»، اما در مورد آیه قبل می‌توان گفت که خداوند در این آیه فلسفه حج را به خاطر قیام مردم «قِيَامًا لِلنَّاسِ» معرفی می‌کند؛ یعنی کعبه و حج یک نمادی است برای این‌که مردم یک‌بار دیگر اعاده حیات کنند و بار دیگر زنده شوند، قیام داشته باشند و بمانند؛ چون همان طوری که ما زنده هستیم و تنفس می‌کنیم، باید فکر کنیم ادامه حیات شریعت اسلام هم دست ماست.

واعظی در ادامه سخنانش به بررسی سر حج با اشاره به عبادات گروهی پرداخت و خاطر نشان کرد: ما مسلمانان نماز می‌خوانیم، روزه می‌گیریم و با مسجد، قرآن، تلاوت و... هم آشنا هستیم، اما اگر سؤال شود که برای ادامه و استمرار پویایی اسلام چه راهی اندیشیده شده است؟ یکی از پاسخ‌هایش این است که حج قیام مردم است، مردم برای این‌که بتوانند قائم به خویش باشند و برای این‌که بتوانند محرک اسلام از درون، اسلام را پویا کند، گفته شده که یکی از راه‌ها کعبه و بیت‌الله الحرام هست.

وی تأکید کرد: در روایات داریم که حج واجب شد تا مردم مصلحت دین و دنیایشان را بتوانند پیدا کنند «فجعل في الاجتماع من الشرق والغرب» این‌که در یک جایگاهی از شرق و غرب عالم و سیاه و سفید، پیر و جوان، طیف‌های مختلف مردم، بدون هیچ مرز جغرافیایی و مسئولان مختلف همه با یک لباس خاص با حذف همه لباس‌هایی که در ملل مختلف دارای معناست، (لباس‌های مختلف نشان دهنده موقعیت اجتماعی مردم است که در حج با چشم‌پوشی از این لباس‌ها در جایی جمع می‌شوند) اولین دلیلش در روایات آمده که «لیتعارفوا» یعنی همدیگر را بشناسند.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پایان تصریح کرد: رکنی از بقا و پویایی جهان اسلام این است که مسلمانان با همدیگر آشنا شوند، شرق و غرب عالم همدیگر را ببینند و این شناخت مقدمه‌ای برای حل مشکلات همدیگر شود و «لیتربه کل قوم من التجارات من بلد الی بلد» امور اقتصادی‌شان را حل می‌کنند، بعضی از جوامع زمینه‌های رشد دارند، ولی گرفتار مشکلات اقتصادی هستند،

از آن‌ها بخورید و به در مانده مستمند بخورائید.»

فرض کرده است. در لابه‌لای گفت‌وگوهای مسلمانان در مراسم وقتی صحبت از این می‌شود که چرا این کشور یا شخص فقیر است، به این نکته می‌رسیم که کشور و منابعشان به غارت می‌رود، غارتگر همان دشمن است که در این گفتمان تشخیص داده می‌شود.

وی افزود: از اینجاست که پیوست و پیوند اخوت و برادری روح قوی‌تری پیدا می‌کند و دین بارور و زنده می‌شود، دین با اتحاد و یکپارچگی زنده می‌شود، دین بعد از عملیات حج در ذی‌الحجه جهش و پوییش نو در مجموعه جهان اسلام می‌یابد. این چیزهایی است که شارع مقدس از ما خواسته، اما آنچه اکنون موجود است بحث دیگری است.

مدرس دانشکده علوم حدیث در ادامه سخنانش خاطرنشان کرد: بزرگترین هدفی که در حج مورد نظر است این‌که ملت‌ها بتواند پیام‌های خودشان را برسانند، جمهوری اسلامی ایران که در بین کشورهای اسلامی به عنوان کشور الگو است و ۳۰ سال تجربه مردم‌سالاری دارد و هیچ کشوری در جهان اسلام این تجربه را ندارد، می‌تواند کارهای مهمی انجام دهد. کشورهای اسلامی؛ مانند مصر و سودان را نگاه کنید، سودان بیست سال قبل ادعای اسلامیت داشت، اما هنوز نتوانسته با وجود دو رود پر آب شهر خارطوم، زمین‌های کشاورزیش را سیراب کند، دینی که نتوانسته دنیا را آباد کند، ما به آن دین اعتقادی نداریم، ما به دینی اعتقاد داریم که آخرت آباد را در گرو دنیای آباد می‌داند، در کشور افغانستان هم یک مدل دینی توسط طالبان ارائه شده که همه دنیا به آن خندیدند، جمهوری اسلامی ایران مدلی را در جهان اسلام ارائه داده که می‌تواند الگویی برای همه کشورها باشد.

وی به بررسی اهداف حج پرداخت و تصریح کرد: مسلمانان به حج بیایند تا شاهد منافع و مصالح همدیگر باشند، میدانی در جهان اسلام برای مسلمان‌ها طراحی شده تا بتوانند مشکلات همدیگر را حل کنند و پیشنهادات هم را بشنوند و بخواهند جامعه جهانی تشکیل دهند این حتمی است. جامعه و دهکده جهانی را اسلام در حج طراحی کرده، مسلمانان در اردوگاهی در یک شب مشخص همه با هم در یک بیابان حاضر شوند و در یک روز مشخص همه با هم قربانی کنند؛ یعنی از خود بگذرند و دستشان به خون آلوده شود تا بتوانند از زیباترین چیزها - مال و جان - به راحتی بگذرند، همچنین بتوانند برای جهادهای سنگین علیه دشمنان با همدیگر عقد اخوت و برادری ببندند، برای این‌که بتوانند با برادری و برابری مجمع‌های بین‌المللی قوی‌ای را تشکیل دهند.

وی تأکید کرد: این‌ها به اصطلاح حکمت‌هایی است که در روایات ما فراوان از آن‌ها درباره اهمیت و اسرار حج ذکر شده است، از طرف دیگر در آیات و روایات سفارش شده که حج ترک نشود و مسلمانان حج را سبک نشمارند و به آن پشت نکنند که تخریب اسلام، کشورها و هلاکت آن‌ها را در پی خواهد داشت. پس با این گفته‌ها به این نتیجه می‌رسیم که می‌توان ادعا کرد که حج برای این راه‌اندازی شده که دین تقویت شود «فرض الله حج تقویت الدین»؛ یعنی حج واجب شده برای این‌که موتور دین بگردد و به روز شود، حج وضع شده تا دین پایدار شود.

واعظی اظهار کرد: این مأموریت و هدفی است که شارع مقدس و مکتب اسلام برای قیام، منافع، حل مشکلات طرفینی و دشمن‌شناسی



معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اظهار کرد: پیام‌رسانی جمهوری اسلامی ایران به سایر ملت‌ها می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین مسائلی باشد که در حج ابراهیمی محل بحث است، هم کشورهای مسلمان به این تجربه نیازمندند و هم بار مسئولیت سنگینی را احساس می‌کنیم که تجربه یافته خود را به آن‌ها منتقل کنیم. «من اصبح و لم یهتتم بامورالمسلمین فلیس بمسلم» همین جاست، یکی از اهتمام‌ها این است که مسلمانی که راهی را پیدا کرده و به این تجربه رسیده که از استکبار رد شده و توانسته از تهدیدها فرصت ایجاد کند و سی سال روی پای خود بایستد، این تجربه را به دیگران منتقل کند تا باعث قوام، ایستادگی و استحکام ملت‌ها شود.

وی در تشریح هدف حج تصریح کرد: بزرگ‌ترین مأموریتی که حج برای ما ایجاد و ضروری می‌کند مأموریت پیام‌رسانی و تبادل اطلاعات است که متأسفانه فضای سعودی و مسئولانی که در مکه و مدینه مشغول کار هستند اجازه این کار را نمی‌دهد، اجازه نمی‌دهند که افراد از فردگرایی به جامعه‌گرایی ملحق شوند، تلاش آن‌ها این است که ارتباطات بین مسلمانان کاهش یابد؛ لذا اجازه برگزاری سمینار، نشست‌های تخصصی و... برای حل مشکلاتی که در جهان اسلام هست را نمی‌دهند، مسلمانان به حج می‌آیند و اعمال عبادی خودشان را انجام می‌دهند و به کشورهایشان باز می‌گردند.

مدرس دانشگاه تهران در ادامه سخنانش اظهار کرد: متأسفانه حج از جنبه اجتماعی و جمعی که امور مردم را اصلاح می‌کند در حال سقوط است، هدف مسئولان سعودی این است تا حج به حرکت‌های فردی تبدیل شود و قابل کنترل باشد و خروجی و نتیجه خاصی هم نداشته باشد، اکنون متأسفانه داستان حج این‌گونه است، فعلاً اعمال حج به صورت فردی انجام می‌شود؛ چون مسئولان سعودی اصلاً زمینه‌برگزاری حج جماعتی را فراهم نمی‌کنند، اگر به دنبال زمینه تعامل مسلمانان با هم هستیم دست‌اندرکاران این امر باید اجازه دهند مسلمانان همدیگر را ببینند.

مسلمانان از دیترویت امریکا، از دارالسلام و تانزانیا و از ترکمنستان و شبه قاره و... در مراسم حج می‌آیند، اما هیچ زمینه‌ای برای شناخت ایجاد نمی‌شود. مسلمانان برای رفتن حج هزینه لازم را پرداخت می‌کنند و امکانات لازم هم برای گفت‌وگو و شناخت فراهم

است.

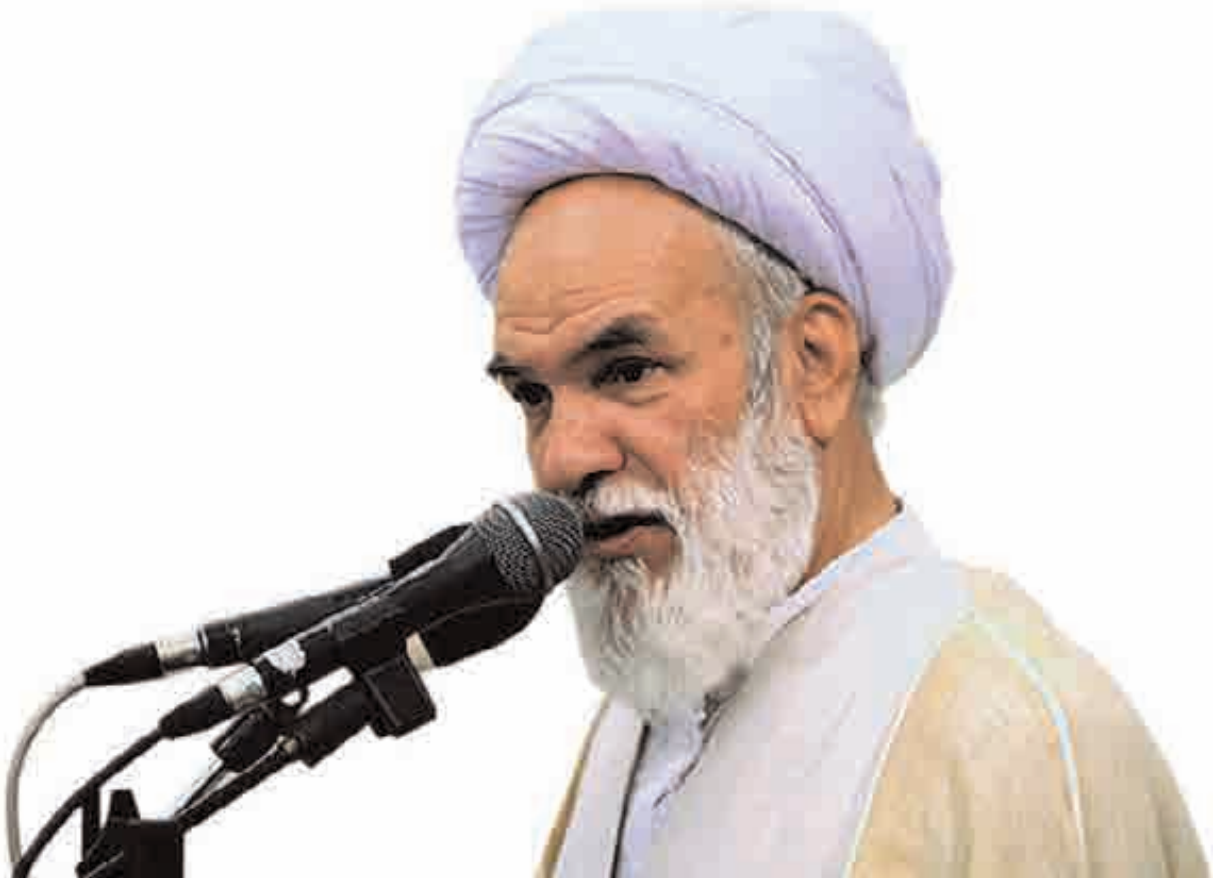
معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ادامه سخنانش حج را آوردگاهی برای تعامل دانست و گفت: ما باید پیام‌های حج را به مردم مسلمان جهان بگوییم، حج يك آوردگاهی برای تعامل است، ما باید بتوانیم اثبات کنیم که «ان العزة لله» عزت و بزرگی مال خداست، عزت و بزرگی در سایه چاپلوسی کردن بعضی از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در درگاه مستکبران به دست نمی‌آید، عزت در جای دیگری دست یافتنی است.

ما باید پیام‌هایمان را برسانیم که «فإن حزب الله هم الغالبون» حزب الهی و آنهایی که با راه خدا و نام خدا کارشان را شروع کردند، همیشه برترند و کشورهای اسلامی باید بدانند که برتری‌هایشان را در یهود و نصارا سراغ نگیرند.

وی تأکید کرد: قرآن کریم صریحا فرموده «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.» به مسلمانان سفارش شده که یهود و نصاری را به دوستی نگیرید، ایجاد ارتباط با صهیونیست‌ها در جهان اسلام و در کشورهای عربی به نفع کیست؟، مگر این کار پشت پا زدن صریح به آیات قرآنی نیست، مگر در حج نمی‌خواهیم این پیام‌ها را زنده بکنیم، در حج باید این پیام‌ها زنده شود.

واعظی در پایان خاطرنشان کرد: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ هرگز یهودیان و ترسایان از تورا ضعی نمی‌شوند مگر آن‌که از کیش آنان پیروی کنی بگودر حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد باز از هوس‌های آنان پیروی کنی در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت.» سفارش شده که یهود و نصاری از شما راضی نمی‌شوند مگر این‌که مریدشان شوید. مسلمانان باید در مراسم حج این پیام‌ها را بفهمند.





رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور:

برائت از مشرکان عزت قرآن را در حج به نمایش می‌گذارد

هستیم و این شرك به زمان پیامبر محدود نمی‌شود در نتیجه ممکن است ما مشرکینی مثل ابوجهل و ابولهب را نداشته باشیم اما ابی‌لهب‌های امروزی مشی‌شان همان ابی‌لهب‌های زمان پیامبر (ص) است.

حجت‌الاسلام ابراهیمی بیان کرد: وقتی موضع برائت اعلام می‌شود، مشرکین که در مقابل حق مستکبرانه می‌ایستادند مواضع خود را در خطر می‌بینند، لذا موضع می‌گیرند، تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری الان به آن اشاره دارند دلیلش این است که استکبار خواهان دفاع از فرهنگش است چون انقلاب اسلامی و نظام مقدس يك هجمه‌ای سخت بر حرکت مشرکین وارد کرده است.

وی افزود: کسانی که می‌خواستند بر سرنوشت مردم مسلط شوند و همه ثروت و قدرت را يك مرتبه بدست آوردند در مقابل حرکت امام تار و پود و بافت چند دهه و چند ساله خود را از بین رفته دیدند.

حرکت سیاسی برائت از مشرکان نه تنها اقتدار ایران را بلکه اصل اسلام و ظرفیت و توان و عظمت اسلام و عزت قرآن را به نمایش می‌گذارد و فطرت و وجدان‌های پاك این ندا را ندای اسلام می‌دانند و این فریاد را فریادی خدایی. لذا این اثرگذارترین کار سیاسی – عبادی است که ما می‌توانیم در عرصه بزرگ حج انجام دهیم.



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، در گفت‌وگو با ایکننا، با بیان اینکه برائت از مشرکین يك موضع قاطعانه و محکم در مقابل تحریکات مشرکان است، گفت: در زمان نزول آیه برائت و قرائت آن بر مشرکین، مشرکین موضع قاطع و محکم اسلام در بری بودن پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) را دریافتند. وی افزود: از آن زمان تاکنون نیز تا زمانی که این عالم برپاست ما همواره شاهد جریان خوب و بد، عزت و ذلت و زشت و زیبایی در کنار هم

شرکت می‌کنند ولی حکامشان رنج می‌برند زیرا به استکبار وابسته هستند.

نماینده بیرجند با اشاره به حرکت سیاسی که از سوی امام بعد از انقلاب اسلامی تا الان از سوی مقام معظم رهبری صورت گرفته است، گفت: حج یک حرکت سیاسی و عبادی است و دستاوردهای زیادی را برای ما داشته یعنی حج محل تجمع همه مسلمانان از ملیت‌های مختلف است.

حجت‌الاسلام ابراهیمی با اشاره به اینکه هر ساله پیام مقام معظم رهبری به حجاج به چند زبان ترجمه و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، تأکید کرد: پیام مقام معظم رهبری همان پیام نظام و پیام انقلاب است و توجه مسلمین به آن نشان می‌دهد که پیام انقلاب به دیگران رسیده است و آثار و برکت آن در حقیقت یک کار سیاسی بی‌نظیر است در هماهنگی مسلمانان، شعارهای آنان و آگاهی مسلمانان و مسئله‌ای است که نظام سلطه رازیر سؤال می‌برد.

نماینده بیرجند افزود: این حرکت سیاسی نه تنها اقتدار ایران را بلکه اصل اسلام و ظرفیت و توان و عظمت اسلام و عزت قرآن را به نمایش می‌گذارد و فطرت و وجدان‌های پاک این ندا را ندای اسلام می‌دانند و این فریاد را فریادی خدایی، لذا این اثر گذارترین کار سیاسی عبادی است که ما می‌توانیم در عرصه بزرگ حج انجام دهیم.

رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور در پایان، با اشاره به فرموده رهبری که «حج را فرصتی برای التیام جدایی مسلمین نامیده‌اند» آن را حقیقتی کامل دانست و خاطر نشان کرد: حج به قدری مشترکات را به نمایش می‌گذارد که جای التیام تمام تفرق‌هاست، همه رشته‌های گسسته که در جای دیگر به وقوع می‌پیوندد در حج التیام می‌بخشد و با شعار وحدت و استکبارستیزی و چرخش مسلمانان به دور یک قبله، این مشترکات همه گسست‌ها را پیوند می‌دهد.



رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور یادآور شد: استکبار چند دهه پیش در مقابل انقلاب اسلامی مقاومت کرد ولی موفق نشد زیر از ویژگی‌های انقلاب استکبارستیزی و برائت از مشرکین است و نوعی ابزار در مقابل مشرکین است و تبلور استکبارستیزی در مراسم حج مشخص می‌شود، حضور میلیون‌ها انسان مسلمان با یک شعار، در یک مکان، طواف و یک قبله مشترک همه برائت مسلمانان از مشرکان است که آن‌ها را به وحشت انداخته است.

نماینده بیرجند تصریح کرد: به روایت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، «شیطان بزرگ» زمانی که می‌بیند این همه مسلمان در یک زمان بر علیه آن‌ها برائت می‌کنند، در هراس می‌افتد و کشورهایی که بقاء خود را در بقاء نظام سلطه می‌بینند و حامیان‌شان را مستکبرین می‌دانند و چون در بین مردم پایگاه و جایگاه ندارند و می‌دانند اگر این حرکت ادامه یابد به سرنوشت یکسانی مبتلا می‌شوند.

حجت‌الاسلام ابراهیمی افزود: مستکبران برای دفاع از هویتشان که هویت وابستگی به نظام سلطه است تلاش می‌کنند ولی ملت‌هایشان خواهان آن نیستند و ما شاهدیم که مردم این کشورها در مراسم برائت از مشرکین

عبدالحسین خسروپناه:

بسیاری از اعمال حج را باید تعبدی پذیرفت و نیاز به استدلال عقلی ندارد

توصیه می‌شود که مثلاً احرام و یا طواف کنید و سعی صفا و مروه انجام دهید، همه این‌ها بندگی و خشوع بندگی را در انسان تقویت می‌کند. انسانی که اهل خضوع و خشوع باشد بهتر می‌تواند دستورات الهی را اطاعت کند و اطاعت‌پذیری در او تقویت می‌شود.

مؤلف «کلام جدید» در ادامه سخنان خود افزود: حج یک فلسفه خصوصی‌تری دارد؛ مثلاً وقوفی که در منا و یا عرفات صورت می‌گیرد یکی از فلسفه‌های تفکر در نعمت‌های الهی است، انسان در این فرصت با خدای خودش راز و نیاز می‌کند و تفکر می‌کند و توانمندی‌ها و قابلیت‌ها و ضعف‌های خودش را بهتر می‌فهمد و عظمت خدا را بهتر درک می‌کند و انسان با وقوف در منا و عرفات می‌تواند معرفت نفس جامع‌تری پیدا کند که مقدمه معرفت‌الله است، یا وقتی رمی جمرات را انجام می‌هد این

حج‌ت‌الاسلام خسروپناه، با بیان این مطلب که نباید به دنبال این رفت که تبیین عقلی برای تک‌تک اعمال حج یافت، گفت: باید با نگاهی تعبدی، بسیاری از اعمال حج را پذیرفت.



حج‌ت‌الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه، دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با ایکننا، در مورد فلسفه حج، ضمن بیان مطلب فوق گفت: فلسفه عام عبادات، عبودیت و بندگی انسان در برابر خداوند متعال است؛ چرا که تا شخصی حضور و خشوع در مقابل خدا پیدا نکند، مسیر هدایت‌گری را به خوبی نمی‌تواند طی کنند، در مسئله حج وقتی

خدا بخواهد، البته باید تلاش خودش را بکند. وی تأکید کرد: آنچه گفته شد، در واقع حکمت‌هایی است که توسط عقل بشر دریافته شود و بخشی از حکمت‌ها را می‌توان از متون دینی استفاده کرد، اما هیچ‌گاه نمی‌توان ادعا کرد که علت تامه احکام الهی آن نکاتی است که عرض کردیم. این‌ها حکمت‌هایی است که کشف شده است، چه بسا حکمت‌های دیگری داشته باشد که خداوند برای ما آشکار نکرده‌اند، نه از طریق متون دینی و نه از طریق عقل، ولی انسان باید این اصل کلی را مد نظر داشته باشد که خداوند حکیم علی‌الاطلاق است و هر حکمی که بیان می‌کند بر اساس مسائل واقعی است که فقط او همه ابعاد و مسائل جانبی احکام شرعی را می‌داند؛ بنابراین نباید به دنبال این رفت که یک تبیین عقلی برای تک تک اعمالی که در حج انجام می‌شود، پیدا کنیم، برای سعی صفا و مروه، برای طواف و... بلکه باید آن فلسفه عام عبادت نسبت به حج را توجه داشت و آن مسائل عبودیت و

عمل حقیقتش مبارزه با شیطان و نفس اماره است، سنگ زدن بر آن ستون؛ یعنی سنگ زدن بر اوامر و نواهی که شیطان برای انسان دارد و وسوسه‌هایی شیطان انجام می‌دهد، وقتی که انسان، این عمل را انجام می‌دهد در واقع به شیطان پشت پا زده است؛ یعنی با نفس اماره خودش مخالفت کرده است.

مدرس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد فلسفه سعی صفا و مروه اظهار کرد: سعی صفا و مروه را همسر حضرت ابراهیم (ع) انجام داد، وقتی که تشنگی شدیدی بر حضرت اسماعیل (ع) عارض شد، مادر به دلیل تشنگی و نیازمندی کودک به آب، نتوانست تحمل کند، شروع به دوندگی به اطراف کرد تا آب تهیه کند، و با همه تلاشی که کرد، آب پیدا نکرد، بلکه آب از زیر پای حضرت اسماعیل (ع) پیدا شد، و این رخداد این درس را به همه انسان‌ها می‌دهد که انسان، فقط با تلاش خودش نیست که می‌تواند به غرض و رفع نیاز خودش برسد، بلکه باید این را بداند که باید اهل توکل و ارتباط با خدا باشد و نیازهای خودش را از



فتاوا دانست و گفت: مطلب دیگر این که مراجع دور هم جمع شوند و بتوانند به یک توافق نسبی نسبت به اعمال حج برسند. اکنون فتاوی مختلف و متکثر حج هم برای روحانیون حج زحمت آور شده است و هم برای زائران، اگر بشود خصوصا مراجعی که مقلدان بیشتری دارند، فتواهایشان را به هم نزدیک کنند، از مشکلات کاسته می شود.

خسرو پناه افزود: آسیب دیگر این که زائران بیش از آن که به فکر درس گرفتن از حج باشند به فکر خرید و نیازهای اقتصادی و خرید در حج هستند و این آسیب بسیاری بزرگی است. درست است که در روایات آمده است که وقتی کسی از حج برگشت، حتما هدایایی را با خود بیاورد، اما نگفتند تمام وقتشان را صرف خرید بازار کند. این محقق علوم اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: آسیب دیگر این که وقتی دانشجویان و یا حتی مردم عادی به حج می روند، وهابیت به شدت فعالیت می کند و کتاب ها و جزوه هایی را به زبان فارسی در اختیار زائران قرار می دهد و باید این اعمال پیشگیری شود، بدین گونه که مهم ترین شبهات وهابیت به وسیله مبلغان بیان و نقد شود که وقتی دانشجویان به آنجا می روند نسبت به این شبهات پاسخگو باشند.

بندگی است، ولو حکمت های جزئی هم در عبادت است که بخشی از آن را هم بیان کردم.

این محقق علوم اسلامی در مورد آسیب های مراسم حج، تصریح کرد: آسیب های متعددی مراسم حج ما دارد، یکی از آسیب ها این است که حج برای عده ای سفر عادی سیاحتی و زیارتی شده است و آن روحیه عبودیت و بندگی عملا تضعیف شده است؛ لذا اساس عادی سازی این سفر از آسیب های آن است.

این مدرس حوزه و دانشگاه، توجه صرف به ظواهر اعمال و غافل شدن از باطن اعمال را از آسیب های مهم ایام حج دانست و عنوان کرد: باید مبلغان همراه کاروان ها به زائران حج، معرفت به حج و خدا، بیان کنند و صرفا هم و غمشان این نباشد که اعمال تتمع و یا عمره را مشرف شوند. این رفتار روحیه تعبد را تضعیف می کند و نباید عمل مقدسی؛ مانند حج، سفر زیارتی سیاحتی تلقی شود. نباید صرفا هم و غممان این باشد که اعمال فقهی حج درست انجام شود، و البته این لازم است، ولی حج ابعاد اعتقادی و اخلاقی دارد، باید این ها حتما تذکر داده شود.

مؤلف کتاب «انتظارات بشر از دین» آسیب دیگر را متوجه کثرت

معاون فرهنگی

جامعه‌المصطفی (ص) العالمية:

حج بزرگ‌ترین رسانه اسلام در مسیر اصلاح و بهبود زندگی بشر است



حجت‌الاسلام زارعان معاون فرهنگی – تربیتی جامعه‌المصطفی (ص) العالمية، با بیان این‌که حج رسانه‌ای است به قلمروکل دنیا و با نفوذ و جذابیت بهترین برنامه‌ها، گفت: این رسانه پاک و خالص، در مسیر اصلاح بشر و بهبودی زندگی اوست.



حجت‌الاسلام و المسلمین «محمدجواد زارعان»، معاون فرهنگی – تربیتی جامعه‌المصطفی (ص) العالمية در گفت‌وگو با ایگنا، به بررسی ابعاد و زوایای حج و فلسفه آن پرداخت و اظهار کرد: حج از جمله زیباترین و البته پیچیده‌ترین مراسم عبادی اسلام است که ابعاد و جوانب مختلفی را در خود جای داده است. وجود همین ابعاد و لایه‌های متعدد است که فلسفه حج را تشکیل می‌دهد.

وی با بیان این‌که هر عبادتی که در دین مبین اسلام مورد توجه قرار گرفته است، تا حدودی رموز و رموز مشخصی دارد و بیان فلسفه آن چندان دشوار نیست، تصریح کرد: نماز، روزه، خمس، زکات، انفاق و جهاد در راه خدا منافع و آثار مشخصی همچون اقامه اصل عبودیت، دوری از شهوات، محبت با مستمندان، تعدیل ثروت در جامعه و دفاع در مقابل دشمن مهاجم دارد و برای ما قابل فهم است.

معاون فرهنگی – تربیتی جامعه‌المصطفی (ص) العالمية با بیان این مسئله که حج واقعا مسئله‌ای پیچیده است، عنوان کرد: تحلیل فعالیت‌های خاصی همچون دور کعبه گشتن، بین دو کوه صفا و مروه رفتن و بازگشتن، سر تراشیدن، رمی جمرات و... چندان آسان نیست و به همین دلیل است که بزرگان گفته‌اند که مهم‌ترین رمز نهفته در حج تعبد و سرسپردن به آن چیزی است که معشوق خواسته است، هر چند فهم آن برای عاشق ممکن نباشد و یا دشوار باشد.

وی با تبیین اولین و مهم‌ترین بنیاد فلسفی حج تصریح کرد: اولین بنیان را می‌توان تعبد نامید؛ تعبد بدین معنا که خداوند خواسته ببیند که آیا بنده او آمادگی دارد همان کاری را که از او خواسته است، انجام دهد؟ آیا بنده او به واقع سرسپرده مولای خود هست؟ آیا ما برای عبادت خدا هر بار تلاش ذهنی، تحلیلی و فلسفی خود را محور قرار می‌دهیم و یا این‌که اگر فهمیدیم خدا این را خواسته است، عاشقانه به دنبال آن می‌رویم؟

حجت‌الاسلام زارعان تعبد را به گونه‌ای مرتبط با آزمون امتحان و اختیار الهی دانست و گفت: تعبد در واقع نوعی آزمایش است، در روایتی از امیر مؤمنان علی (ع) است که فرمودند: «الا ترون ان الله سبحانه، اختبر الاولین من لدن آدم صلوات الله علیه الى الآخرین من هذا العالم باحجار لا تضر و لا تنفع، و لا تبصر و لا تسمع؛ آیا نمی‌بینید که خداوند بندگان خود را از آغاز تا به حال، با سنگ‌هایی امتحان کرده است که نه زیان دارد و نه سود می‌بخشد و نه می‌بیند و نه می‌شنود.» پس تعبد و

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: در کنار آثار فردی و معنوی حج، ویژگی مناسک حج در این است که بزرگ‌ترین و فراگیرترین آثار اجتماعی را در خود جای داده است و این همان خیری است که از حج عبادتی خاص ساخته است؛ یعنی حج در عین حال که بزرگ‌ترین و نافذترین آثار معنوی فردی را به دنبال دارد، از آثار اجتماعی بسیاری برخوردار است. منافع مادی، معنوی و اجتماعی، که منافع اقتصادی هم جزوی از آن است.

این کارشناس علوم تربیتی مهم‌ترین منفعت اجتماعی حج را مسئله تعارف و آشنایی مسلمانان با یکدیگر دانست و تصریح کرد: این‌که از اقصی نقاط دنیا انسان‌ها دور هم جمع شوند و در روزها و مکان‌های خاصی گرد هم آیند و در حداقل فرض آن یکدیگر را ببینند و جمعیت وسیع مسلمان را از نزدیک لمس کنند، بزرگ‌ترین منفعت اجتماعی حج است. افراد بسیاری هستند که در عمر خود تنها یک مسافرت دارند و آن نیز مسافرت برای برگزاری مراسم حج است. در آنجا انبوه مسلمانان با رنگ‌ها و نژادها و زبان‌های مختلف را می‌بینند که همه یک صدا و یک شکل و یک لباس خدا را می‌خوانند و خود را زائر و مهمان خدا می‌شمارند.

وی در بیان بزرگ‌ترین اثر اجتماعی حج گفت: این فرد مسلمان هم به عنوان قطره‌ای از دریا، در این دریای بیکران وارد می‌شود و ناخودآگاه خود را عنصری از این جمع بزرگ می‌بیند. بدون این‌که ویژگی خاصی برای خود قائل باشد. فرد در اینجا از فردیت خود کناره می‌گیرد و همه با هم جمع می‌شوند و «یکی» می‌شوند و این بزرگ‌ترین اثر و برکت اجتماعی حج است.

وی افزود: در کنار این اثر تعارف و آشنایی مسلمانان و خبرنگان و نخبگان از مسلمانان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی، اخلاقی، از آثار ویژه حج است. این‌که نخبگان مسلمانان فرصتی یابند تا در کنار عبادت الهی و در حرم امن خداوندی یکدیگر را زیارت کنند و حرف‌های خود را با یکدیگر رد و بدل کنند و درد دل یکدیگر را بشنوند و از این جمع بزرگ عاشقی، جمعی علمی، سیاسی، اجتماعی بسازند، اثر بی‌بدیل حج است.

سرسپردگی و عاشقی و بندگی خالص، اولین و مهم‌ترین رمز مراسم و مناسک حج است.

وی با بیان این مسئله افزود: در کنار این مسئله، نکات دیگری نیز هست که می‌توان آن‌ها را با استفاده از آیات قرآن و روایات نبوی و روایات اهل بیت (ع) جزو فلسفه حج دانست و از آثار حج برشمرد. یکی از این نکات، اثری است که در هر عبادت دیگر نیز وجود دارد و آن غفران و رحمت الهی است. آن‌گاه که انسان در درگاه الهی حاضر می‌شود و خود را به عنوان بنده او معرفی می‌کند، او را می‌پرستد، عبادت می‌کند و از گناهان و سرپیچی‌های خود در مقابل او عذرخواهی می‌کند. از ناسپاسی‌های خود در بقای این همه نعمت بی‌شمار او می‌گوید و بر آن شرمند می‌شود، ثمره این عمل در درگاه خداوند مهربان و کریم و بخشنده این است که بنده خود را مورد عفو و رحمت و بخشش قرار دهد و او را به بارگاه خود راه دهد و مهر قبولی و پذیرش را بر اعمال او زند.

عضو گروه روانشناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: این غفران و رحمت الهی یک اثر معنوی و البته فردی است. حج نسبت به عبادات دیگر ویژگی خاصی دارد و آن این‌که زائر بیت‌الله به عنوان مهمان تلقی شده است و به تعبیری خداوند وظیفه خود دانسته است که مهمان خود را اکرام کند، این نکته برای روزه‌داران ماه مبارک رمضان نیز هست.

وی با اشاره به احادیثی که حاجی را مهمان الهی معرفی می‌کند، اظهار کرد: در حج گفته شده است که حاجی، چه در حج تمتع و چه در عمره مهمان خداست. «الحاج و المعتمر وفد الله و حق علی الله تعالی ان یکرم وفده» یا در جایی دیگر گفته شده: «حق الحج ان تعلم انه وفاده الی ربك و فرار الیه من ذنوبك و فیه قبول توبتك و قضاء الفرض الذی اوجبه الله علیك؛ حق حج آن است که بدانی به آستان پروردگارت وارد شدی و فرار از گناهانت به سوی اوست، این سفر پذیرش توبه و ادای واجباتی است که از توقضا شده و خدا بر تو واجب کرده بود». پس حج مهمانی خدایی، و طبیعی است که میزبان، مهمان را پذیرایی کند و اگر با او در گذشته هم مسئله‌ای داشته است، امروز می‌بخشد و نادیده می‌گیرد.

در کنار آثار فردی و معنوی حج، ویژگی مناسک حج در این است که بزرگ‌ترین و فراگیرترین آثار اجتماعی را در خود جای داده است و این همان خیری است که از حج عبادتی خاص ساخته است

سوی دین اول شدن پیش می‌رود و حتی در کشورهایی به عنوان یک تهدید جمعیتی به شمار آمده است. از نظر باطنی و تقلیدات دینی و رفتاری نیز به هر حال مسلمانان در مقابل هجمه بزرگ و برنامه‌ریزی شده و گسترده دشمن، هویت دینی خود را نه تنها حفظ کرده، بلکه افزایش داده و استحکام بخشیده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) خاطر نشان کرد: امروز به لطف خداوند جوانان بی‌شماری از مسلمانان در گوشه و کنار دنیا هستند که به رغم آوازه‌هایی که گوش فلک را کر کرده و رنگ‌های جذاب شهوت پرستان و وعده و وعیدهای دروغین دشمن که همه جا را فرا گرفته، هویت خود را در همان مناطق به شدت حفظ کرده و از آن دفاع می‌کنند و یاران خود را در این مسر افزایش داده‌اند.

وی یادآور شد: آیا این هویت دینی و اسلامی و تقیدات رفتاری فردی و اجتماعی را نمی‌توان دست کم از آثار همان مراسمی دانست که هر ساله ندای جمعی مسلمانان را به گوش عالم می‌رساند؟ می‌توان سؤال کرد که آیا ما از این مراسم بزرگ بین‌المللی بهترین استفاده را برده‌ایم و آیا نمی‌توانستیم از این رویداد بزرگ بهتر استفاده کنیم. طبیعی است که حج در حد خود و تا زمانی که بشر آماده باشد، آثار خود را به جای می‌گذارد. چنین نیست که وقتی را به مهمانی رفتیم و مورد پذیرایی واقع شدیم و برگشتیم، همچنان

حجت‌الاسلام زارعان تصریح کرد: در اینجا است که اگر این مهم به خوبی انجام پذیرد، جمعیت‌های انبوه مسلمانان از یک سو به عبادت خداوند مشغول می‌شوند و از سوی دیگر لجنه‌ها و گروه‌های علمی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی مهمی می‌سازند که هر یک در حد و قلمرو نفوذ خود، آثار و برکات خاصی را در پی دارند.

معاون فرهنگی - تربیتی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه حج را رسانه جهانی عالم اسلام معرفی کرد و گفت: حج رسانه‌ای به قلمرو کل دنیا و با نفوذ و جذابیت بهترین برنامه‌هاست. رسانه‌ای که رقیب در خود نمی‌بیند و هیچ رقیبی توانایی رقابت با آن را ندارد. رسانه‌ای که مخاطب ویژه نخواهد داشت، قصد و غرض ورزی در آن نهفته نیست و در راستای خرابی دنیا و بشریت نیست. حج رسانه‌ای که در آن دروغ و تزویر و فریب نیست، فشار تبلیغات دروغین را در خود ندارد و رسانه‌ای پاک و خالص در مسیر اصلاح و بهبودی زندگی بشر است.

زارعان در پاسخ به این سؤال که به نظر شما اگر مراسم حج از ابتدای صدور دستور آن در اسلام تاکنون نبود، وضع جهان اسلام چگونه می‌شد؟، گفت: در پاسخ به این سؤال باید سؤال دیگری را مطرح کرد که آیا بخش مهمی از تقیدات مسلمانان به آداب اسلامی و اعتقادشان به اینکه امروزه، جمع بزرگ دینی دنیا هستند را نمی‌توان از آثار و منافع حج برشمرد؟ اگرچه نمی‌توان گفت اگر حج نمی‌بود چه می‌شد، اما حداقل می‌توانیم این نگاه را تأیید کنیم که جهان امروز اسلام نسبت به گذشته از لحاظ ظاهری و کمی و مقداری، رشد شگفت‌آوری داشته است.

وی افزود: در مواردی آمار مسلمانان چندین برابر شده است و در مناطقی و کشورهایی از دنیا به

می بیند که حکایت از این دارد که مسلمانان به قلب خود با یکدیگر در حال صحبت و گفت‌وگو هستند. مسلمانان از هر رنگ و نژاد و از هر منطقه و کشوری که باشند همدیگر را می‌فهمند، درک می‌کنند و حرف واحدی دارند و این از نگاه آنان مشهود است. دشمن ظاهری همانند دشمن باطنی و شیطانی که مانع رشد انسان و یا فریبکاری وی می‌شود، موانع رشد انسجام و اتحاد مسلمانان را فراهم می‌کند و حتی در مواردی خاص از هم‌پاشیدگی مسلمانان را موجب می‌شود. طبیعی است که دشمنان اسلام نمی‌خواهند مسلمانان با هم یکی باشند. برای رسیدن به این هدف و از هم‌پاشیدگی مسلمانان یا باید جمع‌ظاهری آنان را برهم‌زنند و به عنوان نمونه نگذارند تا حج برگزار شود و یا باید به شکلی تلاش کنند که حج آن اثر واقعی خود را نداشته باشد.

وی افزود: به خاطر همین مسئله است که یک مسلمان در حج به سختی هم‌نوا و هم‌صدای خود را پیدا می‌کند و به سختی می‌تواند در مورد دشمن خود و راه‌های دشمنی او سخن بگویند. به سختی می‌توانند از دشمن خود بی‌زاری بجویند و اعلام براثت کند. اما مسئله مهم‌تر این است که دشمن نمی‌تواند رابطه قلبی مسلمانان را از یکدیگر بگیرند و این فرد مسلمان است که باید برای حفظ آن تلاش کند. زارعان در پایان با اشاره به این‌که در روایات ما، اتمام و اکمال حج به گره‌زدن آن به زیارت امام زمان (عج) است، خاطرنشان کرد: اصولاً یکی از آفاتی که امروزه مسلمانان و زائران بیت‌الله در زمینه برکت اجتماعی حج بدان دچارند، نداشتن یک محوریت و رهبری فراگیری است که در کنار ویژگی‌های طبیعی و مذهبی خود، مسلمانان بتوانند حول آن اجتماع بزرگ خود را شکل دهند.

در حالت بیمه بمانیم. این مسئله بستگی به اراده ما دارد؛ اگر ما آن حالت دوستی و عاشقی را حفظ کنیم، خداوند هم‌رشته محبت خود را محکم‌تر می‌کند و اگر ما غفلت و رزیم طبیعی است که از درگاه الهی رانده می‌شویم. زارعان با اشاره به این‌که هیچ‌کدام از عبادات این چنین نیست که انسان با یک یا چند بار انجام دادن، تا آخر عمر بیمه و ضمانت شود، تأکید کرد: اراده انسانی و تقید او به ادامه دادن رفتار پسندیده و غفلت‌ورزیدن او، شرط اساسی این تأثیرپذیری است. باید توجه داشت که راه‌های شیطان و فراموشی انسان بسیارند، به‌ویژه امروزه و در عصر حاضر که راه‌های فریب شیطان بیشتر شده است. اما حج و عبادات دیگر زمینه و بستر رشد انسان را فراهم می‌کند. راه آشنایی با خداوند کریم را باز می‌کند، چشم انسان را بینا و گوشش را شنوا می‌کند. همین گوش و چشم و قلب در معرض خطر هستند و انسان است که باید مواظب آن‌ها باشد.

معاون فرهنگی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه در پاسخ به این پرسش که راه‌کارهای قرآنی برای استحکام وحدت مسلمانان بعد از حج چیست؟، گفت: در مورد عدم انسجام مسلمین بعد از حج نیز همین مسئله مصداق پیدا می‌کند، زیرا اگر حج نبود همین تعداد انسجام وجود نداشت. انسجام امر قلبی است و اگر دشمنان بگذارند و رهبران و نخبگان مسلمان نیز بیدار باشند، قلوب مسلمانان با هم است و به سرعت همدیگر را پیدا می‌کند. در حج انسان موارد و مصادیق زیادی

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: حج عرصه‌ای است که انسان را به ناب‌ترین مراحل توحید می‌رساند



حجت‌الاسلام مبلغی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است.

فرازمانی بودن حج به این معناست که مخصوص به یک نسل نیست و هر نسلی از بشر که پا به عرصه وجود گذاشته و یا خواهد گذاشت، با حج و فرصت حج روبروست. برای حل مسائل کلان جامعه ضرورت پیوند این مسائل با معنویت غیرقابل انکار است؛ یعنی مسائل بشر مسائلی است که باید در پیوند با معنویات اتفاق بیافتند و شکل بگیرد و هیچ امری به جز حج و برنامه حج نمی‌تواند این سنخ از مسائل کلانی را که لازم است از خواستگاه‌های دینی و معنوی حل شود و شکل بگیرد، بی‌نیاز باشد.

حج فرازمانی است؛ یعنی برای همه نسل‌هاست، حتی قبل از حضرت ابراهیم (ع) حج وجود داشته و از ابتدای خلقت که انسان آفریده شده این خانه نیز برای مردم قرار داده شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَرًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارك و برای جهانیان [مایه] هدایت است. «اولین خانه وضع شده برای مردم خانه کعبه است. این

حج را عرصه‌ای دانست که با توحید شروع و پایان می‌یابد و روند آن را نیز توحید و دست‌مایه‌های توحیدی و دوری از شرك و کفر تشکیل می‌دهد و انسان را به ناب‌ترین مراحل توحید می‌رساند.



حجت‌الاسلام و المسلمین «احمد مبلغی»، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مسئول مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، درباره مسئله حج، با ایکننا، به گفت‌وگو نشست که مشروح آن از نظرتان می‌گذرد.



لطفا جهان‌شمولی حج از منظر قرآن کریم را توضیح دهید!

حج با کلمه ناس و مردم در قرآن کریم همراه و مقارن شده است و حج اصولاً برنامه‌ای برای یک مجموعه و بخشی از مردم نیست، بلکه برنامه‌ای فراگیر و متوجه به همه مردم و برای مردم و هم برخوردار از منافع عظیم و تمام‌نشدنی برای مردم است، در حقیقت اگر بخواهیم توضیح بیشتری بدهیم، حج یک برنامه گسترده فرازمانی و فرامکانی

صفا و مروه که جزو بخشی از برنامه حج هست، جزء شعائر خداست، حج متضمن و حاوی و دربرگیرنده مجموعه‌ای از برنامه‌هایی است که هر کدام به تنهایی یک جنبه شعاری و رنگ خدایی را دارند. همچنین می‌دانیم که نقش شعائر در زندگی مادی یک نقش اساسی و تأثیرگذار است، یعنی اگر زندگی مادی عاری از برنامه‌های معنویت‌بخش باشد و یا واجب برنامه‌های معنوی فاقد شعار معنوی باشد، جامعه قطعاً به بیراهه می‌افتد و قطعاً در مسیر انسانیت و تکامل و تقرب خداوند قرار نخواهد گرفت و حتماً باید برنامه‌های معنوی باشد و حتماً باید در ذیل فرصت شعائر و فرصت پررنگ شعائر خداوند این برنامه‌ها انسجام و کارکرد پیدا کند، کارکرد معنویت بدون شعائر معنا ندارد، بدون وجود ایام الله، بدون وجود مکان‌های مربوط به خداوند، بدون وجود شعائر اصلاً معنا ندارد.

بنابراین اولین کارکرد حج این است که جنبه شعائر الهی دارد و این جنبه دم به دم خداوند، اندیشه خداوند و اندیشه خدایی داشتن را به جامعه تزریق می‌کند. توجه به کرامت‌ها و عنایت‌های خداوند و مغفرت و بخشش خداوند و به تعبیر دیگر لمس کردن خداوند در حج اتفاق می‌افتد، همچنین یک بعد شعائری دارد که این بعد شعار بودن از طرف خداوند بسیار مهم و تأثیرگذار است.

کارکرد دوم حج این است که به صورت نمادین و رمزگونه حیات بشری را در ارتباط با وظایف دینی شکل و شمایل می‌دهد و به صورت عینی و عملی انسان را از دنیای ماده به دنیای معنویت منتقل می‌کند. این غیر از جنبه شعائری است، جنبه شعائری این است که فی نفسه بر انسان تأثیر بگذارد، اما در کارکرد دوم بحث در مورد قراردادهای حج و برنامه‌های حج به صورت جزئی‌تر است، هر کدام از برنامه‌های حج به صورت رمزگونه و نمادین شکل گرفته‌اند و این نماد و رمز امکان انتقال سریع و پرشتاب انسان را از فضاهای مادی به فضاهای معنوی و گره زدن این فضاها به هم را ایفا می‌کند.

به غیر از حج برنامه‌های عبادی دیگر این‌گونه نیست، اما در نماز قدری حالت‌های نمادین وجود دارد، اما به این پررنگی، گستردگی و فراگیری و پوشش‌دهی که در حج به چشم می‌خورد، اصلاً وجود ندارد و بنابراین یکی از فوایدش این است که چنین فرصت انتقال سریع را فراهم می‌کند. این دو کارکرد کارکرد معنوی بوده و البته کارکرد دوم قدری خدمت به مادیت هم بوده، چون مادیت را زیر پوشش معنویت می‌برد و طبعاً مادیتی که به معنویت کمک می‌کند بهتر می‌تواند شکل بگیرد.

کارکرد سوم حج این است که در حج یک فرصت‌های ویژه متفاوتی قرار داشته شده است، متفاوتی یکی به این معنا که از فرصت‌های عادی و

خانه خداست که برای مردم وضع شده است، از آغاز خلقت این خانه وضع شده و از آغاز خلقت انسان هم برنامه حج وجود داشته است، منتها با جمعیت‌های کمی که در ابتدا بودند و بعدها گسترش یافت.

حج و خانه کعبه اختصاصی به حضرت ابراهیم (ع) و برنامه شکل گرفته‌ای از زمان حضرت ابراهیم (ع) نیست، از آغاز چنین برنامه‌ای وجود داشته است و فرازمانی و فرانسلی است و اختصاصی به هیچ نسل، پیامبر و امتی ندارد، بلکه همه زمان‌ها را درنوردیده و در خواهد نوردید. تا انسان بر روی زمین هست، این بیت خداوند برای انسان قائم، سرپا و استوار خواهد ماند. بخش‌های اساسی، اصلی و تأثیرگذار رابطه خداوند با انسان در حج و در کنار خانه خداوند و به تعبیر دیگر خانه مردم شکل می‌گیرد.

حج فرامکانی است؛ یعنی اختصاصی به منطقه، مکان و یا جغرافیای خاصی ندارد، همه انسان‌ها در هر کجای این کره خاکی که زندگی می‌کنند، باید ارتباط معنوی خودشان را با حج و خانه خدا تعریف کنند و استحکام ببخشند و از فیوضات و معنویات و حتی برنامه‌ریزی‌ها و منافع اقتصادی، سیاسی و ... حاصل کنار این خانه خدا و در قالب برنامه حج منتفع شوند، این نشان می‌دهد که فرامکانی است.

جهان‌شمولی حج را باید به این دو معنا یعنی فرازمانی و فرامکانی گرفت، یعنی حج برای تمام جهان انسانیت است. همه انسان‌ها در همه عرصه‌ها و همه انسان‌ها در همه مکان‌ها با فرصت بزرگی به نام حج روبرو هستند و ضرورت دارد که این برنامه را احیا کنند و در قالب آن خویش را حاضر و تعریف کنند و حیات زندگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... خویش را در قالب این برنامه عظیم بازسازی کنند و یا شکل و جهت هویت ببخشند.

پیام، سر و ثمرات حج از منظر قرآن کریم را تبیین کنید!

حج دارای کارکردهای مختلفی است، این کارکردها را می‌شود به صورت ریز برشمرد: اول اینکه اصولاً حج در صدر و در رأس شعائر خداوند قرار گرفته است، یعنی یک رنگ خدایی و یک شعار الهی را به صورت بسیار برجسته در پیشانی خودش دارد. شاید هیچ برنامه‌ای به اندازه حج از این جنبه شعار بودن برای خداوند برخوردار نباشد، چون حج مجموعه‌ای از شعائر است، «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» در حقیقت صفا و مروه از شعائر خداست [که یادآور اوست] پس هر که خانه [خدا] را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که افزون بر فریضه کار نیکی کند خدا حق شناس و داناست.»

رنگ هم رنگ بندگی باشد و بندگی را خواستگاه تزریق سیاست به جامعه قرار دهد و این در جای دیگر مشاهده نمی‌شود.

چنین فرصتی نیست که همه یک جا در یک سطح با یک شکل، در یک اندازه و بدون مزیت در کنار هم بدون حتی مجادله، نوعاً افراد دارای قدرت ممکن است صحبت با غیر نکنند، اگر هم می‌شود در یک فضای پرمجادله صورت می‌گیرد، اما در حج با حذف تمام امتیازها و ایجاد یک فضای صمیمی و همسان و هم‌سطح و ایجاد سیاست و شکل دادن به سیاست از اینهاست، البته این یکی از ابعاد سیاسی حج است که باید توسط جامعه اجرا شود تا از برکاتش استفاده کند.

از جنبه‌های سیاسی دیگر حج این است که در حج ما باید وقتی که بر گرد خانه خدا می‌گردیم و بندگی او را صرفاً و به طور انحصاری در حج تمرین و تجربه و تکرار می‌کنیم و کلمه «وحده» و «لبیک» در آنجا بیشترین و تنهاترین ادبیات را شکل می‌دهد، طبیعی است که باید با دشمنان و کسانی که آن راه را نمی‌پسندند و موانعی بر سر این راه هستند با آنها هم از سرستیز احیانا و مقاومت در برابرشان برخاست.

حج به نوعی تجسم اصول عقاید اسلام است، چگونگی نمود این

اصول در مناسک حج را بیان بفرمایید!

بخش برائت و تبری به معنای دقیق در اینجا شکل می‌گیرد و اتفاق می‌افتد که باید تمرین شود، در آنجا بر گرد خدا شکل می‌گیرد و سیاستی که به دور از خدا و یا حذف خدا انجام می‌گیرد، سیاستی که ارتباطی با یکسانی و همراه بودن با مردم و حذف مزیت‌ها و خدمت به مردم شکل نگرفته حذف می‌شود؛ لذا حج سایه سنگین خود را روی این حوزه به درستی نیانداخته و ما از رفتن در نسیم این تأثیرگذاری اجتناب کردیم.

نسبت به اقتصاد هم همین طور است. حج جایی است که منابع جهان اسلام گره خورده است. همیشه اقتصاد جهانی با حضور نهادها، افراد و یا نمایندگانی از جهان اسلام رقم می‌خورد؛ چون در حج همه شرکت می‌کنند، آنجا محل اتفاق و اجتماع و مرور بر اقتصاد جهان اسلام است و بنابراین باید برنامه‌ریزی‌های مناسبی اتخاذ شود و قراردادهایی انجام گیرد و برنامه‌ها و پروژه‌های مختلفی در اینجا طرح شود.

انسان‌های مختلف با موقعیت‌های اجتماعی مختلف و از نقاط مختلف جهان در حج حضور دارند که باید کنار هم بنشینند و این را گره بزنند. از حیث فرهنگی هم به نظر من، اصولاً کارکرد حج فرهنگ است؛ چون انسان مسلمان همه غیر ارزش‌ها را عملاً کنار می‌گذارد و

معمولی فراتر می‌رود، نمونه‌ای از مراسم حج، ماه رمضان است. ماه رمضان هم یک فرصت متفاوتی است، به این معنا که بشر فراتر از یک روند عادی به عبادت می‌پردازد.

عبادت تعریف خاصی دارد، اما در ماه رمضان خواب انسان عبادت است، قاعدتاً خواب انسان نباید عبادت باشد، اما چون ماه رمضان یک فرصت متفاوتی است، خواب عبادت محسوب می‌شود. نفس زدن‌های بی‌اختیار و قهری و جبری انسان در تعریف عبادت غیر متفاوتی نمی‌گنجد، اما در فرصت متفاوتی یک ماه رمضان به یک عبادت تبدیل می‌شود.

حج، رمضان و شب قدر یک فرصت متفاوتی است، نسیم شب قدر با نسیم‌های معنوی عادی متفاوت است. شب قدر هم دقیقاً یک فرصت متفاوتی است، همین که ما در شب قدر از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد که حج را در آن سال به جا بیاوریم، چون هر دویشان در این جنبه مشترک هستند که دو فرصت متفاوتی یکی هستند که خداوند به صورت ویژه با رحمتی که داشته است، برای انسان قرار داده است، لذا به خصوص در عرفات، عرفات یک فرصت متفاوتی یکی فوق برنامه و روال عادی است که برای انسان لحاظ شده تا یک دفعه ارتقا پیدا کند، یعنی عرفات برای یک انقلاب دفعی و متحول‌سازی لحظه‌ای انسان از حالتی به حالت دیگر که همان حالت معنویت و به تعبیر دیگر لمس خداوند است، چیز عجیبی است.

از دیگر کارکردهای حج که جنبه‌های اجتماعی دارد و به اصطلاح بعد تأثیرگذاری حج بر اجتماع است، با همه لایه‌های اجتماعی. لایه سیاست، لایه اقتصاد و ... حج اگر به درستی شناخته شود و به خوبی مورد برنامه‌ریزی و آگاهی و شناخت دقیق اجتماعی قرار بگیرد و در چارچوب یک نگاه هوشمند و پرشعور و آگاهی حج را قرار دهیم، حج دارای یک کارکردهایی در صحنه اجتماع است که ویژه خود حج است و هیچ برنامه دیگری قادر به انجام این نقش‌ها و کارکردهایی که حج است، نیست.

در حوزه سیاست یک تصفیه‌سازی ناب و روند بی‌پیرایه‌سازی و ایجاد صفا و صمیمیت درست سیاسی را ایجاد می‌کند، چون سیاست همیشه در معرض فروغلتیدن به مشکلاتی است، فروغلتیدن در اموری که با فطرت انسانی و صداقت انسانی و بندگی انسان در حضور خداوند بسیار مرتبط است. سیاست به رغم ضرورتش این مشکلات را هم دارد.

حج دارای کارکردی است که فرد سیاسی و غیرسیاسی را در یک جبهه قرار دهد به شرطی که به درستی عمل شود و قدرتمند و حاکم را در کنار مردم عادی و شهروندان دیگر در کنار یکدیگر و در یک صف قرار دهد و این توانایی را دارد که رنگ معنوی را به همه بدهد و این

عظیم دارد.

البته ما عادت کردیم که موانعی بر سر راه تسری حج به جامعه فراهم آوریم و یا اقتضائات این تسری را که شرط لازم تسری و سرایت فرهنگ به جامعه است را فراهم نکنیم، این‌ها باید برنامه‌ریزی شود، خود پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) نیز برای حج برنامه‌ریزی داشتند و بدون برنامه هیچ امری را نمی‌توان اجرا کرد. قرآن می‌تواند جامعه را هدایت کند، اما مادامی که برنامه‌ریزی نشود، هدایت اتفاق نمی‌افتد، حج نیز همین‌طور است، کارکردهای جهانی و عظیم و اساسی و همه‌جانبه و چندگانه‌اش با ایجاد بسترهای مناسب و برنامه‌ریزی برای اجرای این برنامه‌ها و رفع موانع راه صرفاً انجام پذیر است.

با توجه به این‌که توحید به عنوان کلمه سوا (آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران) و حج نیز نمایش عظیم مسلمانان برای نشان دادن این توحید و یگانگی است، چگونه می‌توان با توجه به آیه ذکر شده، آموزه حج را در سیطره يك وحدت جهانی نمایش داد؟
اگر تحولات بزرگ رادر زمان پیامبر اسلام (ص) مرور کنید، متوجه می‌شوید

يك مجموعه ارزش را تماما با هم در حج مرور می‌کند. فرهنگ به شکل دسته جمعی و با هم شکل می‌گیرد؛ یعنی تا مادامی که امری به شکل جمعی و اجتماعی نشود، فرهنگ نیست.

در حج تمام ضد ارزش‌ها کنار گذاشته می‌شود و اگر کسی بخواهد به دنبال آن برود زمینه‌ای هم وجود ندارد و همه ارزش‌ها به صورت پررنگی محور قرار می‌گیرند و لذا سایه فرهنگ حج را باید در سر جامعه گستراند و چشمه جوشان فرهنگ را از آنجا باز کرد و مایه حیات فرهنگ را در کل بدنه جامعه سرازیر و جاری کرد.

با توجه به این‌که عبادات گروهی، اهداف خاصی علاوه بر تقرب به خداوند دارند، هدف حج چیست؟

حج بهترین فرصت است برای این‌که بفهمیم فرهنگ یعنی چه، فرهنگ ناب غیر آمیخته یعنی چه و چگونگی ارزش‌گذاری بر فرهنگ به چه معناست. در حج سایه سنگین فرهنگ در جامعه لمس می‌شود و بنابراین يك مدل کاملاً آماده تمام عیار با حضور افراد جامعه و از هر سنخ و تیپ با محوریت خداوند شکل می‌گیرد؛ لذا حج يك کارکرد فرهنگی





که بسیاری از آن‌ها در حج رقم خورده است. به غیر از پیمان عقبه، امامت امام علی (ع) در سایه حج و فرصت‌های شکل گرفته در کنار حج ابلاغ شد.

بحث برائت يك بحث اجتماعی است، برائت يك تحول و رویکرد و يك جهت‌گیری سیاسی است، آن قدر پیوند حج با مسائل کلان جامعه جدی و غیر قابل رد و اغماض بوده که ادبیات دینی بر این اساس شکل گرفته، همچنین در روایات داریم که حتی خبر و صحبت از قیام مصلحی به نام امام مهدی (عج) در زمانی اتفاق خواهد افتاد که آن زمان در دوره‌های تکاملی تاریخ به آخر الزمان تعبیر می‌شود، این مسئله و ندای مصلح، در حج اتفاق می‌افتد. نمی‌شود برنامه‌های کلان اجتماعی در دین برای مردم و جامعه و بشریت پیش آید و پای حج و نام حج و پایگاه حج در میان نباشد، این يك امر پذیرفته شده و نهایی شده‌ای است و ادبیات دین بر این اساس شکل گرفته است.

امامان معصوم (ع) هم در زمان حج کارهای بزرگی انجام می‌دادند، حج خواستگاهی بود برای این‌که مسائل علمی به گفت‌وگو گذاشته شود، حج در عین حال که جایگاهی است برای تأمین منافع سیاسی و تأمین منافع اقتصادی و تأمین فرهنگ اجتماعی، جایگاه و پایگاهی هم برای تبادل و حوار علمی و طرح مسائل علمی مورد نیاز برای جامعه است؛ یعنی همه این‌ها در حج‌های صدر اسلام وجود داشته است، اما رفته رفته در گذر زمان از این ادبیات فاصله گرفتیم.

اگر به

گذشته باز بازگردیم؛ می‌بینیم

که ادبیات حاکم بر حج يك ادبیات اجتماعی و مردمی است، در ادبیات قرآن، حج يك امر فردی نیست؛ رابطه‌اش رابطه کلانی است که يك طرف آن «ناس» قرار دارد و طرف دیگرش خدا، و طرف واسطه بین خداوند و ناس همین بیت خداوند است که به يك تعبیر بیت مردم است.

رفته رفته طی سال‌ها اگرچه تسهیلات و جنبه‌هایی از حج را توانستیم بروز دهیم، ولی حجی که در قرآن معرفی می‌شود، حج با کارکرد است، اگر حج در قرآن با داشتن کارکردهایی تعریف شده است، کارکردهای اجتماعی در سطح مردم، ما امروز حج را تبدیل به مناسک کردیم که قواعد شخصی فقط عاید انسان می‌شود، فرد به حج می‌رود و معنویت و فضای معنوی‌ای را تجربه می‌کند، به نظرم کارکردهای اساسی حج امروز نیازمند به برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزی به کمک چند کشور هم امکان‌پذیر نیست، در همه جهان اسلام شورای برنامه‌ریزی حج باید تشکیل شود و همه سران و نمایندگان جهان اسلام حضور داشته باشند، البته اگر قدرت اجرایش دست عربستان است،



ولی شورای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و نظارت تشکیل شود تا حج در آن بعد جهان شمول و فراگیر، تأثیرگذار شود.

یکی از موارد و فرصت‌های حج این است که اختلافات حداقلی بین فرق اسلامی درباره حج وجود دارد، در بسیاری از برنامه‌های دینی حقیقتاً مشاهده می‌کنیم که اختلافاتی بین شیعه و سنی وجود دارد که در ارتباط با حج و جوه مشترک خیلی بیشتر از جوه اختلافی؛ بنابراین این هم نشان می‌دهد که حج حداقل توانسته است در طول تاریخ بحث به اصطلاح مناسک و تعریف خودش را به منصفه ظهور برساند و از این جهت اگر ما مروری بر مناسک حج بین شیعه و سنی داشته باشیم، جز در مواردی خاص اختلافاتی نیست.

حج عرصه‌ای است که به اعتقادات اسلامی تبلور می‌بخشد و

همچنین

عرصه‌ای است که به

فروع دین نمود می‌بخشد؛ یعنی

ردیای اصول و فروع دین را می‌توان در حج مشاهده

کرد، اصولاً روح حج توحید است، توحید را اگر در هیچ جایی نتوان

صورت مجسم دید و مشاهده و ردیابی کرد، در حج نمود دارد، حج

عرصه‌ای است که از آغاز با توحید شروع می‌شود و پایان آن را نیز توحید

تشکیل می‌دهد و روند آن را نیز توحید و دست‌مایه‌های توحیدی و



نیز در حج نمود دارد، در حج انسان به مسئله‌ای فراتر از عدل؛ یعنی رحمت خداوند می‌رسد و خداشناسی انسان که بخشی از عدل است، در هیچ جایی به اندازه حج اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی کمتر بین انسان دارای آگاهی‌های عرفانی وقتی به حج می‌رود، با تجربه عرفانی باز می‌گردد، البته در سطح و حد خودش. بنابراین عدل‌شناسی هم در اینجا معنا پیدا می‌کند.

بحث امامت نیز در حج به عنوان تنها راهی که توحید را می‌شود به صورت دقیق پیگیری کرد، حضور جدی دارد، بحث رهبری سیاسی و امامت اهل بیت (ع) در اینجا به اندازه کافی حضور و ظهور دارد و انسان به هر حال مجموعه اعتقادات را می‌تواند در اینجا تمرین، مرور و تجربه کند.

فروع دین هم به نحوی در حج حضور دارد، حج به نوعی از جنبه‌های نماز تشکیل شده و جنبه‌های مربوط به روزه که تمرین بازداشتن خویش از بعضی از لذایذ، خواسته‌ها و تمایلات فردی و... است، در حج فراتر از زمان‌های معمولی پیدا است. بحث‌های دیگر؛ مانند زکات، تولی و تبری و... در حج به اوج می‌رسد. به هر حال در حج عظمت‌های تاریخی اسلام، و پیوند خوردن با گذشته و... را به نحوی می‌توان مشاهده کرد.

دوری از شرک و کفر تشکیل می‌دهد و انسان را به ناب‌ترین مراحل توحید می‌رساند.

بحث نبوت هم هست، انسان مسلمان در حج آموزه‌هایی را به انجام می‌رساند که پیامبر اسلام (ص) نهایی کرده و در اختیار گذاشته و تکلیف کرده، وانگهی که صحنه حج جلوه‌گاهی است که انسان به یاد نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص) می‌افتد و امتی را که پیامبر (ص) بنا کرد و کوشش‌هایی که پیامبر (ص) برای اجرای حج اسلامی کرد، آنجا به وضوح پیامبر (ص) خودنمایی می‌کند. افزون بر این‌ها در کنار حج بنا به دستور خود پیامبر (ص) باید به زیارت قبر پیامبر (ص) رفت و ارتباط وثیق با نبی اکرم (ص) و نوبت را مستحکم کرد. به هر حال حج بیانگر اصل نبوت نیز هست.

نمود بحث معاد هم در حج این است که خدا ترسی انسان اگر در مکان‌ها و زمان‌های دیگر به صورت احيانی و اتفاقی روی دهد، در آئینه حج و معاد بازگشت به خداوند و مراحل و مراتب روز قیامت در آنجا خودنمایی می‌کند و به شدت معاد در حج وجود دارد، بحث عدل خداوند



عضو مجلس خبرگان رهبری:

وهابیون از مطرح شدن اسلام ظلم‌ستیز در جهان هراسانند

حجت‌الاسلام هاشم‌زاده هریسی خاطرنشان کرد: وهابیون می‌خواهند در عرصه جهانی به راحتی زندگی کنند و اهداف خود را بدون هیچ دغدغه‌ای پیش برند لذا از اعمال تشیع و نیز مراسم برائت از مشرکین می‌ترسند که مبادا کارهای آنان به گوش دیگر جهانیان رسیده و بر آنان فشار وارد کند آنان از درد سر گریزانند.

این کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: در برابر این اعمال ما باید برای حفظ وحدت گام برداشته و کوشش کنیم و خود عامل برهم زدن وحدت نباشیم، آنان از اسلام و تشیع و آئین حنیفی که با بت پرستی مبارزه می‌کردند بیش از اسرائیل می‌ترسند این دردی اساسی است و به راحتی هم حل نمی‌شود.

حجت‌الاسلام هاشم‌زاده هریسی تأکید کرد: آنان نمی‌خواهند دشمنان اسلام یعنی آمریکا و اسرائیل را از خود برنجانند و نه تنها به دنبال راحت طلبی فردی هستند بلکه راحتی سیاسی، اجتماعی را نیز دنبال می‌کنند.

عضو مجلس خبرگان رهبری افزود: آنان دنبال این نیستند که حقیقت اسلام را به گوش جهانیان برسانند و ماب ارزه با اسرائیل را نیز صلاح نمی‌دانند و دنبال نمی‌کنند، حساسیت آنان به شیعه و تشیع و حج ابراهیمی حتی از اسرائیلی و یهودی هم بیشتر است، آنان از اسلامی که به شکل زنده در جهان مطرح شود و علیه ظالم فریاد کشد می‌ترسند.

وهابیون در انجام مناسک حج و دیگر موارد، از اسلامی که به شکل زنده در جهان مطرح شود و علیه ظالم فریاد کشد، در هراسند.



حجت‌الاسلام والمسلمین هاشم‌زاده هریسی، عضو مجلس خبرگان رهبری، در گفت‌وگو با ایگنا، هراس غرب و برخی کشورهای منطقه از مسئله برائت از مشرکین را مورد بررسی قرار داد و اظهار کرد: بیشتر وهابیون از نظر مذهبی و اعتقادی با مسائل روز و جهانی مخالف هستند آنان بسیار متحجرند و در مسائل عبادی و خصوصاً حج، برگزاری اعمالی خشک را طلب می‌کنند.

وی افزود: آنان حج را یک حرکت صرفاً عبادی می‌دانند و فقط به بیان الفاظ و ادای اشکال معتقدند و به ماهوی و معنویات فکر نمی‌کنند و آنان بر این عقیده‌اند که شکل عبادات را به جا آوردن کافی است و معتقد به انجام اعمال با ماهیت، فلسفه و اهداف جهانی نیستند و آن را خلاف اسلام می‌دانند.

وی در تکمیل این بخش از سخنان خود گفت: آنان هر حرکت اضافه‌تر از اعمال حج را شرک و بت پرستی می‌دانند و آن را با کفر برابر می‌کنند ولی این اعتقادی خشک و عاری از معناست در حالی که این برداشت از دین و اسلام در همه مسائل و شئون آنان جاری است و بر آن اثر گذاشته و مراسم حج را برای آنان به مراسمی بی‌جان و مرده تبدیل کرده است؛ اگر مراسمی جان داشته باشد با اعتقادات آنان همگام نیست.

رئیس ستاد عمره دانشگاهیان کشور:

آشنایی با معارف و اسرار حج بابتی برای کسب برکات اجتماعی آن است

اشارات قرآنی مرتبط با فریضه حج پرداخت و گفت: خداوند درباره فریضه حج در سور مختلف قرآن از جمله: آل عمران، نساء، حج، مائده و... صحبت کرده است.

وی آیات موجود در این سورا

نشان دهنده اهمیت و نگاه ویژه

خداوند به مناسک حج

دانست و افزود: حج از جمله

مناسکی است که به صورت جزئی

به آن پرداخته شده است و این در حالی

است که موضوعاتی نظیر نماز، روزه، وضو گرفتن و...

به صورت کلی در آیات قرآن مشاهده می شود.

فقیهی با اشاره به آیه ۲۷ سوره مبارکه حج که فرموده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ و در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند»، تصریح کرد: با استناد به این آیه حج بیش از آن که يك عبادت فردی باشد، عبادت جمعی است.

رئیس ستاد عمره دانشگاهیان کشور آشنایی نسبت به اسرار و معارف حج و سعی در کسب آن ها را از جمله راه کارهای ارتقای معنوی و کسب برکات اجتماعی حجاج دانست.



حجت الاسلام والمسلمین «سیدمحمد رضا فقیهی»، رئیس ستاد عمره دانشگاهیان کشور، در گفت و گو با ایکننا، با اعلام مطلب فوق، به

تأکیدات قرآن درباره یاد خدا نیز در ایام حج در برخی از سوره‌ها دیده می‌شود اما متأسفانه کمتر از ده درصد از برکات این سفر معنوی مورد توجه است و عوامل مختلفی مانع از این می‌شود که حجاج حظ کاملی از این فریضه کسب کنند.

وی آشنایی نسبت به اسرار و معارف حج و سعی در کسب آنها را از جمله راهکارهای ارتقای معنوی حجاج دانست و اظهار کرد: به عنوان مثال هنگام پوشیدن لباس احرام انجام ۲۴ عمل حرام تلقی می‌شود اما موضوع مهم این است که این محرّمات نمادین هستند و خداوند قصد دارد بدین ترتیب به انسان‌ها هشدار دهد که از خودخواهی، شهوت، خودنمایی و ... بپرهیزند.

حجت‌الاسلام فقیهی با اظهار تأسف از این مطلب که برخی از حجاج به پوسته حج بیشتر از هسته آن می‌پردازند، گفت: به عنوان مثال طواف از چپ به راست و به این معنی است که انسان از این لحظه بطور مداوم باید از انحراف به سوی راستی و صراط مستقیم رود از همین رو همه متولیان حج باید درصدد این امر باشند که حجاج را با این معارف آشنا کرده و این دغدغه را در آنها ایجاد کنند البته دستیابی به این مهم نیازمند فعالیت همزمان نهادهای فرهنگی ذیصلاح در امر حج و همکاری زائران است.

رئیس ستاد عمره دانشگاهیان کشور درباره حضور جوانان در تمتع برای افزایش سطح معنویت در جامعه افزود: مقام معظم رهبری از متولیان این امر خواستند جوانان را به سمت حج گرایش دهند که بحمدالله این اقدام نیز با استقبال دانشجویان مواجه شد لذا برنامه‌ریزی‌های سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری باید منعطف به این موضوع باشد.

وی تصریح کرد: در حال حاضر گروه سنی حاضر در حج تمتع میانسال و سالمند است اما به عقیده من باید راهکارهایی برای حضور جوانان در حج تمتع اتخاذ کرد چرا که این قشر با حضور در این سرزمین از نظر روحی و روانی متحول شده و علاوه بر آن با زبان بین‌المللی و تعامل با سایر حجاج دستاوردهای انقلاب را به ملل دیگر صادر می‌کنند.

فقیهی در پایان، درباره اینکه چرا ستاد عمره دانشگاهیان کشور این شرایط را برای جوانان مهیا نمی‌کند، اظهار کرد: کثرت متقاضیان و نوبت‌های طولانی تشریف از جمله دلایلی است که مانع از طرح این پیشنهاد به سازمان حج و زیارت شده است.

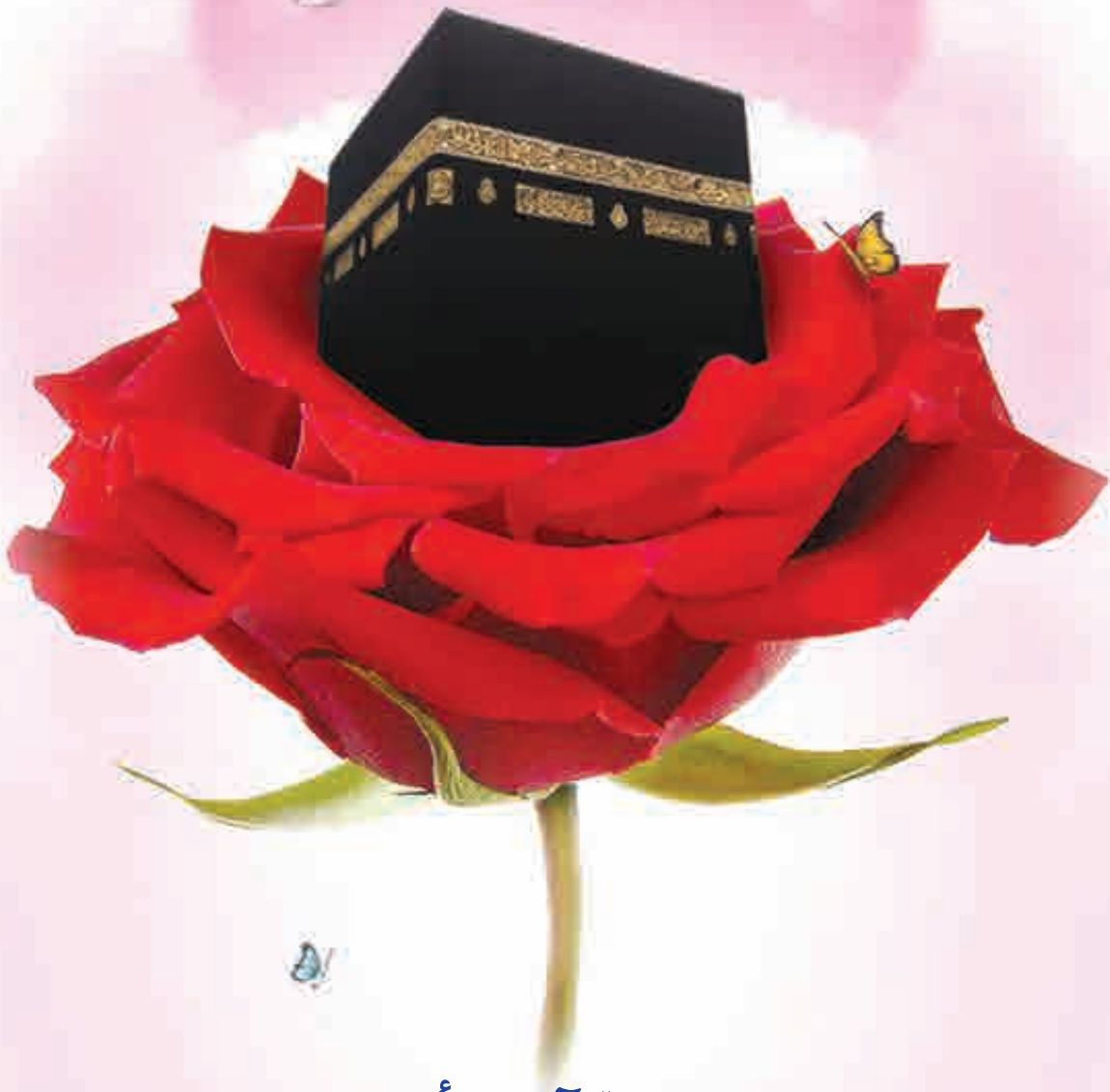
فقیهی در ادامه سخنان خود به تشریح آیه ۲۸ سوره مبارکه حج پرداخت و اظهار کرد: در این آیه نیز آمده است که «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَوَائِلَ الْفَقِيرِ؛ تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید» لذا منافع معنوی بسیاری در این سفر نهفته است که حجاج باید ضمن و پس از پایان در اندیشه کسب آن باشند.

رئیس ستاد عمره دانشگاهیان کشور با تأکید بر این مطلب که در فریضه حج به ندرت سکون وجود دارد، گفت: پوشیدن لباس احرام، سعی صفا و مروه، تقصیر، قربانی کردن، سنگ زدن به شیطان، رفتن به سوی منا و ... از جمله این مناسک است که هیچ‌کدام به صورت فرادی انجام نمی‌شود، لذا می‌توان از این مسأله نیز برای اولویت جمعی بودن فریضه حج بر شخصی بودن آن رسید.

وی همچنین حضور مسلمانان سایر کشورها را عاملی برای تعامل آنها با یکدیگر دانست که می‌تواند منافع و برکات بسیاری را برای کشورها به ارمغان آورد لذا می‌توان از آن به عنوان کنفرانس بین‌المللی یاد کرد.

حجت‌الاسلام فقیهی دشمن‌شناسی را از دیگر برکات اجتماعی حج عنوان و تصریح کرد: طبق آیه سوم سوره مبارکه توبه «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عُيُورٌ مَّعْجُزَى اللَّهِ وَبَشِيرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ این آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند با این حال اگر از کفر توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده» از همین رو طبق این آیه در این کنگره اسلامی می‌توان دوست را از دشمن تشخیص داد و حتما باید از دشمنان برائت جست.

این مسئول فرهنگی با تأکید بر این مطلب که خداوند بر روی هیچ‌واجبی همچون حج تمتع سرمایه‌گذاری نکرده است، افزود:



مدیر مرکز حفظ قرآن «الأسد» سوریه: دوری از مذهب‌گرایی مؤلفه برنامه‌های قرآنی در موسم حج است



«احسان بعدرانی»، مدیر مرکز حفظ قرآن «الأسد» سوریه و عضو شورای ریاست مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در گفت‌وگو با ایکنآ، در مورد «فعالیت‌ها و برنامه‌های قرآنی در موسم حج»، اعزام هیأت‌های قرآنی، قاریان و حافظان قرآن از کشورهای مختلف به مکه

گفت‌وگوی سران کشورهای عربی و اسلامی با مسئولان سعودی برای ابراز حسن نیت آنان در اجرای برنامه‌های قرآنی در موسم حج و خودداری مجریان فعالیت‌های قرآنی از اعطای صبغه مذهبی به برنامه‌ها، از راه‌کارهای مهم متقاعدکردن مقامات عربستان برای افزایش برنامه‌ها و نشست‌های قرآنی در ایام حج است.

و مدینه در موسم حج را يك مسئله بسیار ضروری دانست و گفت: مکه مکرمه مکان نزول وحی آسمانی و قرآن کریم است و مشارکت قاریان و حافظان قرآن در موسم حج چند مزیت مهم دارد که آشنایی هیأت‌های قرآنی کشورهای مختلف با یکدیگر، ایجاد الفت و دوستی میان حافظان و قاریان قرآن، استفاده از تجربیات قرآنی یکدیگر و رقابت میان آنان برای حفظ قرآن کریم از جمله محاسن اجتماع هیأت‌های قرآنی کشورهای مختلف در موسم حج است.

وی افزود: حضور حافظان و قاریان قرآن در موسم حج تمتع بسیار حائز اهمیت است، زیرا آنان کلام وحی، این قانون و دستور عظیم الهی را در سینه خود حمل می‌کنند و در محفل‌های عظیم قرآنی در موسم حج می‌توانند پیام و رسالت قرآن را به تمامی مسلمانان جهان منتقل کنند، تا مسلمانان جهان مفاهیم آن را در زندگی خود تطبیق دهند و از احکام قرآن به عنوان قانونی برای زندگی واقعی و انسانی خود بهره ببرند.

بعدرانی تصریح کرد: اگر نیت کشورهای اسلامی عربی از اجرای برنامه‌های قرآنی تحقق وحدت، برادری و الفت اسلامی باشد، این کشورها می‌توانند برنامه‌های قرآنی مشترکی در طی مراسم حج اجرا و از این برنامه‌های مشترک برای تحقق وحدت اسلامی بهره‌گیری کنند و فرهنگ عمل به دستورات قرآن را نشر دهند.

احسان بعدرانی که دکتری رشته الهیات و زبان عربی است، گفت: اجرای برنامه‌های قرآنی توسط کشورهای اسلامی در موسم حج نیازمند موافقت مقامات عربستان است، اما این به معنای این نیست که مسلمانان و سران کشورهای عربی و اسلامی در این زمینه وظیفه‌ای ندارند، بلکه مسئولان کاروان‌های حج و سران کشورهای اسلامی باید با مشورت و هماهنگی با مسئولان مکه و مدینه زمینه را برای برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های قرآنی ارزشمند که هدف آن وحدت امت اسلامی باشد، فراهم کنند.

این اندیشمند سوری در پاسخ به سؤال درباره این که ارائه فرهنگ اصیل اسلامی و قرآنی به مسلمانان در طول ایام حج نیازمند چه سازوکار و ابزارهایی است؟ گفت: برگزاری همایش‌ها، سخنرانی‌ها، دیدارها با مشارکت مسلمانان، حافظان و قاریان قرآن جهان اسلام در ایام ذی‌الحجه و پخش این برنامه‌ها از رسانه‌های تبلیغاتی و شبکه‌های ماهواره‌ای عربستان راه‌کار

مهمی در این زمینه است.

مدیر مرکز حفظ قرآن «الأسد» سوریه درباره ارزیابی وی از برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی کنونی در مراسم حج تصریح کرد: در حال حاضر، نشست‌ها و فعالیت‌های قرآنی محدودی در موسم حج در مکه و مدینه برگزار می‌شود که رضایت بخش نیست، زیرا برگزاری این فعالیت‌های قرآنی نیازمند کسب نظر موافق و دید مثبت مقامات عربستانی است و مسئولان مدینه منوره و مکه مکرمه باید زمینه و اطلاع‌رسانی لازم برای انجام فعالیت‌های قرآنی را فراهم کنند که البته جلب نظر موافق مسئولان مکه و مدینه نیازمند متقاعدسازی آنان از طریق گفت‌وگو و بحث و تبادل نظر در این زمینه است، در غیر این صورت با وجود دیدگاه نادرست مسئولان عربستان نسبت به فعالیت‌های قرآنی کشورها و عدم موافقت آنان در این زمینه، شاهد نوعی هرج و مرج و فتنه در موسم حج خواهیم بود و در این شرایط مفاسد بر منافع مقدم می‌شود.

بعدرانی در ادامه این گفت‌وگو، با اشاره به این که مراسم حج تمتع در سال تنها یک بار تکرار می‌شود، گفت: این اجتماع میلیونی مسلمانان فرصتی عظیم برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی و رساندن پیام و حیاتی قرآن به آنان است و کشورهای اسلامی باید تمامی ظرفیت‌های قرآنی خود را برای آشنایی مسلمانان جهان با این معجزه جاودان پیامبر (ص) ارائه دهند، زیرا بسیاری از مسلمانان در گوشه و کنار جهان از برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های قرآنی محروم هستند.

وی گفت: کشورهای اسلامی از جمله ایران نباید تعامل مردم عربستان و احیانا ناسازگاری برخی مسئولان عربستان را ملاک قرار داده و اجرای برنامه‌های قرآنی در موسم حج را امری دشوار توصیف کنند، بلکه مهم این است که کلیت مسلمانان و زائران بیت‌الله الحرام استقبال خوب و مفیدی از برنامه‌های قرآنی دارند.

احسان بعدرانی در پایان این گفت‌وگو و در پاسخ به پرسش خبرنگار ایکننا درباره راه‌کار وی برای متقاعد ساختن مسئولان عربستان در زمینه افزایش حجم کمی و کیفی برنامه‌های قرآنی در موسم حج گفت: اتخاذ شیوه گفت‌وگو، ابراز حسن نیت نیست کشورهای عربی و اسلامی برای انجام این طرح‌های عظیم قرآنی و این که، فعالیت‌ها و برنامه‌ها قرآنی صبغه مذهبی نداشته باشد، از جمله مسائلی است که می‌تواند در افزایش برنامه‌های قرآنی در ایام حج تأثیرگذار باشد.

حسین حمدان:

زمینه مطلوب اجرای برنامه‌های قرآنی در حاشیه موسم حج فراهم نیست

عنوان معجزه جاودان پیامبر(ص) وجود دارد، گفت: قرآن کریم مسلمانان را امت واحد می‌داند که آیه ۹۲ سوره الانبیاء «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید) مصداق این موضوع است، همچنین در مسأله چنگ زدن به ریسمان الهی، قرآن آیه ۱۰۳ آل عمران «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشدید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید) را ذکر می‌کند و پیامبر گرامی اسلام(ص) رانبی و رحمتی برای همه امت‌ها می‌داند: «.. وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است) و قبله که به سوی بیت‌الله الحرام است را قبله واحد تمامی مسلمانان می‌داند که امحسین حمدان در ادامه این گفت‌وگو به برخی موانع در مسیر برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در حج اشاره کرد و گفت: برخی کشورهای عربی و اسلامی به مردم خود اجازه نمی‌دهند که با سایر امت‌های اسلامی آشنا شوند، زیرا برخی از کشورهای عربی بدون اجازه آمریکا کاری انجام نمی‌دهند و این مسأله سبب شده که آمریکا بر توانمندی و ثروت ملت‌های مسلمان و سیاست آن‌ها سیطره داشته باشد، این در حالی است که جمهوری اسلامی می‌خواهد تعامل سازنده‌ای با ملت‌های منطقه داشته باشد که اعزام هیأت‌های قرآنی و قاریان به موسم حج با هدف نشر فرهنگ قرآنی و آشنایی میان قاریان جهان اسلام از جمله اقدامات ایران است.

در حال حاضر، زمینه مساعدی برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در حاشیه موسم حج وجود ندارد، زیرا مقامات سعودی با ترویج این موضوع که قرآن شیعیان قرآنی غیر از قرآن امت اسلام است از اجرای برنامه‌ها و نشست‌های قرآنی ایران در حاشیه موسم حج کارشکنی می‌کنند و برخی کشورهای عربی و اسلامی نیز برنامه‌ریزی خاصی برای اجرای فعالیت‌های قرآنی ندارند.



«حسین حمدان»، قاری و داور بین‌المللی لبنان، در گفت‌وگو با ایکننا، به واکاوی موضوع برنامه‌های قرآنی حاشیه موسم حج و موانع و مشکلات موجود در این زمینه پرداخت و درباره ضرورت ارسال هیأت‌های قرآنی از کشورهای عربی و اسلامی به مکه و مدینه در این ایام گفت: ارسال هیأت‌های قرآنی از کشورهای عربی و اسلامی به عربستان سعودی در موسم حج و اجتماع قاریان ایران در کنار قاریان عربستان و سایر کشورهای اسلامی طرح بسیار ارزشمندی است که باید مورد توجه بیشتر سران کشورهای اسلامی و مسئولان ذی‌ربط قرار بگیرد.

وی با اشاره این که انسان ذاتاً به سوی عمل خیر و صالح و آشنایی با سایر امت‌ها علاقه دارد همچنان که قرآن کریم در آیه ۱۳ الحجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است)، تأکید کرد: برنامه‌های قرآنی در حج می‌تواند نقطه تلاقی مسلمانان باشد، اما متأسفانه شیاطین و فتنه‌های استکبار پیوسته در اطراف قلوب انسان‌ها می‌چرخند و تلاش می‌کنند از ارتباط و آشنایی ملت‌های مسلمان ممانعت کنند.

این قاری لبنانی با تأکید بر این که معیارهای مشترک زیادی میان مسلمانان از قبیل عبادت خداوند یکتا، مناسک حج و قرآن کریم به

کشورهای اسلامی باید برنامه‌های آگاهی‌بخشی درباره احکام اسلام و قرآن در حاشیه مناسک حج برای مسلمانان کشورهای مختلف تدارک ببینند و این مسأله نباید تنها به ایران محول شود، بلکه عربستانی‌ها نیز باید دیدگاه روشنگرانه‌تری نسبت به مسائل امت اسلام و قرآن داشته باشند، زیرا قرآن متعلق به تمامی مسلمانان است و اگر مسلمانان به قرآن تمسک جویند بسیاری از مشکلات و موانعی که آنان را تضعیف کرده است، از سر راهشان برداشته می‌شود و پیامبر گرامی اسلامی (ص) تأکید داشت که مسلمانان در رنج‌ها و مشکلات باید به قرآن کریم تمسک بجویند و راه نجات در قرآن کریم است.

این داور بین‌المللی قرآن تأکید کرد: نشست‌های قرآنی در موسم حج فرصت مهمی برای استفاده از اجتماع و تلاقی مسلمانان است و از این همایش‌ها و برنامه‌های قرآنی باید سعودی‌ها نیز استقبال کنند، زیرا قرآن کریم کتاب واحد تمامی مسلمانان است و تعارضی با منافع آنان ندارد و مقامات سعودی نباید مشکلات و موانعی در زمینه برگزاری

وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که چگونه می‌توانیم از برنامه‌ها، همایش‌ها و نشست‌های قرآنی در ایام حج برای تحقق وحدت اسلامی یاری بگیریم؟ گفت: برنامه‌های قرآنی در موسم حج برترین راهکار برای رسیدن به وحدت اسلامی است و حضور قاریان ایران و جهان اسلام در موسم حج نقطه تلاقی میان امت‌های مسلمان است همان طور که خداوند متعال در سوره الحجرات آیه ۱۰ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید)، و اگر شعار این نشست‌ها این آیه قرآنی باشد وحدت محقق می‌شود، بنابراین حضور حافظان و قاریان ایرانی در کنار حافظان و قاریان سعودی در موسم حج تأثیر زیادی در از بین بردن کدورت‌ها و سوء تفاهم‌های موجود خواهد داشت.

حسین حمدان ارائه فرهنگ اصیل قرآنی و اسلامی به مسلمانان در طول ایام حج را نیازمند سازوکارها و ابزارهایی دانست از جمله این که



محفل‌های قرآنی در موسم حج ایجاد کنند. حسین حمدان در پاسخ به پرسشی درباره نحوه برخورد مسئولان عربستان با برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در موسم حج گفت: متأسفانه برخی مسئولان عربستان تحت تأثیر سیاست‌های وهابی تعامل نادرستی با قاریان قرآن ایران دارند و آن‌ها این موضوع را در میان مسلمانان ترویج می‌دهند که قاریان ایرانی از مسلمانان و حاملان قرآن کریم واحد تمامی امت اسلام نیستند، مسئولان عربستان در طول سال تبلیغات فراوانی انجام می‌دهند که شیعیان از مسلمانان نبوده و مشرک هستند. وی اضافه کرد: فعالیت‌های قرآنی اگر به شیوه صحیح اجرا شود، بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است



اجتماع قاریان و حاملان قرآن در موسم حج بسیار مفید است

و این طرح در آینده می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی داشته باشد.

این داور بین‌المللی قرآن در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا زمینه مساعدی برای برگزاری نشست‌های قرآنی مشترک میان کشورهای عربی و اسلامی در موسم حج وجود دارد؟ گفت: من معتقدم این زمینه بسیار ضعیف است، زیرا من در سفر به حج زمینه مساعدی برای اجرای برنامه‌های قرآنی مشاهده نکردم در حقیقت تنها ایران با وجود مضایقت‌های نیروهای امنیتی عربستان به برگزاری این نشست‌ها و برنامه‌های قرآنی مبادرت می‌ورزد، زیرا ایران بر اساس آیه ۱۰۴ آل عمران «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کارشایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند) خود را پرچمدار نشر اسلام محمدی ناب برای ایجاد آگاهی اسلامی می‌داند و شعار وحدت اسلام

و نشر مفاهیم قرآن در سراسر جهان را عهده دار شده است.

حسین حمدان، درباره راهکارهای از بین بردن شبهات و افتراءات درباره قاریان ایرانی و هیأت‌های قرآنی ایران گفت: باید نشست‌های اسلامی در حاشیه موسم حج برگزار شود، اما شیاطین و استکبار جهانی تلاش می‌کنند به جای برگزاری این نشست‌ها، بذرفتنه و تنش میان مسلمانان پیاشد و با ایجاد کینه میان مسلمانان مانع از برگزاری این همایش‌ها و نشست‌های تقریب‌گرا و وحدت‌آفرین شوند.

این قاری لبنانی در پایان این گفت‌وگو، جمهوری اسلامی ایران را پرچمدار شعار وحدت اسلامی و وحدت را اساس نهضت امام خمینی (ره) عنوان کرد و گفت: شعار وحدت اسلامی باید مصداق داشته باشد و برنامه‌ها و طرح‌های ایران در زمینه تقویت وحدت اسلامی مصداق عملی این شعار است، زیرا بسیاری از کشورهای اسلامی این شعار را حمل می‌کنند، اما وجهه عملی ندارد.

دبیر کل مؤسسه الرسول الأعظم (ص) نیجریه:

موسم حج بهترین فرصت برای بررسی اختلافات تفسیری قرآن است

طول مناسک حج برگزار می‌شود، گفت: در حال حاضر، جلسات تدبیر در قرآن در موسم حج بسیار اندک است و بیشترین برنامه‌ها و نشست‌های قرآنی در ایام حج به جلسات قرائت و هم‌خوانی قرآن کریم و تواشیح محدود می‌شود، در حالی که می‌توان طی مناسک حج، همایش‌ها و جلسات قرآنی با حضور مفسران و قرآن‌پژوهان مناطق مختلف جهان برگزار کرد و آموزه‌ها و مبانی وحدت‌آفرین قرآن کریم را تبیین کرد.

صالح محمد الثانی در ادامه این گفت‌وگو یادآور شد: برگزاری همایش‌ها و برنامه‌های قرآنی از سوی کشورهای اسلامی طی مناسک حج اقدامی مورد انتظار است و قاریان و علما و مبلغان تمامی مذاهب و زائران بیت‌الله الحرام می‌توانند در فضای قرآنی در موسم حج به فهم و درک مبانی این کتاب بپردازند و این اقدام باعث تقریب و تفاهم بیشتر میان زائران بیت‌الله الحرام از مذاهب مختلف می‌شود.

محمد الثانی در ادامه حج را فرصتی دانست که خداوند متعال آن را به مسلمان اعطا کرده است تا در این مکان مقدس گردهم آیند و از تجربیات و اندیشه‌های قرآنی یکدیگر استفاده کنند و اختلافات را کنار بگذارند و در حقیقت موسم حج بهترین فرصت برای تقویت اتحاد و همبستگی مسلمانان است.

وی به آیه (۳ سوره التوبه) «أَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» (این آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند) اشاره کرد و گفت: امروز شرک و کفر با گرایش‌های مختلف برای مبارزه با اسلام و مسلمانان متحد شده‌اند و مسلمانان می‌توانند با درک مبانی و مفاهیم آیات قرآن و اتخاذ موضع واحد، تلاش مشرکان و کافران را نقش بر آب کنند و حج بهترین فرصت برای احیای معانی و مفاهیم قرآن است و منظور از احیای قرآن تنها قرائت این کتاب نیست، زیرا مشکل امروز مسلمانان قرائت قرآن نیست بلکه معطل اصلی پیروان تمامی مذاهب اسلامی، اهتمام آنان به مفهیم فعال قرآنی نیجریه قرآن را

گردهمایی زائران بیت‌الله الحرام در موسم حج نمادی از اتحاد و همدلی مسلمانان است، بنابراین مفسران و قرآن‌پژوهان کشورهای مختلف جهان می‌توانند با برگزاری جلسات قرآنی در حاشیه این گردهمایی معنوی، مسائل مورد اختلاف تفسیر قرآن کریم را مطرح کنند و ضمن تحلیل و واکاوی این اختلافات، مبانی و آموزه‌های وحدت‌آفرین قرآن کریم را تبیین کنند.



«صالح محمد الثانی»، دبیر کل مؤسسه الرسول الأعظم (ص)، در گفت‌وگو با ایکننا، با اعلام این مطلب گفت: در ایام حج که زائران بیت‌الله الحرام در سرزمین وحی گردهم می‌آیند، نشست‌ها و جلسات قرآنی بیشتر به قرائت، تواشیح و هم‌خوانی قرآن کریم محدود می‌شود، در حالی که برگزاری جلسات قرآنی با موضوع تدبیر و تفکر در مفاهیم و مبانی این کتاب مقدس بسیار اندک است.

وی افزود: حج از فریضه‌های اسلامی است که تمامی مسلمانان از فرقه‌ها و مذاهب مختلف در یک مکان واحد گردهم می‌آیند و در اماکن مقدس به عبادت پروردگاریک‌نامی بپردازند و اگر زائران بیت‌الله الحرام در این تجمع اسلامی به وضعیت و واقعیت خود توجه کنند و به ارزش‌های قرآن تمسک جویند و مبانی این کتاب مقدس را درک کنند، موسم حج و تجمع حجاج بهترین فرصت برای تجدید پیمان با آموزه‌های قرآن است، زیرا قرآن کریم در همین مکان مقدس نازل شده است و رسول الله (ص) در همین مکان به تبلیغ رسالت و آیین اسلام پرداخت.

صالح محمد الثانی تصریح کرد: قرآن کریم کتاب مقدس تمامی مذاهب اسلامی است و مسلمانان بر و حیانی بودن این کتاب اتفاق نظر دارند و قرآن کریم را کتابی آسمانی برای هدایت انسان‌ها می‌دانند و بر این اساس، در احادیث و روایات زیادی، فضایل و کرامت‌های قرآن تبیین شده و بر تمسک به مبانی و ارزش‌های این کتاب تأکید شده است.

دبیر کل مؤسسه الرسول الأعظم (ص) نیجریه در پاسخ به سؤالی مبنی بر ارزیابی وی از برنامه‌ها و نشست‌های قرآنی که هم‌اکنون در



مفسران، قرآن پژوهان و علمای مسلمان از مذاهب مختلف اسلامی و فرقه‌های مختلف در طول مناسک حج در مکه و مدینه منوره را اقدام ارزشمندی برای تبیین مبانی قرآن و عاملی برای تحکیم وحدت مسلمانان دانست و گفت: این حرکت بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان را نیز حل خواهد کرد.

وی تأکید کرد: در قرآن کریم آیات زیادی درباره حج سخن به میان آمده است و علما و اندیشمندان مسلمان تاکنون کتب و مقالات زیادی با موضوع فلسفه حج نوشته‌اند و فریضه حج دارای منافع سیاسی، معنوی و حتی منافع اقتصادی برای مسلمانان است و در حج قشرهای مختلف اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف از سراسر جهان گردهم می‌آیند و مسلمانان این فرصت عظیم را در اختیار دارند که در یک مکان عبادی گردهم‌آیند و فریضه حج علاوه بر تأثیرات فردی در زندگی افراد، در زندگی اجتماعی افراد نیز تأثیر زیادی دارند و نوعی تجدید ایمان با خداوند متعال و نماد استقلال و اتحاد مسلمانان است.

صالح محمد الثانی در پایان این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: من تاکنون چندین بار در موسم حج حضور داشته‌ام و از نزدیک شاهد بودم با وجود این که برخی بدخواهان در تلاش بودند قرآن شیعیان را قرآنی غیر از کتاب مقدس مسلمانان معرفی کنند، اما جمهوری اسلامی ایران با اجرای برنامه‌های ارزشمند قرآنی و وحدت‌آفرین و دعوت از مفسران و پژوهشگران قرآنی مذاهب مختلف اسلامی تلاش دشمنان و کینه‌توزان رانقش برآب کرد.

کتاب آسمانی و نماد وحدت مسلمانان و عامل وحدت بخش مذاهب مختلف اسلامی دانست و تصریح کرد: کشورهای اسلامی می‌توانند طی مناسک حج برنامه‌های قرآنی مشترک اجرا کنند و از این برنامه‌ها برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی استفاده کنند، زیرا مراجع دینی شیعه و سنی به علت گرایش‌های مذهبی، وحدتی را که قرآن می‌تواند در میان مسلمانان ایجاد کند، نمی‌توانند محقق کنند، اما قرآن کتاب وحدت بخش و کتاب هدایت و منبع اصلی شریعت اسلامی است و اگر مسلمانان در مورد برخی روایات و درستی یا عدم صحت آن‌ها با یکدیگر اختلاف دارند، در وحیانی بودن قرآن و نزول آیات این کتاب از سوی خداوند متعال اختلافی ندارند، بلکه اختلاف مسلمانان تنها در مورد تفاسیر برخی آیات است.

صالح محمد الثانی گفت: پاسخ بسیاری از مشکلات و مسائل کنونی جهان معاصر را می‌توان از قرآن جو یا شد و خوشبختانه امروز مسلمانان با وجود گرایش‌ها و دیدگاه‌های مختلف، قرآن را نصب‌العین خود قرار داده‌اند و پیروان مذاهب مختلف اسلامی با تمسک به ارزش‌های این کتاب مقدس می‌توانند با چالش‌های کنونی جهان مقابله کنند و اگر قرآن منشأ و خواستگاه گفت‌وگوی شیعیان و اهل تسنن باشد و مشکلات را در سایه قرآن کریم مطرح کنیم، بسیاری از معضلات از جمله تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و مذهبی حل خواهد شد و قرآن حلال بسیاری از مشکلات جهان از جمله جنگ، جهل و بی‌سوادی است.

دبیر کل مؤسسه الرسول الأعظم (ص) نیجریه در ادامه، حضور

این قاری ممتاز مصری خاطر نشان کرد: از طریق برقراری ارتباط مستقیم و رو در رو با گروه‌های اعزامی حج در شهرهای مقدس مکه و مدینه و به یاری برگزاری نشست‌هایی با محوریت مسائل مذهبی و قرآنی می‌توان از نقاط اشتراك و افتراق مسلمانان با خبر شد و در جهت رفع موانع وحدت و همدلی میان آنها گام برداشت.

وی در ادامه بر لزوم افزایش پایگاه‌های مذهبی و قرآنی توسط عربستان سعودی تاکید و خاطر نشان کرد: پخش نوار کاست تلاوت‌های قرآنی، برگزاری برنامه‌های دیداری و شنیداری قرآنی، چاپ کتابچه‌های قرآنی و طراحی پوسترهای تبلیغاتی جذاب از جمله فعالیت‌هایی است که گروه‌های اعزامی کشورهای مختلف می‌توانند در راستای نشر مفاهیم قرآنی و تحکیم آموزه‌های اسلام در زمان برگزاری موسم حج ابراهیمی از آن استفاده کنند.

طارق عبدالباسط تصریح کرد: کشورهای اسلامی باید از برگزاری این گردهمایی باشکوه مسلمانان جهان بهره کافی را ببرند و در جهت برقراری و تداوم ارتباط با یکدیگر تلاش کنند، تلاش برای برگزاری همایش‌ها و تجمع‌های بزرگ قرآنی در موسم حج ما را در ایجاد وحدت امت اسلامی یاری می‌کند.

وی با تاکید بر این‌که آیات کتاب عظیم الهی در سوره حج و بقره، تاکید بر برگزاری هر چه باشکوه‌تر این مراسم دارد، گفت: برگزاری باشکوه این مراسم به‌طور سالیانه بیانگر عظمت و شکوه و اقتدار مسلمانان است.

این قاری مصری بر لزوم در کنار هم بودن مسلمانان در تمامی زمان‌ها تاکید کرد و گفت: با توجه به این‌که حجاج کشورهای مختلف اسلامی در ایام حج تعامل بیشتری با یکدیگر دارند، بنابراین این زمان برگزاری موسم حج را می‌توان زمان مناسبی برای نشر و تحکیم مفاهیم قرآنی میان آنان دانست.

وی از تمامی کشورهای شرکت‌کننده در موسم حج خواست تا با برگزاری همایش‌های قرآنی در محل استقرار خود و به زبان‌های مختلف در این دو شهر مقدس سعی در تبلیغ این فعالیت‌ها میان حجاج داشته باشند.

وی در پایان با تاکید بر این‌که کمیت و کیفیت برنامه‌های قرآنی و مذهبی در موسم حج باید بسیار بالاتر از سطح معمول باشد، گفت: انتخاب و ارسال قاریان برای تلاوت قرآن، انتخاب مبلغان از تمام کشورهای اسلامی جهت تبلیغ مفاهیم والای قرآنی و ایجاد سازمان ویژه‌ای جهت ساماندهی مالی و فرهنگی این برنامه‌ها از جمله کارهایی است که در جهت بهتر کردن کیفیت و کمیت برنامه‌های قرآنی در موسم حج می‌توان انجام داد.



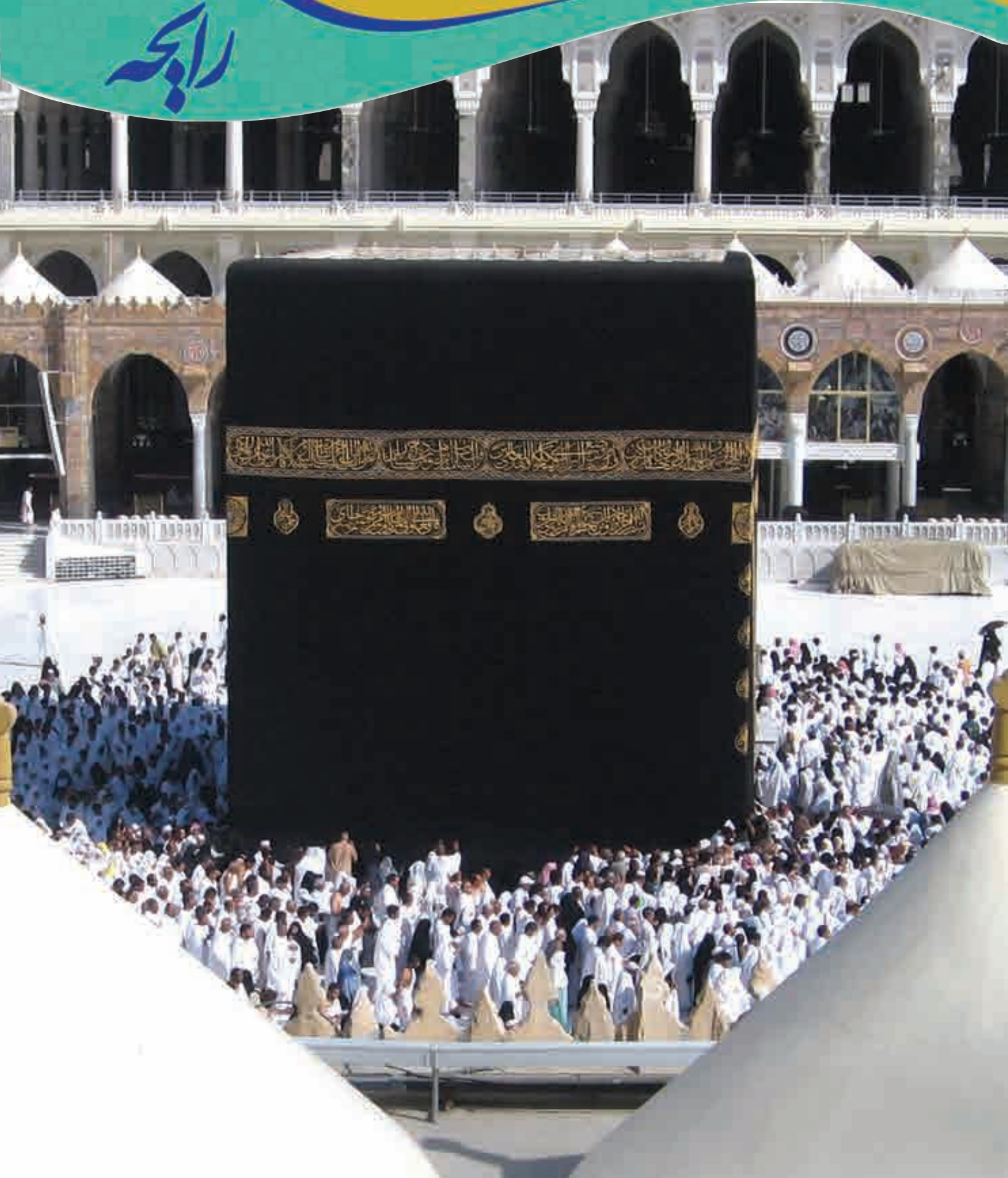
طارق عبدالباسط :

گردهمایی حج باعث آشنایی اهل قرآن با تمامی وجوه قرائتی می‌شود

موسم حج ابراهیمی تجمعی جهانی و دینی است که اهل قرآن و علاقه‌مندان به تلاوت آن از طریق این گردهمایی باشکوه با تمامی وجوه مختلف قرائتی موجود آشنا می‌شوند.



«طارق عبدالباسط» قاری ممتاز مصری و یادگار بزرگ‌مرد تلاوت، استاد عبدالباسط عبدالصمد، در گفت‌وگو با ایکننا، با اشاره به این مطلب، گفت: کشورهای اسلامی باید در خلال ایام مبارک حج برنامه‌های دینی و قرآنی خویش را بیش از پیش گسترش داده و دیگر مسلمانان کشورهای اسلامی را از طرح‌های خویش بهره‌مند سازند.



با کاروان قرآنی حج



قرائت قرآن؛ نمادی از جایگاه زیبایی در اسلام

پس از رحلت رسول خدا(ص)، خلیفه اول که بیشتر امورات خود را برای تثبیت جایگاه خلافت بعد از رحلت اختصاص داده بود، همچنان نسبت به قاریان مهر می‌ورزید و سنت رسول خدا(ص) را ادامه می‌داد. وی توجه خود را به قاریان مبذول می‌داشت و به دنبال وی، خلیفه ثانی نیز که در پی گسترش مرزهای اسلام بود، برای ترویج و تبلیغ دین به مفسران و البته قاریان خوش صدا روی آورد.

خلیفه سوم اما قصد تثبیت فعالیت‌های خلفای پیشین را داشت و به همین منظور به عواملی همچون گسترش مسجدالحرام و وسعت دادن به محدوده خانه خدا اقدام کرد. از جمله دیگر اقدامات وی در این زمینه، تشکیل گروهی آشنا به قرآن به سرپرستی ابوالاسود دثلی برای کتابت و ایجاد علائم در قرآن بود.

پس از کسب خلافت توسط امام علی(ع)، پرداختن به این موضوع نسبت به گذشته افزایش یافت و مقام و منزلت قاریان باز هم به دوران پر رونق صدر اسلام رسید. به جز دوران بنی امیه، خلفای دیگری که اسلام

صوت دلنشین تلاوت قرآن امام علی(ع) و صدای اذان بلال حبشی بر بام کعبه هنگام فتح مکه، از جمله زیباترین اصواتی بود که پیامبر اعظم اسلام(ص) آن را با تمام جسم و جان گوش می‌داد، امروزه شاید بزرگ‌ترین آرزوی هر قاری ممتازی در تمامی کشورهای اسلامی، اجرای برنامه در ناودان طلای کعبه در صحن مسجدالحرام، هنگام برگزاری مناسک حج تمتع است.



خوش الحان‌ترین اصحاب رسول گرامی اسلام، هر روز لحظاتی را برای تلاوت قرآن نزد پیامبر خدا(ص) اختصاص می‌دادند و بسیاری از آنها از سوی آخرین فرستاده خدا برای تبلیغ اسلام به سرزمین‌ها و بلاد اطراف مدینه‌النبی اعزام می‌شدند تا با تلاوت زیبای خود، پیروان بیشتری برای این آئین مقدس الهی جمع کنند. قاریان قرآن مورد احترام و لطف بی‌شمار پیامبر خدا قرار می‌گرفتند و این سنت حسنه بعد از وی نیز ادامه یافت.



است که لبیک گویان حول کعبه دل‌ها طواف می‌کنند. عظمت بنای خانه خدا با آن رنگ سیاه پر عظمت پرده‌اش که از دیوارهای آن آویخته شده است، به نحوی که در ذهن پاسداری از حجرالاسود را تداعی می‌کند، خلسه‌ای را در ذهن ایجاد می‌کند به طوری که انسان تنها به معبود خویش فکر می‌کند و در ذهن به دنبال دعا و نیایش به درگاه خداوندی، خواستار مکملی برای تأمین کاستی‌های ذهن خود است. ناگاه وقتی که دیگر در ذهن خود سخنی برای بیان به درگاه خداوندی ندارد، سخنان خدا را با لحنی جذاب و دلنشین از زبان قاری خوش الحانی می‌شنود که با تمام وجود، آیات خدا را تلاوت می‌کند. لحظه‌ای سکوت، خلاء و دیگر هیچ.

آیات قرآن شاید در رابطه با حج انتخاب شده‌اند و یا شاید در مورد انفاق و نوع دوستی سخن می‌گوید. شاید یک قاری خوش سلیقه، آیات مربوط به وحدت مسلمین را در قرائت می‌کند و مسلمانان با شنیدن تأکید مؤکد خدا درباره وحدت، نگاه خود به همدیگر را مهربان‌تر می‌کنند و شاید به مسائلی همچون، فلسطین، لبنان، سومالی، عراق، افغانستان و می‌اندیشند.

در سلسله‌های بعدی - چه خلافت‌ها و چه پادشاهی - به خود دید، به قاریان اهمیت خاصی قائل بودند و به طوری که قاری ممتاز بودن، افتخاری بزرگ در بلاد اسلامی محسوب می‌شد.

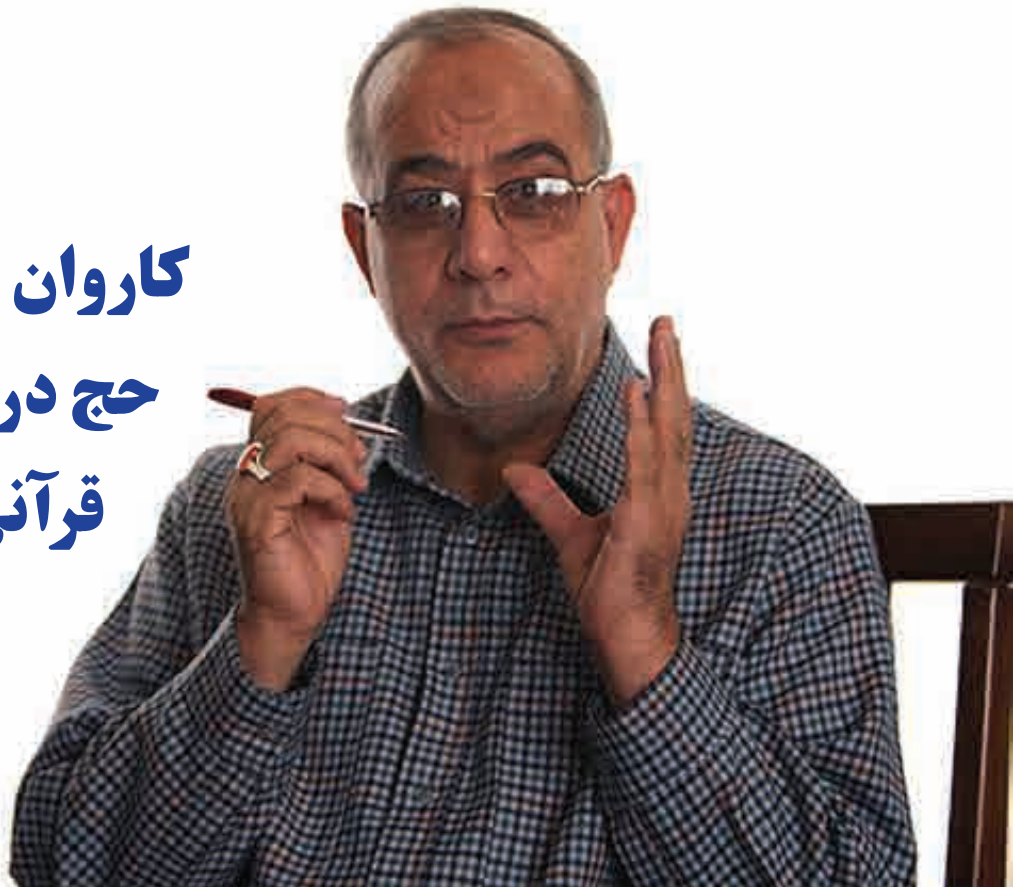
این حس و تفکر همچنان ادامه دارد و امروز شاهد جایگاه مناسب قاریان در کشورهای اسلامی هستیم و البته قاریان ممتاز مصری، ایرانی، عراقی و عربستانی مبلغ دین اسلام در جوامع مختلف هستند.

این قاریان در طول سال در مسابقات بین‌المللی مختلفی که برگزار می‌شود، به تبادل تجارب خود می‌پردازند و از سویی دیگر با حضور در محافل انس با قرآن کشورهای مختلف که عموماً در ماه مبارک رمضان شاهد برگزاری آن هستیم، آخرین تکنیک‌ها و فنون تلاوت خود را به نمایش می‌گذارند.

اما شاید بزرگ‌ترین آرزوی هر قاری ممتازی در تمامی کشورهای اسلامی، اجرای برنامه در ناودان طلای کعبه در صحن مسجدالحرام، هنگام برگزاری مناسک حج تمتع است.

لحظه‌ای تصویر زیر را تجسم کنید!
سنگ‌های مرمر سفید کف مسجد، قدمگاه پای برهنه عاشقانی

کاروان قرآنی اعزامی به حج در حقیقت سفیران قرآنی ایران است



مهکام ادامه داد: بعد از پایان تلاوت قرآن، این مسلمانان مصری با ما آشنا شده و ما را مورد تشویق قرار دادند، آن‌ها بی‌اطلاع بودند که در ایران اسلامی برنامه‌های قرآن در سطح کلان و در سنین مختلف برگزار می‌شود. من با زبان عربی آن‌چه که حق مطلب درباره فعالیت‌های قرآنی ایران بود، توضیح دادم یکی از آن‌ها از خوشحالی و برای قدردانی از گروه ایرانی، مرا همراهی کرد تا به راحتی و با وجود سیل جمعیت، موفق شدیم با راهنمایی و کمک او حجرالاسود را لمس کنیم.

این داور بین‌المللی نحوه انتخاب قراء برای اعزام به سفر معنوی حج تمتع را این‌گونه بیان کرد: به نظرم در شرایط کنونی، کمیته‌ای متشکل از مسئولان سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی با تدوین آئین‌نامه خاص و از طریق برگزاری مسابقات قرآن، قراء حائز شرایط را انتخاب و اعزام کنند، ولی در این اعزام، شرط اساسی صرفاً با معیارهای مصوب انجام شود و از اعزام برخی برادران قاری بر محور رابطه به جای ضابطه اکیداً خودداری شود.

این پیشکسوت قرآنی افزود: اصولاً باید قراء و حفاظی به حج اعزام شوند که با اجرای برنامه‌های جذاب و چشم‌گیر، حیثیت و اعتبار نظام را از طریق تلاوت قرآن حفظ کنند، بنابراین عزیزی که تجربه و استعداد و توانایی خوبی داشته باشند، می‌توانند از عهده این امر مهم برآیند.

یکی از پیشکسوتان قرآنی کشورمان با تأکید بر استفاده از اساتید خبره تلاوت برای ارتقای کمی و کیفی قاریان اعزامی از طریق تشکیل کلاس‌های فشرده، گفت: کاروان قرآنی اعزامی به حج، در حقیقت سفیران قرآنی ایران است و در نتیجه مسئولیت بزرگ و همه‌جانبه‌ای به عهده دارد که باید متخلق به اخلاق قرآنی و صفات انسانی باشند.



«حبیب مهکام»، پیشکسوت قرآنی کشورمان، در گفت‌وگو با ایکننا، با اشاره به حضورش در چندین کاروان قرآنی اعزامی به سفر حج تمتع در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، گفت: با در نظر گرفتن موقعیت خاص و حساس ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اعزام کاروان قرآنی به منظور تبیین ماهیت نظام جمهوری اسلامی از طریق تلاوت قرآن کریم، یکی از مؤثرترین و مفیدترین برنامه‌ها محسوب می‌شد.

وی با اشاره به این‌که برخی از کشورهای اسلامی به ویژه عربستان از وجود برنامه‌های قرآنی آن‌هم در سطح گسترده و با کیفیت بالا در ایران مطلع نبودند، بیان کرد: شاهد مثال این‌که در سال ۱۳۶۳ ساعت ۱۲ شب اطراف کعبه به عده‌ای از قراء ایرانی به تلاوت قرآن مشغول بودیم در حالی که پلیس عربستان ما را زیر نظر داشت، چند نفر از اهالی مصر تلاوت ما را استماع می‌کردند.

این داور بین‌المللی نحوه برخورد دولت عربستان را با قاریان جمهوری اسلامی ایران این‌گونه بیان کرد: دولت عربستان در ارتباط با برنامه‌های قرآنی توسط کاروان قراء ایرانی تا سال ۷۰ که من شاهد بودم علاوه بر این‌که استقبال نمی‌کردند بلکه، همواره با اصل تجمع قرائین مخالفت می‌کردند و حتی همیشه ما را در محاصره داشتند و مترصد بودند به بهانه‌ای تجمع قرآنی را به هم بزنند و گاهی مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.

وی نحوه برخورد حجاج مسلمان سایر کشورهای اسلامی را با قاریان اعزامی این‌گونه تشریح کرد: کاملاً موافق و مشتاق بودند و حتی گاهی با نگاه اشک‌آلود و تعجب‌آور از تربیت قاری و حافظ در ایران خوشحال بودند و اکثراً پس از قرائت قراء با تشکر از قراء ایرانی موافقت خود را ابراز می‌داشتند.

مهکام راه ایجاد ارتباط صمیمانه حجاج با کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران را انتخاب آیاتی از قرآن کریم دانست که محتوای آن‌ها حق واقعی کلام وحی را تبیین کند و افزود: آیاتی که هر مسلمانی با استماع آن‌ها به اصل اسلام ناب گرایش پیدا کند که در این صورت ناخالصی‌های روحی و ذهنی را می‌توانند با معیار و ملاک حقیقی از خود دور کند.

این پیشکسوت قرآنی ادامه داد: به علاوه در صورت امکان با مباحثات به دور از تعصب به شرط رعایت بیان و فارغ از خشونت با انتخاب برخی آیات مانند آیه شش و ۶۷ سوره مبارکه مائده و آیه اول سوره مبارکه حجرات و آیات آغازین سوره نجم، آیه ۷ سوره حشر، آیه ۶ سوره احزاب و دیگر آیاتی که نظیر مفاهیم شبیه آیات مذکور، می‌تواند حقایق مذهب شیعه را در سطح بسیار بالا اثبات کرد.

وی در پایان پیشنهاد کرد: برای هماهنگی برنامه‌های پیش‌بینی شده به منظور اجرای آن‌ها در مکه و مدینه به نظر اینجانب اردوی ۱۰ روزه در تهران یک امر کاملاً ضروری است، یعنی با استفاده از اساتید خبره تلاوت برای ارتقا کمی و کیفی قاریان اعزامی از طریق تشکیل کلاس‌های فشرده استفاده شود و کاروان قرآنی در حقیقت سفیران قرآنی است که به حج اعزام می‌شوند و در نتیجه مسئولیت بزرگ و همه جانبه به عهده دارند که باید متخلق به اخلاق قرآنی و صفات انسانی باشند.

وی ویژگی‌های نماینده اعزامی از سوی ایران را این‌گونه عنوان کرد: قاری و حافظی که به مکه مکرمه و مدینه‌النبی اعزام می‌شوند چون هر کدام در نقش نماینده جمهوری اسلامی ایران اعزام می‌شوند، باید از لحاظ قدرت فن تلاوت، آراستگی ظاهر، رعایت کیفیت به هنگام قرائت کلام وحی را دارا باشند.

این داور بین‌المللی اظهار کرد: بنا بر سفارش اکید مقام معظم رهبری در جلسه‌ای در ماه مبارک رمضان در اوایل انقلاب، قاری قرآن اصولاً باید در محدوده توان و قدرت صوت و لحن خود مرحله اوج خوانی را رعایت کند، نه این‌که با اوج گرفتن در هنگام تلاوت، سیمای ظاهری او از حالت طبیعی خارج شود به صورتی که برای حضاران و بیننده چهره‌ای غیرمتین نمایان شود.

وی ادامه داد: قاریان تا سال ۱۳۷۱ به تعداد ۷۲ نفر اعزام می‌شدند، من هم در جمع بودم پس از بازگشت از حج، خدمت نماینده مقام معظم رهبری رسیدم و خواهش کردم ۷۲ نفر اعزامی نیازی ندارد، عده‌ای را حذف کنید، سؤال کرد چه کسانی را حذف کنیم، گفتم حذف را از من شروع کنید، گفت طرح کلی شما چیست، گفتم مجموعاً با سرپرست مربوطه حدود ۳۰ نفر اعزام شوند و به جای من زائر دیگری را بفرستید.

مهکام بیان کرد: به نظر من اعزام کاروان قراء به حج، بی‌شک و تردید آثار فراوانی دارد که قابل انکار نیست، یعنی این اثرگزاری حضوری و فیزیکی است زیرا محافل انس با قرآن در مکه و مدینه تشکیل می‌شود و در حضار و مخاطبان به ویژه غیر ایرانی‌ها تاثیر داشته و دارد به نحوی که هزینه‌های مربوطه و دیگر مسائل جامعه در برابر تاثیرات عمیق تلاوت قرآن در مراسم حج ناچیز است.

وی در پاسخ به این پرسش که حضور بانوان در کاروان قرآنی اعزامی به حج تمتع تا چه حد ضروری است؟، گفت: با اعزام بانوان ۱۰۰ درصد موافقم، اگر بانوانی که وارد به کار قرآنی باشند و با زبان آن‌ها باشند، کاملاً مفید خواهد بود، چهار تا خانم حافظ یا قاری با حاجیه خانم‌ها ارتباط برقرار کنند، همین‌ها سفیر جمهوری اسلامی خواهند بود، زیرا در این اعزام‌ها ایجاد سر بلندی و سرفرازی برای جمهوری اسلامی هدف است کسانی که گل بکارند و شاهکار انجام دهند.

به نظر من اعزام کاروان قراء
به حج، بی‌شک و تردید آثار
فراوانی دارد که قابل انکار
نیست، یعنی این اثرگزاری
حضوری و فیزیکی است زیرا
محافل انس با قرآن در مکه و
مدینه تشکیل می‌شود



قاسم رضیعی:

استقبال حاجیان از برنامه‌های قرآنی در ایام حج چشم‌گیر است

هستند و در نتیجه تأثیر مجالس تلاوت قرآن بیشتر می‌شود. این قاری بین‌المللی در پاسخ به این سؤال که آیا اجرای برنامه‌های تلاوت قرآن در مسجدالحرام احتیاج به هماهنگی و کسب مجوز از سوی مقامات امنیتی این کشور دارد، گفت: مسئولانی که این برنامه‌ها را تعیین می‌کنند بر این امر تأکید دارند که این برنامه‌ها باید بیشتر به صورت خودجوش برپا شود، چون این‌گونه برنامه‌ها با محدودیت‌های قانونی کمتری از سوی مقامات امنیتی مواجه می‌شود. وی افزود: اما به نظر من حتی برپایی محافل قرآنی هم باید با برنامه‌ریزی و انسجام بیشتری صورت گیرد و برگزاری مراسم باشکوهی مانند دعای کمیل و ندبه هم منوط به کسب اجازه از سوی مقامات سعودی است در حالی که از پیش تعیین شدن این مراسم منافاتی با باشکوه بودن و دفع موانع قانونی ندارد، به طور مثال در محافل قرآنی می‌توان مراسم مشابهی را در شهرهای مکه و مدینه و در اماکن و مساجد مختلف این دو شهر اجرا کرد.

یکی از قاریان بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با اشاره به جذابیت برنامه‌های قرآنی برای حاجیان کشورهای مختلف، گفت: استقبال حاجیان از برنامه‌های قرآنی جمهوری اسلامی ایران در ایام حج چشم‌گیر است.



«قاسم رضیعی»، قاری بین‌المللی و مسئول کاروان قاریان قرآنی اعزامی به حج تمتع در سال ۱۳۸۷، در گفت‌وگو با ایکننا، در پاسخ به این پرسش که چه ضرورتی در اعزام کاروان‌ها و مبلغ‌های قرآنی به مراسم حج وجود دارد؟، عنوان کرد: تأثیر اعزام قاریان و مبلغان قرآنی را می‌توان در سه محور بررسی کرد؛ محور اول خود اعزام این کاروان‌های قرآنی به سفر معنوی حج است.

وی ادامه داد: حضور این کاروان قرآنی، منشأ خیر و برکات زیادی در موسم حج می‌شود و به عبارت دیگر بواسطه این گروه‌ها یک روح قرآنی در موسم حج ایجاد می‌شود؛ این روحیه ملکوتی که در حجاج پدید می‌آید، وقتی افزایش خواهد یافت که بدانند خود آن‌ها در سرزمین نزول وحی

عنوان مثال برنامه‌های اجرا شده توسط گروه اعزامی سال ۸۷ شامل: تلاوت در مراسم‌های بعثه مقام معظم رهبری، تلاوت و تواشیح در مراسم سخنرانی‌ها و همایش‌های مختلف، مراسم دعای کمیل و ندبه بود.

وی افزود: از جمله دیگر موارد، حضور در مراسم قرائت دعای عرفه، شرکت در مراسم برائت از مشرکین، تلاوت قرآن و اقامه اذان در اوقات شرعی در سرزمین منا و عرفات، پنج شب تلاوت در مسجدالحرام، تلاوت در کاروان‌های مختلف ایرانی و سایر کاروان‌های غیرایرانی و برای اولین بار جلسات تلاوت قرآن در حج که به صورت برنامه زنده رادیویی از رادیو جمهوری اسلامی ایران پخش شد و شرکت در برنامه‌های تلویزیونی تولیدی با همکاری صدا و سیما نیز انجام شد.

این قاری بین‌المللی استقبال حاجیان سایر کشورها از این مراسم به ویژه در مسجد الحرام را بسیار چشم‌گیر دانست و اظهار کرد: در سال‌های قبل شرطه‌های مسجدالحرام سخت‌گیری‌های بی‌موردی برای اجرای این مراسم از خود نشان می‌دادند و در سال ۸۷ هم درست اول اجرای این مراسم مجدداً این مزاحمت‌ها برای به هم زدن این محافل مشاهده شد ولی بعد از هماهنگی با مسئولان امنیتی ذی‌ربط در شب‌های بعد نه تنها این مزاحمت‌ها برطرف شد، بلکه مسئولان و شرطه‌ها هم در این مراسم شرکت می‌کردند و مراسم را با گوشی همراه خود ضبط می‌کردند.

رضیعی در پاسخ به این سؤال که آیا این حساسیت و دریافت مجوز برای برپایی محافل قرآنی فقط برای ایرانیان اعمال می‌شود، بیان کرد: به طور کلی به روحانیون کشور عربستان اجازه داده می‌شود که حلقه‌ها و جلسات تدریس احکام برپا کنند و حتی جایگاه‌های ویژه‌ای برای این کار تعبیه شده و جلسات قرائت قرآن و رفع اشکال قرائت به طور گسترده برگزار می‌شود و به نظر من در این زمینه باید با جسارت بیشتری عمل کرد و اگر از طرف ما برای برپایی این حلقه‌ها درخواست شود، مجوز لازم هم کسب خواهد شد تا برنامه‌ها و نشست‌های این چنینی قانونی انجام شود.

این قاری بین‌المللی روند اعزام قاریان را در این سه دهه بعد از انقلاب دچار فراز و نشیب دانست و در ادامه گفت: البته از لحاظ کمی دچار نوسان شده و تعداد و کیفیت برنامه‌ها کم و زیاد شده است ولی این‌گونه نبوده که روند اعزام مبلغان قرآنی دو سالی متوقف شده باشد، زیرا هر سال در موسم حج از حضور برجسته‌ترین قاریان اعزام شده به حج تمتع به نحو احسن استفاده می‌شود.

وی تصریح کرد: به طور نمونه می‌توان مراسم شبی با قرآن را در سایر کاروان‌های ایرانی که محل اجتماع چند کاروان در یک هتل هستند، ترتیب

رضیعی در ادامه با اشاره به نحوه تلاوت و اهمیت تسلط قاریان اعزامی بر علم قرائت قرآن، اظهار کرد: محور دوم نحوه تلاوت و تسلط این قاریان بر علم قرائت قرآن کریم است که برای حجاج کشورهای مختلف شگفت‌انگیز است و برطرف‌کننده سوءظن‌ها نسبت به تشیع می‌شود، این مشکلات به دلیل جوسازی‌های زیادی است که وهابی‌ها ایجاد می‌کنند.

این قاری و داور بین‌المللی قرآن با اشاره به این‌که فصل مشترک مذاهب مختلف اسلامی قرآن است، تصریح کرد: بهترین وسیله برای تسخیر قلوب مسلمانان قرآن است، زیرا زبان مشترک آنان است و این تاثیرگذاری کاروان‌های قرآنی بارها حتی در سایر کشورهای اسلامی نیز مشاهده شده است و مسلمانان دید واقعی‌تری نسبت به جمهوری اسلامی ایران پیدا می‌کنند و محور سوم اعزام این کاروان‌ها می‌تواند عامل تشویق جوانان ایرانی برای موفقیت در مسابقات قرآنی و توفیق حضور در مراسم حج شود و این شور و نشاط قرآنی را در کشور افزایش می‌دهد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا کاروان اعزامی در کنار قرائت قرآن کریم، امور فرهنگی دیگری نیز انجام می‌دهد؟ پاسخ منفی داد و علت آن را فراهم نبودن امکان آن و متمرکز بودن فعالیت‌ها بر محور قرآن دانست و تصریح کرد: وقتی مشاهده می‌شود یک قاری شیعه با تسلط بر علم قرائت، قرآن را تلاوت می‌کند، بیشتر اتهامات و سوءظن‌ها را از خود دور می‌سازد و البته در کنار این جریان سعی می‌شود در قالب دعا و تواشیح معارف شیعی را نیز بازگو کنیم.

وی در ادامه این گفت‌وگو با اشاره به پیشینه‌ای از اعزام کاروان‌های قرآنی به حج، گفت: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی کاروان‌های قرآنی به همت نیکوکاران و به صورت غیررسمی و غیردولتی به حج اعزام می‌شدند ولی بعد از انقلاب اسلامی به صورت منسجم و در قالب کاروان‌های قرآنی توسط سازمان اوقاف و امور خیریه شکل گرفت و فرآیند انتخاب قاریان نیز در شورایی به نام «شورای عالی قرآن» صورت می‌پذیرد که متشکل از افراد فعال در برنامه‌های قرآنی است.

این قاری بین‌المللی ادامه داد: تعداد این افراد اعزامی بنا بر ظرفیت محدود حج در نوسان است و حتی در سال‌های قبل گروه‌های ۵۰، ۷۰ و یا ۱۰۰ نفره هم اعزام شدند و هم‌اکنون به حدود ۳۰ نفر رسیده است که در سال ۸۷ متشکل از ۲۹ قاری و یک نماینده از سازمان اوقاف و امور خیریه بود.

رضیعی در پاسخ به این پرسش که آیا افراد اعزامی کاروان قرآنی، موظف به اجرای برنامه‌هایی از پیش تعیین شده هستند، گفت: بله، به

کرد و از نکاتی که باید به آن اهتمام بیشتر ورزید، افزایش زمان قرائت در مراسم‌های مختلف است، در مراسمی که حدود دو ساعت به طول می‌انجامد، مدت قرائت قرآن فقط پنج دقیقه در نظر گرفته می‌شود در صورتی که مردم در آن فضای روحانی تمایل بیشتری دارند که قرائت قرآن را از قاریان برتر ایران بشنوند.

این قاری بین‌المللی تصریح کرد: مسئله دیگر همکاری صدا و سیما در پخش زنده مراسم و محافل قرآنی است که سال گذشته، پوشش زنده مراسم قرآنی فقط به همت مسئولان رادیو قرآن صورت گرفت و این در حالی است که صدا و سیما ظرفیت‌های بیشتری در این زمینه دارد.

وی افزود: از نوآوری‌های دیگر گروه اعزامی سال ۸۷ ارتباط لحظه به لحظه با خبرگزاری قرآنی ایران بود، به گونه‌ای که گزارش سفر در کمترین زمان منعکس می‌شد، نتیجه این ارتباطات این شد که فضای ملموس‌تری از نقش قرآن در این مراسم به تصویر کشیده شد، همچنین در کتاب حج که تقویمی از فعالیت‌های انجام شده در سفر حج تمتع است، تجربیات این گروه اعزامی مورد استفاده قرار گرفت.

داد و به جای این‌که این مراسم فقط در بعثه اجرا شود در کاروان‌ها هم اجرا گردد، باید توجه کرد که مراسم شبی با قرآن در مجموع در دو شب و در بعثه مکه و مدینه برگزار می‌شود و این برای فعالیت‌های قرآنی بسیار کم است و سفر مبلغان قرآنی حدود یک ماه طول می‌کشد و در این مدت می‌توان ده‌ها محفل قرآنی اجرا شود.

وی در ادامه این گفت‌وگو برای ارتقاء سطح موجود و رسیدن به وضع مطلوب موارد زیر را مطرح کرد: آن‌چه که باید به آن دقت شود، این است که ظرفیت حج بسیار بالاتر از اقداماتی است که امروزه در مراسم حج انجام می‌شود و طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف فرهنگی را می‌توان در جهت ارتقاء وضع موجود انجام داد که همه این‌ها منوط به شناخت ظرفیت‌ها و برنامه‌ریزی برای این مهم است.

رضیعی در ادامه افزود: در بعثه‌های بسیاری از کشورهای اسلامی دیگری که روابط خوب دیپلماتیک با ایران دارند و حتی قاریان ایرانی هم به مسابقات آن‌جا اعزام می‌شوند، می‌توان این مراسم را اجرا



دعوت کرد تا بحث‌های تخصصی در این زمینه مطرح شود. این قاری بین‌المللی عنوان کرد: گروه اعزامی سال ۸۷ چند ویژگی برجسته داشت به طوری که از جوان‌ترین گروه‌های اعزامی نسبت به سال‌های گذشته بود و رده سنی قاریان از ۱۹ الی ۳۸ سال و با معدل سنی ۲۸ سال بود، ۲۲ نفر از این قاریان اولین تشریف خود را به سرزمین وحی تجربه می‌کردند که این امر بر مسئولیت‌های سرپرست گروه می‌افزود. این گروه اعزامی بالاترین سطح تحصیلات را نسبت به سایر گروه‌های اعزامی داشت و حدود ۷۰۰ برنامه قرآنی در طول یک ماه توسط این گروه انجام شد که با فعال کردن سایر ظرفیت‌ها حتی امکان دو هزار برنامه و اعزام ۵۰ قاری به راحتی فراهم است. وی در پایان تصریح کرد: شایسته است حتماً نیمی از افراد اعزامی از قاریان با تجربه باشند که از عهده مسئولیت‌های مختلف در مراسم مهم به خوبی برآیند و مناسب است اعزام حداقل دو نفر از بانوان قرآنی هم در این مراسم صورت گیرد، زیرا زمینه فعالیت‌های قرآنی و برنامه‌های ویژه بانوان در مراسم حج مهیا است و خود این امر به فعالیت‌های قرآنی بانوان در داخل کشور هم نشاط ویژه‌ای می‌بخشد.

رضیعی فعالیت‌های قرآنی جمهوری اسلامی ایران و کاروان‌های اعزامی در مراسم حج عمره را به حد مراسم حج تمتع ندانست و تأکید کرد: برای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها باید اقدامات کارشناسانه انجام شود.

این قاری بین‌المللی در پاسخ به این پرسش که دست آورد‌های مهم اعزام این کاروان‌ها تاکنون چه بوده است؟، عنوان کرد: بعضی از مسلمانان به خاطر تبلیغات منفی گمان می‌کردند که شیعیان با قرآن بیگانه هستند، وقتی مشاهده می‌کنند که ایرانیان که عرب زبان هم نیستند قرآن را این‌گونه و گاهی بهتر از قراء مصری تلاوت می‌کنند، متعجب می‌شوند و خود این، بسیاری از اتهامات علیه شیعیان ایران را بر طرف می‌کند و این قرائت‌ها و تاثیر مثبتی که در تغییر دیدگاه آنان دارد با میلیون‌ها دلار تبلیغات منفی علیه شیعه برابری می‌کند.

رضیعی راهکارهای عملی برای وحدت اسلامی را بر مبنای قرآن و تأکید بر نقاط مشترک و دوری از طرح موارد تفرقه‌انگیز دانست و در ادامه افزود: همه ساله از طرف بعثه مقام معظم رهبری همایش‌های مختلفی همچون «قرآن و حج»، «قدس و حج» و «امام خمینی (ره) و حج» برگزار می‌شود و می‌توان همایش‌هایی با عنوان قرآن و حج برگزار کرد و از علماء و اندیشمندان مذاهب مختلف



دبیر کمیته اعزام و دعوت از قاریان: ظرفیت تبلیغ قرآنی کشورهای اسلامی در ایام حج بسیار بیشتر است

مختلف جهان اسلام با محوریت قرآن با هم تبادل نظر کنند و این امر به طور قطع در بهبود وضعیت مسلمانان در تمام نقاط جهان موثر خواهد بود.

سرابی در پاسخ به این پرسش که نحوه برخورد ملت عربستان و سایر ملل اسلامی را با برنامه‌های قرآنی در ایام حج چگونه ارزیابی می‌کنید؟، تصریح کرد: نحوه برخورد دولت و مردم کشور عربستان با مسئله حج بیشتر با یک نگاه خدمات‌رسانی و سرویس‌دهی از جهت رفاهی به حجاج است، به این ترتیب خدمات‌رسانی که صورت می‌گیرد بیشتر جنبه رفاهی و امنیتی دارد و به مسائل کلان جهان اسلام نگاه قابل توجهی ندارند و با این نگاه حتی از فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و تبلیغی دیگر کشورهای اسلامی در موسم حج نیز جلوگیری به عمل می‌آید.

دبیر کمیته اعزام و دعوت از قاریان تصریح کرد: با توجه به تبلیغاتی که صورت می‌گیرد و مذهب رسمی عربستان سعودی که وهابیت است در ارتباط با فعالیت مسلمانان کشورهای مختلف جهان در ایام حج پیشگیری و ممانعت صورت می‌گیرد و

دبیر کمیته اعزام و دعوت از قاریان با اشاره به فعالیت‌های قرآنی که در ایام حج برگزار می‌شود، گفت: ظرفیت تبلیغ قرآنی کشورهای اسلامی در ایام حج بسیار بیشتر است.



«سیدعلی سرابی»، دبیر کمیته اعزام و دعوت از قاریان، در گفت‌وگو با ایکنا، با اشاره به ضرورت اعزام کاروان‌های قرآنی از کشورهای مختلف به سفر معنوی حج اظهار کرد: قرآن کریم منشور مشترک بین همه ملت‌های مسلمان جهان و بهترین محور برای وحدت امت اسلامی است، مسلمانان در نقاط مختلف جهان ممکن است از لحاظ اعتقادات اختلاف نظرهایی را در مباحث فرعی با هم داشته باشند، اما در نقاط اصلی با هم اتفاق نظر دارند.

وی در ادامه افزود: قرآن می‌تواند یک عنصر و محور بی‌بدیل برای اجتماع مسلمانان به منظور حل مشکلات کلان کشورهای اسلامی باشد و کاروان‌های قرآنی با ترکیب قاریان، حافظان و مفسران در موسم حج می‌توانند در مورد مسائل و مشکلات

مشکلات مختلفی که برای اجرای برنامه‌های قرآنی در ایام حج وجود دارد اما بازخوردی که مشاهده می‌شود بسیار تاثیرگذار بوده است، به خصوص برنامه‌هایی که قاریان و استادان قرآنی کشورمان در کاروان‌های دیگر کشورهای اسلامی برگزار می‌کنند بسیار اثرگذار و قابل توجه است.

دبیر کمیته اعزام و دعوت از قاریان تصریح کرد: برای برگزاری برنامه‌های قرآنی مشترک بین کشورها در ایام حج مثل برگزاری محافل قرآنی با حضور قاریان در کاروان‌های دیگر کشورهای اسلامی یا برگزاری مسابقات قرآنی در زمان حج باید ساز و کار اجرایی و مدیریتی مطلوبی اجرا شود.

وی در پایان یادآور شد: ایام حج ظرفیتی بسیار حساس و بی‌بدیل برای ارتباط قشر متدین جامعه‌های اسلامی است، چرا که کسانی که به حج اعزام می‌شوند افرادی هستند که تعهد مذهبی بالایی دارند و از این فرصت باید به نحو احسن برای تاثیرگذاری در کشورهای مختلف استفاده کرد، با توجه به اینکه قرآن محور مورد توافق همه کشورهای اسلامی است با استفاده از توانمندی انسانی می‌توان بسیاری از اهداف فرهنگی و اعتقادی خود را در ایام حج به دیگر کشورها انتقال دهند.

در کل دولت عربستان نه تنها از فعالیت‌های قرآنی در ایام حج حمایت نمی‌کند بلکه ممانعت و جلوگیری نیز به عمل می‌آورد.

وی برای معرفی و اثبات حقایق اسلام در ایام حج يك ساز و کار کلان در سطوح بالای مسئولان و رؤسای کشورها را موثر دانست و گفت: باید يك اتفاق نظر در ارتباط با مسائل مختلف جهان اسلام بوجود بیاید تا در سایه این اتفاق نظر و هماهنگی در ایام حج در مورد مسائل جهان اسلام همچون؛ فلسطین، غزه، اقلیت‌های مسلمانان در کشورهای مختلف، وضعیت مسلمانان در کشورهای اروپایی و یا توسعه اسلام و تفکر اسلامی در اروپا و امریکای جنوبی با استفاده از ظرفیت‌های وجودی مسلمانان در ایام حج برای پیشبرد اهداف اسلامی استفاده کرد.

سرابی از نظر کمی و کیفی برنامه‌های قرآنی برگزار شده در ایام حج را در حال حاضر متناسب با ظرفیت و توان گروه‌های اعزامی ارزیابی کرد و گفت: به طور قطع ظرفیت تبلیغی قرآنی در کشورهای اسلامی بسیار بیش از این است و در صورت فراهم کردن ساز و کار مدیریتی مناسب و باز شدن فضای کاری در کشور عربستان این ظرفیت عظیم به فعلیت خواهد رسید، در هر حال با در نظر گرفتن



رئیس مرکز بین‌المللی تبلیغ: قرآن محور هم‌گرایی مسلمانان در کنگره عظیم حج است



هم‌گرایی، کتاب و فصل مشترک همه مسلمانان نشان دهد، بنابراین طبیعی است برای اثبات جاری بودن احکام الهی در کشورهای اسلامی، تمامی آنان تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا از فرصت بی‌نظیر حج استفاده کنند و گروه‌های قرآنی و قاریان خود را به این کنگره عظیم قرآنی اعزام کنند.

مشکی با اشاره به این مطلب که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های قرآنی در رابطه با وحدت اسلامی بهره برد، تصریح کرد: نقطه مشترک بین همه مذاهب اسلامی، گروه‌ها و کشورهای اسلامی به عنوان یک فصل پذیرفته شده، کتاب آسمانی مسلمانان یعنی قرآن کریم، حج و پیامبر اسلام (ص) است، بنابراین بر حول محوریت قرآن و آموزه‌های آن که همه به یک قرآن واحد معتقد هستند بدون این‌که قرآن‌های مختلفی وجود داشته باشد، مسلمانان می‌توانند به دور هم جمع شوند و همه اختلافات خود را کنار بگذارند.

رئیس مرکز بین‌المللی تبلیغ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ادامه افزود: جوامع اسلامی باید بر اساس احکام قرآن و تعالیم بلند آن هم‌گرایی و وحدت را بین خود تقویت کنند و در مقابل دنیای امروزی که تهاجمات فرهنگی و اعتقادی زیادی را بر علیه مسلمانان

رئیس مرکز بین‌المللی تبلیغ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با اشاره به این‌که جوامع اسلامی باید بتوانند سد مشترکی را بوجود بیاورند تا از هویت دینی و اعتقادی خود دفاع کنند، گفت: قرآن بهترین محور هم‌گرایی و وحدت مسلمانان جهان در کنگره عظیم حج است.



حجت‌الاسلام و المسلمین «مجید مشکی»، رئیس مرکز بین‌المللی تبلیغ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در گفت‌وگو با ایکننا، در پاسخ به این سؤال که چه ضرورتی در اعزام کاروان‌های قرآنی از کشورهای مختلف به سفر معنوی حج وجود دارد؟، اظهار کرد: قرآن کتاب مشترک و محور هم‌گرایی همه مسلمان جهان است و هر کشوری برای به نمایش گذاشتن هویت قرآنی خود در موسم حج که همه کشورها در یک کنگره عظیم اسلامی شرکت می‌کنند، این جلوه‌های هم‌گرایی و مقید بودن به کتاب الهی و جاری بودن و ساری بودن احکام کتاب آسمانی را توسط اعزام گروه‌های قرآنی به نمایش می‌گذارد.

وی در ادامه افزود: هر کشوری که اقدام به اعزام گروه‌های قرآنی به سفر حج می‌کند، در پی این است که پایدی خود را به این محور



اسلامی یا بخش فرهنگی آن یعنی سازمان آیسیسکوپاشد.

حجت الاسلام مشکی در پایان یادآور شد: برای این‌که کلان شهرهای اسلامی هر چه بهتر و بیشتر از آموزه‌های کتاب آسمانی قرآن استفاده کنند باید در سازمان کنفرانس اسلامی و یا آیسیسکو توافقاتی را برای ترویج فعالیت‌های قرآنی و محافل قرآنی با هم داشته باشند و مبادله نامه‌های فرهنگی را در این خصوص بین سران کشورهای اسلامی ایجاد کنند تا براساس آن همه کشورهای اسلامی بتوانند از ظرفیت‌های دیگر کشورها در راه ترویج فرهنگ قرآنی در کشور خود استفاده کنند.

دولت‌های اسلامی باید
به يك توافقی در خصوص
استفاده هر چه بیشتر از مفاهیم
و تعالیم بلند قرآنی برسند که این
نیازمند يك ساز و کار در سطح
کلان دولت‌ها و کشورهای
اسلامی است

سازماندهی می‌کند بتوانند سد مشترکی را بوجود بیاورند و از هویت دینی و اعتقادی خود دفاع کنند چرا که قرآن بهترین محور هم‌گرایی و وحدت مسلمانان جهان است.

وی برای معرفی فرهنگ اسلام و اثبات حقانیت آن در سطح کلان کشورهای اسلامی با اشاره به تصمیماتی که می‌توان اتخاذ کرد، گفت: دولت‌های اسلامی باید به يك توافقی در خصوص استفاده هر چه بیشتر از مفاهیم و تعالیم بلند قرآنی برسند که این نیازمند يك ساز و کار در سطح کلان دولت‌ها و کشورهای اسلامی است و بهترین جایگاه برای این تصمیم‌گیری نیز می‌تواند سازمان کنفرانس

کاروان‌های حج، نیازمند برنامه‌های قرآنی ویژه بانوان است

سال ۸۴ نیز جنبه تشویقی مسأله اعزام به حج را عنوان می‌کند و می‌گوید: هر ساله در مراسم حج، تعداد زیادی از قاریان مرد، جهت اجرای برنامه و بهره‌مندی از این مراسم معنوی، به کشور عربستان اعزام می‌شوند؛ این در حالی است که حتی حائزان رتبه‌های اول مسابقات بین‌المللی و کشوری بانوان، امکان حضور در مراسم حج را ندارند.

او که از کم‌توجهی مسئولان به فعالیت‌های قرآنی بانوان بسیار گلهمند است، دلایل «مسئولان اعزام» را در خصوص عدم اعزام بانوان به حج توجیه‌ناپذیر می‌داند و می‌گوید: تا آنجا که من اطلاع دارم، آقایان در مسجدالحرام جایگاه ویژه‌ای برای تلاوت ندارند و عربستان نیز هیچگونه امکاناتی را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد و بعضاً حتی مانع از اجتماع آنها می‌شود. آنها بیشتر در محافلی که توسط بعثه مقام معظم رهبری تشکیل می‌شود، قرائت دارند که می‌توان همان محافل را ویژه بانوان نیز برگزار کرد.

«راضیه جمالی» که از قاریان و داوران ممتاز کشورمان است در این باره می‌گوید: بعضی قاریان مرد بیش از ۳۰ بار به سفر حج اعزام شده‌اند و بعضی دیگر دریغ از یک بار، سهم بانوان نیز که در این قضیه صفر است. به هر حال می‌توانند این اعزام‌ها را کمی تعدیل کنند. نه خانه خدا نیازمند قرائت قاریان ما است و نه آنها خود قاری کم دارند. تا آنجا که من اطلاع دارم آقایان در مسجدالحرام جایگاه ویژه‌ای برای تلاوت ندارند و عربستان نیز هیچگونه امکاناتی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد و بعضاً حتی مانع از اجتماع آنها نیز می‌شوند. آنها بیشتر در محافلی که توسط بعثه مقام معظم رهبری تشکیل می‌شود قرائت دارند که می‌توان همان محافل را ویژه بانوان نیز برگزار کرد.

همچنین «علی سرابی» هدف از اعزام

قاریان و حافظان به حج را ترویج فرهنگ

قرآنی ذکر می‌کند و می‌گوید: یکی از

مهمترین برنامه‌های فرهنگی

حج که متناسب با حال و هوای

مکه و مدینه است، ترویج و

نشر فرهنگ قرآنی است و

هدف از اعزام قاریان و

حافظان نیز ایجاد

فضایی

قرآنی در

حج و

بهره‌برداری

از آن فضای

معنوی آن جا

هر ساله تعدادی زیادی از قاریان و حافظان مرد، به منظور اجرای برنامه‌های قرآنی به حج اعزام می‌شوند؛ اما این امکان حتی برای بانوان حائز رتبه‌های اول مسابقات بین‌المللی و کشوری اوقاف نیز وجود ندارد.



صرف نظر از جنبه تشویقی این مسأله، با توجه به اینکه زائرین ما محدود به آقایان نیستند، آیا می‌توان حضور مؤثری برای بانوان در برنامه‌های حج مطرح کرد و آیا تا به حال این مسأله از سوی سازمان‌های مرتبط و نیز بانوان حاضر در شورای عالی قرآن پیگیری شده است.

«ایمان صحاف»، داور مسابقات قرآن در این باره می‌گوید: بانوان حاضر در شورای عالی قرآن بارها درخواست اعزام بانوان به حج را در جلسات مختلف مطرح کردند و این پیشنهاد از سوی اعضای شورا نیز مورد استقبال قرار گرفت، اما در مرحله عمل پیگیری نشد.

«صحاف» که خود قبلاً به حج مشرف شده است، درباره‌ی نیاز کاروان‌های حج به برنامه‌های قرآنی ویژه بانوان می‌گوید: زمانی که به حج مشرف شدم، در کاروان‌های مختلف می‌دیدم که بانوان بعد از اتمام برنامه‌های حج، اکثر اوقات خود را بیکار بودند و اوقات فراغت زیادی داشتند، به همین دلیل بسیار علاقمند بودند تا برنامه‌های قرآنی برای آن‌ها اجرا شود؛ یا کسی برای آنها قرآن بخواند؛ به خصوص بانوانی که از سواد قرآنی کمتری نیز برخوردارند. من واقعاً خلأ اجرای برنامه‌های قرآنی در کاروان‌ها را حس می‌کردم و به همین دلیل بعد از بازگشت از حج، پیشنهاد اعزام بانوان را مطرح کردم و این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت؛ اما این مسأله در مرحله عمل پیگیری نشد. حتی بنده به صورت شخصی نیز نامه‌ای به رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه وقت فرستادم و جوابی که به بنده دادند، این بود که اعزام بانوان از طرف سازمان اوقاف هیچ مشکلی ندارد و این مسأله از سوی بعثه پیگیری نمی‌شود. با توجه به وجود محافل قرآنی ویژه بانوان در حج و نیاز کاروان‌های مختلف به حضور بانوان قاری و حافظ، واقعاً چه اشکالی دارد که تعدادی از بانوان قاری ما نیز در این گروه ۳۰ نفره از آقایانی که هر سال به حج اعزام می‌شوند، حضور داشته باشند؟

«نسرین نافذکلام»، یکی دیگر از بانوان قرآنی کشورمان نیز می‌گوید: مادر شورا پیشنهاد دادیم که یک نفر از جامعه قاریان، یک نفر از حافظان ممتاز و یک نفر از اساتید و داوران زن را به همراه کاروان ۳۰ نفره آقایان - جهت اجرای برنامه‌های قرآنی - در مراسم حج حضور داشته باشند و همان محافلی که آقایان دارند، خانم‌ها نیز داشته باشند؛ اما آنها اظهار داشتند که این مسأله به عهده سازمان حج و زیارت است. به هر حال اگر چنین امری اتفاق بیفتد، نقطه عطف و دلگرمی بسیار زیادی برای بانوان قرآنی ما خواهد بود و آن تحولی که انتظارش را داریم، به وقوع خواهد پیوست.

«پریسا مجرد»، رتبه اول مسابقات سراسری سازمان اوقاف و امور خیریه

است. هدف دیگر این اعزام‌ها، مبارزه با تفکرات و شایعات غلطی است که در سال‌های قبل بر علیه شیعیان تبلیغ می‌شد. چون شیعه همواره متهم بوده که از قرآن متفاوتی با دیگر جماعات مسلمین برخوردار است. به دلیل مقابله با این تفکر و شایعه غلط، گروهی از قراء در مسجد الحرام و در جلسات با شکوهی که از کشورهای مختلف نیز در این مراسم‌ها حضور دارند به اجرای برنامه‌های قرآنی می‌پردازند. البته اهداف تشویقی نیز وجود دارد که در درجه چندم اهمیت است؛ اما هدف اصلی، ایجاد فضای قرآنی در مراسم حج و تشویق حجاج به تلاوت قرآن است. او درباره‌ی نحوه انتخاب قاریان اعزامی به حج می‌گوید: «این افراد، از برترین‌های حفظ و قرائت کشورمان هستند و معمولاً از بین فینالیست‌های مسابقات کشوری اوقاف انتخاب می‌شوند. علاوه بر این باید در آزمونی از سوی کمیته اعزام برگزار می‌شود نیز پذیرفته شوند که این آزمون، متناسب با نیازها و شرایط خاص مکه و مدینه و برنامه‌های بعثه است. به همراه این کاروان، معمولاً چند تن از قاریان ممتاز بین‌المللی و اساتید نیز هستند که کمیته اعزام، روش‌هایی نیز برای انتخاب این افراد دارد.

از «سرابی» علت اعزام نشدن بانوان را می‌پرسم، می‌گوید: طی چند سال گذشته این درخواست را از بعثه مقام معظم رهبری داشتیم که سهمیه‌ای نیز به بانوان اختصاص دهند؛ اما مسئولین بعثه مقام معظم رهبری چون زمینه‌ای را برای استفاده از حضور حافظان و قاریان زن در مراسم حج فراهم نکرده‌اند، این موضوع را نپذیرفتند. البته چندین بار تلاش شد که بعضی از قاریان و حافظان زن به عنوان مبلغ اعزام شوند؛ چون هر سال چند نفر از مبلغین زن از سوی بعثه به حج اعزام می‌شوند. اما چون مبلغ بودن شرایط خاصی دارد نتوانستیم

از این طریق نیز اقدام کنیم. جدا از مسأله تشویقی بودن اعزام قاریان به حج، می‌توان با برنامه‌ریزی درست و اصولی امکان ارائه خدمات قاریان زن را نیز در کاروان‌های ایرانی و غیرایرانی به وجود آورد. با توجه به تلاش‌هایی که برای اعزام بانوان داشته‌ایم، امیدواریم دوستان مادر بعثه با برنامه‌ریزی صحیح و برگزاری محافل قرآنی ویژه بانوان، امکان حضور قاریان و حافظان ممتاز زن را نیز در مجموعه کاروان قرآنی فراهم کنند.

محمدپور، قاری بین‌المللی:

نیمی از حاضران در محافل قرآنی را حجاج غیرایرانی تشکیل می‌دهند

به دلیل تبلیغات منفی، برخی از اهل سنت گمان می‌کنند که قرآن نزد تشیع جایگاهی ندارد و اصولاً در ایران قرآنی دیگر چاپ می‌شود.

«صالح اطهری فرد» دارنده رتبه اول مسابقات بین‌المللی ایران از برخورد توهین‌آمیز مأموران مذهبی و امنیتی مسجدالحرام با قاریان و حاضران در مراسم تلاوت قرآن بعثه مقام معظم رهبری در حج انتقاد کرد.

اطهری فرد در این باره به ایکنای گفت: مأموران سعودی با روش‌های مختلفی چون عکس‌برداری، ایجاد رعب و سروصدا، هل دادن قاری در حال تلاوت، کشیدن سجاده از زیر پای قاری و اهانت مستقیم به قرآن و نیز گاه به بهانه شست‌وشوی محل اجتماع قاریان و حاضران همواره تلاش می‌کنند تا این مراسم معنوی را برهم زنند.

وی تأکید کرد: این برخوردها صرفاً به جهت شیعه‌بودن قاریان ایرانی است چراکه یادم است هندی‌ها در طبقه اول مسجدالحرام برنامه اجرا کردند که نه تنها با آنان مخالفت نشد بلکه بلندگو نیز در اختیارشان قرار گرفت.

این قاری بین‌المللی کشورمان همچنین با تشکر از مسئولان رادیو قرآن گفت: هر روز قرائت قرآن پیش از اذان مغرب و نیز تلاوت اذان مغرب و مناجات پس از آن به‌طور زنده در قالب برنامه سجاده اجابت از مکه مکرمه و از طریق رادیو قرآن پخش می‌شد.

«رضا محمدپور»، قاری بین‌المللی قرآن درباره برنامه‌های قاریان ایرانی اعزامی به حج گفت: می‌توان گفت نیمی از حاضران در مراسم را حجاج غیرایرانی تشکیل می‌دهند و از تلاوت قاریان ایران شگفت‌زده می‌شوند.



«رضا محمدپور»، قاری بین‌المللی قرآن کشورمان، در گفت‌وگو با ایکنای، با بیان این مطلب گفت: کاروان قاریان متشکل از یک گروه جمع‌خوانی، یک حافظ کل قرآن و تعدادی از قاریان ممتاز و بین‌المللی است در طول اقامت خود در مکه معظمه و مدینه منوره علاوه بر اجرای برنامه در بعثه مقام معظم رهبری، با حضور در کاروان‌های حجاج ایرانی و نیز کشورهای مختلف برنامه تلاوتی نیز به مدت پنج شب در طبقه دوم مسجدالحرام و روبروی ناودان طلا برگزار می‌کنند.

وی با اشاره به استقبال گسترده زائران از تلاوت قاریان ایرانی در مسجدالحرام گفت: زائران بسیاری از کشورهای دیگر در محافل قرآنی شرکت می‌کنند به طوری که می‌توان گفت نیمی از حاضران در مراسم را حجاج غیرایرانی تشکیل می‌دهند و از تلاوت قاریان ایران شگفت‌زده می‌شوند به طوری که در شب اول پس از پایان برنامه برخی از زائران غیرایرانی از قاریان می‌پرسیدند که شما اهل کشور مصر هستید؟

محمدپور همچنین تأکید کرد: اجرای برنامه تلاوت در میان زائران غیرایرانی توطئه مخالفان تشیع و تبلیغات منفی سعودی‌ها علیه تشیع و نظام جمهوری اسلامی ایران را خنثی می‌کند و زائران غیرایرانی با شنیدن تلاوت‌های زیبای ایرانی‌ها به جایگاه قرآن نزد تشیع پی می‌برند؛ چراکه

همراه با کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران در حج تمتع

بنابر این گزارش، از سال ۱۳۷۵ مجدداً به صورت سالانه آزمونی توسط سازمان اوقاف و امور خیریه برای انتخاب افراد برگزار و پس از بررسی در کمیته اعزام افراد نهایی مشخص می‌شده‌اند که در سال‌های اخیر این کاروان در قالب گروه ۳۰ نفره به حج تمتع اعزام می‌شوند.

۳۰ نفر به حج تمتع اعزام شدند

طی سال گذشته، برنامه اعزام کاروان قاریان و حافظان برگزیده اعزام به حج تمتع با همایش توجیهی که بعد از ظهر ۲۷ آبان‌ماه در سازمان اوقاف و امور خیریه برگزار شد، آغاز گردید.

از جمله افرادی که در کاروان قرآنی کشورمان برای اعزام به حج تمتع حضور داشتند، «قاسم رضیعی، رحیم خاکی، حسین فردی، سید مهدی تاج‌زاده، وحید وکیلی، محمد جواد کاشفی، شجاع زویدات، صادق سیاری، علی رضایی، محمد پوراسدالله، محمد حبیبی نژاد، پیام ابراهیمی، امیر باقری و مسعود بیژنی» بودند.

همچنین «رضا محمدپور، محمدصالح اطهری فرد، حسین رفیعی، مسعود نوری، امیر لعل اول، مجید جیریایی، سید احسان ابطحی، محسن رشیدی، کیومرث حبیب‌زاده، محمد سلطانی، حمیدرضا عباسی، مجتبی محمدبیگی، علی شعبانی، ماشاءالله خالصی و

هر ساله کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران متشکل از قاریان، حافظان و گروه‌های تواشیح و مدیحه سرایی به منظور اجرای برنامه‌های قرآنی در موسم حج رهسپار مکه مکرمه و مدینه منوره می‌شوند، این گزارش نگاهی به برنامه‌های انجام شده طی حج تمتع سال گذشته دارد.

سازمان اوقاف و امور خیریه با همکاری بعثه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در راستای توسعه فعالیت‌های قرآنی و به منظور تشویق قاریان و حافظان و نشر معارف قرآنی و به نمایش گذاشتن توان ایرانیان در حفظ و تسلط آنان بر فنون قرائت و تبلیغ کتاب آسمانی در سرزمین وحی، از سال ۱۳۶۱ اقدام به اعزام کاروانی با حضور قاریان و حافظان به سفر حج تمتع کرده است.

این گروه‌ها متشکل از ۵۰ تا ۱۰۰ نفر در سال، شامل؛ قاریان، حافظان، گروه‌های تواشیح و هم‌خوانی، استادان و پیشکسوتان قرآنی است که تا سال ۱۳۶۶ با برگزاری مسابقات قرآنی ویژه اعزام حج به این سفر معنوی عزیمت کرده‌اند و پس از وقفه چند ساله، مجدداً از سال ۷۰ این گروه توسط کمیته اعزام مستقر در دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که نماینده سازمان اوقاف نیز در آن حضور داشت انتخاب و توسط این سازمان و با همکاری سازمان حج و زیارت به حج تمتع اعزام می‌شدند.

ناودان طلا بود که این برنامه به مدت ۲۵ سال است توسط گروه‌های قرآنی اعزامی کشورمان به حج تمتع اجرا می‌شود.

«شب خاطره» با حضور کاروان قرآنی ایران در مدینه برگزار شد

محفل «شب خاطره» با حضور کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران، چهارم آذرماه در هتل قصرالدخیل محل اسکان کاروان جانبازان ایرانی در مدینه برگزار شد. در این برنامه چهار نفر از جانبازان سرافراز کشورمان به بیان خاطراتی از دوران دفاع مقدس پرداختند و در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین سید «سعید لواسانی» معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز خاطراتی از دوران حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بیان کرد.

بنابر گزارش ایکننا، شعرخوانی توسط یکی دیگر از اعضای کاروان جانبازان ایران و اجرای برنامه مداحی توسط «میرداماد» از مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از دیگر برنامه‌های کاروان قرآنی اعزامی از جمهوری اسلامی ایران به حج تمتع به شمار می‌رود که با اجرای «حسین مولایی» همراه بود.

در این برنامه، همچنین «رحیم خاکی» قاری بین‌المللی قرآن کشورمان آیاتی از سوره مبارکه «فصلت و عادیات» را تلاوت کرد که با تشویق حاضران همراه بود و در ادامه گروه تواشیح «یاسین» بابل‌سربه اجرای برنامه هم‌خوانی و تواشیح به دو زبان عربی و فارسی در مدح رسول اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) پرداختند.

گزارش ایکننا حاکی است،

از دیگر برنامه‌های کاروان

قرآنی کشورمان

علیرضا سبحانی» نیز از دیگر قرآنیان حاضر در آیین عبادی - سیاسی حج هستند که حجت‌الاسلام والمسلمین «سجادی» مسئولیت این کاروان را برعهده دارد.

گزارش ایکننا حاکی است، این کاروان یک نفر حافظ قرآن، چهار نفر قاری پیشکسوت و بین‌المللی، ۱۹ قاری ممتاز جوان، پنج نفر در قالب گروه تواشیح و یک نفر به عنوان سرپرست حضور داشت. همچنین کاروان اعزامی قاریان و حافظان برگزیده سازمان اوقاف و امور خیریه به حج تمتع، بیش از هزار برنامه مذهبی و فرهنگی را در کاروان‌های داخلی، بین‌المللی و مراسم ویژه بعثه مقام معظم رهبری اجرا کرد.

یکم آذرماه سال گذشته برنامه انس با قرآن توسط کاروان قرآنی کشورمان در مدینه با تلاوت سوره «اسراء» توسط «قاسم رضیعی» قاری بین‌المللی کشورمان آغاز شد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت و در ادامه «شجاع زویدات» حافظ کل قرآن کریم و نفر نخست مسابقات بین‌المللی قرآن کشور مصر آیاتی از سوره مبارکه «مومنون» را تلاوت کرد.

زویدات در ادامه برنامه به سوالات حضار در مسجد شیعیان پاسخ گفت که به دلیل تسلط وی به بیان آیات، حزب، شماره صفحه و حتی شماره خط موارد سوال شده، مورد تشویق ویژه مسلمانان حاضر در آیین عبادی - سیاسی حج تمتع قرار گرفت.

بنابراین گزارش، یکی از مهمترین برنامه‌های گروه قاریان و حافظان قرآن جمهوری اسلامی ایران تلاوت قرآن در طبقه دوم مسجدالحرام روبروی

ائمه اطهار (ع) مداحی کرد.

«فراهانی» از دیگر مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نیز در این مراسم به اجرای برنامه پرداخت و در پایان نیز آیت الله «ری شهری» نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی به قرائت دعا پرداخت که با آمین حاضران همراه بود

حضور و اجرای برنامه توسط «مهدی تاجزاده و حسین فردی» دو تن از قاریان برجسته ایران طی سوم آذرماه سال گذشته در مکه مکرمه بود، همچنین هشت نفر دیگر از اعضای کاروان قرآنی ایران از پنجم آذرماه برای اجرای برنامه‌های قرآنی در مسجدالحرام از مدینه عازم مکه مکرمه شدند.

بخش رادیویی برنامه‌های کاروان قرآنی ایران از مکه ۱۱ آذر آغاز شد
بخش رادیویی برنامه‌های کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران از مکه مکرمه، از ۱۱ آذرماه سال گذشته با اجرای تلاوت قرآن و اذان به افق تهران آغاز شد.

برنامه‌های تلاوت قرآن در مسجدالحرام نیز از ۱۰ آذرماه آغاز شده بود و تا پنج شب بعد از آن نیز ادامه داشت که برنامه ۱۰ آذرماه با حضور حجاج ایرانی و خارجی علاقه‌مند برگزار شد و گروه اعزامی صدا و سیما نیز از این برنامه تصویربرداری کردند، همچنین پنج نفر از قاریان کشورمان در این مراسم به تلاوت آیات کلام وحی پرداختند و گروه تواشیح نیز دو برنامه اجرا کردند.

برنامه شبی با قرآن، ۱۰ آذرماه با حضور کاروان قرآنی اعزامی جمهوری اسلامی ایران در طبقه دوم مسجدالحرام روبه‌روی ناودان طلا برگزار شد، این برنامه «اطهری فرد، محمدبیگی، حبیب‌زاده، کاشفی و رضیعی» به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید خواهند پرداختند و گروه تواشیح «یاسین» اجرای برنامه همسرایی داشتند و پایان بخش برنامه نیز اجرای تواشیح اسماء الحسنی توسط کل کاروان قرآنی ایران بود، این محفل نورانی به مدت پنج شب از ساعت ۲۲ در طبقه دوم مسجدالحرام برگزار شد.

همچنین ۹ آذرماه سال گذشته نیز یک محفل قرآنی در بعهه مقام معظم رهبری برگزار شد که در این برنامه آیت الله «ری شهری» نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی نیز حضور داشت، در برنامه ۹ آذر که از ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰ به طول انجامید، «رضیعی و فردی» به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و «شجاع زویدات» به اجرای برنامه حفظ پرداختند و نیز اجرای گروه تواشیح یاسین

بخش روزانه ۳ ساعت برنامه رادیویی از فعالیت‌های کاروان اعزامی ایران به حج

گروه اعزامی صدا به سرزمین وحی از ابتدای آذرماه سال گذشته، برنامه‌های گزارشی و زنده را به اکثر شبکه‌های رادیویی ارسال می‌کند که بخش عمده‌ای از آن متشکل از تلاوت‌های قاریان اعزامی به حج، سخنرانی و اجرای تواشیح، همچنین بخش مستقیم تلاوت قرآن و اذان به صورت زنده، هنگام اذان به افق تهران بود.

بخش برنامه از رادیو قرآن به صورت گزارش و تلاوت قرآن در اولویت کاری رادیو قرآن قرار داشت که فقط از رادیوسراسری قرآن روزانه به مدت ۱۲۰ دقیقه برنامه روی آنتن ارسال می‌شد و نیز از دیگر شبکه‌های رادیویی روزانه به مدت ۶۰ دقیقه برنامه پخش می‌شد.

بخش مستقیم برنامه «شبی با قرآن» که با حضور اعضای کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران در مدینه منوره در بعهه مقام معظم رهبری برگزار شد، نیز از دیگر فعالیت‌های گروه اعزامی رادیو در حج تمتع سال گذشته بوده است.

مراسم دعای کمیل با حضور ۳۰ هزار زائر ایرانی در مدینه برگزار شد
مراسم معنوی دعای کمیل، هفتم آذرماه با حضور ۳۰ هزار زائر، جمعی از اعضای کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران و مسئولان بعهه مقام معظم رهبری در بین الحرمین مدینه منوره برگزار شد، در ابتدای این مراسم که با اجرای «عباس سلیمی» استاد پیشکسوت و داور بین‌المللی قرآن کریم همراه بود، «قاسم رضیعی» قاری بین‌المللی کشورمان و سرپرست کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران آیاتی از سوره مبارکه «غافر و کوثر» را تلاوت کرد که مورد استقبال حاجیان حاضر در مراسم قرار گرفت.

بنابر این گزارش، «غلامرضا زاده» تلاوت دعای کمیل را در میان زائران ایرانی خانه خدا برعهده داشت و «ماه‌رخسار» از مداحان پیشکسوت نیز در این مراسم دعای کمیل در مدح



بخش دیگری از این برنامه بود.

کاروان قرآنی اعزامی از جمهوری اسلامی ایران به حج تمتع، ۱۲ آذرماه سومین برنامه خود را در مسجدالحرام اجرا کرد و «قاسم رضیعی» قاری بین‌المللی کشورمان و سرپرست کاروان قرآنی اعزامی از جمهوری اسلامی ایران به حج تمتع در این مراسم تلاوت ترتیل قرآن انجام داد و در ادامه «حسین فردی، رفیعی، وکیلی، اطهری فرد» از قاریان ممتاز و بین‌المللی ایران و نیز گروه تواشیح یاسین به اجرای برنامه پرداختند.

گزارش اینکنا حاکی است، جمع‌خوانی اسماء‌الحسنی توسط قاریان و حافظان قرآن جمهوری اسلامی ایران در صحن مسجدالحرام نیز از دیگر برنامه‌های ۱۲ آذرماه سال گذشته کاروان قرآنی ایران در مکه مکرمه بود.

همچنین، ۱۳ آذرماه سال گذشته نیز همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور با همکاری معاونت امور بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با حضور اندیشمندان و مسئولان بعثه در محل سالن اجتماعات بعثه مقام معظم رهبری برگزار و آیات پایانی سوره مبارکه «کهف» را در ابتدای این همایش تلاوت شد.

۱۳ آذر، همایش قدس برپا شد

همایش قدس نیز ساعت ۹ صبح، ۱۳ آذرماه سال گذشته، در سالن اجتماعات بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد که «محمدبیگی» قاری ممتاز کشورمان در ابتدای این همایش آیاتی از کلام وحی را تلاوت کرد و «ابطحی» دیگر قاری کشورمان در همایش روحانیون به تلاوت قرآن پرداخت.

از جمله برنامه‌های چهارمین شب حضور کاروان قرآنی ایران در مکه مکرمه این بود که اعضای کاروان قرآنی ایران در حج از سوی برخی کاروان‌های خارجی نیز به منظور تلاوت قرآن کریم دعوت شدند که از جمله «حسین فردی» قاری بین‌المللی و «شجاع زویدات» حافظ کل قرآن کریم کشورمان به همراه گروه تواشیح یاسین در کاروان شیعیان قطیف به اجرای تلاوت قرآن کریم پرداختند.

یادآوری می‌شود، ۱۳ آذرماه از ساعت ۲۰ همایش فرهیختگان برگزار شد که «رشیدی» قاری ممتاز کشورمان در آن به تلاوت آیات وحی پرداخت، همچنین همایش حج و امام خمینی (ره) ساعت ۲۱ برگزار شد که «کاشفی» دیگر قاری ممتاز کاروان قرآنی ایران در آن قرآن تلاوت کرد.

مقالاتي ڊر باره حج

اسرار گفتاری از آیت الله

نگاه سایرین نهان است و دیگران از رسیدن بدان ناتوانند، می بینند و بدان نایل می شوند.

توضیح و شاهد مطلب فوق اینکه، آسمان را ظاهری و باطنی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ این سؤال که میان آسمان و زمین چقدر فاصله است؟ فرمود: بُرِّدْ دِیدِ چِشْمِ وَ دَعَايِ مَظْلُومِ: «مدّ البصر ودعوة المظلوم».

دلالت این حدیث بدین گونه است که چشم جز ظاهر آسمان را نمی بیند، اما باطن آسمان جز با بصیرت، قابل رؤیت نیست؛ زیرا مظلومی که به خدا پناه برده جز خدا را نمی خواند؛ خدایی که امر هر آسمانی را به همان آسمان وحی کرده: «أوحی فی کل سماء أمرها» و به مردم وعده داده است که روزیشان در آسمان است: «وفی السماء رزقکم» و کفار را تهدید کرده که درهای آسمان (یعنی بواطن و اسرار آن) برای آن ها گشوده نخواهد شد: «لا تفتّح لهم أبواب السماء»؛ زیرا نیایش او به ملکوت آسمان صاعد می شود. بنابر آنچه گفته شد، درمی یابیم که هر عبادتی و از جمله حج بطن و سرّی دارد.

حج به عنوان بزرگترین عبادت سیاسی و اجتماعی، موجب شده است که متفکرین مسلمان در مورد آن به نگارش کتابهایی پرداخته اند، آنچه در ذیل می آید، نوشتاری از آیت الله العظمی جوادی آملی در مورد صورت باطنی حج است.



گرچه بحث کنونی، در تبیین اسرار حج است، ولی روح این سخن به تحلیل اسرار همه عبادت ها برمی گردد؛ زیرا همه عبادت ها سرّ مشترکی دارد و سرّ مختصی؛ انسان به هر یک از این دو سرّ، راه پیدا کند، می تواند به سرّ سایر عبادت نیز راه یابد. گرچه نحوه راهیابی از لحاظ سهولت و صعوبت یکسان نیست.

هر عبادتی را بطن و سرّی است؛ زیرا اولاً عبادت از اموری است که خدای سبحان در کتاب خویش که بیان همه چیز است از آن سخن گفته است، و ثانیاً کتاب خدا را ظاهری است و باطنی: «إنّ لکتاب الله ظاهراً و باطناً...».

بنابراین، همه آنچه در قرآن آمده و از جمله حج، ظاهری دارد که مردم بدان معرفت دارند و باطنی که تنها شاهدان و عارفان، آنچه را که از

حج

العظمیٰ جوادی آملی

شہود قلبی باطن اعمال

پس آیا من نیز بہ خداوند قسم یاد کنم کہ او (در این بارہ) راست می‌گوید؟ فرمود: قلب خویش را بیازمای، چنانچہ او را دوست می‌داری سوگند یاد کن و اگر چنین نیست سوگند یاد مکن: «امتحن قلبک فإن کنت تحبہ فاحلف وإلا فلا».

خلاصہ اینکہ، قلب می‌تواند شاہد غیب بودہ، بہ آنچه چشم‌ها از دریافتش ناتوان و عاجز است نایل شود. پس خوشا بہ حال کسی کہ قلب دارد یا گوش فرامی‌دهد و شاہد است. چنین کسی در زمرہ کسانی است کہ ہر عبادت و از جملہ حج را با قوت قلب فرا می‌گیرد، چنانکہ با قوت بدن. اوست کہ می‌تواند باطن عبادت و از جملہ باطن حج را مشاہدہ کند و با سریرت خویش بہ سر آن، کہ اوہام نیز از رسیدن بہ آن ناتوان است تا چہ رسد بہ چشم‌ها نایل آید.

حاصل کلام اینکہ، ہمہ اموری کہ وحی الہی بہ ارمغان آورده، ظاہری دارد کہ انسان آنہا را با «قالب» خود فرا می‌گیرد و باطنی دارد کہ انسان با «قلب» خویش آنہا را درمی‌یابد. این خود اصلی است کہ ثقلین، کہ رسول خدا (ص) آن‌ها را در میان امت خویش بر جای نهاد، بر آن گواہی می‌دهند و اولیای الہی آن را مشاہدہ و اتقیاء با آن معانقہ و

نکتہ شایان ذکر در بارہ شہود قلبی مزبور اینکہ، خداوند متعالی بہ مردم دستور داده است آنچه را پیامبر بہ آنان فرمان داد، بہ کار بندند: «ما اتاکم الرسول فخذوہ» و نیز می‌فرماید: ... آنچه را بہ شما دادیم بہ نیرو بگیرید: «خذوا ما اتیناکم بقوۃ». امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال کہ آیا مراد از قوت در آیہ شریفہ «خذوا ما اتیناکم بقوۃ» قوت در بدن ہاست یا قوت در قلب؟ فرمود: در ہر دو است.

اما قلب، قسطاس مستقیم و میزانی الہی است کہ خداوند آن را در بندہ اش بہ ودیعت نهاد تا او بہ وسیلہ آن بہ آنچه در نزد خداوند دارد آگاہی یابد؛ چنانکہ امام صادق از پدرانش (ع) روایت کردہ است کہ رسول خدا (ص) فرمود: ہر کس دوست دارد بداند نزد خدا چہ مقامی دارد پس، باید بنگرد کہ خداوند در نزد او چہ جایگاہی دارد: «من أحبّ أن یعلم ما لہ عند اللہ فلیعلم ما لہ عندہ». این سخن از تابناک ترین سخنان شخصیتی است کہ «جوامع کلم» بدو عطا شدہ بود.

همچنین امام کاظم (ع) در پاسخ کسی کہ از وی پرسید: فردی از افراد معمولی مرا می‌بیند و بہ خدا سوگند می‌خورد کہ مرا دوست دارد.

آصفیا با آن مباشرت کرده و شهدا بدان عشق ورزیده‌اند. پس خوشا به حال کسی که به عبادت عشق ورزید و با آن معانقت و مباشرت جست

ظهور ملکوت اعمال

حج نیز ظاهری دارد که مردم با جسم‌هایشان بدان می‌رسند و باطنی نیز که خواص

بندگان با قلب‌های خویش بدان نایل می‌شوند و هنگام ظهور ملکوت، جلوه آن را می‌بینند. چنانکه ابوبصیر از یکی از صادقین (ع) روایت کرده است که فرمود: «چون بنده مؤمنی بمیرد، همراه او شش صورت داخل قبرش می‌شود. یکی از این صورت‌ها زیباتر، نورانی‌تر، خوشبوتر و پاک‌سیماتر از دیگران است. آنگاه صورتی در سمت راست و صورتی در سمت چپ و صورتی دیگر روبه‌رو و صورتی دیگر در پشت سر او و یکی دیگر در کنار پایش و آنکه زیباتر از همه است بالای سرش قرار می‌گیرند. پس اگر (عذاب یا هر امر ناگوار دیگری) بخواهد از سمت راست آن مؤمن درآید صورتی که در سمت راست قرار دارد او را مانع می‌شود و همین‌طور از سایر جهات درمی‌آید. سپس (آن مؤمن) می‌پرسد: خدا به شما پاداش نیکو دهد شما کیستید؟ صورتی که در سمت راست بنده قرار دارد می‌گوید: من نمازم و آنکه در سمت چپ است گوید: من زکاتم و آنکه روبه‌روی بنده است گوید: من روزه‌ام و آنکه پشت‌سر اوست گوید: من حج و عمره هستم و آنکه در کنار پاهای اوست گوید: من نیکی‌ای هستم که به برادرانت رساندی. آنگاه همه این صورت‌ها خطاب به آن صورت زیباتر کرده، می‌گویند: تو کیستی که از همه ما خوش‌سیماتر و خوشبوتر و نورانی‌تر هستی؟ آن صورت پاسخ می‌دهد: من ولایت و دوستی آل محمد (ص) هستم».

این روایت نشان می‌دهد که حج صورتی باطنی دارد که در روزی که چشم‌ها خیره‌شود و ماه تیره‌گردد و ساقها درهم پیچد و همه به پیشگاه خداوند رانده شوند و هنگامی که همه از عالم مُلک به جهان ملکوت کوچ کنند و دنیا به آخرت مبدل

حکایت

همسفر حج

مردی از سفر حج برگشته سرگذشت مسافرت خودش و همراهانش را برای امام صادق (علیه السلام) تعریف می‌کرد، مخصوصاً یکی از همسفران خویش را بسیار می‌ستود که چه مرد بزرگواری بود، ما به معیت همچو مرد شریفی مفتخر بودیم، یکسره مشغول طاعت و عبادت بود، همین‌که در منزلی فرود می‌آمدیم، او فوراً به گوشه‌ای می‌رفت و سجاده خویش را پهن می‌کرد و به طاعت و عبادت خویش مشغول می‌شد.

امام: «پس چه کسی کارهای او را انجام می‌داد؟ و که حیوان او را تیمار می‌کرد؟»
- البته افتخار این کارها با ما بود. او فقط به کارهای مقدس خویش مشغول بود و کاری به این کارها نداشت.

- بنابراین همه شما از او برتر بوده‌اید.
نویسنده: استاد شهید مرتضی مطهری،
مجموعه آثار، جلد ۱۸، صفحه ۲۰۰

گردد، در قالب آن صورت جلوه‌گر می‌شود. امام صادق (ع) در بیان برخی اسرار حج

که ترسیم‌کننده چهره باطنی حج است فرمود: «چون اراده حج کردی، پیش از عزم بر سفر، دل خود را از هر کار و از هر حاجی خالی کن و همه کارهایت را به آفریننده‌ات واگذار و در همه حرکات و سکون‌هایت بر او توکل کن و تسلیم قضا و فرمان و تقدیر او شو و دنیا و رفاه و آسایش و نیز مردم را وداع گو و حقوقی که از مردم برگردن داری ادا کن و بر زاد و راحله و یاران و قوت و جوانی و مال خود تکیه مکن. چه بسا همین‌ها دشمن و وبال تو گردد؛ زیرا هر که به گمان خویش خواهان

خشنودی خداوند باشد اما بر چیزی جز او اعتماد ورزد دشمن و وبال او گردد، تا بداند که او را نیروی نیست. پس تورا و نیز هر کس دیگر را چاره و گریزی جز در پرتو عصمت و نگهبانی خداوند و توفیق او نیست.

نمایی از باطن حج در پرتو بیان اسرار

آنگاه خود را مهیا کن چونان کسی که امید به بازگشت ندارد. خوش معاشرت باش و اوقات فرایض خدا و سنن پیامبرش (ص) و آنچه از ادب و تحمل و صبر و شکر و شفقت و

سخا و ایثار زاد که بر تو واجب است، در همه اوقات رعایت کن.

سپس با آب توبه خالصانه، گناہانت را بشوی و جامه صدق و صفا و خشوع در بر کن و از هر آنچه که تو را از یاد خداوند مانع می‌شود و از اطاعت او باز می‌دارد، دوری کن؛ و لبیک گو، بدین معنا که خدا را پاسخی بی‌آلایش و پاک دادی، چنانکه به ریسمان استوارش چنگ زدی و به قلب خویش با کروبیان به گرد عرش طواف کن، همچون طواف خویشتن با مسلمانان بر گرد کعبه؛ و به قصد فرار از هوا و تبری از همه نیرو و توان خویش، هرزوله کن.

آنگاه از غفلت و لغزش‌هایت با رفتن به منا، برون آی و آنچه را بر تورا و حلال نیست و سزاوار آن نیستی تمنی مکن؛ و در عرفات به خطاهایت اعتراف کن. در مزدلفه پیمان خویش را بر وحدانیت خداوند تجدید کن و به او تقرب جو و از او پروا مدار؛ و با صعود به «جبل الرحمة»، با روح خویش به ملاء اعلیٰ فراز آی و به هنگام قربان کردن، گلوی هوا و آرز را بپُر؛ و به هنگام سنگ‌زدن به جمرات، شهوات و حساست و دنائت و زشتی را رمی کن و با تراشیدن مویت عیب‌های آشکار و

نهان را ببر.

سپس با ورود به حرم، از پیروی خواست خویش در امان خداوند و حمایت و نگاهداشت و حفظ او گام‌نِه؛ و کعبه را زیارت کن در حالی که صاحب آن را بزرگ می‌داری و به جلال و قدرت او آگاهی؛ و حجرالأسود را به نشان اینکه به قسمت او خشنودی و در برابر عزت او سرافکنده‌ای استلام کن و با طواف وداع، با هر آنچه جز اوست بذرود گوی و با وقوف خویش بر کوه صفا روح خود را برای دیدار خداوند در روزی که دیدارش خواهی کرد پالوده ساز و در کوه مروه با پیراستگی از گناهان، نسبت به خداوند صاحب مروت باش.

بدان که خداوند حج را واجب نفرمود و از بین همه طاعات آن را با اضافه کردن به نام خویش ویژه ساخت: *«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ»*، و در خلال مناسک، سنتی از برای پیغمبرش تشریح نکرد، مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعث و قیامت که این همه از آغاز تا انجام اشارتی است برای عاقلان و خردمندان.

نزول حج از خزاین غیب

عبادات و از آن جمله حج، مانند دیگر موجودات عالم، از خزاین غیب الهی نازل شده است: *«وَأِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»* و همانند سایر موجودها به واقعیت‌های تنزل یافته از مخازن غیب متکی است. پس کسی که این امور عبادی را بشناسد و بدان‌ها عمل کند، به ریشه آن‌ها که همان

مخزن غیب است می‌رسد. روایتی که پیش از این درباره صورت‌های باطنی اعمال عبادی، گذشت ناظر به همین معناست و انسان در برزخ نزولی یا برزخ صعودی با آن واقعیت‌ها آشنا می‌شود. البته اوحی از انسان‌ها قبل از تنزل حقایق آن اعمال به این عالم، به آن‌ها (در برزخ نزولی) آگاهی دارند؛ چنانکه سایر مردم بعد از مرگ (در برزخ صعودی) به حقیقت نماز و حج و زکات پی می‌برند و آن‌ها را در صورت‌های ملکوتیشان می‌بینند.

آنچه در مخزن غیب است، مجرد بوده، مصون و منزله از نقص و عیب است. با توجه به این نکته، اگر کسی بداند که حقیقت و سرّ نماز و حج و سایر عبادات، اموری ملکوتی است و نمازگزار و حج‌گزار واقعی، با این امور ملکوتی هم‌پرواز و هم‌سفر است و فرشتگان قرین و همراه اویند، هنگام اقامه نماز و انجام آن، با نیت برتری در آن وارد شده، به آن می‌پردازد.

برای جای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده کرده، به دیدار رب‌البیت و شهود آیات آفاقی و انفسی آن و امتثال حج ابراهیمی و اعمار ناب حسینی (ع) نایل می‌شوند مکشوف نخواهد بود.

سرّ حج در سیر الی‌الله

خدای سبحان در تعبیری ویژه درباره حج فرمود: *«لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»*. همان گونه که همان

زاد سفر حج

در قرآن کریم، تعبیر به «زاد» جز در آیه شریفه «تزوّدوا فین خیر الزّاد التّقوی» که مشتمل بر برخی احکام حج است، نیامده است؛ زیرا در حج، مسافرت کردن است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» و چون در سفر، احتیاج به زاد و توشه است به آن سفر اصیل که آخرت است، تذکر داده، امر به تقوا میبکند؛ چنانکه در آیه‌ای دیگر که سخن از پوشش ظاهری است: «یا بنی ادم قد أنزلنا علیکم لباساً یواری سوءتکم وریشاً» تذکر به تقوا داده، می‌گوید: همان گونه که لباس‌های بافته‌شده از پنبه و پشم و مانند آن، سوآت ظاهر شما را می‌پوشاند، تقوا سیئات درونی شما را می‌پوشاند؛ ولباس التقوی ذلک خیر».

آیه شریفه «تزوّدوا فین خیر الزاد التقوی»، اولاً راه را نشان می‌دهد، ثانیاً هشدار می‌دهد که همگی مسافرنند، ثالثاً آگاه می‌سازد که مسافر بدون زاد نمی‌تواند حرکت کند، رابعاً همه را به بهترین توشه که تقواست راهنمایی می‌کند، خامساً بیان می‌کند که حج از بارزترین مصادیق تقواست.

مراد از «خیر الزاد» این نیست که توشه‌های معنوی دیگر خوب است ولی تقوا بهتر است، بلکه مقصود آن است که تنها زاد سودمند تقواست و انسان غیرمتمقی توشه‌ای ندارد و هرگونه وصف معنوی باید بر اساس تقوا متحقق شود.

برخی مفسران گفته‌اند: افرادی در سفر حج بدون زاد و توشه

برای خدا و و جوب آن از طرف اوست، انجام آن نیز باید «لله» باشد. پس اگر کسی به قصد سیاحت، تجارت و مانند آن، اراده حج کرد، چنین حجی که سیرِ اِلی الله نیست سرّی ندارد؛ زیرا مهمترین سرّ حج سیرِ اِلی الله است. چنانکه در بعضی از روایات، آیه کریمه «فَفَرُّوا اِلی الله» بر «حج» تطبیق شده است.

سفر حج، فرار از غیر خدا به سوی خداست و چون خدا همه جا هست: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ اِلهٌ وَفِي الْاَرْضِ اِلهٌ» و «اینما تولّوا فثم وجه الله» معنای «سیرِ اِلی الله»، سیر مکانی یا زمانی نیست. فرار به سوی خدا بدین معناست که انسان ماسوی الله را ترک کرده، خدا را طلب کند. پس اگر کسی حج را به قصد تجارت یا شهرت و مانند آن انجام داد، فرار «عن الله» کرده است، نه فرار «إلی الله». اگر کسی به زاد و راحله، کسب و کار و همراهان خود تکیه کند، فرار به سوی همراهان کرده است، نه فرار به سوی خدا. سفر به سفره خود کرده است، نه سفر به سفره ضیافت الله.

خلاصه اینکه، یکی از اسرار حج آن است که انسان از غیر خدا بریده، به سوی خدا هجرت کند تا به لقای او نایل آید و این از هنگام تهیه مقدمات آغاز می‌شود. کسی که لباس احرام فراهم می‌کند، مالش را تطهیر، وصیتنامه‌اش را تنظیم و از بستگانش خداحافظی می‌کند، همه این امور را با عنوان فرارِ اِلی الله انجام می‌دهد. قهراً در همه این حالات با خداست. سیر چنین کسی «إلی الله»، «فی الله»، «مع الله» و «لله» است. از این رو در بعضی از دعاهای حج و مانند آن آمده است: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ الله».

حرکت می‌کردند و بر این باور بودند که در راه حق نیازی به نان و آب نیست و توکل، زاد و توشه زائر سالک است، از این رو خدای سبحان فرمود: «تزوّدوا» ولی از ذیل آیه که می‌فرماید: «فإنّ خیر الزاد التّقوی» استفاده می‌شود که مراد، تشویق به اعمال صالح است؛ زیرا گاه امر بر خود چنان زائری نیز مشتبه می‌شود و در حقیقت کلّ بر مردم بودن که عملی ناپسند است را توکل می‌پندارد.

آیه شریفه مذکور، در پایان یکی از مصادیق تقوا را که تقوای الهی است بیان می‌کند: «واتقون»؛ زیرا گاهی منشأ پرهیز و تقوا، ترس از آتش جهنّم است، چنانکه خدای سبحان فرمود: «واتقوا النار الّتی أعدت للكافرين» و «فأوا أنفسکم وأهلیکم ناراً»، و گاهی تقوا به خاطر شوق به بهشت است. چنین ره توشه‌هایی در بین راه تمام می‌شود و مسافر الی‌الله را در سفر آخرت به لقای خدا نمی‌رساند؛ زیرا هدف وی رهیدن از جهنّم و یار رسیدن به بهشت بود و پس از آن چون زادی ندارد می‌ماند، ولی تقوای احرار که نه ناشی از خوف جهنّم بوده و نه به خاطر شوق بهشت است، بلکه بر اثر محبت خداست، آنان را تالقای پروردگار می‌برد.

خلاصه اینکه، چون زاد آنان تالقاء الله است خود نیز به لقای او می‌رسند؛ چنانکه خداوند درباره قربانی در حج فرمود: «لن ینال الله لحومها ولا دماؤها ولكن یناله التّقوی منکم». قربانی آن است که وسیله تقرّب انسان به خداوند شود. گوشت و خون به خدا نمی‌رسد تا قربانی باشد، آنچه قربانی است و بالا می‌رود ذبح گوسفند برای خداست و آن چون عبادت است نه تنها مقرب است، بلکه خود به خداوند می‌رسد و چون تقوایی که به خدا نایل می‌شود وصف جدای از جان متقی نیست صاحب آن هم که شخص متقی است به لقاء الله نائل

می‌گردد؛ زیرا بنده صالحی که مطیع خداست توانگر است: «... و طاعته غنی...»، از این رو ابن السبیل نخواهد بود تا در بین راه سلوک به مقصد لقای حق بماند.

سفر حج برای زائری که به مقصد رسیده، مقصود را در مقصد یافته و بازگشته است، سیر «من الحق الی الخلق بالحق» است و او به همراه سیر اُفقّی و آفاقی، سیر انفسی نیز دارد و می‌یابد که: «هو معکم این ما کنتم». چنین زائری به همراه مهماندار به دیار خود باز می‌گردد، با نورانیّتی که گویی تازه از مادر متولد شده است: «من أمّ هذا البیت حاجّاً أو معتمراً مبرءاً من الکبر رجوع من ذنوبه کهیئة یوم ولدته أمه». و مردم موظفند پیش از آنکه آن نور الهی حجّ به سبب آلوده شدن حاجی به گناه از وی زایل شود به زیارت او بروند.

تزکیه روح در پرتو شناخت اسرار

تعلیم کتاب و حکمت که در آیه شریفه «یعلّمهم الكتاب والحکمة ویزکیهم» آمده، هم عقاید و اخلاق و اعمال عبادی را شامل است و هم مسایل اقتصادی، سیاسی، نظامی و مانند آن را در بر می‌گیرد. از این رو تزکیه مذکور در آیه نیز برای بیان باطن همه این امور است. پس همانطور که تزکیه هر عمل به سبب نیل به اسرار آن عمل است، هر عملی سرّی دارد که توجه به آن مایه تزکیه روح خواهد بود.

بنابراین، بخش مهم تزکیه نفوس در پرتو آشنایی با اسرار عبادت‌ها و دستورهای دینی است. ویژگی و امتیاز حج در این زمینه آن است که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و شاگردان آن‌ها درباره اسرار آن، رهنمودهای روشن و سخنان بیشتری بیان کرده‌اند.

تهذیب نفس در حج

حج، همانند دیگر عبادت‌ها، آداب، سنن و

راز دشواری فهم اسرار حج

راز بسیاری از عبادات بر انجام دهندگان آن‌ها پوشیده نیست: نماز ذکرهایی دارد که معنای آن روشن است، و رکوع و سجودی که تعظیم را تفهیم می‌کند و تشهدی که همراه با اعتراف به وحدانیت حق و رسالت رسول اکرم (ص) است.

روزه پرهیز از مشتهیات است. تأثیر آن در همدلی و همدردی و هماهنگی با مستمندان و یادآوری فشار گرسنگی و تشنگی بعد از مرگ، مشهود است. هم منافع طبی و دنیایی آن و هم منافع معنوی آن در جهت تهذیب روح معلوم است. همچنین آگاهی از منافع زکات، که انفاق و تعدیل ثروت و رسیدگی به حال مستمندان و ضعیفان است و نیز ثمرات جهاد و مرزداری و دفاع در برابر تهاجم بیگانگان دشوار نیست، لیکن پی بردن به راز مناسک حج دشوار است و اسرار بسیاری از آن‌ها با عقل بشری قابل تبیین نیست. از این رو تعبّد در حج بیش از سایر دستورات دینی است. چنانکه از رسول خدا (ص) نقل شده است که به هنگام لبیک گفتن، به خدا عرض کرد: خدایا! من با رقیّت و عبودیت محض لبیک می‌گویم و مناسک حج را انجام می‌دهم: «لَبَّيْكَ بِحُجَّةٍ حَقًّا تَعْبُدًا وَرِقًّا».

بنابراین، مراسم و مناسک حج با بندگی محض و رقیّت صرف و عبودیت تام هماهنگ‌تر است. عبادت اگرچه به معنایی که پیش از این گفته شد، غایت آفرینش است، اما خود بنفسه مقدمه یقین، و یقین غایت آن است، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ».

مقصود از غایت در اینجا همان هدف والا و منفعت مطلوب است، نه حد و نهایت؛ زیرا حد و نهایت غایت حرکت است، نه غایت آنچه (عبادتی) که برتر و بزرگ‌تر از حرکت است و

فرایزی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتیه و پرهیز از صفات سلبيه است.

انسان از آن جهت که خلیفه حق و مظهر جمال و جلال اوست، دارای صفات ثبوتی و سلبی است.

از این رو موظّف است که به «تخلیه» و «تحلیه» بپردازد؛ بدین صورت که ابتدا خود را از رذایل اخلاقی خالی کند و سپس به فضایل اخلاقی مزین سازد و جلوه جمال و جلال حق شود. حج بهترین فرصت برای تأمین این هدف است؛ زیرا حج برای تهذیب نفس است.

محرمات حج برای تطهیر قوایی است که احياناً گرفتار عصیان و تباهی می‌شود؛ چنانکه آیه شریفه: «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» به سه مورد از محرمات حج که هر یک در تطهیر یکی از آن قوای نفسانی نقش دارد اشاره می‌کند؛ یعنی «لَا رَفَثَ» به پاک کردن قوه شهویه مربوط است و «لَا فُسُوقَ» به تطهیر قوه غضب برمی‌گردد و «لَا جِدَالَ» ناظر به تهذیب قوای فکری است، و با طهارت این قوای سه‌گانه همه کارهای انسانی پاک می‌شود؛ زیرا هر کاری که از انسان صادر می‌شود با تحلیل دقیق به یکی از سه قوه برمی‌گردد و تفصیل آن بر عهده علم اخلاق است.

نکته دیگر درباره آشنایی با اسرار عبادات اینکه، زائر بیت‌الله به هر میزان که به اسرار حج آگاه باشد، حج او خالصانه و خلوص او مشروح‌تر است؛ زیرا خلوص که معیار بهره‌مندی از ثواب و شأنی از شئون عقل عملی است، مسبوق به معرفت است و معرفت از شئون عقل نظری است. شخص سالک باید ابتدا مراحل عبادی را بفهمد، تا برابر فهم و معرفتش، اقدام خالصانه داشته باشد. پس بدون آشنایی به اسرار اعمال، پیمودن مراحل کامل اخلاص، میسر نیست.



حکایت

حج گزاران حقیقی

یقین مستفاد از عبادت، بی هیچ غطلت و غفلتی، خود مبدأ عبادت است.

فرق بسیاری است میان عبادتی که به سمت یقین صعود می‌کند و عبادت صادر از یقینی که در آن غایت عقل نظری و غایت عقل عملی متحد شده، شهود بعینه تبدیل به قدرت، و علم بنفسه تبدیل به عمل، و معرفت بذاته سرچشمه اعمال صالح می‌گردد، آنسان که چیزی از عمل صالح و ادب حسن از یقین باز نمی‌ماند و از دایره آن بیرون قرار نمی‌گیرد. در چنین صورتی یقین بنفسه خلّقی عظیم می‌گردد؛ چون در این حالت هیچ تفاوتی بین شهود و عمل وجود ندارد؛ زیرا خلّقی عظیم بدون شهود تحقق نمی‌یابد، چنانکه عمل صالح و ادب پاک، از شهود جدا نیست، بلکه شاهد، خود از کسانی است که از عبادت سرنمی‌تابند و به ستوه نمی‌آیند.

کلماتی به زبان جاری نمود. ناگهان! بسیاری از آن جمعیت را میمون و خوک دیدم، وحشت کردم! سپس بار دیگر دستش را بر چشمان من کشید، آن‌گاه دوباره آنان را همان‌گونه که در ظاهر بودند دیدم. سپس فرمود:

- ای ابا بصیر! نگران مباش! شما در بهشت، شادمان هستید و طبقات دوزخ جای شما نیست.

سوگند به خدا! سه نفر، بلکه دو نفر، بلکه یک نفر از شما شیعیان حقیقی در آتش دوزخ نخواهد بود.

بحارالانوار، جلد ۴۷، صفحه ۷۹ و جلد ۶۸، صفحه ۱۱۸

ابوبصیر یکی از شیعیان پاک و مخلص امام صادق (علیه السلام) می‌گوید:

من با آن حضرت در مراسم حج شرکت نمودم. هنگامی که به همراه امام (علیه السلام) کعبه را طواف می‌کردیم، عرض کردم:

- فدایت شوم، آیا خداوند این جمعیت بسیار را که در حج شرکت نموده‌اند، می‌آمرزد؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

- ای ابا بصیر! بسیاری از این جمعیت که می‌بینی، میمون و خوک هستند!

عرض کردم:

- آن‌ها را به من نشان بده!

آن حضرت دستی بر چشمان من کشید و



سفرشات امام محمد باقر (علیه السلام) بعد از حج حکایت

قرآن است، آن را بپذیرید و چنانچه آن را موافق قرآن نیافتید، بر زمین بیاندازید! اگر مطلبی بر شما مشتبه شد، درباره آن تصمیمی نگیرید و آن را به ماعرضه دارید تا آن طور که لازم است برای شما تشریح کنیم.

اگر شما چنین بودید که توصیه شد و از این حدود تجاوز نکردید و پیش از زمان قائم ما کسی از شما بمیرد، شهید از دنیا رفته است. هر کس قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد و هر کس در رکاب او یکی از دشمنان ما را به قتل برساند، ثواب بیست شهید خواهد داشت.

بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۲۳۶

جابر جعفی نقل می‌کند: بعد از خاتمه اعمال حج، باجمعی به خدمت امام محمد باقر (علیه السلام) رسیدیم. هنگامی که خواستیم با حضرت وداع کنیم، عرض کردیم توصیه‌ای بفرمایند! اظهار داشتند:

- اقویای شما به ضعف کمک کنند! اغنیا از فقرا دلجویی نمایند! هر يك از شما خیر خواه برادر دینی‌اش باشد و آنچه برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد! اسرار ما را از ناهلان مخفی دارید و مردم را بر ما مسلط نکنید! به گفته‌های ما و آن چه از ما به شما می‌رسانند توجه کنید؛ اگر دیدید موافق

پس شاهد متیقن همان عابد است و او متخلّق به خلقی عظیم است. او خدا را از ترس دوزخش و از شوق بهشتش نمی‌پرستد، بلکه تنها به خاطر عشقی که به خدا می‌ورزد، او را عبادت می‌کند و این همان مقام مکنونی است که جز پاکان بر آن دست نسایند.

نیل به هدف والای حج

با توجه به مطالب فوق، حج نیز نشانه و فراهم‌آورنده هدف والای عبادت، یعنی یقین است؛ زیرا حج، نور و بصیرت است و از همین رو در روایات آمده است که تارك حج، کور محشور می‌شود و او در دنیا کور است و در آخرت کورتر و گمراه‌تر. چنانکه امام صادق (ع) درباره آیه شریفه؟ ومن كان في هذه أعمى فهو في الآخرة



قافله‌ای که به حج می‌رفت

قافله‌ای از مسلمانان که آهنگ مکه داشت، همین‌که به مدینه رسید چند روزی توقف و استراحت کرد و بعد، از مدینه به مقصد مکه به راه افتاد.

در بین راه مکه و مدینه، در یکی از منازل، اهل قافله با مردی مصادف شدند که با آن‌ها آشنا بود. آن مرد در ضمن صحبت با آن‌ها متوجه شخصی در میان آن‌ها شد که سیمای صالحین داشت و با چابکی و نشاط مشغول خدمت و رسیدگی به کارها و حوائج اهل قافله بود. در لحظه اول او را شناخت. با کمال تعجب از اهل قافله پرسید: این شخصی را که مشغول خدمت و انجام کارهای شماست می‌شناسید؟

– نه، او را نمی‌شناسیم. این مرد در مدینه به قافله ما ملحق شد. مردی صالح و متقی و پرهیزگار است. ما از او تقاضا نکردیم که برای ما کاری انجام دهد، ولی او خودش مایل است که در کارهای دیگران شرکت کند و به آن‌ها کمک بدهد.

– معلوم است که نمی‌شناسید، اگر می‌شناختید این طور گستاخ نبودید، هرگز حاضر نمی‌شدید مانند یک خادم به کارهای شما رسیدگی کند.

– مگر این شخص کیست؟

– این، علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) است.

جمعیت، آشفته پیاخاستند و خواستند برای معذرت دست و پای امام را ببوسند. آن‌گاه به عنوان گله گفتند: «این چه کاری بود که شما با ما کردید؟! ممکن بود خدای ناخواسته ما جسارتی نسبت به شما بکنیم و مرتکب گناهی بزرگ بشویم.»

امام: «من عمداً شما را که مرا نمی‌شناختید برای همسفری انتخاب کردم، زیرا گاهی با کسانی که مرا می‌شناسند مسافرت می‌کنم، آن‌ها به خاطر رسول خدا (علیه السلام) زیاد به من عطف و مهربانی می‌کنند، نمی‌گذارند که من عهده‌دار کار و خدمتی بشوم، از این رو مایلیم همسفرانی انتخاب کنم که مرا نمی‌شناسند و از معرفی خودم هم خودداری می‌کنم تا بتوانم به سعادت خدمت رفقا نائل شوم.»

نویسنده: استاد شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، جلد ۱۸،

صفحه ۲۰۲

أعمى وأضلّ سبيلاً» فرمود: این درباره کسی است که حج واجب خود را تأخیر می‌اندازد و بر این حال می‌میرد: «ذلك الذي يسوف نفسه الحج، يعني حجة الإسلام حتى يأتيه الموت» و از آنجا که حج، نور و شهود است، نمایشگر خُلق عظیم می‌باشد.

شایان ذکر اینکه، انسان، متخلّق به خُلق عظیم نمی‌گردد مگر آنکه در روح و جان وی جز خالق هستی، هر چیزی کوچک و حقیر شمرده شود. پس آنکه به خُلق عظیم متخلّق شد و خود نیز عظیم گشت اصلاً چیزی نزد او جز خدای سبحان بزرگی و عظمت نمی‌گیرد؛ چون او مظهر اسم عظیم است. در این باره نکته‌ای تکمیلی در بحث از «تلبیه» خواهد آمد.

برترین کسی که متخلّق به خُلق عظیم شد، مظهر بزرگترین اسمای الهی، یعنی خاتم الانبیاء (ص) بود که خداوند او را چنین وصف کرد: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». یقین خصلت بزرگی است که رسول اکرم (ص) بدان متخلّق بود؛ چنانکه بنیانگذار کعبه، ابراهیم (ع)، بدین ویژگی آراسته بود: «وَكذلك نرى إبراهيم ملكوت السموات والأرض وليكون من الموقنين».

حاصل اینکه، عبادت، مورث یقین است و حج نیز عبادت خاصی است که مورث یقین، یعنی همان خُلق عظیم است که در آن خُلق و متخلّق به اتحاد می‌رسند. متخلّقین به خُلق عظیم از زمره کسانی هستند که امام صادق (ع) درباره آنان فرمود: هر کس علم آموخت و بدان عمل کرد و برای خدا آن را به دیگران یاد داد، در ملکوت آسمان‌ها «عظیم» خوانده می‌شود: «من تعلّم العلم وعمل به وعلمه لله دُعي في ملكوت السماوات عظيماً».

سخن مزبور، بدین معناست که عالم عامل معلّم، اگر در همه شئونی که بدان وصف شد برای خدا باشد، در باطن آسمان‌ها وی را عظیم خوانند و چه تفاوت بزرگی است میان کسی که خود عظیم است با کسی که فوز عظیم و اجر عظیم و فضل عظیم برای اوست و چه فرق بزرگی است میان کسی که به مقام رفیع «والله خير وأبقى» فراخوانده شده، با کسی که به رتبه «وما عند الله خير وأبقى» دعوت شده است و چه اختلاف بزرگی است میان کسی که خود صالح است با کسی که کرداش صالح است؛ زیرا صالح کسی است

اثر ترک حج

حجت الاسلام سیدموسی اصفهانی می‌گفت: دای من با آیت‌الله العظمی حکیم مرتبط بود و به درس ایشان می‌رفت. ایشان گفت آقای حکیم فرمودند با شخصی دوستی فراوانی داشتیم و با هم قرار گذاشته بودیم که هر کدام زودتر از دنیا رفتیم به خواب دیگری بیاییم.

دوست من وفات یافت و حدود یکسال گذشت و به خوابم نیامد. پس از گذشت یکسال بخوابم آمد گفتم قرار بود زود به خوابم بیاپی! گفت: هنگامی که مردم به من گفتند: مت یهودیا او نصرانیا؟ گفتم چرا؟ گفتند چون حج به گردن داری! بسیار ناراحت شدم، اما در آن حال فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ائمه اطهار (علیه السلام) را دیدم. دست به دامن حضرت زهرا (سلام الله علیها) شدم. آن بزرگوار سفارش مرا به حضرت مهدی (عج) کرد. آن حضرت حج مرا بگردن گرفت تا در سال آینده بجا آورد و من تا حج را آن حضرت انجام نداد آزاد نشدم. نویسنده: آیت‌الله سید محسن خرازی، روزنه‌هایی از عالم غیب

دام‌های سیرالی‌الله

مؤید کبیر جناب سیدهاشم حداد می‌فرمود: روزی برای دیدن شخصی در کاظمین به مسافرخانه‌اش رفتم، دیدم پس از تعداد زیادی که به حج رفته بود باز عازم سفر حج می‌باشد، به وی گفتم: تو که هر روز کربلا می‌روی، مشهد می‌روی، مکه می‌روی، پس کی به سوی خدا می‌روی، وی خوب حرف مرا درک کرد ولی خود را به نادانی زد و با خنده‌ای درخواست دعای سفر از من کرد و رفت. بعضی از مردم و حتی برخی از کسانی که ادعای سلوک دارند، مقصود واقعیشان از این مسافرت‌ها خدا نیست و برای انس ذهنی به مدارک خود و سرگرمی با گمان و خیال و پندار و شاید برای به دست آوردن مدتی مکان خلوت با همراه و یا دوستان خود به آن مکان‌های مقدس مسافرت می‌کنند! و چون به دنبال خدا نرفته و نمی‌خواهند بروند، از آن مشرب توحید نمی‌نوشند و از آب و لایت جرعه‌ای بر کامشان ریخته نمی‌شود و تشنه کام باز می‌گردند. به همان حکایات و احوال اولیا سرگرم و با اشعار عرفانی و دعاها و مناجات‌های صوری بدون محتوا عمر خودشان را به پایان می‌رسانند.

نویسنده: علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، روح مجرد

که خداوند راهبر و یاور اوست: «و هو یتولّی الصالحین» اما آنکه کار صالح می‌کند از کسی که خداوند را راهبر و یار خود گرفته است، دور است! و چه فرق بزرگی است میان کسی که خود خالص است و خداوند او را برای خویش خالص کرده و از مخلصین است، با کسی که کردارش خالص و از زمره مخلصین است!

حاصل اینکه، چنانچه کسی پیش از معرفت به اسرار حج، راهی بیت‌الله شود، گرچه ممکن است بر حسب ظاهر حج او صحیح باشد، لیکن حج کامل و مقبول انجام نداده و ضیافت‌الله نصیب او نشده است؛ زیرا روح چنین حج‌گزاری به خاطر عدم آگاهی به اسرار حج، تعالی پیدا نکرده است.

برای آشنایی بهتر و بیشتر با اسرار حج، باید سنت و سیرت حج‌گزاران راستین، یعنی معصومین (ع) به دقت مورد بررسی و تأسی قرار گیرد؛ زیرا آنان در کنار رعایت آداب و سنن و فرایض حج و عمل به احکام ظاهری آن، تکیه‌گاه تکوینی آن‌ها را هم در نظر داشتند.

هماهنگی سیرت حاج با سرّ حج

خدای سبحان، حاج و معتمر را در شمار شعائر خود آورده است: «یا ایها الذین امنوا لا تُحلّوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدی ولا القلائد ولا امین البیت الحرام یتتغون فضلاً من ربهم و رضواناً». حاجی از اوان عزم بر زیارت، جزو شعائر الهی است. از این رو هنگام تهیه مقدمات سفر و در مبادی خروجی و ورودی و نیز در ارائه خدمات به او و همچنین هنگام خرید و فروش و مانند آن، در طول سفر حج و عمره، توهین به او و ایجاد مشکلات برای وی جایز نیست.

از آنجا که خطاب مذکور عام است، خود حج‌گزار نیز مکلف است ارج و حرمتی را که خداوند برایش نهاده، پاس بدارد و از اعمال و هن‌آمیز بپرهیزد. البته روشن است کسی که از سفر حج و عمره، قصد سیاحت، تجارت، شهرت و مانند آن را دارد جزو خُرّمات الهی نیست.

ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در قرآن

گفتاری از آیت الله العظمی سبحانی



اصطلاح «ضد شورش» به جان زائران خانه خدا و مهمانان عزیز او افتاده و با شتم و سب و تحریک مردم بر ضد آنان و ضرب و جرح، از زائران خانه خدا پذیرایی کردند و این حساسیت نظام سعودی همچنان ادامه دارد.

این بخش از کتاب، در پاسخ به فتوای مفتی سعودی نوشته شده و ابعاد سیاسی و اجتماعی این فریضه بزرگ از طریق آیات و روایات و سیره مسلمین تشریح گردیده است: هدف از تشریح فریضه حج، دعوت به خضوع در برابر خداست و این مطلب با توجه به اعمال حج، کاملاً روشن و هویدا است.

عبادت و پرستش حق و طرد پرستش غیر او، نخستین اعمال حج گرفته تا آخرین عمل آن، آشکار است و نیازی به تذکر ندارد. به خصوص اگر این اعمال با دعاهاى مستحب و اذکاری که پیرامون آنها وارد شده است توأم گردد و از مجموع این اعمال، پنین نتیجه گرفته می شود: حج؛ عبادت و پرستش حق است، در بهترین و زیباترین صورت ممکن، حج؛ خضوع در برابر خدای با عظمت است، در بهترین شکل، حج؛ تضرع و زاری به درگاه حق است، در عمیق ترین نوع آن. حج عبادتی است که در آن همه عناصر اظهار عبودیت و بندگی، گرد آمده و خضوع و عبودیت، تقوا و وارستگی از شهوات و بریدگی از دنیا، کاملاً در آن به چشم می خورد.

زائران خانه خدا، با پوشیدن دو قطعه لباس، وارستگی خود را از مظاهر مادی به نمایش گذارده و چنین وانمود می کنند که جز خدا، همه چیز حتی فرزند، خانواده و میهن، همه و همه را به دست فراموشی سپرده اند و چیزی که محیط فکر زائر خانه خدا را مشغول می سازد، جز لبیک گفتن به ندای خدای یگانه، چیز دیگر نیست.

این مسئله، با توجه به اعمال فریضه حج و اماکنی که این اعمال در آنجا انجام می گیرد و موافقی که باید زائر در آنجا توقف کند، کاملاً واضح و روشن است، از این جهت باید حج را از بزرگترین اعمال عبادی و

مکتب وهابگیری، به سان «مارکسیسم» با برخورد حوادث و رویدادها که از نظر هدف با مکتب کاملاً مخالف می باشد، رو به تکامل نهاده و به مرور زمان خط و خطوط تازه ای برای مسلمانان می کشد و احکام جدیدی را صادر می نماید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وحشت فوق العاده ای در سران سیاسی مکتب وهابگیری پدید آورد و از نفوذ آن در مناطق مجاور، سخت نگران شدند و اندیشه بیداری ملت، همواره آنان را رنج می دهد.



در موسم حج که ملت عزیز و شریف و به پا خاسته ایران به حکم وظیفه انقلابی به تظاهرات پرداخته و ملت های مسلمان جهان را به وحدت و یگانگی در مقابل آمریکای جهان خوار، کمونیسم بین المللی و صهیونیسم دعوت می کردند، سیاست گذاران سعودی برای تحریم تظاهرات در ایام حج، دست به سوی روحانیون مکتب دراز کردند تا در این باره فکری کنند آن را تحریم نمایند.

عبدالعزیز بن باز، مفتی سعودی، کلیه تظاهرات را به بهانه این که «حج» یک عمل عبادی است و نباید با مائل دیگر مخلوط شود، تحریم کرد و در نتیجه شرطه های چماق به دست و مسلح با دیگر وسایل به

رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِنَّا مَا يَنْتَلِي عَلَيْكُمْ فَأَجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ * خُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ * ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ * لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ: ما به ابراهیم گفتیم همه مردم را به حج دعوت کن، تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر، از هر راه دور بیابند تا شاهد منافع گوناگون خویش در این برنامه حیات بخش باشند و نام خدا را در ایام معینی بر چارپایانی که خدا در اختیاریشان گذاشته است ببرند (وقتی آنها را قربانی کردند) از گوشت آنها بخورید و فقیر بینواران نیز اطعام نمائید.

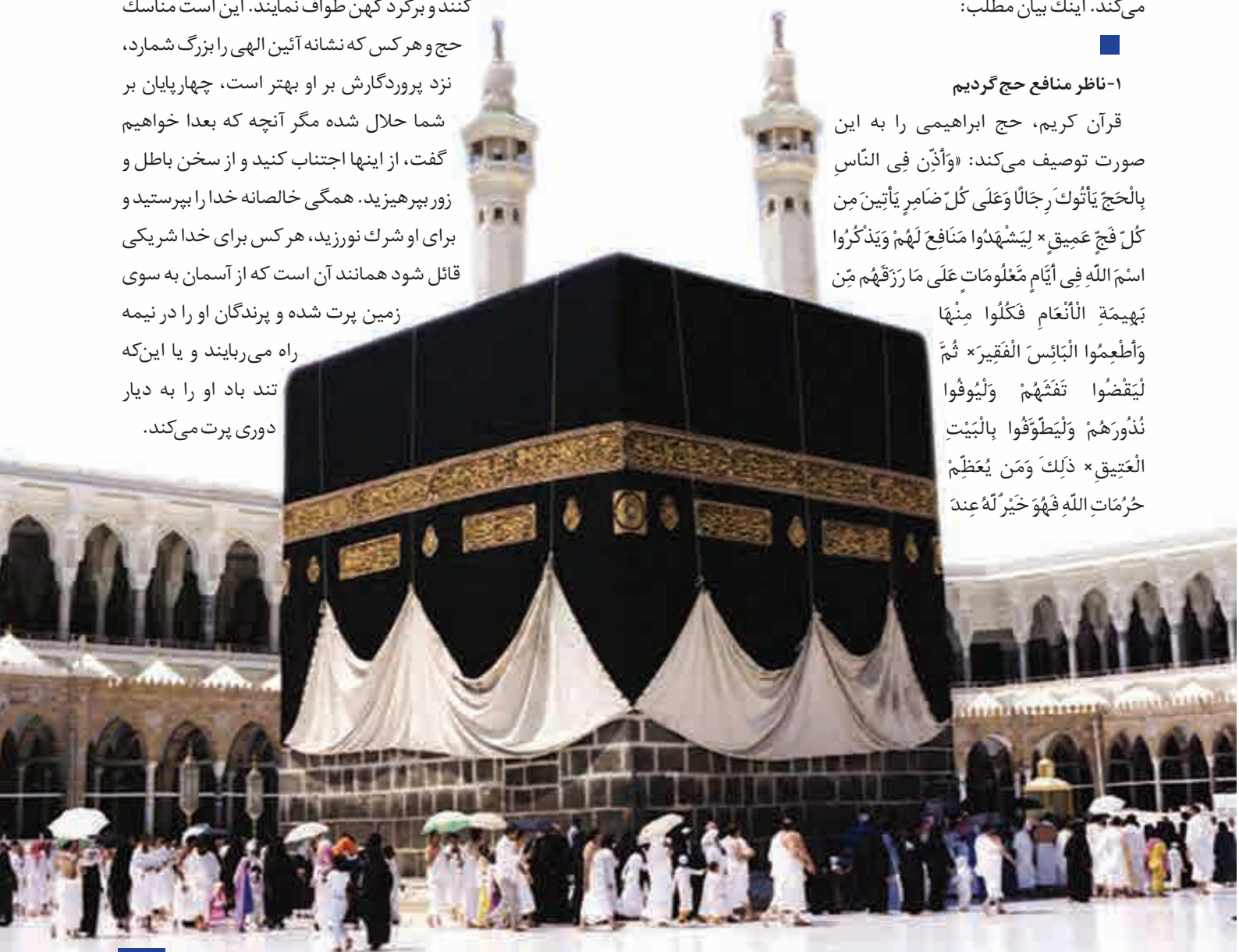
بعد از آن باید آلودگی‌ها را از خود برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و برگرد کهن طواف نمایند. این است مناسک حج و هر کس که نشانه آئین الهی را بزرگ شمارد، نزد پروردگارش بر او بهتر است، چهارپایان بر شما حلال شده مگر آنچه که بعدا خواهیم گفت، از اینها اجتناب کنید و از سخن باطل و زور بپرهیزید. همگی خالصانه خدا را بپرستید و برای او شرک نورزید، هر کس برای خدا شریکی قائل شود همانند آن است که از آسمان به سوی زمین پرت شده و پرندگان او را در نیمه راه می‌ربایند و یا این‌که تند باد او را به دیار دوری پرت می‌کند.

فرائض مذهبی شمرد، ولی در کنار این مطلب سخن دیگری نیز هست و آن این‌که آیا این عمل عبادی در عین عبادت، بعد سیاسی و اجتماعی نیز دارد یا نه؟ یا این‌که بسان نماز شب فقط و فقط در عبادت و پرستش حق، بی آن‌که با مسائل عمومی اسلامی ارتباط داشته باشد، خلاصه می‌گردد؟، به دیگر سخن، آیا خدا فریضه حج را بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد و پیر و جوان واجب نموده که خدای خود را با این عمل بپرستند، بی آنکه جز عبادت بعد سیاسی و اجتماعی آن را در نظر داشته باشند؟! یا این‌که این فریضه، نقطه التقای عبادت با سیاست و مرکز پیوند پرستش خدا با دیگر مسائل اجتماعی و اقتصادی است و این همین مطلبی است که ما در این بحث به دنبال تحقق آن می‌باشیم.

آیات قرآن و احادیث اسلامی و عمل سلف صالح، دومی را تأیید می‌کند. اینک بیان مطلب:

۱- ناظر منافع حج گردیم

قرآن کریم، حج ابراهیمی را به این صورت توصیف می‌کند: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ * ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ * ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ





الازهر، شیخ محمد شلتوت بنشینیم تا ببینیم او این جمله را چگونه تفسیر می‌کند. وی می‌گوید: «منافعی که حج وسیله شهود و تحصیل آن می‌باشد و به صورت نخستین فلسفه حج مطرح شده است، مفهوم گسترده و جامعی دارد که هرگز در نوعی و یا خصوصیتی خلاصه نمی‌گردد، بلکه این جمله با عمومیت و شمولی که دارد همه منافع فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، اگر تزکیه و تقرب به سوی خدا منفعت است، مشاوره در ترسیم خطوط گسترش علم و فرهنگ نیز منفع می‌باشد، اگر این دو، منفعت به شمار می‌روند، دعوت مسلمانان بر این که همگی همت و تلاش خود را در گسترش اسلام متمرکز سازند نیز منفعت محسوب می‌شود و همچنین ... از این جهت این منافع به مقتضای زمان و اوضاع مسلمانان در هر زمان فرق می‌کند.»^۲

شیخ اسبق الازهر در جای دیگر می‌گوید: «حج با توجه به موقعیت خاصی که در اسلام دارد و اهدافی که در آن فرد و جامعه در نظر گرفته شده شایسته است که مردان دانش و فکر، شخصیت‌های علمی و فرهنگی و مسئولان سیاسی و اداری و آگاهان از مسائل اقتصادی و مالی و معلمان شرع و دین و مردان نبرد و جهاد به آن توجه خاصی بنمایند (و هر گروهی بهره خود را از آن بگیرند). شایسته است از همه طبقات بر این حرم الهی بشنابند، دارندگان فکر و اندیشه، نظر و اجتهاد، ایمان و اهداف بلند در آنجا گرد آیند، تا دیده شود که چگونه مکه بال‌های رحمت خود را بر آنها برکشیده و کلمه توحید آنان را در رد خانه خدا

این است مناسک حج و هر کس شعائر الهی را بزرگ شمارد، نشانه پاکی قلبهاست. در این حیوانات قربانی، برای شما منافعی است تا روز ذبح آنها، سپس محل ذبح آنها کنار خانه قدیمی است در صورتی که احرام برای عمره مفرده باشد.»^۱

شما از میان این آیات، تنها آیه دوم را در نظر بگیرید و در مفاد جمله «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» دقت کافی به عمل آورید، تا روشن شود که: اولاً مقصود از این منابع که زائران خدا باید شاهد آن باشند چیست. از این‌که این جمله در مقابل جمله «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ» وارد شده به نوعی می‌رساند که حج دارای دو بعد است: بعدی عبادی که در ذکر و یاد خدا تجسم می‌یابد و بعدی اجتماعی که در مسئله مشاهده منافع خلاصه می‌گردد. ثانیاً در این آیه «مَنَافِعَ» که بیانگر ابعاد اجتماعی و سیاسی است، بر «ذِكْرُ اللَّهِ» که ترسیم گر جنبه عبادی اوست مقدم شمرده شده است. ثالثاً قرآن لفظ را به صورت مطلق و بدون هیچ گونه قیدی آورده است تا شامل هر نوع نافع اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد و ما هرگز حق نداریم این جمله را بر منفعت خاصی تطبیق کنیم و در هر حال خواه آن را بر منافع اقتصادی منحصر کنیم و یا اعم بدانیم، این جمله به قرینه مقابله با جمله بعدی «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ» حاکی است که حج علاوه بر عبادت، قلمرو دیگری دارد که باید از آن نیز بهره گرفت و نباید آن را یک عبادت خشک، بدون اینکه پیوندی با زندگی مسلمین داشته باشد، اندیشید. خوب است در اینجا پای سخن رئیس اسبق دانشگاه



قدرتمند است. یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در روی زمین یاری می‌نمایند خداوند توانا و قدرتمند است. یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در روی زمین قدرت پیدا کنند نماز را بپا می‌دارند و زکات را می‌دهند و امر به معوف و نهی از منکر می‌کنند و سرانجام کارها در دست خداست.»^۴

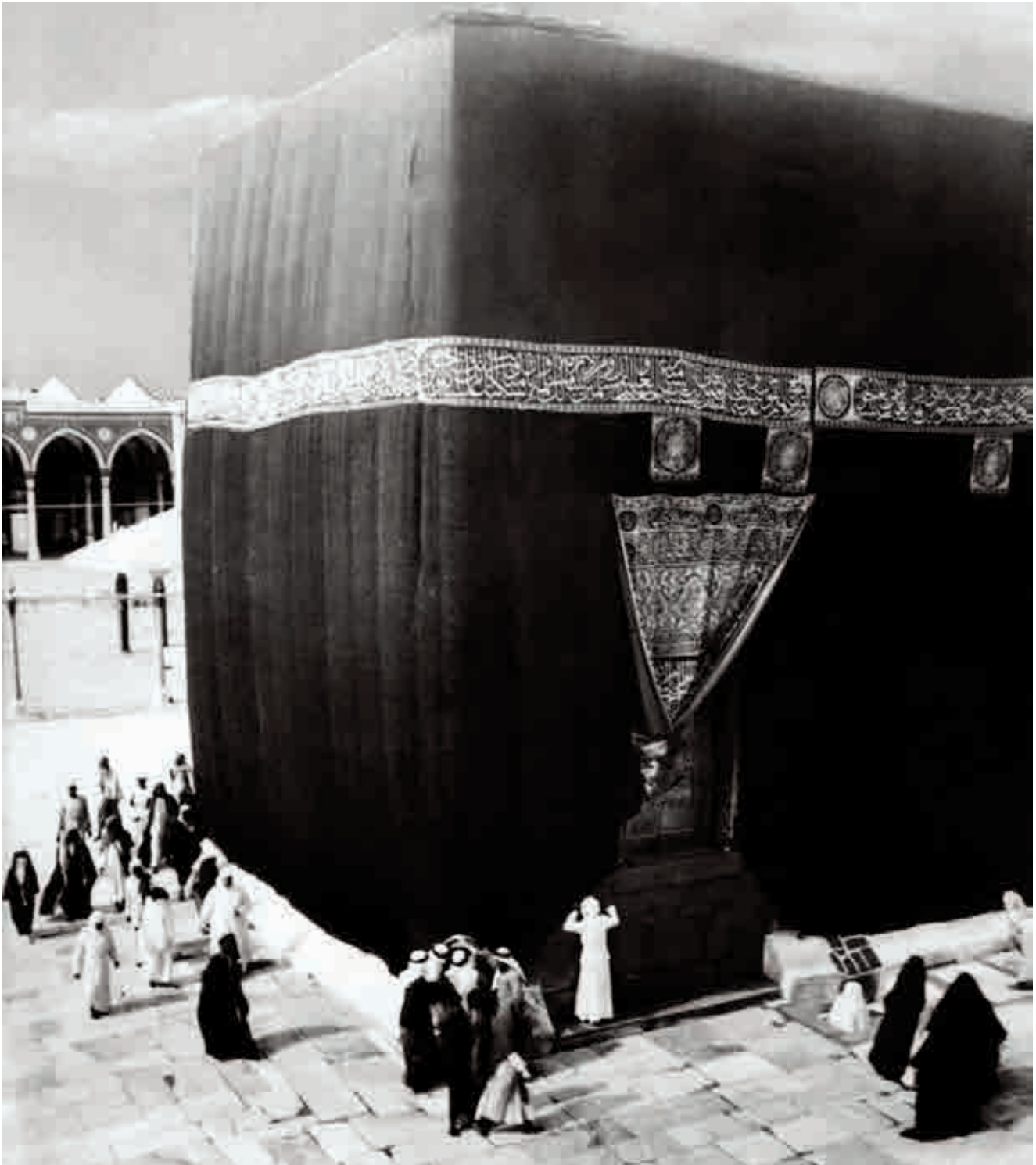
آیا آوردن آیات مربوط به جهاد و دفاع، پس از آیات حج و همراه ساختن آیات حج و جهاد با یکدیگر، بی‌جهت و از روی تصادف است؟! حاشا که قرآن آیات نامتناسب را در یک جا گرد بیاورد و پیوند آنها را رعایت نکند.

وحدت سیاق و لزوم ارتباط میان این دو گروه از آیات، ما را بر آن می‌دارد که بپذیریم میان حج و جهاد و نگره فکری و میدان دفاع و عمل، رابطه خاصی وجود دارد و آن این که سرزمین حج بهترین نقطه‌ای است که مسلمانان از طریق زعمای فکری و روحی، در مدت اقامت خود در این سرزمین، آنچنان آمادگی فکری و روحی پیدا کنند که بتوانند دماغ کبر و استکبار را به خاک بمالند و استعمار و استعمارگر را به زانو در آورند.

آری. این کنگره عظمای الهی، که از نمایندگان هر نطقه‌ای در آنجا گرد می‌آیند، بهترین فرصتی است که متفکران آنها دور هم جمع شوند و موقف سیاسی و دفاعی خود را به بحث بگذارند و در برابر دشمنان صف واحدی را تشکیل دهند و به دشمن درسی را بدهند که هرگز فراموش نکند. هر چند این وظیفه منحصر به ایام حج و مکانی به نبرد با دشمن

جمع کرده است و در نتیجه به شناسایی یکدیگر و مشاوره با هم، و معاونت یکدیگر بپردازند آنگاه همگی به سرزمین‌های خود به صورت امت واحدی بازگردند در حالی که دل‌ها یکی، و شعور و احساس آنان نیز یکی است...»^۳

شایسته دقت است که قرآن پس از آیات یاد شده که همگی بیانگر شؤون و منافع حج می‌باشد سخن را به آیات جهاد و دفاع از حریم اسلام منتهی می‌سازد آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ * أذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغْيًا فَإِن قَتَلُوا رُبَّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَهَادِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: به آنها که از طریق جنگ تجاوز شده است، اذن داده شده از خود دفاع کنند؛ زیرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر نصرت آنان توانان است. آنان که بنا حق از خانه‌های خود بیرون رانده شده‌اند (جرمی نداشتند جز این که می‌گفتند) خدا پروردگار ماست و اگر خدا برخی از آنها را به وسیله برخی دیگر دفع نکند مرکز عبادت از قبیل دیرها و صومعه‌ها و معابد و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که او را یاری می‌کنند یاری می‌نماید خداوند توانا و



خدا از این جمله، معنای کلی را قصد کرده است و آن این که مسلمانان هر نوع منافعی که موسم آن را در بردارد، درک کنند و بدیگر سخن هر نوع منافع دنیوی و اخروی را به دست بیاورند و هرگز روایت و یا حکم عقلی این جمله را از معنای وسیع آن، به معنای خاص تخصیص نداده است.» ۵

پردازند ولی ایام حج و اجتماع مسلمانان در آن مواقف، بهترین فرصت برای انجام این وظیفه الهی است.

این تنها شیخ «شلتوت» نیست که منافع وارد در آیه را به صورت عموم تفسیر می‌کند، بلکه مفسر دیرینه اهل سنت طبری پس از نقل اقوالی پیرامون آن، شایسته‌ترین قول در تفسیر آیه را این می‌داند که بگوییم:

می‌کند: «کعبه را محل نشانه‌های آئین مردم و پایگاه مصالح امور آنها قرار داده است.» مؤلف المنار در تفسیر آیه یاد شده چنین می‌نویسد: «خداوند کعبه را قوام کارهای دینی مردم قرار داده؛ به‌گونه‌ای که تهذیب‌گر اخلاق آنان و پرورش‌دهنده نفوسشان است، آن هم از طریق فریضه حج که بزرگ‌ترین رکن دین ماست و آن عبادتی است معنوی که ابعاد اقتصادی و اجتماع را بردارد.» آنگاه اضافه می‌کند: «این «جعل» در آیه «جَعَلَ اللَّهُ...» اعم از جعل تکوینی و تشریحی است که تضمین‌گر همه نوع مصالح دینی و دنیوی مردم است.»^۹

۳- اعلام بیزاری در موسم حج

شما اگر در عمومیت جمله‌های «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» و یا «قِيَامًا لِلنَّاسِ» شك و تردید کنید، هرگز نمی‌توانید در عمل نماینده پیامبر گرامی (ص) در موسم حج، که صد در صد يك عمل سیاسی بوده، تردیدی به خود راه دهید؛ زیرا پیامبر گرامی (ص) در سال نهم هجرت علی (ع) را مأمور کرد قطعنامه‌ای را که متضمن اعلام بیزاری از مشرکان بود در موسم حج قرائت نماید و این زمانی بود که شانزده آیه از آغاز سوره براءت بر قلب پیامبر گرامی (ص) نازل شد که آغاز آنها عبارت است از: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ * وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ إِن تُبْتغُوا فَهَوْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ:» اعلام بیزاری است از جانب خدا و رسول او به آن گروه از مشرکان که با آنها پیمان بسته‌اید (به آنان برسانید که) می‌توانید در روی زمین چهار ماه آزادانه گردش کنید و بدانید که شما خدا را عاجز نخواهید کرد و خدا کافران را خوار خواهد نمود. این اعلامی است از جانب خدا رسول او به مردم در روز حج اکبر که خدا و رسول او از مشرکان بیزار است، اگر توبه کردید برای شما نکوست و اگر روی برگردانید، بدانید که شما خدا را عاجز نخواهید کرد و گروه کافر را به عذاب دردناک بشارت ده. «۱۰ امیرمؤمنان پس از قرائت این آیات، قطعنامه‌ای را که متضمن مواد چهارگانه بود به این شرح ایراد کرد و گفت: هان ای مشرکان:

۱- بت پرستان حق ندارند وارد خانه خدا شوند.

۲- طواف با بدن برهنه ممنوع است.

۳- بعد از این، هیپ بت پرستی در مراسم حج شرکت نخواهد کرد.

۴- کسانی که با پیامبر پیمان عدم تعض بسته‌اند و از اول به پیمان

۲- کعبه قوام زندگی است

قرآن مجید کعبه و بیت حرام را با جمله «قِيَامًا لِلنَّاسِ» توصف می‌کند آنجا که می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهُدَى وَالْقَلْبَةَ ذَلِكَ لِنَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ:» خداوند کعبه را قوام (حیات) مردم قرار داده و همچنین ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و با نشان را، این احکام به خاطر آن است که بدانید خداوند به آنچه که در آسمان‌ها و زمین است و به همه چیز دانا است.»^۶ کلمه قیام که در این آیه در آیه دیگری نیز آمده است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَتَوَلَّوْا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا:» هرگز اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید.»^۷ قیام در اینجا به معنا قوام است و در حقیقت مرادف با الفاظ عماد و سناد می‌باشد و معنای آیه این است که مراسم حج و زیارت کعبه و حضور در کنار خانه خدا، قوام زندگی دنیوی و اخروی جامعه اسلامی است.

اجتماع در موسم، نه تنها حیات معنوی مسلمانان را تأمین می‌کند، بلکه مایه تأمین همه نوع عنصری است که در حیات فردی و اجتماعی ما دخالت دارد، دقت در معنای آیه ما را به يك معنای وسیع رهبری می‌کند و آن اینکه آنچه با مصالح مسلمین در ارتباط است و قوام حیات و کبان آنها به شمار می‌رود در این مراسم تأمین می‌شود، آیا با چنین اطلاق و گسترده‌گویی، جا دارد که ما آن را فقط و فقط در مصالح مربوط به عبادت و پرستش خلاصه کنیم؟

چه مصلحتی بالاتر از يك عمل سیاسی که به مسلمانان در برابر استعمار و استثمار تشکیل و وحدت و سپس مقاومت و ایستادگی بخشد و آنان را در صف واحدی قرار دهد که همگی در برابر دشمن جبهه واحد تشکیل دهند. قرآن به اولیا سفیهی اجازه نمی‌دهد که اموال خود را که مایه قوام زندگی آن است، به سفیهان بسپارند و می‌فرماید: «اموال خود را که وسیله قوام زندگی شما است به دست سفیهان نسپارید.» آیا با توجه به مضمون این آیه، صحیح است موسم حج در اختیار کسانی قرار گیرد که آن را نمی‌شناسد و از نقش آن در حیات پویای مسلمین به کلی غافلند؟

برای این که خواننده گرامی از نظر مفسران، که همگی بر محور واحدی دور می‌زنند، آگاه شود، برخی از تصریحات آنان را پیرامون جمله «قِيَامًا لِلنَّاسِ» می‌آوریم: طبری می‌گوید: «خداوند کعبه و بیت‌الحرام را برای مردم قوام زندگی قرار داده است.»^۸ آنگاه اضافه



خود وفادار بوده‌اند، پیمان شکنی کرده‌اند از این تاریخ (دهم ذی حجه) چهار ماه مهلت داده می‌شود که تکلیف خود را با حکومت اسلامی روشن سازند، یا باید به گروه موحدان و یکتاپرستان بپیوندند و هر نوع مظاهر شرک و دوگانه پرستی را در هم بکنند و یا آماده جنگ و نبرد گردند.»^{۱۱}

چه عملی سیاسی تر از این که در بحبوحه فریضه حج آن هم در حالی که مشرکان و مسلمانان سرگرم طواف و یا مشغول رمی جمره بودند، ناگهان علی (ع) روی نقطه بلندی قرار می‌گیرد و به لغو بخشی از پیمان‌ها مبادرت می‌ورزند و به مشرکان شبه جزیره چهار ماه مهلت می‌دهد که یا شرک را ترک گویند و به صفوف موحدان بپیوندند و یا

آماده جنگ و نبرد شوند.

روزی در یکی از مراسم حج که هشام فرزند عبدالملک حضور داشت و طواف خانه با ازدحام عجیبی رو به رو بود، هشام چندین بار خواست حجر اسود را استلام کند، اما موج جمعیت به او مجال نداد و هشام به ناچار گوشه‌ای نشست و به تماشا پرداخت. ناگهان چشمش به مردی لاغر اندام، خوش سیما و نورانی افتاد که آهسته آهسته به سوی حجر الاسود گام بر می‌دارد و همه مردم به او احترام می‌کنند و بی اختیار عقب می‌روند که او حجر را استلام کند، مردم شام که دور فرزند عبدالملک بودند از او پرسیدند این مرد کیست؟ هشام در حالی که او را به خوبی می‌شناخت از معرفی امام خودداری کرد و به دروغ



شده* اگر او را نمی‌شناسی او فرزند فاطمه دخت پیامبر گرامی (ص) است پیامبری که باب نبوت و به وسیله او برای همیشه ختم شده است. نزدیک است که حجرالاسود هنگامی که او آن را استلام کند، دیگر آن دست آشنارارها نسازد.»

۴- قصیده سیاسی فرزدق در مسجد الحرام

اشعار فرزدق آنچنان مؤثر افتاد که هشام را خشمگین کرد فوراً دستور توقیف او صادر شد و امام پس از آگاهی از تعهد او، از وی دلجویی کرد.

گفت نمی‌شناسم. در این هنگام شاعری به نام فرزدق که از حریت و آزادی خاصی برخوردار بود، بی‌درنگ اشعاری چند سرود و امام سجاد را به خوبی معرفی کرد بخشی از ابیات آتشین فرزدق چنین است: «هذا الذی تعرف البطحاء و طاعته/ والبیث يعرفه و الحل و الحرم* هذا ابن خیر عبدالله کلهم/ هذا التقی الطاهر العلم* هذا ابن فاطمة ان کنت جاهلة/ بجده أنبیاء الله قد ختم* یکاد یمسکه عرفان راحته/ رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم ۱۲: این کسی است که خاک بطحا، جای پای او را می‌شناسد و کعبه و حرم و خارج آن به خوبی با او آشنا کنید.* این فرزند بهترین بندگان خدا است، او است پرهیزگار و پیراسته و پاک و شناخته

در این احادیث حج جهاد همگانی و یا جهاد زن معرفی شده است و در حدیث آخر، جهاد کننده با زائر خانه خدا به عنوان گروه برگزیده معرفی شده‌اند که خدا آنها را دعوت کرده است، اگر در این روایت، حج، جهاد خوانده شده است باید میان این دو، نوعی نشانه و هم‌رنگی وجود داشته باشد تا بتوان نام «جهاد» را بر «حج» اطلاق کرد و یکی از علل نام‌گذاری حج به جهاد این است که: حج بسان جهاد است در آثار و اهداف، و این فریضه الهی در عین عبادت، تلاش خاصی در موضع معینی است و نقشه‌های جهاد عملی و وسائل ارتباط و نحوه همکاری مسلمانان با یکدیگر در همین مراسم طرح ریزی می‌شود.

اجتماع عظیم و با شکوهی در مسجد الحرام، گرد خانه خدا پدید آمده بود، مسلمانان و مشرکان و دوست و دشمن در کنار هم قرار داشتند و هاله‌ای از عظمت اسلام و بزرگواری پیامبر، محوطه مسجد را فرا گرفته بود. در این هنگام پیامبر گرامی (ص) داد سخن داد و سیمای واقعی دعوت خود را که تقریباً بیست سال از آغاز آن می‌گذشت، برای مردم ترسیم کرد فرازهایی از آن گفتار تاریخ را در ذیل مطالعه می‌کنیم:

۶- سخنان سیاسی پیامبر (ص) در مراسم حج

الف: ای مردم، خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباحثات به وسیله انساب را از میان شما برداشت، همگی از آدم به وجود آمده‌اید و او نیز از گل آفریده شده است. بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم‌پوشد. ۱۶

ب: مردم! عرب بودن جزء ذات شما نیست، آن تنها زبانی گویا است و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند، افتخارات پدری او را به جایی نمی‌رساند و کمبود کار او را جبران نمی‌کند. ۱۷

ج: همه مردم در روزگار گذشته و حال، مانند دندان‌های شانه مساوی و برابرند، و عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارند، ملاک فضیلت تقوا و پرهیزگاری است. ۱۸

د: من تمام دعاوی مربوط به جان و مال و همه افتخارات موهوم دوران گذشته را زیر پای خود نهاده و تمام آنها را بی اساس اعلام می‌نمایم. ۱۹

ه. مسلمانان برادر مسلمان است و همه مسلمانان برادر یکدیگرند و در برابر اجانب حکم یک دست را دارند. خون هر یک با دیگری برابر است. کوچک‌ترین آنها از طرف مسلمانان می‌تواند تعهد نماید. ۲۰

و: پس از این آیین عقب گرد نکنید که برخی بعض دیگر را گمراه کرده و مالک یکدیگر بشوید. ۲۱



تا این جا از آیات و شیوه کار پیامبر روشن گشت که حج در حالی که يك عمل عبادی است ابعاد سیاسی بارزی دارد که خود رسول گرامی (ص) گاهی بدان عینیت می‌بخشد و در احادیث و کلمات پیامبر (ص) نیز به این ابعاد اشاره شده است که برخی را می‌آوریم:

۵- ابعاد اجتماعی و سیاسی حج در احادیث اسلامی

از رسول گرامی سخنانی به این ترتیب در کتاب «التاج الجامع للاصول» جلد ۲، صفحه ۹۹-۹۸ نقل شده است: ۱- بهترین جهاد حجی است که پذیرفته و قبول شده باشد. ۱۳

۲- حج و عمره مفرده، جهاد همگانی است و در آن، زن و مرد و ناتوان و توانا شرکت می‌کنند.

۳- آیا برای زنان جهادی است؟ بله برای زنان جهادی است که در آن جنگ مطرح نیست و آن شرکت در مراسم حج است. ۱۴

۴- گروه برگزیده نزد خدا سه طایفه‌اند: مجاهد، زائر خانه خدا برای حج و زائر خانه خدا برای عمره. ۱۵

سؤال یحیی بن اکثم از امام جواد (علیه السلام)

می کردیم؟

امام (علیه السلام) در خواست او را پذیرفت و فرمود:

مُحرم وقتی صید را بیرون حرم کشته باشد و آن صید از پرنندگان بزرگ باشد باید یک گوسفند کفاره دهد، و اگر در داخل حرم این کار را کرده باشد کفاره دو چندان است. وقتی مُحرم جوجه ای را در بیرون حرم به قتل رساند باید بَره ای را که تازه از شیر گرفته اند کفاره دهد و اگر این کار را در داخل حرم انجام داده باشد باید بَره و قیمت آن جوجه را کفاره دهد. اگر صید الاغ و وحشی بوده لازم است یک گاو، و اگر شتر مرغ بوده یک شتر و اگر آهو بوده باید یک گوسفند قربانی کند، و اگر یکی از اینها در حرم صورت گرفته باشد کفاره را دو برابر باید تقدیم کعبه کند. و در تمام این موارد آن که مرتکب صید شده اگر مُحرم به احرام حج بوده قربانی را در منی و اگر مُحرم به احرام عمره بوده قربانی را در مکه باید ذبح کند. و کفاره صید نسبت به عالم و جاهل مساوی است. کسی که عمداً مرتکب قتل شده گناه بر او نوشته می شود، ولی در مورد خطا او را می بخشند و گناهی بر او نمی نویسند. کسی که آزاد بوده و قتل را مرتکب شده کفاره به عهده خود او است، ولی بنده کفاره اش به عهده مولای او می باشد. اگر صغیری که به حد تکلیف نرسیده مرتکب قتل شده کفاره ندارد، ولی بر کبیر کفاره واجب است. کسی که مرتکب قتل شده و پشیمان گشته کیفر آخرت از او ساقط می شود، ولی کسی که بر آن اصرار ورزد عذاب آخرت هم بر او واجب می گردد. پاسخ امام (علیه السلام) که پایان یافت مأمون صدازد: أحسن یا أبا جعفر، ای ابو جعفر؛ احسان کردی و مطلب را خیلی خوب بیان نمودی، خداوند به تو احسان کند، و پاداش دهد.



شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» در ضمن حدیثی نقل کرده است: حضرت امام جواد (علیه السلام) که در آن هنگام نه سال و چند ماه از عمر شریفشان بیشتر نگذشته بود، وارد مجلس شد و در جایگاه خود بین دو متکای چرمین که آن جا نهاده بودند نشست، یحیی بن اکثم که از همه دانشمندان عصر خودش معروفتر بود در مقابل آن حضرت نشست و مردم هر یک در مرتبه خود نشستند، مأمون هم که مسندش را در کنار حضرت امام جواد (علیه السلام) قرار داده بودند در مسند خود قرار گرفت. و بعد از آن که مجلس با این هیئت آراسته گردید یحیی بن اکثم رو کرد به مأمون و گفت: آیا امیرالمؤمنین اجازه می دهند که از ابو جعفر (علیه السلام) مسئله ای را سؤال کنم؟ مأمون به او گفت: از خود ایشان اجازه بگیر.

یحیی بن اکثم رو کرد به حضرت جواد (علیه السلام) و عرض کرد: فدایت شوم اجازه می دهید سؤالی از حضرت عالی بپرسم؟ امام (علیه السلام) فرمود: آن چه می خواهی سؤال کن.

یحیی عرض کرد: فدایت شوم نظر مبارک شما درباره مُحرمی (یعنی کسی که در حال احرام است) که صیدی را به قتل رساند چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: این کشتن صید در بیرون حرم اتفاق افتاده یا در حرم؟ مُحرم به حرمت آن عالم بوده یا جاهل؟ عمداً این قتل را مرتکب شده یا از روی خطا و اشتباه؟ مُحرم آزاد بوده است یا بنده؟ صغیر بوده است یا کبیر؟ اولین بار بوده یا پیش از آن هم قتلی مرتکب شده است؟ صید او از پرنندگان بوده یا از غیر پرنندگان؟ صید کوچک بوده است یا بزرگ؟ بر عمل خود اصرار داشته و یا پشیمان گشته است؟ صید را در شب کشته است یا روز؟ مُحرم به احرام عمره بوده یا مُحرم به احرام حج بوده است؟

یحیی بن اکثم که از شنیدن شاخه های این مسأله و فروعی که امام (علیه السلام) برای سؤال او تشکیل داد به سرگردانی دچار شده بود و آثار عجز و ناتوانی در چهره او ظاهر گشت و زبان او به لکنت افتاد به طوری که همه اهل مجلس به درماندگی او پی بردند.

مأمون گفت: خدا را بر این نعمت که رأی مرا در باره ابو جعفر (علیه السلام) مطابق با واقع قرار داد سپاسگزارم و به بستگان خود نگاهی کرد و گفت: آیا اکنون فهمیدید و باور کردید آنچه را قبول نمی کردید؟ سپس رو کرد به حضرت امام جواد (علیه السلام) و عرض کرد: فدایت شوم؛ اگر فروعی را که برای این مسئله بیان کردید و جوهی را که بر شما در حکم هر یک از آن را می فرمودید از محضر شما استفاده

ز: خون‌ها و اموال شما برای شما حرام است و محترم ماند احترام امروز و این ماه و این بلد. ۲۲

ح: خون‌هایی که در جاهلیت ریخته شده است، همگی بدون اثر اعلام می‌شود و نخستین خونی را که زیر پای می‌نهم خون ربیعه فرزند حارث است. ۲۳

ط: هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است و مسلمانان برادرند چیزی از مال او بر دیگری حلال نمی‌شود، مگر این که با طیب خاطر آن را ببخشد. ۲۴

ی: سه چیز است که قلب مرد مومن بر آن خیانت نمی‌کند. ۲۵

۱- اخلاص عمل برای خدا

۲- خیرخواهی به پیشوایان حق

۳- ملازمت به اجتماع مؤمنان. ۲۶

مسلمانان هنگام فتح مکه در برابر دیدگان حیرت‌زده مشرکان مأمور شدند که در ضمن انجام فریضه حج دعای یاد شده در زیر را که سراسر شعار توحیدی و حماسی است سر دهند و همگی بگویند: «لا اله الا الله وحده لا شریک له و له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدير: نیست خدایی جز او، برای شریکی نیست، حکومت از آن او است، و ستایش به او اختصاص دارد زندگی می‌کند و می‌میراند او بر همه چیز توانا است.»، «لا اله الا الله وحده، أنجز وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ۲۷: نیست خدایی جز او، تنهایی تنها است وعده خود را به پایان رسانیده بنده خود را کمک کرده و به تنهایی قدرت‌های به هم پیوسته را در هم شکست.»

۷- اشارات و تلویحات

رسول گرامی (ص)، در تعیین بعد سیاسی حج، به این مقدار از بیان اکتفا نکرده گاهی به طور اشاره و تلویح می‌رساند که جزئی‌ترین اعمال حج، از بعد سیاسی دور نیست تا آنجا که در سعی میان صفا و مروه در نقطه خاصی به مشی و راه رفتن خود سرعت بخشید تا از این طریق شایسته مشرکان را که مهاجران و یاران پیامبر (ص) در اثر بدی آب و هوای مدینه، ضعیف و ناتوان شده‌اند، تکذیب کند، از این جهت در «عمره قضا» هم در سعی و هم در طواف دستور داد تا به سرعت و به حالت دویدن طواف و سعی کنند تا قدرت و قوت خود را به مشرکان ارائه کنند. ۲۸

رسول گرامی (ص) در نماز طواف در رکعت نخست، سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را تلاوت کرد، همگی آگاه‌هیم که مفاهیم این

دو سوره چه ابعادی را در بردارد و چگونه هر نوع اندیشه غیر توحیدی و یا پیوستن به یکی از اردوگاه‌های کفر را رد و منع می‌کند. در تاریخ است که مسلمانان هنگام استلام حجر چنین می‌گفتند: «بسم الله و الله اکبر علی ما هدا لنا الاله الا الله شریک له امنت بالله و کفرت بالطاغوت» ۲۹

۸- ابعاد سیاسی حج در سخنان پیشوایان معصوم (ع)

۱- امام صادق (ع) پیرامون فلسفه حج و اسرارش تشریح آن چنین می‌فرماید: «و جعل فیہ الاجتماع من المشرق و المغرب لیتعارفوا و لتعرف آثار رسول الله و تعرف أخباره و لا تنسی، و لو کان کل قوم إنما یتکلون علی بلادهم و ما فیها هلکوا، و خرجت البلاد و سقط الجلب و الرباح و عمیت الأخبار و لم یقفوا علی ذلك و ذلك علة الحج ۳۰: در سرزمین مکه اجتماعی از شرق و غرب پدید آورد تا همدیگر را بشناسند و آثار رسول الله (ص) (احادیث و اخبار) شناخته شود و فراموش نشود و اگر هر گروهی به آنچه که در سرزمین‌های خود جریان دارد تکیه می‌کرد، نابود می‌شدند و بلاد روی زمین رو به ویرانی می‌گذاشت و امر تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید اخبار و گزارش‌ها به دست افراد نمی‌رسید این است فلسفه حج.»

این جمله می‌رساند که حج دارای ابعاد علمی، اقتصادی و سیاسی است و در حقیقت موسم حج حلقه اتصالی است میان مسلمانان که از این طریق به تبادل اخبار و اوضاع جاری جهان و کسب آگاهی از آثار و سنت‌های رسول خدا (ص) که از طریق صحابه و تابعان و محدثان در شرق و غرب عالم پخش شده بپردازند و در ضمن هر گروهی متاع بلاد خود را در آنجا عرضه کرده و راه بازرگانی و نحوه مبادله کالاها شناخته شود.

۲- باز امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما من بقعة أحب الی الله من المسعی لأنه یذل فیہ کل جبار ۳۱: هیچ نقطه‌ای از جهان برای خدا محبوب‌تر از محل سعی بین صفا و مروه نیست، زیرا در این نقطه همه گردنکشان خوار و ذلیل می‌شوند و عبودیت و بندگی خود را به نمایش می‌گذارند.»

۳- تاریخ به روشنی گزارش می‌دهد که سلف صالح از صحابه و تابعان، از این موسم به نفع اسلام و مسلمانان بهره می‌گرفتند و نطفه بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در این موسم بسته می‌شد و ملت‌ها را به پرخاشگری و ستیزه‌جویی با حکام ظالم دعوت می‌کردند در این مورد کافی است به سخنان حسین بن علی (ع) در روز منا گوش فرا دهیم. آن حضرت در موسم حج فرزندان هاشم و شخصیت‌های بزرگ و زنان و علاقه‌مندان آنان و حتی گروهی از انصار را



کرسی خطابه پائین آمد و مردم متفرق شدند. این تنها حسین بن علی نیست که از این اجتماع عظیم بهره برداری کرد، حتی برخی از اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی می‌زیستند، گاهی که مورد تعدی قرار می‌گرفتند، در این مراسم دادخواهی کرده و حق خود را از حاکم اسلامی می‌طلبیدند و این گواه وجود چنین سنتی در میان مسلمانان می‌باشد.

تاریخ می‌گوید: یکی از قبطنیان در دوران حکومت عمر و عاص در مصر با فرزند حاکم به مسابقه پرداخت و در مسابقه پیشی گرفت، پیروزی يك قبطنی بر فرزند حاکم، بر عمر و عاص و فرزندانش گران آمد و سرانجام به وسیله فرزند می‌نویسد: حج وسیله آشنایی مسلمانان با یکدیگر و مایه پدید آمدن علاقه و پیوند میان جنسیت‌های مختلف است که زیر پرچم تو حید زندگی می‌کنند، زیرا در این مراسم قلوب آنها یکی شده و سخنانش متحد گشته آنگاه برای اصلاح وضع خود و راست کردن کجی‌های جامعه قیام می‌کنند.

دکتر محمد مبارک مستشار دانشگاه «الملك عبدالعزيز» چنین می‌نویسد: حج يك کنگره جهانی است که همه مسلمانان در سطح واحدی برای پرستش خدا گرد می‌آیند، ولی این عبادت خالصانه جدا از زندگی آنان نیست، بلکه پیوند خاصی با زندگی آنان دارد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» مقصود از این مشاهده منافع و درک سودها، چیزی جز يك معنای عام که همه جنبه‌های مصالح مسلمین را دربردارد، نیست.

که به وی علاقه داشتند، در سرزمین منا گرد آورد، به گونه‌ای که جمعیتی متجاوز از هزار نفر پای سخنرانی‌اش حاضر شدند. در این موقع فرزند پیامبر (ص) در حالی که صحابه و فرزندان‌شان سراپا گوش بودند سخنان خود را چنین آغاز کرد: «أما بعد فان هذا الطاغية قد صنع بنا ناقد علمتم و رأيتم و شهدتم و بلغكم و أنى أريد أن اسالكم عن اشيء فان صدقت فصد قونی و أن كذبت فكذبونی اسمعوا مقالتي و اکتموا قولی ثم ارجعوا ألی أمصارکم و قبائکم من أمتنموه و وثقتم به فادعوهم الی ما تعلمون فأنی أخاف أن یندرس هذا الحق و یدهب و الله متم نوره و لو کره الکافرون ... ۳۲: پس از ستایش خدا و درود بر پیامبر او (ص)، ای مردم بدانید که این طغیانگر (معاویه) همانطور که می‌دانید و دیده‌اید و به شما رسیده است، چه کارهای بدی درباره ما انجام داد! من از شما اموری را سؤال می‌کنم اگر راست می‌گویم مرا تصدیق کنید و اگر دروغ می‌گویم سخن را تکذیب کنید، هم اکنون سخن مرا بشنوید و آن را در دل پنهان دارید، سپس به بلاد و اوطان و میان قبائل خود باز گردید، هر فردی که او را امین می‌شمارید و به او اعتماد دارید او را به آنچه که می‌دانید و وظیفه شرعی دعوت کنید من می‌ترسم که آئین حق فرسوده گردد و محو شود هر چند خدا پایان رسان نور خود است، اگر چه کافران آن را بد شمارند.»

آنگاه حسین (ع) بخشی از آیاتی را که در حق خاندان پیامبر (ص) فرود آمده است تلاوت کرد و به مردم سوگند داد که در بازگشت به بلاد خود سخنان او را به آن گروه از مردم که اعتماد دارند برسانند، سپس از

امام سجاد (علیه السلام) و استلام حجرالاسود

بی درنگ خود را به زمین می انداخت تا خاک پای او را ببوسد. نام این آقا «علی» است و رسول خدا پدرش می باشد که نور هدایتش امتها را از گمراهی نجات داد.

این کسی است که عمویش جعفر طیار است و عموی دیگرش حمزه شهید، همان شیرمردی که به دوستی او قسم می خورند. این فرزند بانوی بانوان فاطمه است.

و فرزند جانشین پیغمبر، همان کس که در شمشیر او برای کفار عذاب نهفته است.

پرسش شما از این شخص کیست؟ هرگز به او ضرر نمی زند. زیرا که همه از عرب و عجم او را می شناسند. (این قصیده زیبا بیش از چهل بند است که به خاطر رعایت اختصار چند بیت در اینجا آورده ایم.)

هشام از اشعار فرزдық چنان خشمگین شد که گفت: چرا چنین اشعاری درباره ما نگفتی؟ فرزдық در جواب گفت:

تونیز جدی مانند جد او و پدری مثل پدر او و مادری چون مادر وی داشته باش تا درباره تو چنین قصیده ای بگویم. به دنبال آن دستور داد حقوق او را قطع کردند و نیز فرمان داد، فرزдық را به غسغان - محلی است بین مکه و مدینه - تبعید کرده و در آنجا زندانی کنند.

امام سجاد (علیه السلام) از این جریان باخبر شد، دوازده هزار درهم برایش فرستاد و فرمود: ما را معذور بدار اگر بیش از این امکان داشتیم بیشتر می فرستادم.

فرزдық نپذیرفت و پیغام داد: ای فرزند رسول خدا! من این قصیده را به خاطر خشم و ناراحتیم که برای خدا بود، سرودم. هرگز در مقابل آن چیزی نمی پذیرم و مبلغ را محضر امام فرستاد.

امام سجاد (علیه السلام) مبلغ را دومین بار فرستاد و فرمود: تورا به حقی که من در گردن تو دارم این مبلغ را بپذیر! خداوند از نیت قلبی و ارادت باطنی تو نسبت به خانواده ما آگاه است. آن گاه فرزдық قبول کرد.

بحار الانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۲۵

در یکی از سال ها هشام پسر عبدالملك (دهمین خلیفه عباسی) در مراسم حج شرکت کرد و مشغول طواف خانه خدا گردید وقتی که خواست حجرالاسود را لمس کند، به واسطه ازدحام جمعیت نتوانست حجرالاسود را دست بمالد. در آنجا منبری برایش گذاشتند، او بالای منبر نشست مردم شام اطرافش را گرفتند.

هشام مشغول تماشای طواف کنندگان بود که ناگاه امام علی بن الحسین (علیه السلام) آمد در حالی که لباس احرام به تن داشت و زیباترین و خوشبوترین مردم بود و اثر سجده در پیشاپیش به روشنی دیده می شد. امام با کمال آرامش به طواف پرداخت و در هاله ای از عظمت و شکوه، به نزدیک حجرالاسود رسید. مردم خود به خود به احترام حضرت راه باز کردند. امام به آسانی حجرالاسود را استلام کرد - دست مالید - هشام از دیدن عظمت حضرت و احترام مردم به امام سجاد (علیه السلام) خیلی ناراحت شد.

مردی از اهالی شام رو به هشام کرد و گفت: این شخص کیست که چنین مورد احترام مردم است؟! هشام به خاطر این که مردم شام حضرت را نشناسند و به او علاقمند نشوند با این که امام را می شناخت، گفت:

او را نمی شناسم. فرزдық شاعر آزاده، آنجا حضور داشت. بدون پروا گفت: اما من او را به خوبی می شناسم. مرد شامی گفت:

ای ابوفراس این شخص کیست؟ فرزдық با کمال شهامت درباره شناساندن امام سجاد (علیه السلام) قصیده زیبایی سرود که مضمون چند بیت آن چنین است: این مرد کسی است که سرزمین مکه جای پای او را می شناسند.

خانه کعبه، بیرون و درون حرم نیز او را می شناسند. این فرزند بهترین بندگان خداست. این انسان پرهیزکار و پاک و پاکیزه، نشانه خداوند در روی زمین است. این شخص کسی است که پیغمبر برگزیده (محمد) پدر اوست که خداوند همواره بر او درود می فرستد.

اگر «رکن» می دانست چه کسی به بوسیدن او آمده است.

نتیجه

اگر به راستی فریضه حج دارای چنین موقف و موقعیتی است که کتاب و سنت و سیره مسلمانان گذشته و افکار نویسندگان معاصر، ما را به آن رهبری می‌کنند، چرا باید در بهره‌گیری از آن کوتاهی بورزیم.

اگر حج وسیله تألیف قلوب و توحید کلمه است، چرا نباید از این طریق قدرت‌های اسلامی و نیروهای فزاینده مسلمین را علیه متجاوزان بر بلاد اسلامی مانند فلسطین و افغانستان بسیج نکنیم؟ اگر حج بعد اقتصادی و فرهنگی و علمی دارد، چرا باید در موسم حج مسلمانان در بهبود تنگناهای اقتصادی و اوضاع نابسمان خود چاره‌جویی نکنند و سامان نبخشند.

چرا نباید برای ستمدیدگان فلسطین و عراق و افغانستان و آفریقا و لبنان و مجال دهند تا فریاد خونین خود را به گوش مسلمانان برسانند و مسلمانان را برای دفاع از حقوق بحق خویش، به کمک و یاری بخوانند، چرا نباید در موسم حج اجتماعات و کنگره‌های بزرگ و گسترده‌ای بر ضد استعمار شرق و غرب و برنامه‌های جهنمی آنان برپا شود تا مسلمانان با افکار بیدار و برنامه واحدی به کشورهای خود بازگردند و فکر و اندیشه منسجمی بر همه جوامع حکومت کنند؟ تاکی ما باید فرصت‌های طلایی را از دست بدهیم و این خسارت‌ها را متحمل شویم؟

به امید روزی که دست اجانب، که پشت پرده کار می‌کند، از حرمین شریفین کوتاه گردد و مشاهده الهی و معالم اسلام به وسیله یک جمعیت منتخب از جامعه اسلامی اداره گردد، و اهداف حج و آثار سازنده آن از هر نظر تحقق پیدا کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- آیات ۲۷ تا ۳۳ سوره حج

۲- الشریعة و العقیدة، ص ۱۵۱

۳- الشریعة و العقیدة، ص ۱۵۰

۴- آیات ۴۱ تا ۴۸ سوره حج

۵- تفسیر طبری، ج ۱۷، ص ۱۰۸، طبع بیروت

۶- متنده / ۹۷

۷- نساء / ۵

۸- تفسیر طبری، ج ۷، ص ۴۹

۹- المنار، ج ۷، ص ۱۱۹

۱۰- آیات ۱ تا ۳ سوره توبه

۱۱- تفسیر طبری، ج ۱۰، ص ۴۷؛ سیره ابن هشام، ج ۷، ص ۵۴۵

۱۲- الأغانی، ج ۵، ص ۲۱، ص ۳۷۶ و ۳۷۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴،

ص ۱۶۹ و قصیده یاد شده فرزددق در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و ادبی آمده است. شک و تردید در صحت این اشعار نوعی مخالفت با تواتر است.

۱۳- افضل الجهاد حج مبرور

۱۴- جهاد الكبير و الصغير و الضعیف و المرأة، و الحج و العمرة

۱۵- نعم علیهم جهاد قتال فیه، الحج و العمرة

۱۶- وفد الله ثلاثة، الغازی و الحاج و المعتمر

۱۷- ایها الناس ان قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تفاخرها بابائها الا

انکم من آدم و آدم من طین الا أن خیر عبادالله عبد الله عتقه

۱۸- ألا ان العربیة لیست باب والد و لکنها لسان ناطق فمن عمله لم

یبلغ به حسبه

۱۹- أن الناس من لدن آدم الی یومنا هذا اسنان المشط لافضل

للعربی علی العجمی و لا للاحمر علی الأسود الا بالتقوی

۲۰- الا ان کل مال و ما اثره و دم فی الجاهلیة تحت قدمی هاتین

۲۱- المسلم أح المسلم و المسلمون اخوة، و هم ید واحدة علی من

سواهم، تتکافو دمائهم یسعی بذمتهم أدناهم

۲۲- لا ترجعوا بعدی کفارا مضلین یملك بعضکم رقاب بعض

۲۳- إن دما تکم و أموالکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا فی

شهرکم هذا، فی بلدکم هذا

۲۴- و دماء الجاهلیة موضوع و أول دم أضعه دم ربیعة بن حارث

۲۵- أن کل مسلم أخ المسلم و أن المسلمین دخوة، فلا یحل

لامریء من أخیه الا ما أعطاه، عن طیب نفسه منه

۲۶- ثلاث لا یغل علیهن قلب امری مسلم، اخلاص العمل لله و

النصحیة لائمة الحق و اللزوم لجماعة المؤمنین، مدارک ما در نقل این

فرازها: روضة الکافی، ص ۲۴۶ «سیره ابن هشام» ج ۲، ص ۴۱۲، المنار

واقدی، ج ۲، ص ۸۸۲۶ و غیره

۲۷- به کتاب‌های حج صحیح بخاری مسلم و غیره مراجعه شود.

۲۸- جامع الاصول، ج ۴، کتاب حج

۲۹- تاریخ مکه ج ۱، ص ۳۳۹، نگارش ابوالولید ازرقی

۳۰- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۳ نقل از علل الشرایع صدوق

۳۱- بحار النوار، ۱۹ ص ۴۹

۳۲- کتاب سلیم بن قیس التابعی الکوفی الیهلالی، ص ۱۸

گزارشی از سفرنامه‌های حج

کعبه جان‌ها تویی، سوی تو آرم طواف

قرن بوده، آثاری در زمینه ادبیات حج نوشته شده است. جدای از سفرنامه ناصر خسرو و چند رساله کوتاه، عمده آنچه در ادبیات سفرنامه‌نویسی حج در ادب فارسی در دست است، مربوط به دوره صفویه و عمدتاً مربوط به دوره قاجار است. کاروان‌های حج ایرانی که معمولاً از راه عتبات و از راه جبل به حج مشرف می‌شدند، سختی‌های فراوانی را در این راه تحمل می‌کردند. در این دوره تاریخی، بارش فرهنگ عمومی مردم، شمار بسیاری از حاجیان، از طبقات فرهنگی جامعه؛ اعم از روحانی و غیرروحانی بوده‌اند، که بعضی به کار نگارش سفرنامه می‌پرداختند.

کهن‌ترین سفرنامه موجود کتاب «ناصر خسرو قبادیانی» - عالم اسماعیلی مذهب - است که مملو از آگاهی‌های گران بها، از درخشان‌ترین دوره تمدن اسلامی است. نوشته‌های «ابن بطوطه» و «ابن جبیر» به عنوان سفرنامه‌های شاخص مطرح شده است. در حالی که در کنار آن‌ها سفرنامه‌های دیگری نیز وجود داشته و دارد که در آن حد از جامعیت نیست.

بخش مهمی از این سفرنامه‌ها، تجربه‌های سفر و آگاهی‌های جغرافی و تاریخی است که به قصد راهنمایی مسافران بعدی به نگارش درآمده است. در این سفرنامه‌ها، مسأله عمده، توصیف منازل میان راه از یک سو و توصیف اماکن مقدس از سوی دیگر است. اجتماع عظیم حج از نژادهای مختلف با زبان‌های متفاوت و نیز مذاهب گوناگون، تازه‌های فراوانی را برای یک سفرنامه‌نویس فراهم می‌کرد. هر یک از این گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها سوژه‌ای بود برای نگارش سفرنامه، برخی از دولتمردان قاجاری که به تبع سفرنامه‌نویسی اروپایی‌ها، به کار نوشتن سفرنامه پرداختند، معمولاً به جز سفر به مکه و مدینه، راهی دمشق، فلسطین، مصر، عثمانی و روسیه و حتی هند و ژاپن می‌شدند و سر جمع کتابی با اطلاعات گسترده ارائه می‌کردند. در این بخش از سفرنامه‌ها، توصیف زندگی اجتماعی و تمدنی این جوامع، برای این افراد بسیار اهمیت داشت، به ویژه با توجه به تحولات جدید تمدنی، و در مقایسه وضع ایران با عثمانی، مصر و سایر مناطق، آثار مزبور می‌تواند مأخذی برای بررسی تاریخ نوگرایی در میان دولتمردان و فرهیختگان ایرانی در عصر قاجار باشد.

سفرنامه ناصر خسرو، آگاهی‌های گرانبها؛ سرشار از آگاهی‌های درخشان‌ترین دوره تمدن اسلامی

ناصر خسرو در سفر هفت ساله خود، چهار بار حج کرد؛ از این رو توصیف مکه و دیگر اماکن و مراسم حج را بهتر از هر کس دیگری انجام داده است. ناصر خسرو در سفرنامه‌نویسی فضل تقدم دارد؛

حج یکی از زیباترین الطاف خدا به انسان است تا وی هم‌پای فرشتگان در بیت‌المعمور به طواف حق پردازد و پروانه‌وار در عشق معبود لبیک‌گو پر سوزاند تا به وصال معشوق نائل آید و چه بسا عاشقانی که در این راه با یاری از معرفت خویش، توانمندان این مسیر طاقت‌فرسا را به تصویر کشیدند.



سفرنامه، نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن مشاهدات خود را از اوضاع شهرها یا سرزمین‌هایی که به آن‌ها مسافرت کرده، را شرح می‌دهد و اطلاعاتی از بناهای تاریخی، مساجد، کتابخانه‌ها، بازارها، بزرگان، آداب و رسوم ملی و مذهبی مردم، موقعیت جغرافیایی، جمعیت، آب و هوا، زبان اهالی و مناطقی که بازدید کرده است در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

سفرنامه‌ها گنجینه‌ای از اطلاعات هستند که از طریق آن‌ها گاه می‌توان به واقعیت‌هایی از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ادواری از تاریخ مردم یا منطقه‌ای پی برد که دست‌یابی به آن‌ها از طریق کتب تاریخی میسر نیست.

ادبیات حج در زبان‌های مختلف در دنیای اسلام جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است

ادبیات حج در زبان‌های مختلف در دنیای اسلام جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. بخشی از این ادبیات، مربوط به سفرنامه‌های حج است که مسلمانان طی قرون مختلف به نگارش آن‌ها دست زده‌اند. این متون در زبان‌های عربی، فارسی و ترکی به وفور یافت می‌شود و حاوی نکات ارجمندی در ارتباط با حج، جغرافیای مکه و مدینه، شرح مسیر کاروان‌های حج و اطلاعات دیگری در این زمینه است.

یکی از مهمترین سوژه‌ها برای نگارش سفرنامه در ادبیات جهانی، حج بوده است

می‌توان ادعا کرد که یکی از مهمترین سوژه‌ها برای نگارش سفرنامه در گستره ادبیات جهانی، سفر به خانه خدا در شهر مکه معظمه بوده و هست. در طول تاریخ، میلیاردها انسان برای انجام فریضه حج راهی این سرزمین مقدس شده و در کنار خانه خدا به عبادت می‌پردازند. تقریباً بدون استثنا، تمامی این زائران در طی این سفر، به مدینه منوره نیز مشرف می‌شوند و به زیارت حرم رسول خدا (ص) و قبور امامان و بزرگان در قبرستان بقیع می‌روند. این سفر روحانی، برای هر مسافری که قدم در این سرزمین می‌گذارد، خاطره‌ای فراموش‌ناشدنی است.

در حوزه ادبیات فارسی، که زبان دوم مسلمانان در طی چهارده



سفرنامه ابن بطوطه

– سفرنامه ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد لواتی طنجی (۷۰۳-۷۷۹ق)، سفرنامه‌ای بسیار مفصل و گسترده است. او به سرزمین‌های اسلامی و کشورهای مشرق در دوران خود سفر کرد و سفرش بیست و هفت سال طول کشید و از سال ۷۲۵ق آغاز شد. محمد بن جزى کلبی در سال ۷۵۶ در شهر «فاس» مشاهدات ابن بطوطه را از او شنید و آن را مکتوب کرد و آن را «تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» نام نهاد.

این سفرنامه به دلیل شمول و گستردگی آن، از معروف‌ترین سفرنامه‌ها به شمار می‌رود و بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و بارها به طبع رسیده است. در این سفرنامه نویسنده از سفرهای طولانی خود در شمال آفریقا و سرزمین‌های مصر، شام، عراق، ایران و سه بار سفر او به مکه و زیارت خانه خدا و دیگر مشاهداتش از بحرا حمر، یمن، آسیای صغیر، ماوراءالنهر، افغانستان، هند بنگال و آسام تا چین و اطلاعات با ارزشی را نگاشته است. از ویژگی‌های این سفرنامه، بی‌پیرایگی و سادگی سبک نگارش در

زیرا پیش از او سفرنامه‌ای که یک ایرانی به زبان فارسی نوشته باشد سراغ نداریم. نه تنها در فارسی که در عربی هم در ارتباط با حج و سرزمین حجاز اولین سفرنامه است. بنابراین می‌توان گفت که شیوه سفرنامه‌نویسی در ادبیات ایران را او پایه‌گذاری کرد.

ناصر خسرو در سفرنامه‌اش تنها به ظاهر اعمال و شرح و معرفی دقیق اماکن توجه داشته و از فلسفه حج سخنی نگفته است. از این رو، این سفرنامه تنها ارزش معرفی دقیق از اماکن زمان مولف را دارد و نظر ناصر خسرو را در ارتباط با فلسفه اعمال و مناسک حج باید در شعر او یافت.

ناصر خسرو به توصیف مسجد الحرام، صفا و مروه، میله‌هایی که در فاصله نیم فرسنگی مکه نصب کرده‌اند، مسجدها و ... پرداخته و درباره احرام گرفتن، تلبیه گفتن، طواف و نحوه انجام آن، ایستادن در پس مقام و گزاردن نماز طواف و رفتن به زمزم و خوردن آب از آن، سخن گفته است. در ارتباط با خانه‌های اقوام و ملیت‌های مختلف و نیز عمارت‌های زیبای خلفای بغداد که بعضی خراب شده بودند، آب شور و تلخ چاه‌های مکه، و آبی که امیر عدن از زیر زمین (کاریز) به مکه آورده بود و آب‌های گواری دیگر که سقّیان می‌آوردند و می‌فروختند، هوای گرم مکه و ... به تناسب سخن گفته است.

نوزدهم ذیقعدہ سال ۷۳۷ق به مدینہ رسید و فریضہ حج را به جا آورد. سپس در ۲۴ محرم سال ۷۳۸ ق از مدینہ بازگشت و «عقبہ» و «قدس» را پشت سرگذاشت و در ۱۴ ماه صفر سال ۷۳۸ به قاہرہ پا گذاشت. سفرنامہ اش، «تاج المَفرِق فی تحلیۃ المشرق» نام دارد و مولف «نفع الطیب» آن را سفرنامہ ای بزرگ و دارای فایده ها و نکته های بسیاری می داند.

سفرنامہ «قیسی محمد بن احمد قیسی»

سفرنامہ «قیسی محمد بن احمد قیسی»، معروف به «ابن ملیح»، در قرن یازدهم می زیست و سفرنامہ اش را «انس الساری السارب، من اقطار المغرب، الی منتهی الآمال و المآرب سید الاعاجم و الاعارب» نام نهاد.

این سفرنامہ با تحقیق «شیخ محمد فاسی» در شهر «رباط» در سال ۱۳۸۸قمری چاپ شده است.

سفرنامہ ناصری

– مولف سفرنامہ ناصری «احمد بن محمد بن ناصر درعی» (۱۰۵۷-۱۱۲۹) است.

این سفرنامہ از کامل ترین و مفیدترین سفرنامہ ها به شمار می رود و مولف در نوشتن آن بر سفرنامہ استاد و شیخش ابوسالم عیاشی، که او را پیشوای رحلان معرفی می کند، تکیه کرده است. ابن ناصر چهار مرتبه به مکه سفر کرد و حج گزارد که نخستین این سفرها در سال ۱۱۲۱قمری بود.

این سفرنامہ با چاپ سنگی در دو جلد (شامل ۴۴۲ صفحه در شهر «فاس» به سال ۱۳۲۰ق منتشر شده است.

سفرنامہ نابلسی

– مولف سفرنامہ نابلسی «عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی دمشقی» (۱۰۵۰-۱۱۴۳ق) است، وی کتاب های بسیاری در علوم مختلف روزگار خود نوشت که از آن ها آنچه به این بحث مربوط می شود. سفرنامہ های سه گانه اوست. مهمترین و پرفایده ترین این سه کتاب «الحقیقة و المجاز، فی رحلة الشام و مصر و الحجاز» است. این کتاب در سه بخش است و بخش سوم آن درباره حجاز است. در این بخش می خوانیم که مولف برای رسیدن به مکه از مصر حرکت کرده و از راه زمینی خود را به مدینہ و سپس به مکه می رساند و آن گاه به مدینہ بازگشته از آن جا از راه خشکی به دمشق می رود.

مولف این سفرنامہ را به شیوه یادداشت های روزانه نویسی، فراهم

بیان وقایع است. این بطوطه در سفرنامہ خود «چهره نگاری به کمال و صادق در تشریح اوضاع، وقایع و فرهنگ اجتماعی شهرها و کشورهایی است که از آن ها بازدید می کند و چون فطره به مسائل مذهبی علاقه ای خاص دارد، در هر شهر و کشوری که وارد می شود، ابتدا اماکنی را مورد بازدید قرار می دهد که متعلق به اولیا و بزرگان دین است.»

سفرنامہ انیس الحجاج،

– انیس الحجاج، صفی فرزند ولی، در سال ۱۰۸۷، این کتاب در مورد مسائل حج و زیارت حرم شریف پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به دست «ملا مهدی نراقی» نگارش یافته است، او در این کتاب عمل های واجب، حرام، مستحب و مکروه حجاج بیت الله الحرام و عتبات عالیات را به گونه ای آسان در اختیار آنان می گذارد.

سفرنامہ ابن رشید

– سفرنامہ ابن رشید، محمد بن عمر بن رشید فہری اندلسی (۶۵۷-۷۲۱ق) نیز از دیگر سفرنامہ های مهم است. او از مصر و شام و حجاز دیدار کرد و از طریق شام در ۲۳ ذیقعدہ سال ۶۸۴ به مدینہ منورہ رسید و پس از ادای فریضہ حج در ۲۸ ذیحجہ سال ۶۸۴ از مدینہ بازگشت و از «عقبہ» در ۲۵ محرم سال ۶۸۵ گذشت و به ساحل رسید.

با آنکه علمای پیشین به سفرنامہ ابن رشید که آن را «مألاً العیبة، فیما جمع بطول الغیبة، فی الوجهتین الکریمتین الی مکه و طیبہ» نام نهادہ بود توجه و عنایت خاصی داشتند. لیکن همه آن که از مفصل ترین و کامل ترین سفرنامہ هاست، به دست ما نرسیده است و اجزای به جا مانده ظاہراً به خط خود مولف است.

سفرنامہ «تجیبی قاسم بن یوسف بن علی بستی تجیبی»

– سفرنامہ «تجیبی قاسم بن یوسف بن علی بستی تجیبی» نیز از دیگر سفرنامہ هاست، وی در سال ۶۹۶ از طریق دریا به مکه مشرف شد. او از «عیذاب» حرکت کرد و پس از ۲۴ روز سفر دریایی در ۸ رمضان آن سال به «بندرہ ابجر» یکی از بنادر «جدہ» رسید.

اکنون نسخه کاملی از این سفرنامہ موجود نیست، بلکه تنها بخشی از آن به جا مانده است که از توصیف شهر «قاہرہ» شروع و به اقامت در «منی» ختم می شود.

سفرنامہ «تاج المَفرِق فی تحلیۃ المشرق»

– «بلوی خالد بن عیسی بن احمد بلوی اندلسی»، از اهالی قرن هشتم بود. او با کاروان کرکی از طریق مصر و سپس شام سفر کرد و در

آورده است. طبق این سفرنامه مؤلف در هفتم رجب سال ۱۱۰۴ق از مصر خارج و در صد و هشتاد و سومین روز سفرش وارد حجاز و در سیصد و هشتاد و هشتمین روز وارد دمشق می‌شود و مشاهدات خود را طی دو بیست و پنج روز ثبت می‌کند.

این سفرنامه، یا سفرنامه‌هایی از این قبیل از مفیدترین سفرنامه‌هاست و بیشترین اطلاعات را در خود جمع کرده است، هرچند برخی از مطالب و آرای آن با روح عصر ما سازگار نیست.

سفرنامه «ابن عبدالسلام محمد بن عبدالسلام بن عبدالله ناصری درعی

– سفرنامه «ابن عبدالسلام محمد بن عبدالسلام بن عبدالله ناصری درعی» (متوفای سال ۱۲۳۹) که از خاندان نامدار و اهل علم و معرفت بود، از دیگر سفرنامه‌های مهم است. وی دو بار حج بجا آورد، نخستین بار در سال ۱۱۹۶ و دومین مرتبه در سال ۱۲۱۱ق مری. درباره نخستین سفرش به مکه، سفرنامه بزرگش را که از بزرگترین و مفصل‌ترین سفرنامه‌هاست نوشت و در آن به بسیاری از سفرنامه‌های پیش از خود مانند سفرنامه عیاشی، سفرنامه عبدری، سفرنامه صفدی، سفرنامه تجیبی، سفرنامه بکری و سفرنامه ناصری رجوع کرد و از آن‌ها بهره جست.

درباره دومین سفرش نیز، سفرنامه کوچکش را نوشت، لیکن سفرنامه بزرگ نخستینش، از بسیاری از سفرنامه‌ها سودمندتر و کامل‌تر است و هم‌چنان به صورت خطی است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی در شهر «رباط» نگهداری می‌شود که در دوران مولف نوشته شده است و چه بسا پیش نویس تألیف و به خط خود مولف باشد.

سفرنامه ادریس علوی

– مولف سفرنامه ادریس علوی، «ادریس بن عبدالهادی علوی حسنی فاسی» (متوفای در مدینه به سال ۱۳۳۱ق مری بود، وی از طریق دریا و از کانال سوئز حرکت کرد و به «ینبع» رسید و در سال ۱۲۸۸ فریضه حج را بجا آورد و سفرنامه خود را نوشت. این سفرنامه بسیار مختصر است و نسخه خطی آن در کتابخانه عمومی شهر «رباط» نگهداری می‌شود.

سفرنامه حمیدی

– سفرنامه حمیدی مولف آن اسماعیل حمیدی مالکی است و در قرن سیزدهم می‌زیست و در سال ۱۲۹۷ق مری از کانال سوئز عازم «جده» شد و به مکه رفت و فریضه حج را بجا آورد. نسخه خطی این سفرنامه نیز در کتابخانه شهر «رباط» است و با وجود اختصار آن دارای فایده‌هایی است.

سفرنامه تونسسی





– «محمد بن عثمان سنوسی تونسسی» (۱۲۶۶-۱۳۱۸) مولف سفرنامه تونسسی از علمای نامدار تونس است که در سال ۱۲۹۹ عازم مکه شد و حج نمود. سفرنامه تونسسی شامل مباحث بسیار و متنوعی است و مولف به نوشتن تاریخ علما و سرگذشتشان توجه خاص دارد. همچنانکه مشاهدات خود را در مکه و مدینه می‌نگارد و در بازگشت با حجاج شام مسیر مکه تا شام را نیز به خوبی گزارش می‌کند.

سفرنامه «المرحلة الحجازية»

– سفرنامه «المرحلة الحجازية» نوشته «محمد لیب بتنونی» است. مولف در این کتاب سفر حج خدیو عباسی حلمی در سال ۱۳۲۷ قمری را گزارش می‌کند. این کتاب از مفصل‌ترین سفرنامه‌هایی است که به بحث از مسائل عمومی حجاز پرداخته است. هرچند در این زمینه خطاهایی نیز در آن یافت می‌شود.

سفرنامه تحفة الحرمين

– یوسف نابی، شاعر برجسته ترك، يك اثر سفرنامه‌ای از سفر حج خود برجای گذاشته و به آن عنوان تحفة الحرمين داده است. وی از خاندان حاجی غفارزاده‌ها است و پدر و پدربزرگ و خواهرش هم به حج مشرف شده بودند، کتاب تحفة الحرمين، سفرنامه‌ای ارشمند و اثری ادبی است و به همین دلیل به عنوان يك سیاحتنامه ادبی شناخته شده و تعداد زیادی ابیات فارسی در آن به کار رفته است. گفتنی است که شاعران ترکی که به زیارت حج می‌رفتند، نگارش سیاحتنامه میانشان مرسوم نبود، اما نابی پس از آمدن به این سفر و دیدن اماکن مقدسه فراوان علاقه‌مند شد تا يك گزارش ادبی از آنها بنویسد. هدف وی آن بود تا متن وی برای کسانی که تا آن روز به حج مشرف نشده‌اند، شوقی برای این سفر در وجودشان پدید آورد و حتی آنان که قبلاً رفته‌اند، شوقی مجدد در وجودشان ایجاد شود. در اصل هدف او از نگارش این اثر يك هدف دینی بود و انتظارش هم از پروردگارش آن بود که به خاطر نگارش این اثر از گناهان او درگذرد.

سفرنامه «فی منزل الوحی»

– «فی منزل الوحی» اثر «محمد حسین هیکل» پس از نوشتن «حیات محمد» در سال ۱۹۳۰ همواره در اندیشه مهبط وحی بود تا آن که در سال ۱۹۳۶م هیکل به زیارت خانه خدا رفت، سفرنامه‌ای مفصل به ارمغان آورد و در آن مشاهدات و دیدگاه‌های خود را ثبت کرد. این کتاب از جهات مختلفی مهم و قابل توجه است، از جمله آن که توصیف دقیقی است از وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،



اقتصادی و تاریخی شبه جزیره عربستان در نیمه قرن حاضر از نگاه روشنفکری که از آفریقای شمالی بدان خطه سفر کرده و منبع باارزشی است. برای محققان درباره وضعیت حجاز در این دوره. دیگر آن که این کتاب از معدود سفرنامه‌های حج است که از گزارش مشاهدات فراتر رفته و به تحلیل حوادث و ریشه‌یابی مسائل پرداخته است و سوم آن که این کتاب به قلم کسی است که آموزش و فرهنگ غرب به او دیدی دیگر داده است و او در عین دیانت و تقید به اصول اعتقادی، ناقدانه پدیده‌ها را ارزیابی می‌کند.

سفرنامه‌های معاصر

در روزگار معاصر نیز به ویژه پس از مشروطه سفرنامه‌های بسیاری درباره حج به رشته تحریر درآمده است، در ایران نیز بسیاری از اهل قلم پس از سفر حج به نگارش سفرنامه مکه پرداخته‌اند، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سفرنامه «خسی در میقات»

«خسی در میقات» یکی از معروفترین سفرنامه‌های معاصر حج است که جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳ و در سن ۴۱ سالگی طی سفر حج نوشته است. شاید اولین ویژگی «خسی در میقات» که به ذهن می‌رسد، موقعیت ویژه‌ای است که نویسنده در آن پا به چینی سفری گذاشته و به موجب آن این سفر می‌تواند فصل تازه‌ای از حیات نویسنده محسوب شود. آل احمد در این سفرنامه در هر منزلی و موقفی قلم را دست گرفته و تمام جزئیات و تفصیلات سفر خویش را نوشته است.

با کاروان ابراهیم

– با کاروان ابراهیم، یکی دیگر از سفرنامه‌های معاصر است که به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین «رسول جعفریان»، «محمدعلی خسروی»، گزارش سفر حج سال ۱۳۷۱ است که توسط نشر «مشعر» چاپ شده است.

سفرنامه «با کاروان عشق»

– با کاروان عشق، نیز سفرنامه دیگری است که به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدعلی مهدوی‌راد» و حجت‌الاسلام والمسلمین «رسول جعفریان» که گزارش سفر حج سال ۱۳۷۲ است که توسط نشر «مشعر» چاپ شده است.

سفرنامه «بسوی ام القری»

– بسوی ام القری، نیز سفرنامه دیگری از «رسول جعفریان» است که گزارش سفر حج وی در سال ۱۳۷۳، در این کتاب سه سفرنامه دیگر از دوره قاجار چاپ شده، که در این فهرست معرفی شده است.

برخی دیگر از سفرنامه‌های حج

– حج نامه، «علی نقی منزوی»، گزارش سفر حج اوست در سال ۱۹۷۲

سفرنامه تحفة العراقین، نخستین سفرنامه منظوم فارسی

– «تحفة العراقین» نخستین سفرنامه منظوم فارسی، سروده خاقانی شروانی است. خاقانی هنگام بازگشت از مکه، در شهر موصل به فکر سرودن «تحفة العراقین» افتاد. زمانی که به شروان رسید، کار خود را آغاز کرد و در مدت ۴۰ روز آن را به اتمام رساند. تحفة العراقین که خاقانی آن را «تحفة الخواطر» و «زبدة الضمائر» نیز می‌نامد، در قالب مثنوی و در بحر «هزج مسدس اُخرَب مقبوض» سروده شده است. این مثنوی بیانگر مشاهدات سراینده در سفر به مکه، از مسیر عراق عجم و عراق عرب است و شاعر ضمن آن به شرح دیدار خود با بزرگان شهرهای مختلف و ذکر برخی رسوم و عادات مردمان هر دیار پرداخته است.

تحفة العراقین از ۳ منظر قابل بررسی است: موضوع، مضمون و ویژگی‌های دستوری، از جهت موضوع، کتاب مشتمل است بر یک مقدمه منثور، ۷ مقاله و یک خاتمه منظوم، مقالات کتاب به ترتیب عبارت‌اند از «عرائس الفکر و مجالس الذکر»، «معراج العقول و منهج الفحول»، «سبحة الاوتاد»، «سواد الاوراد و خزانه الاوتاد»، «موارد الاوراد و فرائد الافراد»، «هدی المهتدی الی الهادی» و «فی وصف الشام والموصل». مقدمه کتاب که به نثری مصنوع نوشته شده، از چگونگی خلق اثر حکایت می‌کند و مقاله اول آن با خطاب به آفتاب آغاز می‌شود، ولی قسمت اعظم آن در نعت حضرت رسول (ص) است.

در خلال ۶ مقاله دیگر که بدنه اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، سخن از شهرهایی است که خاقانی در مسیر سفر خود به مکه و یا هنگام بازگشت از این سفر گذر کرده است، شهرها و مناطقی هم چون قهستان، عراق، بغداد، همدان، کوفه، مدینه، مکه، شام و موصل. او در جریان توصیف هر شهر و یا هر منطقه به ارائه اطلاعاتی در زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و نیز به معرفی رجال آن سامان می‌پردازد.



میلادی چاپ شده است.

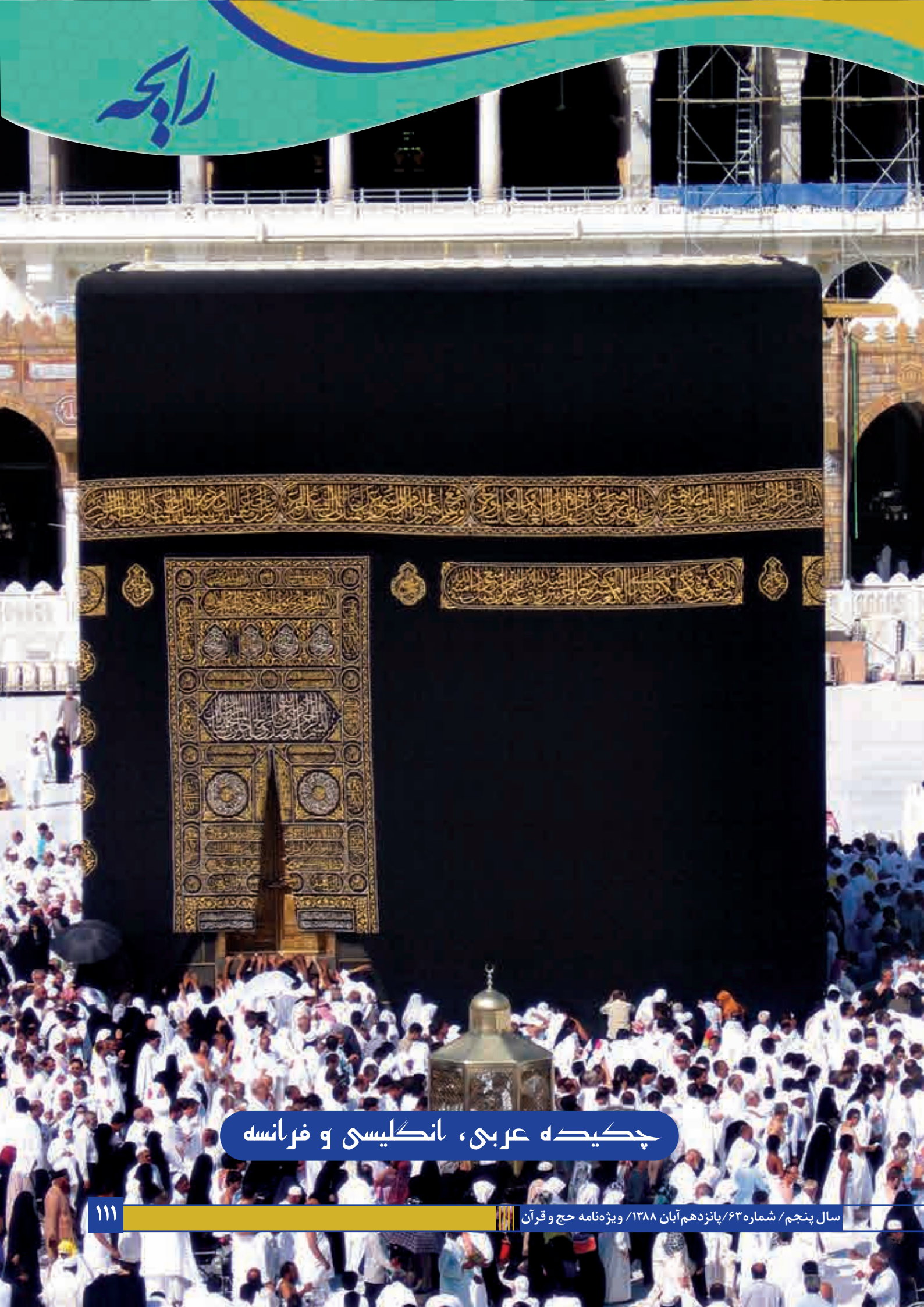
– حج نامه، منصور علیشاه قزوینی متخلص به کیوان
 – خاطرات زیارت خانه خدا و عتبات عالیات در خدمت
 راهنما، «محمد رضا خانی». وی به سال ۱۳۴۶ همراه
 «سلطان حسین گنابادی» به زیارت خانه خدا مشرف شده و
 خاطرات این سفر را نگاشته است. چاپ نخست این کتاب
 به سال ۱۳۶۷ به کوشش «حبیب الله پاک‌گوهر» و
 «سید محمود موسوی» منتشر شده است.

– خاطرات سفر حج، «حاج سلطان حسین تابنده
 گنابادی» (رضا علیشاه). شرح سفری است که در سال
 ۱۳۲۴ شمسی انجام شده، چاپ نخست آن در سال ۱۳۳۷ و
 چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۷ (توسط چاپ دیبا) به چاپ
 رسیده است.

– خاطرات مکه، «احمد هدایتی» - «محمدعلی

هدایتی» این سفرنامه حاوی دو سفرنامه است، یکی از
 «احمد هدایتی» که در سال ۱۳۳۸ قمری (۱۲۹۹ شمسی)
 همراه مرحوم «سیداحمد طالقانی» به حج مشرف شده و
 دیگری از فرزند او «محمدعلی هدایتی» که در سال ۱۳۴۳
 مشرف شده است. کتاب حاوی اطلاعات جالب و خواندنی
 از سفر حج بوده و مقایسه دو سفر را با انواع امکانات تصویر
 می‌کند.

به هر روی سفرنامه‌های حج علاوه بر بیان آداب و رسوم
 و مناسک حج که اندیشه‌های عارفانه‌ی مؤلف را به تصویر
 می‌کشد، حاوی اطلاعات دقیق جغرافیایی و تاریخی و بیان
 عادات و آداب مردمی است که نویسندگان در سفرهای
 طولانی خود با آن برخورد می‌کنند و همان طور که مشاهده
 شد، نویسندگان بی‌شماری در طول تاریخ به شرح وقایع
 سفر خود از سرزمین وحی پرداخته‌اند.



چکیده عربی، انگلیسی و فرانسه

المساعد الدولي لبعثة قائد الثورة الإسلامية في الحج الإمام بفلسفة الحج ضرورة لإستيعاب المفاهيم القرآنية لشعائر الحج

بين المسلمين وغير المسلمين في الدين الاسلامي ويؤكد قائلاً: رغم أن هذا المبدأ الإسلامي يوصينا ببناء علاقة مع غير المسلمين لكن يجب ألا يفرض المسلمون بهويتهم الإسلامية وإستقلالهم الذي

يجب أن يقوم حاج بيت الله الحرام بإمام واسع حيال فريضة الحج، لأن شعيرة الحج منذ بدايتها وحتى نهايتها تتمتع بمفاهيم عرفانية سامية حيث أتت أحاديث متعددة بذكر هذه الفريضة في عدة مرات إضافة الى كونها جاءت لعدة مرات في القرآن الكريم.



هذا ما أكدته حجة الإسلام والمسلمين محمد شريف مهدوي، المساعد الدولي في بعثة قائد الثورة الإسلامية في الحج في حديث خص به إيكنا، قائلاً: يجب علينا معرفة حقيقية لروح ومعاني الحج وبعد ذلك نتوجه لاداء هذه الفريضة؛ وكذلك علينا دراسة البعد الإنساني والعرفاني للحج حيث يمكننا في حال التوصل لهذه النتيجة من الفهم الصحيح لفريضة الحج أن نعرف خلاله ونستوعب مغزى هذه الفريضة.

واضاف المساعد الدولي لبعثة الحج الإيرانية منوهاً الى باب المقدمات وبناء النفس خلال رحلة الحج ومشيراً في حديثه الى كلام مأثور من الإمام الصادق (عليه السلام) حيث يقول ذلك الإمام الهمام "عندما عزمتم لأداء فريضة الحج، قبل كل شئ قم بتزكية قلبك من جميع العقبات التي تعترض طريقك ووطهر قلبك، وفوض أمرك لله في جميع الامور وتوكل عليه في جميع شؤون حياتك، واجعل نفسك في تصرف الله وحده، وأترك الدنيا وملذاتها، وسدّد ماعليك من ديون للناس، ولا تستند في رحلتك نحو الحج لاعلى زاد المسافرين ولاعلى المركب ولاعلى الدليل والمرافقين ولاتغتربقوتك ولاشبابك ورأس مالك، وعامل الناس بلطف وإحسان وعاشرهم بمعروف وحنان وأحرص على صلاتك اليومية الواجبة والمستحبة وكن خلال هذه الرحلة ممن يتمتعون بالخلق الحسن والتقدير والاحترام والرافة والسخاء والايثار، وقم بغسل ذنوبك بماء التوبة وزلالها العذب النقي؛ تمتع بالخشوع لله وحده بالاحرام، وحرّم على نفسك ما يلهيك عن ذكر الله وقم بالطواف حول البيت العتيق برفقة الملائكة الابرار، كما تقوم بجسمك بملامسة حجاج بيت الله الحرام .

ويضيف سماحته خلال هذا اللقاء الخاص مشيراً الى أهمية العلاقة



يتعرض لمهاجمة عنيفة من قبل السلطة الاجنبية وأرى من المستبعد ان يقبل المسلمون بتعريض أمنهم للخطر من قبل غير المسلمين ويتبعوا توصيات القرآن الكريم الذي يؤكد بكل صراحة على هذا الامر حيث يقول: وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء آية ١٤١)

المقرئ اللبناني الدولي حسين حمدان

لا توجد الأرضية المناسبة للقيام ببرامج قرآنية على هامش موسم الحج

في حوار مع إيكنا، حول البرامج القرآنية المقامة على هامش أعمال الحج و الأسباب التي تمنع من القيام بها قائلًا حول ضرورة إرسال وفود قرآنية من مختلف الدول الإسلامية الى موسم الحج: إن مشروع إرسال وفود قرآنية من مختلف البلدان الإسلامية ومنها ايران مشروع قوى وفعال على المسؤولين في الدول الإسلامية العمل عليه.

وأشار حمدان الى الآية ١٣ من سورة الحجرات التي تقول «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» والتي تشير الى رغبة الإنسان في العمل الصالح والتعارف بين الامم مؤكداً أن البرامج القرآنية من شأنها أن تعمل على التقاء المسلمين لكن الشياطين من أيادي الإستكبار يسعون الى المنع من تألف المسلمين وتعرف الشعوب المسلمة.

وأكد هذا المقرئ اللبناني على المعايير المشتركة بين المسلمين منها عبادة الله الواحد ومناسك الحج والالتفاف حول القرآن الكريم قائلًا إن القرآن يرى أن المسلمين امة واحدة ويؤكد ضرورة اعتصامهم بحبل الله من أجل الابتعاد عن الفرقة ويعد وحدتهم نعمة الهية ويرى أن النبي رحمة للعالمين كافة ويجب الأخذ بما جاء به والأخذ بمسجد الحرام قبلة موحدة لجميع المسلمين وهذا ما نراه جليا في التعليم التي تؤكد الآيات القرآنية.

وفي قسم آخر من الحوار أشار حسين حمدان الى بعض الموانع على طريق مضاعفة البرامج القرآنية وإقامتها على هامش أعمال الحج قائلًا إن بعض الدول الإسلامية التي تلبى حاجات الإستكبار والدول الطاغية لاتسمح لمواطنيها بالتعرف على سائر الشعوب المسلمة وهذا ما أتاح للولايات المتحدة والدول العظمى بالسيطرة على مصادر الطاقة في الدول الإسلامية ولكن جمهورية إيران الإسلامية تنوى الى إيجاد جسور مع مختلف الشعوب المسلمة ويأتي إرسالها لوفود قرآنية الى موسم الحج في سبيل نشر الثقافة القرآنية ومد جسور المودة والأخوة بين المسلمين.

لا توجد في الوقت الراهن ظروف ملائمة ليقوم الفرد بأنشطة قرآنية على هامش موسم الحج وذلك بسبب الإعلان السلبي الذي يوجهه السعوديون ضد الشيعة من أن قرآن الشيعة غير قرآن السنة حتى



يمنعوا الأعمال القرآنية التي ينوي الشيعة القيام بها وكذلك بسبب فقدان بعض الدول للتنظيم من أجل القيام ببرامج قرآنية.



قال ذلك المقرئ اللبناني والحكم القرآني الدولي "حسين حمدان"



فتوى المرجع مكارم شيرازي حول حج التمتع لهذا العام

ان الحج التمتع هو موضوع هام لا يمكن غض النظر عنه بسهولة، لكن اذا كانت الاخطار جدية فانها لا تسبب مانعا للاستطاعة وحسب بل يمكن ان تحول هذا السفر الى سفر حرام.

بناء عليه، طالما ان هذا المرض على الوضع الحالي من الخطورة او في وضع مشابه له فانه لا يشكل مانعا للحج التمتع، لكن اذا تطورت الاوضاع بعد مرور شهر او شهرين واصبح الخطر جديا، عندئذ يجب اتخاذ قرار بالمنع.

اصدر المرجع الديني البارز اية الله العظمى الشيرازي فتواه حول حج التمتع لهذا العام.

وافاد مراسل ايكنا، ان هذه الفتوى جاءت جوابا على استفتاء مقدم من منظمة الحج والزيارة في ايران حول الاخطار التي قد يتعرض لها الحجاج بسبب مرض انفلونزا الخنازير. جاء فيها بما يلي

إصدار كتاب «جرعة من صهبا الحج»

الى الحج، اضافة الى مجموعة من كتاباته ودروسه حول اعمال، اسرار، حقائق وحكم الحج. واذاف بابائي خلال حوار خاص مع وكالة الانباء القرآنية العالمية (ايكنا): ان الكتاب يتالف من 4 اقسام هي «ابعد الحج»، «اماكن الحج»، «مناسك الحج» و «زيارات الحج». و اشار مسؤول شؤون النشر في مؤسسة الاسراء الى ابرز المواضيع التي وردت في الكتاب ومنها «الحج في القرآن والسنة»، «مكانة الحج في الاسلام»، «روح الحج»، «مكة»، «المدينة»، «الكعبة»، «الحجر الاسود»، «مقام ابراهيم»، «عرفات» و ..

صدر حديثاً في الجمهورية الإسلامية الإيرانية كتاب «جرعة من صهبا الحج» بقلم حجة الإسلام والمسلمين «حسن واعظي».

وافاد مراسل ايكنا، ان الكتاب من اصدار مؤسسة الاسراء للنشر ويشرح الاسرار والحقائق العرفانية للحج من وجهة نظر آية الله العظمى جوادى آملی. وقال مسؤول شؤون النشر في مؤسسة الاسراء السيد بابائي: ان الكتاب يتضمن مجموعة من خطابات ومحاضرات آية الله العظمى جوادى آملی خلال مختلف مقاطع سفره

المرجع صافي كلبايكاني يؤكد على؛

ضرورة أداء مناسك الحج على الرغم من خطر الإصابة بمرض أنفلونزا الخنازير

الحج والعمرة خشية أصابتهم بالمرض ويهدف الحيلولة دون مزيد انتشار هذا الوباء العالمي. كما أشار "قاضي عسكر" في استفساره الى وقوع 50 حالة أصابة بالمرض من بين ألف زائر إيراني كانوا قد توافدوا في الأونة الأخيرة على المملكة العربية السعودية لأداء العمرة مؤكدا بأنهم خضعوا لدورة علاج ناجحة.

وأستفسر "قاضي عسكر" من آية الله كلبايكاني حول إمكانية تأجيل توافد الحجاج الإيرانيون لأداء مناسك الحج والعمرة.

وفي إجابته على ذلك الاستفسار أفتى آية الله كلبايكاني في هذا الشأن: "أن مجرد احتمال الإصابة بمرض قابل للعلاج لا يعطى المبرر لتأجيل أو إلغاء أداء فريضة الحج !!

أكد آية الله العظمى صافي كلبايكاني بأن أداء فريضة الحج لا يلغى بسبب احتمال خطر انتشار وباء أنفلونزا الخنازير.

وأفادت وكالة "ايكنا" للأبناء القرآنية نقلا عن الموقع الإعلامي التابع لآية الله صافي كلبايكاني بأن المسؤول عن مركز بحوث الحج، "قاضي عسكر" في رسالة استفسار وجهها الى آية الله كلبايكاني أشار الى بعض التوصيات والإجراءات التي تم الإعتماد عليها للحيلولة دون انتشار مرض أنفلونزا الخنازير من قبل كل من الجمهورية الإسلامية الإيرانية والمملكة العربية السعودية والتي تنصح بعدم توافد المرضى وفئات الصغار والمسنين ذوي الأعمار ما فوق الـ 65 عاما لأداء لمناسك





فتوى المرجع جوادى آملی حول اداء فريضة الحج هذا العام

الحكومة والشعب فى ايران حول موضوع الحج والعمرة، لكن حتى الان لم يقيم اى مسؤول وحتى الحكومة السعودية باعطاء اى رأى نهائى حول منع الحج والعمرة، واقتصر الامر على قيام وزير الصحة السعودى بالتوصية بعدم توجه الاشخاص الذين يعانون من بعض الامراض او الذين تجاوز عمرهم ٦٥ عاما والاطفال الى العمرة والحج.

من جهة اخرى، جدير بالذكر انه من بين حوالى ٧٠٠ الف شخصا ادوا مراسم العمرة خلال العام الحالى اصيب حوالى ٥٠ شخصا بهذا المرض وقد تمت معالجتهم جميعا.

بناء على ما تقدم نرجو منكم افادتنا بالاستفتاءات التالية :

١- هل الضرر او الاذى المحتمل بحسب الاحصاءات التى وردت هى سبب لتأخير فريضة الحج الواجب من قبل الاشخاص المستطيعين؟

١- فى ظل منع الحكومة السعودية للاشخاص الذين يعانون من بعض الامراض او الذين تجاوز عمرهم ٦٥ عاما والاطفال من التوجه الى العمرة والحج، هل هذا المقدار من احتمال التعرض للاذى او الضرر يمكن للاشخاص تأخير اداء فريضة الحج؟

الجواب :

بسم الله الرحمن الرحيم

١- الضرر او الاذى المحتمل (فى الحد المذكور) لا يجبر تأخير اداء فريضة الحج على الاشخاص الذين ثبت وجوب فريضة الحج عليهم.

٢- بالنسبة للضرر او الاذى المحتمل (فى الحد المذكور) فيما يتعلق بالاشخاص الذى اصبحوا مستطيعين هذا العام يجوز لهم تأخير اداء فريضة الحج فى حال الاطمئنان والتأكد من ان العام القادم لن يجد اى ضرر محتمل.

٣- فى كل الاحوال، اذا قام شخص باداء فريضة الحج فى مفترض السؤال، فان حجه صحيح.

عبدالله جوادى آملی



افتى اية الله العظمى الشيخ "جوادى آملی" بعدم جواز تأخير فريضة الحج الواجب بسبب احتمال التعرض للاذى فى الاراضى المقدسة بسبب مرض انفلونزا الخنازير.



وافاد مراسل ايكننا، ان فتوى اية الله جوادى آملی جاء ردا على استفتاء من قبل مجموعة من زوار بيت الله الحرام. وفيما يلى نص الاستفتاء :

كما تعلمون انتشر مؤخرا فى مختلف الدول ومن بينها السعودية مرض معروف بانفلونزا الخنازير، ما اوجد نوعا من القلق لدى



رئيس جامعة المذاهب الاسلامية:

وحدة الأمة الإسلامية من أهم أهداف الحج

أكد رئيس جامعة المذاهب الإسلامية في إيران الدكتور «عبدالكريم بي آزار شيرازي» أن وحدة الأمة الإسلامية هو من من أهم الأهداف الأساسية لفريضة الحج.



وأفاد مراسل ايكنا، أن كلام «عبدالكريم بي آزار شيرازي» جاء خلال محاضرة القاها في جمع من علماء الدين المسلمين من السنة والشيعة في المدينة المنورة. ونقل المراسل عن موقع الحج الاعلامي، أن رئيس جامعة المذاهب الإسلامية اعتبر أن الفتنة هي أهم مشكلة تواجه الأمة الإسلامية، معتبراً أن الفتنة ليست إلا في مصلحة اعداء الإسلام. وقال «عبدالكريم بي آزار شيرازي»: يجب على الأمة الإسلامية أن تتعلم من ماضيها وتاريخها أن لا شيء يجلب المشاكل والصعاب لها سوا الفتنة والتفرقة.

المنع في الحج سيمارس أكثر جدية من العمرة

خلال شهر رمضان بكامل حقوقهم المادية مشيراً إلى بعض المشكلات التي وقعت للحجاج أثناء الحج في هذا العام وسعى المنظمة في حل هذه المشاكل وقال إن أغلب هذه المشكلات كانت تتعلق بادعاءات السعوديين بحمل الزوار الإيرانيين لمواد غير مآذون حيازتها ونحن في صدد حل هذه المشكلات.

وقال مدير منظمة الحج والزيارة في إيران إن اللجنة التخصصية التي تشكلت في وزارة الصحة لبحث موضوع أنفلونزا الخنازير قررت خلال جلستها منع من هم فوق الـ 65 ودون الـ 12 عاماً وذوي الأمراض الخاصة من التوجه إلى الأراضي المقدسة لأداء واجبات الحج وذلك لأن مثل هؤلاء الأفراد أكثر عرضة من غيرهم لتبعات هذا الوباء.

وأشار قهرودي إلى ضرر منظمة الحج من جراء هذا المنع مشيراً إلى أن المنظمة سوف تقدم الأرقام الدقيقة لعدد زوار بيت الله خلال موسم الحج من هذا العام.

أشار رئيس منظمة الحج والزيارة في إيران إلى ممارسة بعض المحذوبات في سفر الزوار إلى الحج هذا العام.



وذكرت ايكنا، أن مصطفى خاكسار قهرودي قال ذلك في مؤتمر صحافي له مؤكداً أن شيوع أنفلونزا الخنازير يجعلنا نمنع من هم دون الـ 12 أو فوق الـ 65 عاماً وذوي الأمراض الخاصة من التوجه إلى بيت الله لأداء مناسك الحج.

وأشار قهرودي إلى تقدم مستوى الخدمات التي تقدمها هذه المنظمة إلى زوار بيت الله قائلاً إننا نتقدم يوماً بعد يوم في تقديم المستوى الأفضل من الخدمات إلى الزوار فيما يخص السكن والعلاج والطيران وهذا ما تؤكد استطلاعات الرأي التي جرت بين الحجاج.

وأكد قهرودي احتفاظ الذين تقرر عدم ارسالهم لأداء مناسك العمرة

المساعد الثقافي برابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية لا يكتفى

الحج يمثل مناورة للشريعة الإسلامية وتجسيدا لكافة الفرائض

في القرآن الكريم وقول الله سبحانه وتعالى: "جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتِيمَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" (الآية ٩٧ من سورة المائدة) فائلا بأن فلسفة الحج تكمن في ان الله جعله "قِيَامًا لِلنَّاسِ" وتمثل الكعبة وبيت الله الحرام والحج رمزا بالنسبة للانسان وفيه تجديدا لحياة الانسان وتعارف مع الآخرين وإستمراية لحياة الشريعة الاسلامية وديناميكية الدين فجعل في الاجتماع من الشرق والغرب وهو ملتقى يجمع بين الناس من مشارق الارض ومغاربها بمختلف الوانهم وتعدد لغاتهم وتعريزا للمعرفة والعلم ونشرا للتعاليم الاسلامية وتبادل للأفكار "ليتعارفوا" وتحقيق لمصلحة الدنيا والأخرة.

وأنزلت في شأن الحج العديد من الآيات قرآنية ومنها: "يَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ" وتشير الأحاديث والروايات الدينية الى ان من اسرار وحكم الحج هو ان المسلمين يتعرفون خلال مراسمه على بعضهم البعض ويجدون مصالحهم وليتعاونوا على تسوية مشاكلهم والاستماع لمقترحات بعضهم البعض والتضحية بالمال والانسف في سبيل الله والجهاد ضد الاعداء وعقد ميثاق الأخوة والمساواة بين بعضهم البعض والتأسيس لجمعيات دولية قوية وفي الحج تعريزا لمكانة الدين والشريعة الاسلامية.

وحول اهداف الحج قال: أبرز هدف يكمن في الحج هو أن تتمكن الشعوب من ايصال صوتها ورسائلها ومن هذا المنطلق فإن الجمهورية الاسلامية الايرانية وبصفتها البلد النموذج والمثال الذي يحتذى به يقوم فيها الحكم خلال ثلاثة عقود على اساس سيادة الشعب. ولا يوجد بلد على صعيد العالم الاسلامي يتمتع بهذه التجربة الثمينة.

صرح "محمود واعظي" المساعد الثقافي برابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية بأن الحج يمثل مناورة للشريعة الإسلامية وتجسيدا لكافة الفرائض والشعائر الدينية الإسلامية.



في حوار له مع مراسلنا قال المساعد الثقافي برابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية، "محمود واعظي" أن الدين الاسلامي بصفته آخر دين الذي جاء على يد خاتم الأنبياء وبعد نزول جميع الرسل والانبيا لسعادة الانسان وإرشاده.

ويقوم القرآن الكريم على اساس القراءة والتلاوة والرسائل العقلية والإدراك والمقدمات التي تستنج منها والتي لها مستوى اعلى من خطاب وحديث الانبياء مع البشر لأننا نعتقد بان الرسول الاكرم (ص) بصفته آخر مرسل بشر بأخر شريعة للانسان تتضمن في برنامجها الارشادي جميع انجازات الأنبياء والاولياء. ويمكننا القول بشكل عام بان الاسلام يتقسم الى قسمين: الاولي البرامج والأحكام التي يتم تنفيذها على مستوى الفردى والأخرى الأحكام التي يتم تنفيذها على الصعيد الجماعي.

والمثال هو ان اداء الفرائض والصلوات الخمس اليومية والصيام والأحكام الخاصة بنمو الإنسان وكماله تعد من الاعمال التي يتم تنفيذها على الصعيد الفردى. اما صلاة الجمعة وصلاة عيد الفطر لا تقام إلا بشكل جماعي وان أداء فريضة ومناسك الحج كذلك تعد من الأعمال الجماعية التنفيذ.

ولذلك فإن الشريعة الاسلامية تهتم بجميع مناحي وجوانب وزوايا حيات الانسان على الصعيدين الفردى والجماعي وإذا ما أردنا التعريف بفريضة الحج فإنه مجموعة من الاعمال والطقوس الفردية والجماعية ويشكل عرضا للأعمال الدينية للشريعة الاسلامية ويوصف بـ"علم الاسلام" وبمعنى انه شعار الاسلام. وقال محمود واعظي بان الحج يمثل مناورة للشريعة الاسلامية وتجسيدا لكافة الفرائض والشعائر الدينية الاسلامية.

وأشار واعظي الى أسباب الفريضة والشعائر الدينية في الحج





Reciters Who Go to Hajj Are Quranic Ambassadors of Country

As Iranian Quran reciters who go to Hajj are the country's Quranic ambassadors, they shoulder a heavy responsibility and should therefore have a conduct based on the teachings of the Quran and Islam, says Habib Mahkam, a veteran Quranic scholar.



According to Mr. Mahkam, who has been on Hajj pilgrimage trips several times since the victory of the Islamic revolution, the reciters who make the spiritual trip need to attend courses taught by proficient maters in order to elevate their recitation levels.

"Given the status of Iran especially after the victory of the revolution, presence of Iranian Quran reciters in Hajj and their outstanding recitations can be very effective in highlighting the Quranic character of the Islamic Republic of Iran," he said.

Noting that many in some Islamic countries like Saudi Arabia and Egypt are not aware the vast scope of Quranic activities carried out in Iran, Mr. Mahkam said, "A few years back, a number of Iranian Quran

reciters and I were reciting verses from the holy book near the holy Ka'ba and several Hajjis from Egypt were listening. After we finished reciting, they came to us and were surprised to learn we were Iranian. They had no idea we have so many Quranic programs in Iran at different levels and for different age groups."

Referring to the procedure for selecting Quran reciters for going to Hajj, he suggested that a special committee made up of representatives from Awqaf and Charity Affairs Organization and the Islamic Ideology Dissemination Organization be set up to draw up criteria for choosing the best reciters. "Basically, reciters should be selected who are both talented and experienced and can elevate the country's status as representatives of the Islamic republic of Iran." He also welcomed the idea of sending women Quran reciters to Hajj, saying that women Quran reciters who know foreign languages can do a great job in familiarizing women Hajjis from other countries with the Islamic revolution.



Quran, Basis of Unity among Muslims in Hajj

Stressing that Muslim societies ought to boost Islamic unity in order to be able to defend their religious and ideological identity, head of the ideology dissemination center of the Islamic Culture and Relations Organization (ICRO) said that the holy Quran is the basis of unity among Muslims during their great gathering in Hajj.



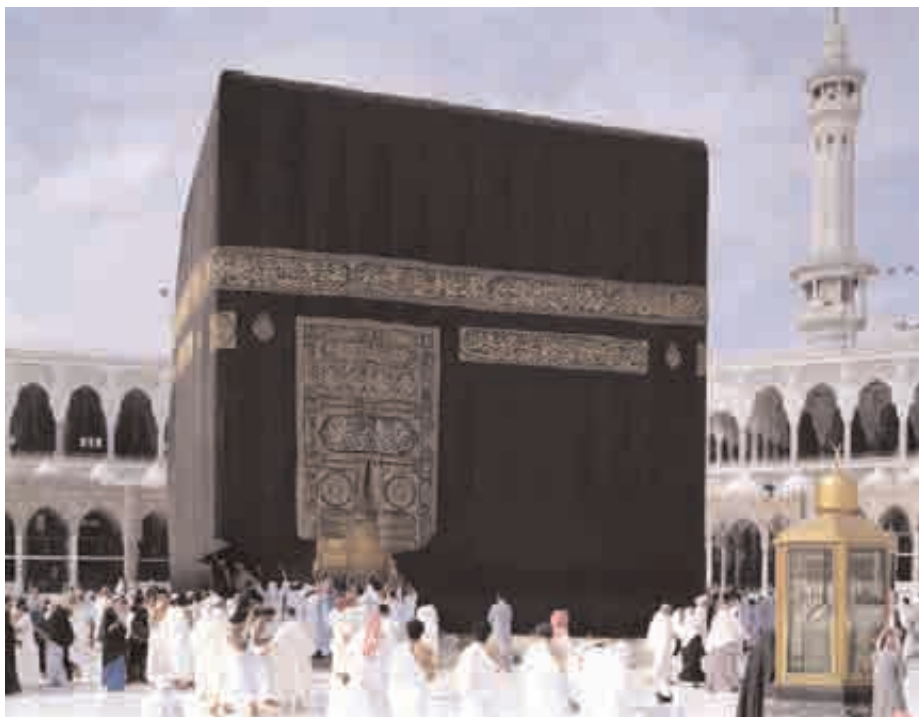
In response to IQNA's question on the need for different countries to send Quranic delegations to Hajj, Hojat-ol-Islam Majid Moshki added, "During Hajj every Islamic country can demonstrate their Quranic identity to Muslims from other countries through the activities of their Quranic delegations."

"Countries that send Quranic delegations to

Hajj are seeking to benefit from the opportunity of Hajj to show how committed they are to the noble Quran and how keen they are to promote the teachings of the holy book," he observed.

Hojat-ol-Islam Moskhi reiterated the need for Islamic unity based on the Quran at a time when there are numerous cultural and ideological onslaughts by the enemies of Islam against Muslims.

He also called on Islamic governments and organizations like the Organization of the Islamic Countries and the Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO) to work out a mechanism for further promoting the lofty teachings of the Quran in Islamic societies.



The Abrahamic Hajj

The Abrahamic Hajj is the echo of man's devotion to God and worshipping the Almighty, a way to get closer to the source of creation, and a symbol of getting rid of worldly dependencies.

Today, if the world is paying more attention than ever to the Abrahamic Hajj and what happens during the annual gathering of millions of Muslims, it is because of the message of the Islamic Republic of Iran and the pure Islam that was revived by the late leader of the world's Muslims and freedom-seekers, Imam Khomeini.

The late Imam Khomeini viewed

Hajj as it had been performed by the holy Prophet of Islam (PBUH) and the Imams (AS), and that was the reason why he revived the ritual of 'Bara'at from Mushrikeen' (exoneration from the Infidels) as one of the principal rituals of Hajj so that it would be a venue for making the oppression of the Global Arrogance known. It was so great a measure that today Muslims in the world do not consider a Hajj without this ritual a real Hajj.

That is why it is imperative for us to more deeply study the philosophy of Hajj and investigate it from different angles.

Hajj Pilgrims Urged to Hold Conferences to Foil Enemy Plots

- A leading Iranian cleric called on Islamic countries to organize conferences during major Hajj season as part of efforts to foil enemy plots against Muslims.

"Representatives of Muslim countries to Hajj should hold conferences to address political and economic issues of the Islamic world and to thwart plots hatched by enemies," said Ayatollah Seyyed Hashem Hosseini-Bushehri.

He told IQNA that Hajj is an opportunity for strengthening unity in the Muslim world as well as boosting Islamic economy and culture.

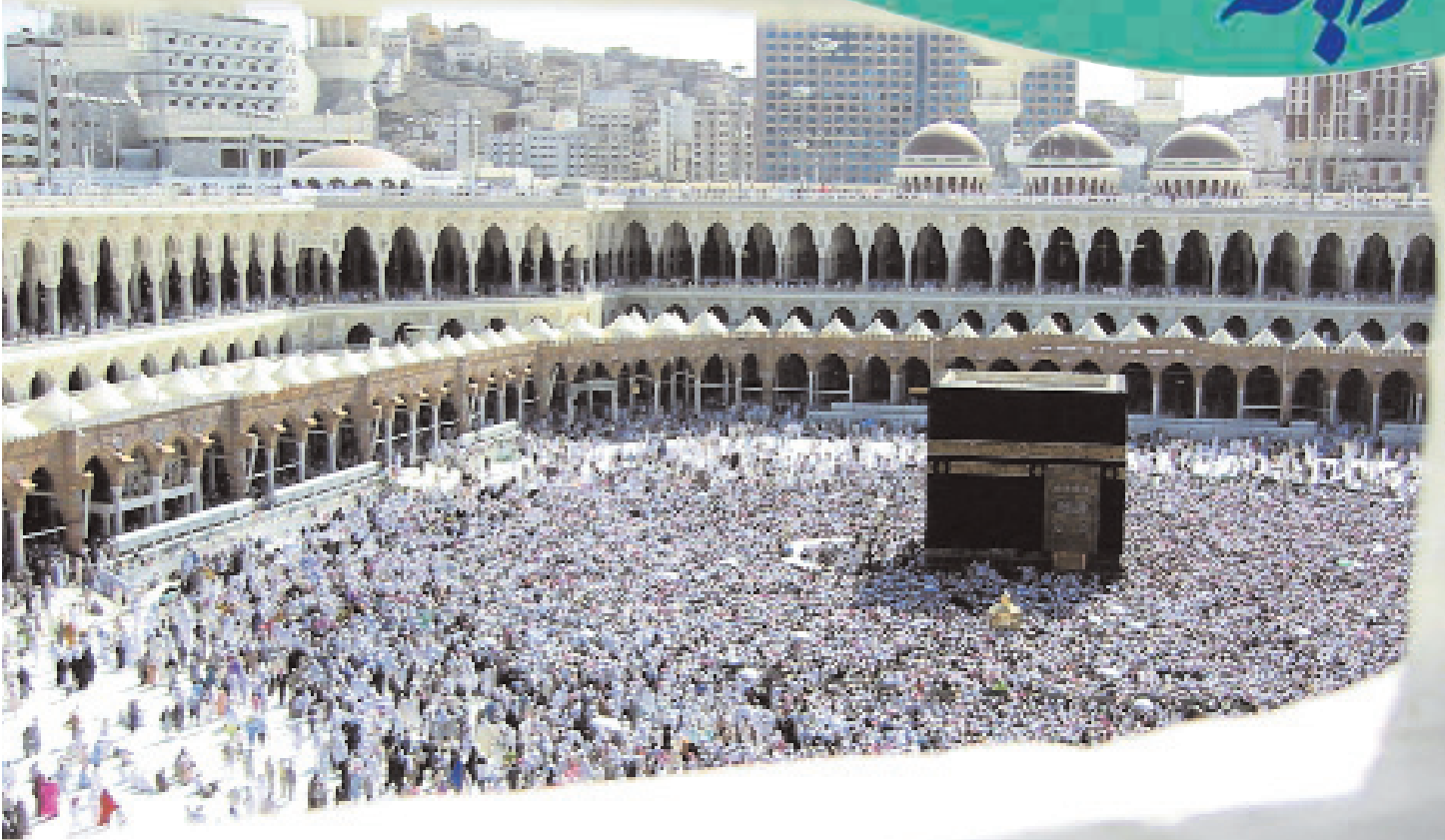
Ayatollah Hosseini-Bushehri, who is a member of the Association of the Qom Seminary, said that the current atmosphere in Hajj denies Muslims the right to establish relations.

"Gathering, discussions or exchanges of ideas among Muslims are restricted during Hajj while the Quran calls on Muslims to make contacts with each other."

Speaking on possible avenues towards real unity among followers of different Islamic sects, the cleric explained that focusing on what Muslims have in common such as oneness of Allah, the Prophet and Ka'aba. "In a community where common grounds are neglected rifts will develop.

Major Hajj, the largest annual gathering of Muslims, is a spiritual journey to Mecca, Saudi Arabia which must be undertaken at least once in life.

Every year some three million pilgrims from four corners of the world gather in Mecca to perform Hajj rites.



for lords beside Allah. And if they turn away, then say: Bear witness that we are they who have surrendered (unto Him)", how can Hajj be demonstrated as a symbol of universal unity?

Ayatollah Reyshahri: This verse commands Muslims to invite followers of Divine religions (people of the Scripture) for relations based on monotheism and rejection of worshipping none but God. In other words, it calls on the people of the world to unite based on seeking the truth. The political pillar of Hajj, that is Bara'at from Mushrikeen, has the same message in it. Its symbolic connotation is that the people of the world can unite by rejecting Shirk (worshipping other than God).

IQNA: During the Hajj season, the Hajji reaches practical Tawhid, the outcome of which is justice, selflessness, strengthening virtues in oneself, and in brief attaining all ethical virtues. How can Hajjis communicate this message of Hajj to the non-Muslims?

Ayatollah Reyshahri: Taking the message of Hajj to non-Muslims is possible only if the Hajj has revolutionized the hajji spiritually. The hajjis of Baytullah al-Haram ought to be messengers of Hajj and spread its messages through their good words (and you shall speak to men good words [Sura Al-Baqara, verse 83]) and their good deeds (and work ye righteousness [Sura Saba, verse 11]).



Hajj, A Vast Ocean of Blessings

Hajj is the Pilgrimage to Makkah in Islam. Hajj is one of the ten branches of religion (obligations of Islam or Furo-e-Deen) in Shia Islam and the fifth of the Five Pillars in Sunni Islam, which takes place during the Islamic month of Dhu al-Hijjah.

Hajj which means to intend, and to frequently visit someone, as a religious term refers to the act of worship: circumambulating the Kaaba (Tawaf, praying and performing the other prescribed deeds). It has various social, political and cultural blessings.

In an interview with IQNA, Ayatollah Mohammad Mohammadi Reyshahri, supreme leader's representative and head of the Hajj and Pilgrimage Affairs Organization and head of the Iranian Hajj delegation spoke on the blessings and outcomes of Hajj. Here is an excerpt of the interview:

IQNA: In view of the fact that Tawhid (monotheism) is the main pillar of Islam and that Hajj is abundant in praising and glorifying God, the Almighty, how can Tawhid's manifestation in Hajj be demonstrated to Hajj pilgrims with reference to Quranic verses?

Ayatollah Reyshahri: Manifestation of Tawhid in Hajj can be clarified by inter-

preting a number of verses in the holy Quran. They include interpretation of the verses that elaborate on Hajj being obligatory for able-bodied Muslims who can afford to make the journey, those referring to Bara'at from Mushrikeen, those demanding full obedience to God during Hajj, those related to the Divine rites in Hajj, those highlighting the effect of performing Hajj rituals in strengthening Taqwa (fear of Allah, righteousness), those stressing the need for pilgrims to remember God all the time during Hajj, and so many others. However, it is a real pity that the blessings of Hajj, like the Book of God, have been hidden behind veils created by our ignorance. As the late Imam Khomeini pointed out, Hajj, like the Quran, is a vast ocean of blessings from which everyone benefits, but those thinkers who go deep into its vast source of knowledge and Hikmat (wisdom) will find so many treasures of wisdom, growth and freedom that they will never again feel thirsty for Hikmat.

IQNA: Considering verse 64 of Sura Al-e-Imran "Say: O People of the Scripture! Come to an agreement between us and you: that we shall worship none but Allah, and that we shall ascribe no partner unto Him, and that none of us shall take others



des mondes. A lui nul Associé ! Et c'est cela qu'on m'a commandé et je suis le premier de ceux qui se soumettent."

L'une des raisons de la sacralisation consiste à développer l'esprit de coexistence pacifique avec tous les phénomènes de l'Univers. Il existe des versets dans le Saint Coran qui exigent du fidèle en habit rituel d'abandonner tout conflit, toute haine et tous les vices moraux et de ne même pas prononcer de vaines paroles. Il doit débarrasser son cœur de toute hostilité et ne plus penser à la violation des droits d'autrui pour créer chez lui un esprit pacifique. Il doit s'abstenir de gêner quelque animal et d'importuner aucune plante. "O les croyants ! Ne tuez pas de gibier pendant que vous êtes sacralisés." Ou encore "On vous a autorisé la chasse en mer. Et on vous a rendu illicite la chasse sur terre tout le temps que vous êtes sacralisés. Et craignez Dieu, Celui-là même vers qui vous serez rassemblés!"

Le croyant sacralisé sent qu'un laps de temps et un endroit spécial jouissent d'un respect spécial qu'il faut généraliser pour toutes les périodes, tous les endroits et toutes les terres. Tout le monde doit employer cette affection humaine partout et à tout moment pour réaliser un monde rempli de paix et de calme. Il existe en Islam des mois sacrés où la guerre et la tuerie sont considérées comme illicites : "Ils t'interrogent sur le mois sacré sur le fait d'y combattre. Dis : Y combattre est une énormité et un empêchement au sentier de Dieu." Ces occasions sacrées ont d'un très long précédent. Cela veut dire que depuis le jour où le Seigneur a créé les cieux et la terre, ces mois étaient considérés comme sacrés

et respectés : "Oui, le nombre des mois, auprès de Dieu, a été de douze mois, dans la prescription de Dieu, au jour où Il créa les cieux et la terre. Quatre d'entre eux sont sacrés; voilà la religion droite; durant ces mois, ne vous manquez donc pas à vous-mêmes."

Le pèlerin doit tourner sept fois autour de la Maison de Dieu pour chacune des tournées "Nissa" et "pèlerinage". Le point de départ de cette circumbulation est la Pierre Noire, installée sur le mur (de la Kaaba). La circumbulation est semblable à la prière, le pèlerin doit donc remplir son cœur par la soumission, la crainte, l'espoir et l'affection. Cette tournée est une espèce de salutation et de félicitation à la première maison bâtie pour le culte de Dieu unique et un honneur rendu à l'une des manifestations de l'unicité de Dieu et du monothéisme. En faisant allusion à cette même comparaison, il est dit : "La Maison Habitée dans les cieux se trouve face à la Kaaba, et la circumambulation des cieux autour de la Maison Habitée est identique à celle des hommes autour de la Kaaba", mais en ce qui concerne la soumission à la Pierre Noire, il faut dire que celle-ci est considérée comme la main droite de Dieu. Le Prophète (SAWA) a déclaré : "Soumettez-vous à la Pierre Noire parce qu'elle est la main de Dieu au sein des gens et par laquelle Dieu serre la main à sa créature comme le serviteur lui serre la main."

On peut dire avec certitude que la Kaaba et la Pierre Noire sont les vestiges de l'unicité de Dieu et du monothéisme restés en souvenir de l'époque d'Abraham, le briseur d'idoles.



Dieu et de son messager, à vrai dire, il s'essaye à la satisfaction de Dieu et de son messager. Mais s'il cherche à se diriger vers ce monde et à assouvir ses intérêts matériels, ou cherche à réaliser ses désirs, il descendra vers de bas objectifs."

L'homme en état de sacralisation qui cherche à se libérer de l'habit de dépendance, doit purifier son intention de toute souillure et de toute impureté. La sacralisation dispose de deux signes et manifestations liés au sentiment. Le signe visible est une couverture très simple non cousue et non coupée, loin de tout ornement et de toute décoration. Ces exercices spirituels et temporels représentent un important facteur éducatif.

Un autre slogan de la sacralisation est lié à l'audition du fidèle en habit rituel. Il déclare par la bouche et par le cœur : "A tes ordres" (Labbaik) et la première phrase qu'il prononce en habit rituel, est une réponse à

l'appel de son Seigneur : "A tes ordres, ô mon Seigneur, à tes ordres, tu n'as aucun associé, à tes ordres. En effet, la louange, le bienfait et la royauté t'appartiennent, tu n'as aucun associé." Certes, cette phase doit être considérée comme la seconde réponse de l'homme, parce qu'il a déjà reconnu l'unicité de Dieu en répondant par oui à la question de son Seigneur qui lui a demandé : "Ne suis-je pas votre Seigneur? Maintenant au moment du hadj et en état de sacralisation il répond à son Seigneur : Oui mon Seigneur ! Oui, tu n'as pas d'associé, la louange, le bienfait et la royauté des cieux et de la terre t'appartiennent.

Dans une telle situation sensible, toute l'existence de l'homme, toutes ses forces temporelles et spirituelles sont concentrées sur la réalisation d'un vers un but à savoir Dieu unique et Seigneur avisé des mondes : "Dis : En vérité, mon Office et mon culte, et ma vie et ma mort appartiennent à Dieu, Seigneur



hadj pour renouer convenablement avec le hadj abrahamique. Il a renversé les idoles se trouvant à l'intérieur de la Kaaba, remplaçant le paganisme par le monothéisme."

Il est naturel qu'il soit impossible à l'homme de saisir les intérêts et les vraies origines des prescriptions secondaires et si les savants expliquent les avantages et les significations profondes des prescriptions religieuses, il faut les considérer seulement comme des significations profondes de ces mêmes prescriptions et non pas comme leurs véritables raisons. Personne, même les ennemis de l'Islam, n'ont pu et

ne peuvent ignorer les avantages et les effets édifiants matériels et spirituels du hadj. Même les opposants à l'Islam ont qualifié le hadj comme un élément important d'unité et de cohésion.

Le hadj est le rassemblement et la réunion de plus d'un million de musulmans qui se précipitent vers la Mecque à un moment précis depuis différentes régions originaires de cinq continents du monde. Habillés de vêtements simples, tout ce monde se réunit dans un même lieu et dans un même foyer, mettant de côté tout ce qui peut servir de moyen pour témoigner de la fierté envers les autres. Ils se sont coupés du monde matériel au diapason du Jour du Jugement dernier, se sont contentés de mettre un vêtement semblable au suaire.

En voyant ce lieu peuplé d'une foule si immense, tout observateur comprend bien que le hadj représente le plus important et le plus fort slogan de l'unicité et de solidarité entre les musulmans de l'Est et de l'Ouest du monde.

Nous allons expliquer ici le sens de certains offices liés au hadj, à commencer par la sacralisation. L'intention dans tout acte représente l'âme et le critère définissant la valeur de cet acte. La sacralisation du hadj est accompagnée de l'intention. Le Prophète de l'Islam a dit : "La valeur des actions de l'individu dépend de son intention et les fruits de ses actions sont liés à ses motifs. Si on abandonne les objectifs personnels pour réaliser la satisfaction de



Après avoir réussi à réveiller un groupe important de gens et de réinstaller le monothéisme en Syrie, terre ancestrale, il a immigré avec sa femme Hagar et son fils Ismaïl vers le sud, au Hijaz, dont la population était restée à l'écart du paganisme afin de s'adonner en pleine quiétude à la prière et à l'invocation de son Seigneur.

Quand Ismaïl a grandi et acquis de l'expérience, le Seigneur Très-Haut a chargé Abraham (AS) de bâtir avec son fils Ismaïl un lieu de culte sur ce territoire afin que les gens s'y réunissent pour prier le Dieu Unique : "Et quand Abraham eut établi avec Ismaïl les assises de la Maison : "? notre Seigneur, accepte, de notre part! Tu es Celui qui entend, qui sait!"

Abraham et son fils ont été chargés de débarrasser la Maison de toute souillure matérielle et spirituelle : "Et Nous fîmes alliance avec Abraham et Ismaïl en ceci : "Purifiez Ma Maison, tous deux, pour ceux qui tourneront autour et feront retraite et s'inclineront et se prosterneront."

Comme le saint Coran le rappelle, Abraham a reçu l'ordre d'inviter les gens à faire le pèlerinage de la Maison de Dieu afin qu'ils se mettent en route vers cette Maison de toutes les régions, en monture ou à pied : " Et fais aux gens une annonce pour le pèlerinage : qu'ils viennent à toi, à pied, et aussi à dromadaire de toute espèce, de tout chemin creux."

Abraham a réussi à accomplir sa mission et à attirer les gens vers ce foyer. Cependant au long des siècles, les cérémonies ont subi des



modifications et bon nombre de cérémonies divines courantes du vivant du prophète Abraham (AS) ont dégénéré et des actions mêlées de polythéisme ont fait leur apparition dans le hadj.

Les arabes d'avant l'Islam avaient placé des idoles dans la Kaaba et avaient recours à elles au lieu d'invoquer Dieu. Critiquant la conduite innovée par les arabes païens en ce qui concerne les cérémonies du hadj, le Seigneur déclare dans le Saint Coran : "Et leur Office, auprès de la Maison, n'est que sifflement et battement de mains." L'Islam a lutté contre les superstitions et les faits païens introduits dans les cérémonies du

existait en Inde, en Grèce, en Iran, en Egypte et au Japon des temples et des lieux de culte vers lesquels se dirigeaient les gens à un moment particulier de l'année. Les cérémonies en cours dans ces temples étaient mêlées de paganisme et d'associationnisme, en contradiction avec l'esprit monothéiste. Loin de tout polythéisme, les cérémonies monothéistes du hadj étaient accomplies de la plus méritante façon à partir d'Adam le Majeur et jouissent d'un long précédent jusqu'à Abraham (AS).

Dans certains versets, le saint Coran rappelle que la plupart des cérémonies en Islam ont des précédents très anciens chez les fidèles d'autres religions divines. Les religions établies par le Seigneur Très-Haut : "A chaque communauté, Nous avons assigné un rite qu'elle ritualise. Qu'ils ne disputent donc point avec toi dans le commandement! Et appelle vers ton Seigneur. Tu es, certes oui, sur une guidée droite. Et s'ils se disputent avec toi, alors, dis : "Dieu sait mieux ce que vous œuvrez."

Cependant puisque l'Islam est une religion éternelle, elle a décrété obligatoires les cérémonies de hadj pour tous les hommes (Il incombe aux hommes de faire pour Dieu), pour tous ceux qui ont les moyens de participer à la plus grande réunion, de se réunir dans un lieu défini et sacré à un moment fixe, d'y échanger leurs points de vue et de régler leurs problèmes sociaux et politiques.

La Maison de Dieu a pour nom la "Maison Antique", soit le monument le plus ancien dont la construction, selon les récits religieux, remonte au prophète Adam le Majeur (AS) et c'est lui qui a fondé la Kaaba. A l'époque du prophète Abraham (AS) des idées et cérémonies superstitieuses, notamment le polythéisme et le paganisme se sont largement répandues dans le monde.



l'agonie. Quand il s'assied sur la monture, il se rappelle son cercueil pendant le grand voyage. S'il se trouve confronté aux dangers, il se rappelle Nakir et Monkar (les deux anges interrogent le défunt le premier soir de sa mort), et des autres étapes auxquelles fait allusion la religion. C'est alors qu'il apprendra qu'un immense désert sépare la tombe de la résurrection, un désert qui ne peut être parcouru que grâce à la soumission.

Quand il répondra à l'appel de la Vérité pour penser à la voie du Jugement dernier, il l'entendra très prochainement sans savoir s'il s'agit de la voie du bonheur ou du malheur. Au moment de la circumambulation et de la course rituelle entre Safa et Marwa, il sera semblable au malheureux qui se rend auprès du roi pour lui présenter sa doléance, et qui tourne autour de sa maison pour trouver quelqu'un qui plaiderait en sa faveur, espérant que le roi lui pardonnera en le voyant.

L'escale à Arafat, le rassemblement de toutes les couches de la population dans le désert d'Arafat, ce tumulte et ce cri d'imploration sont semblables à ceux des gens pendant le Jugement dernier où chaque personne est en train de prier et de faire la louange.

Dans les dictionnaires, le hadj est défini comme l'intention, la volonté et la décision d'accomplir une action importante.

Azhari écrit : "Le hadj est appelé comme

ça parce que l'homme décide de l'accomplir pour arriver au résultat qu'il attendait, parce que la volonté et l'intention visent à effectuer le hadj."

Le sens exact du hadj contient une relation avec le sens littéral, parce que le hadj signifie l'intention et l'intérêt pour la Maison de Dieu à la Mecque (une simultanéité avec la volonté de s'approcher de Dieu et de se soumettre à ses recommandations), ce qui est considéré comme une prière. Cette dernière se fait par des cérémonies et des actions rituelles spéciales. Le premier foyer du monothéisme dans le monde a été mis en place à la Mecque : la Kaaba autour de laquelle tournent aujourd'hui les musulmans pendant le hadj : "Oui, la première Maison qui ait été désignée aux hommes, c'est bien celle de Bakka, bénie pour la guidée des Mondes."

En étudiant les cérémonies antiques du hadj avant l'Islam et dans les religions divines, on comprend que le pèlerinage des lieux saints était coutumier chez différents peuples et ethnies.

I I



et sa propre impuissance.

"Il incombe aux hommes de faire pour Dieu" veut dire que l'Homme n'a rien, alors il doit remercier Dieu qui lui a fait don de ces moyens et d'en profiter pour Le servir. Il doit entreprendre ce voyage qui ressemble au grand voyage. Il doit s'imaginer pendant la scène du Jugement dernier où seul Dieu l'Unique trône en Maître : "La royauté, ce jour-là, appartiendra à Dieu. Il jugera parmi eux." "A qui, la royauté, ce jour-là? A Dieu, l'Unique, le Dominateur." C'est le jour où toutes ces dispositions disparaîtront et où ils ne trouveront d'autre moyen que de se soumettre à la volonté de Dieu. Il sera donc impossible aux pêcheurs de témoigner la moindre humilité : "Le jour où on leur découvrira le tibia et où ils seront appelés à

la Prostration ... Puis ils ne pourront pas".

Le voyage du hadj, ses préparatifs et ses difficultés, sont semblables au grand voyage et il faut en tirer la leçon pour le voyage vers l'au-delà. Feu Imam (s) recommandait aux pèlerins de la Maison de Dieu : "Vous devez veiller à vos actions, veiller sur vous-même. Vous devez considérer ce voyage comme celui menant "vers Dieu" et savoir que vous pouvez trouver un grand honneur chez le Seigneur Béni et Elevé, que vous pouvez, à Dieu ne plaise, vous écrouler."

Les cérémonies du hadj peuvent être considérées comme les étapes de la résurrection : les adieux avec la famille et les proches sont semblables aux affres de l'agonie et c'est le moment où la cloche sonne



évoluée. Il est le foyer de toutes les connaissances divines où il faut rechercher le contenu de la politique de l'Islam dans toutes les dimensions de la vie.

Sur le plan individuel, le hadj a pour objectif de purifier l'homme des vanités sans valeur du monde matériel pour le conduire vers la sérénité, la lumière, la spiritualité et l'amitié du Seigneur Très-Haut; il est le rappel de la Vérité et son recours pour que l'Homme trouve le chemin de la servitude qui est le droit chemin divin vers la perfection.

Dans ce domaine, la diversité des occasions et des épreuves est telle que lorsque le pèlerin prend le chemin de la Mecque, il s'enrichit de précieux acquis de par la nature des cérémonies, des obligations et de la réflexion sur la nature du hadj : l'occasion de revêtir l'habit de sacralisation, de faire acte d'obéissance, de circumbulation rituelle et de la prière, celle de la course hâtive entre Safa et Marva créent un climat rempli de mouvements et de vie au cours de toutes ces étapes.

L'ensemble de ces situations peut servir d'une courte occasion pour des exercices mystiques et initiatiques pour le pèlerin, avec comme point de départ une évolution profonde de la morale et le cheminement individuel du pèlerin de la Maison de Dieu. Cette partie du hadj a toujours attiré l'attention des musulmans notamment des gens de méditation. Cependant ce qui est en général ignoré, c'est que ce sont les objectifs individuels qui forment une partie de la philosophie du hadj et qu'il exploiter des

immenses ressources de ce devoir divin à des fins qui vont au-delà de la dimension individuelle. Les effets et les bénédictions de cet immense rassemblement pour l'ensemble des musulmans et également pour le monde entier sont beaucoup plus importants et plus précieux que ses répercussions individuelles.

Le point essentiel est que dans la définition des causes et de la philosophie du hadj, le saint Coran met l'accent sur les objectifs sociaux du hadj et de ses effets et bénédictions pour tout le monde. Dans les saints récits relatés des Imams, on constate les dimensions profondes de la philosophie du hadj. C'est un sujet important qui mérite d'être examiné. Nous allons alors étudier les points de vue de l'Hojjat ol Islam Seyed Mohammad Bagher Hojjati sur certains objectifs des cérémonies du hadj.

Le hadj est le cinquième pilier ou principe des prescriptions secondaires de l'Islam et tout musulman qui a les moyens matériels doit accomplir au moins une fois cette grande obligation et participer à ce rassemblement qui garantit tous les intérêts individuels, politiques, spirituels et matériels.

Le Seigneur annonce: "Il incombe aux hommes de faire pour Dieu le pèlerinage de la Maison, s'il en a la possibilité."

Il est évident que le mot "Istita" veut dire "implorer la servitude". L'homme, en raison de son pouvoir et de ses capacités, cherche à asservir son entourage; cependant, celui qui cherche à asservir son milieu est appelé à accomplir des cérémonies qui lui font découvrir la puissance sans fin du Seigneur



Mo'avieh Ben Vahab, a rapporté de plusieurs sources, que des gens ont demandé à l'Imam Sadegh(AS) s'il était permis à quelqu'un qui était déjà endetté, d'emprunter pour aller au Pèlerinage. L'Imam avait répondu: "Oui, le pèlerinage lui permettra de payer plus vite ses dettes". Ali Ben Abi Taleb, dans son testament dit à ses enfants:

الله الله في بيت ربكم لا تخلوه مابقيتم فانه ان ترك لم تناظروا

Mes enfants, tant que vous êtes en vie, n'abandonnez pas le Pèlerinage, car les occasions d'y aller ne reviennent jamais.

Le Wali-e-Faqi peut même obliger les gens à se rendre au Pèlerinage. Abdollah Ben Sanan a rapporté de l'Imam Sadegh(AS) qu'il avait dit: "Le dirigeant du gouvernement islamique peut obliger les gens à se rendre au Pèlerinage si ces lieux sont désertés car il sont été conçus pour le

pèlerinage et pour être visités" et si les gens n'ont pas assez d'argent, c'est le bien public qui doit subvenir aux dépenses de leur voyage.

Le saint Coran critique vivement les gens qui abandonnent le pèlerinage, dans le verset: "ومن كفر فإن الله غني عن العالمين"

Nous espérons que cette grande réunion religieuse se déroulera chaque année, de façon plus éclatante, et que les musulmans du monde réussiront à effectuer le Pèlerinage selon la Tradition d'Abraham que l'Imam Khomeiny a essayé de faire revivre dans la communauté.

Le hadj est l'une des obligations divines les plus importantes où se manifestent clairement les deux dimensions: individuelle et sociale. Le hadj est la manifestation et la répétition de toutes les scènes ardentes de la vie d'un être humain ou d'une société



et proposait aux dirigeants de son royaume, de se rendre en pèlerinage dans ces endroits.

A cette époque aussi, des groupes soufis encourageaient les gens à d'autres œuvres pieuses et de rendre service à leur mère, par exemple, au lieu d'effectuer le Pèlerinage.

Le siècle précédent, certains intellectuels occidentalisés ont cherché à diminuer la valeur du pèlerinage dans leurs poèmes, leurs récits ou des textes humoristiques, et prétendaient qu'il valait mieux dépenser pour nos pauvres que de donner notre argent aux Arabes.

L'Imam Sadegh (AS) a raconté que le Prophète(SAWA) à son retour d'Arafat, rencontra Abta, un bédouin arabe, qui raconta qu'il était riche et avait décidé de se rendre au pèlerinage mais qu'il avait eu un empêchement, et ne savait pas s'il devait

dépenser son argent dans des bonnes œuvres ou se rendre au pèlerinage. L'Imam se tourna vers la montagne Abou Ghebis, et dit "Si tu dépenses le poids de cette montagne en or, dans la voie de Dieu, tu n'arriveras pas à obtenir les bienfaits qu'obtiennent les pèlerins".

Les saints Imams ont toujours encouragé les gens à participer à cette manifestation religieuse et politique. L'Imam Sadegh(AS) a même déclaré: "ليس في ترك الحج خيره": "Il n'est pas nécessaire d'interroger Dieu pour aller ou non au pèlerinage, ni de consulter des gens pour savoir s'il est bon ou non de ne pas s'y rendre".

Une des conditions du Pèlerinage est d'en avoir la possibilité matérielle, et même ceux qui n'en ont pas les moyens, sont encouragés, dans les Revayat, à se rendre quand même à la Mecque.

"... و ما احد يبلغه حتى تناله المشقه " "Personne n'arrive à la Mecque sans difficultés."

C'est ainsi que les pèlerins qui revenaient sains et saufs de ce voyage, étaient accueillis en grandes pompes, par leurs concitoyens et les habitants de leur village.

Ebrahim Ben Meimoun, a raconté à l'Imam Sadegh(AS) qu'il était en compagnie de Abou Hanifa, quand un homme s'approcha pour lui demander si celui qui avait déjà effectué le Pèlerinage, au lieu de revenir encore une fois à la Mecque, ne ferait pas mieux de payer la libération d'un esclave. Abou Hanifa avait répondu qu'il valait mieux payer la libération d'un esclave. L'Imam Sadegh(AS) répondit qu'Abou Hanifa avait menti et avait produit une fatwa erronée. "Je jure par Dieu, que le pèlerinage à la maison de Dieu est meilleur que de libérer un et même dix esclaves, malheur à Hanifa ! La libération de quel esclave vaut-elle les tours autour de la Kaaba, les parcours entre Safa et Marwa, la retraite spirituelle à Arafat et le rejet du Diable à Djamarat? Si cette fatwa d'Hanifa se répand, les gens abandon-

neront le Pèlerinage".

Cette idée fit pourtant son chemin dans les milieux musulmans et certains se permirent même de critiquer ouvertement les saints Imams.

Abdol Rahman Abi Abdellah raconte qu'il avait dit à l'Imam Sadegh(AS) que certains prétendaient qu'il valait mieux dépenser son argent pour les pauvres que de se rendre une nouvelle fois au Pèlerinage. L'Imam s'était exclamé "Ils mentent, si les gens agissent ainsi ces lieux seront fermés, alors que Dieu en a fait un moyen de soulèvement pour les croyants".

Les Omeyyades, après avoir consolidé leur pouvoir, firent construire la grande mosquée de Damas, pour détourner les gens de la Mecque et de Médine, et les forcer à aller dans cette mosquée plutôt qu'au Pèlerinage.

Motavakkel construisit lui, un bâtiment qui ressemblait à la Kaaba à Samera, et des sites nommés Ména et Arafat dans les alentours,



la pandémie de grippe A, et certains demandent la fermeture de ce rassemblement religieux international.

Pour comprendre les dimensions de cette question nous nous sommes intéressés au livre de L'Hojat-ol-islam Seyed Ali Ghazi Askari sur "La place du Pèlerinage dans la pensée islamique", qui souligne que des gens ont toujours cherché dans l'Histoire de l'Islam, à minimiser la valeur de cette immense réunion et à décourager les gens d'y participer, alors que les saints Imams (AS) ont constamment invité les musulmans à y participer et à en comprendre les grands avantages.

Les livres de Hadith chiites, renferment une multitude de Hadith du Prophète et des Saints Imams(AS) sur les vertus du pèlerinage et la nécessité de l'organiser chaque année.

Dans le

passé, les pèlerins étaient confrontés à de nombreux dangers et difficultés, comme l'absence de moyens de transport, l'absence de moyens d'hygiène et d'installations médicales, l'insécurité des routes et la présence de voleurs armés, et de nombreux pèlerins sont morts en route et ne sont jamais revenus dans leur patrie.

L'Imam Sadegh paix sur lui a dit:

.. ما من ملك ولا سوقة يصل الى الحج الا بمشقة في تغيير مطعم او مشرب او ريح او شمس لا يستطيع ردها و ذلك قوله عزوجل: و تحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه الا بشق الا انفس ان ربكم لرؤف رحيم.

Aucun roi ni aucun démuné n'arrivera à la Mecque sans difficultés, à cause du climat, de la nourriture, des vents et des tempêtes et de la chaleur. C'est de cela dont parle Dieu quand Il dit: "Vos bêtes portent votre fardeau et vous aident à arriver dans la ville. Sans elles, vous arriveriez à destination avec peine. Mais votre Dieu est bon et miséricordieux",

Hicham Ben Hakam, a rapporté cette phrase de l'Imam Sadegh(AS):



Du point de vue de ce chercheur en sciences des hadiths, dans l'optique de l'Imam Khomeiny(s), le soulèvement est la finalité du hadj. Le soulèvement pour instaurer la liberté et la justice. Le soulèvement pour purifier la société des déviations, des décadences et des corruptions dont la plus importante est la lutte contre le paganisme dans la société humaine. Le soulèvement dans le but de réaliser les intérêts des hommes et de couper la main des tyrans et des injustes des pays opprimés et de leurs richesses naturelles et minières. En une phrase, "le soulèvement pour bâtir une société perfectionnée monothéiste et l'élever à son ultime degré d'évolution matérielle et spirituelle."

Dans l'optique du défunt Imam Khomeiny(s), la circumambulation trouve son sens et son contenu propres, c'est pourquoi, en ce qui concerne l'explication et la définition de la vraie circumambulation du hadj, il indique: "Durant la circumambulation du sanctuaire du Seigneur, symbole de l'amour de la Vérité, videz votre cœur [de la présence] des autres. ? pèlerins de la Maison de Dieu ! Soyez attentifs sur ce point !"

L'Hojjat ol Islam Reyehahri fait allusion à la conception de l'Imam Khomeiny(s) sur les jets de pierres contre les bétyles lors du hadj abrahamique, et le cite: "La lapidation symbolique du monolithe placé en arrière, veut dire celle des Satans humains et des djinns. En les lapidant, vous promettez à Dieu de chasser les Satans humains et les superpui-

sances des chers pays Islamiques." Il est évident que si la lapidation des bétyles n'a pas ce sens et qu'elle ne veut pas dire le rejet des Satans humains et des djinns, elle sera un acte dépourvu de sens."

Ce chercheur en sciences des hadiths, représentant du guide suprême et responsable des pèlerins iraniens, pense que le cher Imam considérerait la participation de tous les pèlerins de la Maison de Dieu aux manifestations du désaveu des mécréants comme un devoir et le soulignait.

La participation aux manifestations du désaveu des mécréants ne veut pas dire s'engager dans un affrontement contre les agents saoudiens. L'Imam soulignait le respect du comportement islamique envers tout le monde. Pour lui, il fallait agir conformément à la morale islamique envers les membres d'une même caravane, envers ceux que l'on rencontre dans les rues et dans les marchés, envers les musulmans d'autres pays Islamiques, même s'il s'agit d'agents saoudiens.

"L'Imam prévoyait et l'on prévoit que vu le nombre élevé d'ennemis de la République Islamique d'Iran, un groupe de comploteurs essaie de mener au désordre la grandiose cérémonie du désaveu des mécréants et, par des slogans inappropriés et des mouvements inconvenables, d'offenser le prestige de la République Islamique d'Iran", a-t-il souligné.

De nos jours, certains invoquent la priorité de l'aide aux pauvres et aux démunis sur le Pèlerinage, spécialement cette année avec



hadiths estime que du point de vue de l'Imam Khomeiny(s), le hadj abrahamique et le hadj américain diffèrent essentiellement, sur le plan philosophique aussi bien que du contenu, pour les pèlerins aussi bien que pour les organisateurs.

Pour Reyahri, le hadj américain envisage un voyage à des fins touristiques et religieuses parce que selon l'Imam Khomeiny(s), le hadj américain est un voyage d'agrément pour visiter la qibla, Médine et répéter une série de phrases dépourvues de signification et accomplir une série d'actions dépourvues de contenu. Il n'a donc aucun lien avec la manière dont il faut vivre ou lutter et ne dit pas comment il faut faire face au monde capitaliste et communiste.

L'auteur du livre "Mesure de la sagesse" estime que dans l'optique de l'Imam Khomeiny(s), le hadj américain ne cherche pas à recouvrer les droits des musulmans et des déshérités du monde bafoués par les oppresseurs et les pilleurs et ne considère pas les musulmans en tant que force supérieure dans le monde. La position des musulmans face aux gouvernements dépendants n'a aucun lien avec le hadj.

Reyahri pense que chez l'Imam Khomeiny(s), le hadj est destiné à rapprocher et à lier l'homme du propriétaire de la Maison et qu'il ne se limite pas aux actions, aux mouvements et aux mots; le hadj n'est pas organisé pour visiter quelques pierres ou du bois, pour visiter une Maison.

Le représentant du guide suprême et

responsable des pèlerins iraniens estime qu'en ce qui concerne le noble verset qui dit "... afin qu'ils témoignent eux-mêmes d'avantages qui sont leurs, ...", et dans lequel le saint Coran définit la philosophie du hadj, l'Imam Khomeiny(s) explique: "Quel avantage plus grand et plus élevé que celui qui consisté à couper la main des tyrans et des oppresseurs du monde des pays opprimés de sorte que leurs immenses richesses restent à leurs peuples."

Pour lui, l'Imam Khomeiny(s) considérait le hadj comme un moyen d'établir l'entente et de conforter l'unité islamique parce qu'il a déclaré: "L'un des objectifs les plus importants du hadj, c'est d'instaurer l'entente et de consolider la fraternité entre les musulmans et il est du devoir des savants et des oulémas de repenser avec les frères musulmans sur les importants problèmes politiques et sociaux et de proposer des plans pour les éliminer afin de les placer sous l'égide des oulémas après être rentrés dans leurs pays."

Reyahri estime que pour l'Imam Khomeiny(s), le hadj est semblable au saint Coran dont tout le monde bénéficie. Si les penseurs et ceux qui sont familiers des problèmes de la communauté islamique profitent de ses connaissances et ne craignent pas de s'approcher de ses prescriptions et de ses politiques sociales, ils obtiendront de cette mer d'avantages les perles de la guidance, du développement, de la sagesse et de la liberté et boiront à satiété la sagesse et la connaissance éternelles.



le même. C'est alors que leurs alliés cherchent à défendre leur politique de dépendance vis-à-vis de l'Arrogance et des forces de l'oppression, malgré la volonté de leurs peuples qui eux, participent aux manifestations générales d'opposition.

Avec l'Imam Khomeiny et ensuite, le Guide suprême, l'Ayatollah Khamenei, le pèlerinage est devenu un meeting politique et religieux et a apporté de nombreux résultats aux musulmans. Le message de l'Ayatollah Khamenei, chaque année, est traduit en plusieurs langues et distribué. Ce message est le message de la Révolution et du régime islamique, l'attention qu'y prêtent les musulmans montre que le message de la Révolution est arrivé à franchir les frontières. Ses slogans et son information contribuent à l'union des musulmans et remet en question tous les acquis de l'Arrogance. Comme l'a dit le Guide suprême, "Le pèlerinage n'a pas été conçu pour diviser les musulmans", le pèlerinage est la preuve évidente de nos concordances et résout dans les circumambulations autour d'un même centre, toutes les divergences qui ont pu apparaître. Le pèlerinage est la manifestation de toutes les beautés de l'Islam, l'endroit où se cicatrisent toutes les blessures et où se constitue l'union Islamique", a déclaré l'Hojat-ol-Islam Hossein Ebrahimi.

Le hadj est le plus important rassemblement des musulmans, une occasion dont on peut largement bénéficier; une bonne occasion pour les Iraniens pour exporter la révo-

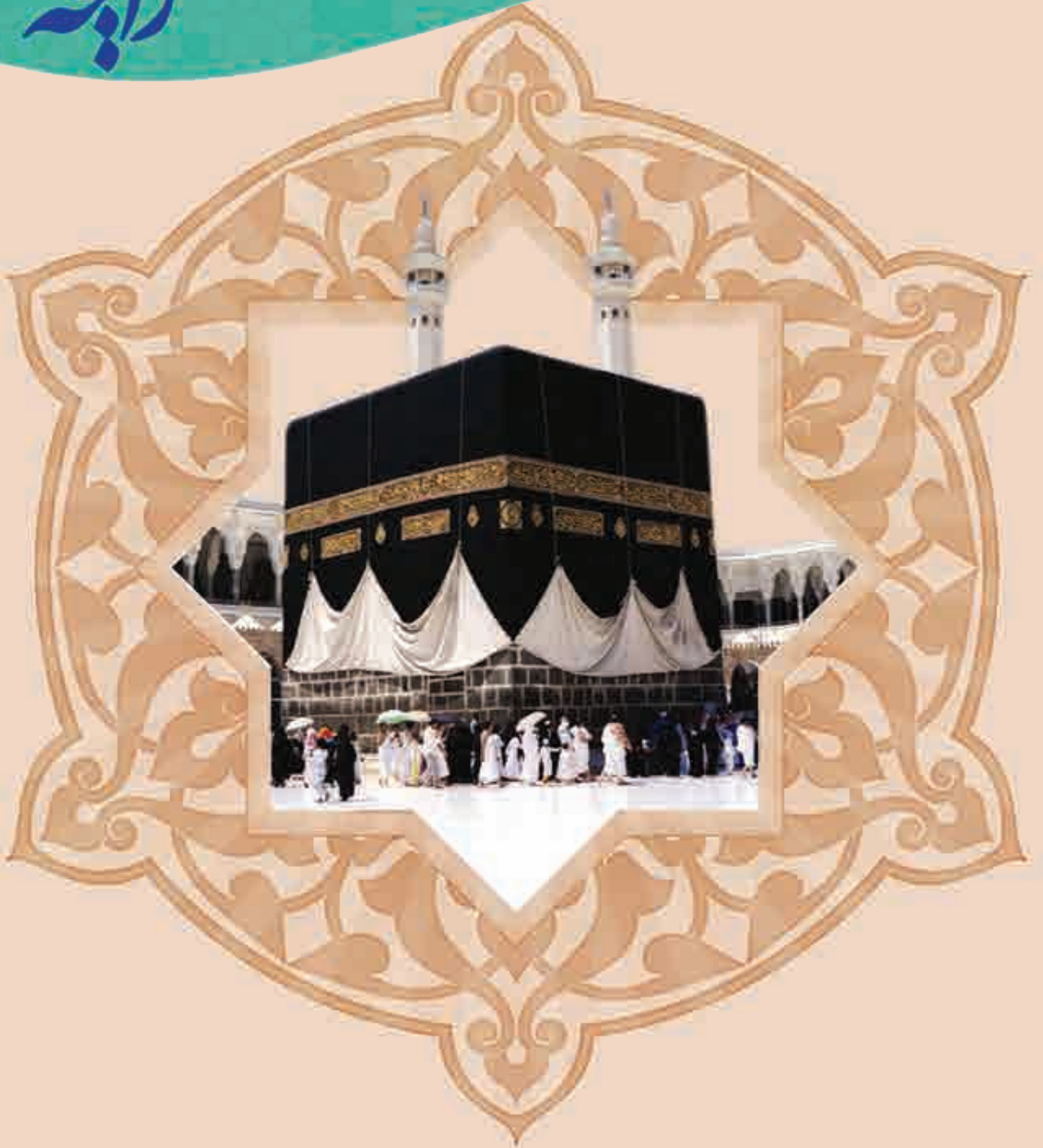
lution Islamique en éveillant les musulmans du monde entier, pour fonder le front uni contre les oppresseurs du monde, ce qui n'est possible que par une direction puissante.

En tant que guide de l'éveil des musulmans dans l'époque contemporaine, l'Imam Khomeiny(s) a essayé par ses messages et ses discours, de distinguer entre le vrai hadj et le hadj destiné au voyage et au commerce. L'Hojjat ol Islam Mohammad Mohammadi Reyehchahri, représentant du gouverneur Islamique et responsable des pèlerins iraniens, a essayé de définir les réflexions de l'Imam Khomeiny(s) sur le hadj, dont un résumé est présenté ci-dessous.

Pour Reyehchahri, l'Imam Khomeiny(s) employait parfois l'expression de hadj abrahamique ou de hadj abrahamique-mohammadien en opposition avec le hadj non abrahamique. Le nom le plus approprié qu'il employait pour désigner la réalité du hadj non abrahamique dans cette période de l'histoire de l'Islam, était le "hadj américain".

Pour le représentant du gouverneur islamique et responsable des pèlerins iraniens, le hadj américain n'est qu'une façade des cérémonies du hadj. Un tel hadj est non seulement inutile et inefficace, mais également nuisible à l'Islam et à la communauté islamique parce qu'il est fait dans le sens des objectifs néfastes des ennemis de l'Islam et du hadj abrahamique.

Le recteur de l'université des sciences des



la région.

L'Arrogance s'est trouvée confrontée à un pays dont les slogans sont le rejet des impies et de l'oppression, et qui les manifestent dans les cérémonies de "rejet de l'impiété" pendant le Pèlerinage où des millions de musulmans sont rassemblés dans un même

endroit pour annoncer leur rejet des infidèles. Comme l'a dit le leader de la Révolution Islamique, "le grand Satan" et ses amis, à la vue de tous ces musulmans qui manifestent leur opposition, prennent peur et comprennent qu'ils n'ont aucun crédit dans le monde et que leur destin à tous sera



Les musulmans doivent se réunir autour du saint Coran, mettre de côté les divergences et profiter tous ensemble de ses enseignements. La société Islamique doit encourager l'union qui est l'un des principes importants du saint Coran, pour répondre à la propagande anti islamique et aux assauts culturels et idéologiques. Les pays islamiques doivent arriver à un consensus sur l'utilisation des principes coraniques dans les sociétés islamiques. Cela demande une organisation réunissant tous les pays islamiques, le meilleur endroit est l'Organisation de la Conférence Islamique(OCI) ou l'ISESCO. Ces deux organismes doivent prendre des mesures pour développer les activités coraniques et encourager les relations des dirigeants dans les domaines culturels, pour partager les expériences et profiter des possibilités qui existent", a dit Hojat-ol-Islam Madjid Mechki, responsable de la prédication religieuse à l'Association internationale de la culture et des relations Islamiques.

d'action dans les mosquées, a déclaré que ce mouvement était une action très forte contre la menace de l'athéisme et du matérialisme.

"Lors de la Révélation et de la lecture de cet avertissement coranique, les polythéistes de la Mecque ont compris le message ferme de l'Islam et le lien étroit entre le Prophète et Hazrate Ali(AS). Depuis toujours, nous sommes témoins d'une lutte entre le bien et le mal, entre la beauté et la laideur. Cela ne date pas de l'époque du Prophète(SAWA)

et si à l'époque du Prophète il y avait Abou Djahl et Abou Lahab, aujourd'hui nous avons d'autres Abou Djahl et Abou Lahab. La déclaration de rejet de l'athéisme, est une sonnette d'alarme pour les oppresseurs. Les attaques culturelles dont a parlé le Guide suprême, sont les symptômes de leur volonté de défendre leur culture, vis-



à-vis de l'Iran islamique qui a porté des coups durs aux athées et aux idéologies matérialistes. Ceux qui voulaient décider du destin des autres peuples et en piller les richesses, qui voulaient asseoir leur pouvoir, se sont trouvés confrontés au mouvement de l'Imam Khomeiny qui a détruit des efforts de plusieurs dizaines d'années dans

ont le droit d'organiser des cercles d'enseignement des règles religieuses ou de lecture coranique, il y a même des endroits prévus pour cela, dans la mosquée de Médine et de Bayt-ol-Haram, et les autres pays reçoivent aussi en général l'autorisation d'organiser ce genre de réunions.

Tous les ans, nous organisons des réunions



sur des thèmes différents, "le saint Coran et le Pèlerinage", "Qods et le Pèlerinage", "L'Imam Khomeiny et le Pèlerinage", à la Mecque et à Médine. Il est possible d'inviter les religieux pour profiter de leurs avis dans ces domaines, et pour encourager l'union des musulmans. Le pèlerinage a des possibilités qui dépassent grandement ce qui est

fait à l'heure actuelle. Nous pouvons organiser des activités culturelles beaucoup plus importantes. En un mois, nos groupes de lecteurs proposent environ 700 programmes, nous pouvons facilement, avec une cinquantaine de lecteurs arriver à présenter 2000 programmes, mais il faut que la moitié d'entre eux soient des gens formés et capables de répondre aux besoins de réunions plus importantes. Nous pouvons aussi envoyer des lectrices car il y a des possibilités pour les réunions féminines, cela pourrait encourager les femmes en Iran, à participer aux activités coraniques", a souligné Ghassem Razi'i, lecteur international de la République Islamique d'Iran, et responsable du groupe de lecteurs envoyés au Pèlerinage, en 2008.

"Tous les pays essayent, pendant le grand congrès international du pèlerinage, en envoyant des groupes coraniques, de montrer dans quelles mesures le saint Coran est respecté et appliqué dans leur pays.

Les groupes coraniques sont en quelque sorte, les représentants de l'identité coranique de chaque pays. Les pays Islamiques doivent créer un front solide pour défendre leur identité religieuse et idéologique, le saint Coran qui est le trait d'union accepté et reconnu, entre tous les musulmans, les différentes écoles et les différents groupes qui existent dans la communauté, est le meilleur moyen pour renforcer cette union et la manifester pendant le pèlerinage qui, avec le Prophète(SAWA), est le point commun de tous les musulmans.



"L'année dernière, la police de la Mosquée a tenté d'empêcher les programmes coraniques, mais grâce à des pourparlers avec les autorités du site sacré, non seulement on ne nous a plus empêchés de présenter nos programmes, mais les responsables et même les agents de la police, coopéraient et enregistraient les programmes sur leurs portables. Nos activités sont essentiellement coraniques, il n'y a pas de place pour d'autre activité culturelle, une bonne et juste lecture permet à elle seule, de faire disparaître les préjugés. Nous avons seulement quelques prières et chants religieux pour évoquer le chiisme. Certains s'imaginent que les chiïtes ne connaissent pas le saint Coran, quand ils voient que les lecteurs iraniens, qui ne parlent pas l'arabe, lisent si bien et parfois mieux que les lecteurs égyptiens, cela détruit d'un coup et sans frais, les efforts de la propagande contre les chiïtes.

Certains estiment que ces cérémonies et ces programmes doivent être spontanés mais je pense que pour avoir de meilleurs programmes comme ceux des cérémonies de Do'a Komeil ou Nodbe, pour lesquelles l'autorisation des autorités des lieux saints est indispensable, il vaut mieux que ces réunions soient organisées et préparées d'avance. Nous pouvons ainsi les organiser dans les autres mosquées de la Mecque ou de Médine. Les religieux d'Arabie saoudite

n'ont jamais disparu. Les cérémonies de "rejet de l'athéisme et du polythéisme", dans leurs formes diverses, sont l'occasion de montrer les positions de l'Islam face aux ennemis.

Comme l'a dit le Guide suprême, le pèlerinage est l'occasion de réunir à nouveau les musulmans. Pendant le pèlerinage, les musulmans qui ont beaucoup de cérémonies en commun, doivent aussi s'intéresser aux problèmes des autres musulmans, spécialement les religieux et les prédicateurs dans leur discours doivent prêter attention à ces sujets.

"L'influence des lecteurs s'exerce dans plusieurs domaines, premièrement l'envoi de ces groupes confère aux cérémonies, une plus grande spiritualité, quand les lecteurs ressentent qu'ils sont présents à l'endroit même de la Révélation. Les programmes coraniques spécialement à la Mecque, à la Mosquée sacrée de la Mecque, sont très appréciés par les pèlerins étrangers. La maîtrise coranique de nos lecteurs étonne et fait disparaître tous les préjugés qui existent sur les chiites, et détruit les effets de la propagande anti-chiite des wahhabites".

"Le meilleur moyen pour toucher les cœurs est le saint Coran qui est le trait d'union entre toutes les écoles Islamiques. Nos groupes de lecteurs réussissent très bien dans ce domaine, de plus, l'envoi de ces groupes peut être un encouragement pour les jeunes, pour la lecture, les compétitions et la participation au Pèlerinage".





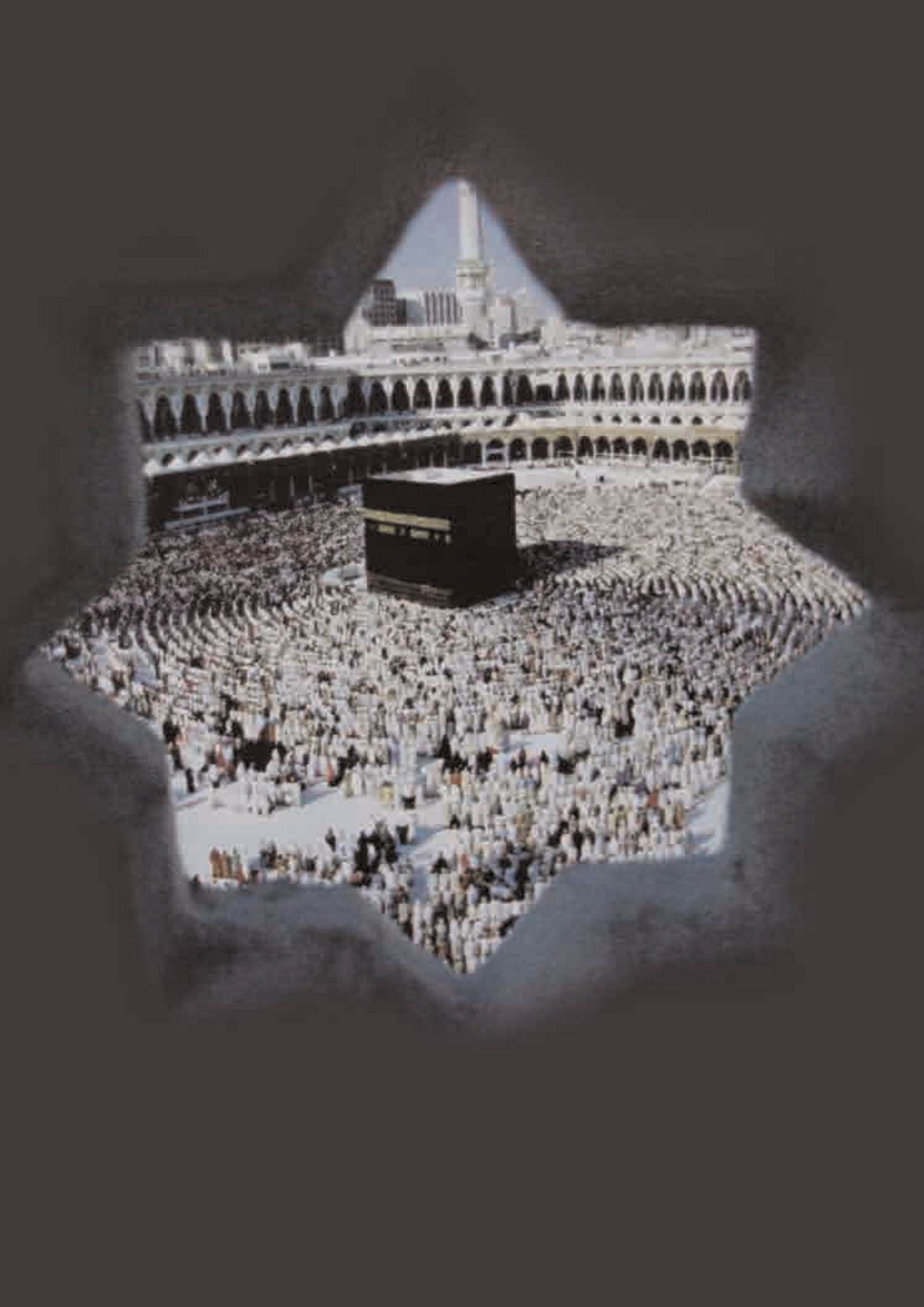
Le Pèlerinage est l'occasion d'aborder les problèmes politiques et sociaux du monde de l'Islam

Au sujet des inquiétudes des pays occidentaux et de certains pays de la région, vis-à-vis des manifestations de "rejet de l'impiété", pendant le pèlerinage, il a souligné que les athées et les infidèles avaient toujours craint l'union des musulmans.

"Les cérémonies du pèlerinage sont le symbole de l'unité des musulmans qui, malgré des différences raciales et linguistiques, se rassemblent pour ce pèlerinage abrahamique. Les cérémonies de rejet des impies à Arafat, sèment le désarroi dans les

cœurs des infidèles qui craignent les problèmes que peut leur poser cette union islamique. Il est nécessaire de donner une information précise sur le déroulement de cette manifestation.

Les musulmans doivent comprendre que cette cérémonie politico-religieuse est l'émanation d'un mouvement international. Il faut, par une information correcte, informer les musulmans de leurs responsabilités sociales et de l'intérêt stratégique de l'union. L'athéisme et le polythéisme ont pris dans l'Histoire, des formes diverses, mais





Decorative gold border with intricate floral and geometric patterns.

Top section: Large gold calligraphic text in a decorative frame, likely a Basmala (Bismillah).

Middle section: Four gold calligraphic medallions arranged horizontally, each containing a specific phrase or name.

Lower middle section: Large gold calligraphic text in a decorative frame, likely a title or a significant verse.

Bottom section: Two gold calligraphic medallions arranged horizontally, each containing a specific phrase or name.

Bottom-most section: Two gold calligraphic medallions arranged horizontally, each containing a specific phrase or name.